

کتاب درسی

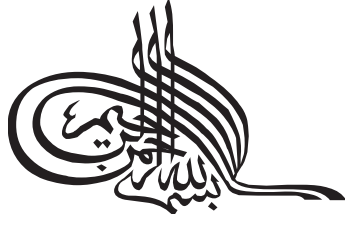
فقه

از دیدگاه مذهب احناف

۱

حسن سرحات یتر





© انتشارات ارقم ۱۴۴۴ ه.ق. / ۲۰۲۲ م هجری قمری

فقه

-جلد اول-

(از دیدگاه احناف)

عنوان اصلی: Fıkıh -1-
(Ders Kitabı - Hanefi Mezhebi)

نویسندگان: حسن سرحات یتیر

به همکاری: دکتر احمد حمدی یلدریم و
دانشیار. د. سونر دومان

تنظیم کننده: دکتر فاروق کانگر

مشاور آکادمیک: لقمان حلواجی

ترجمه: سمیه اسکندری فر

ویرایش کپی: محمد آصف نعیمی

گرافیک: راسیم شاکراوغلو

ISBN: 978-625-440-492-4

چاپ: İkitelli Organize Sanayi Bölgesi
Mahallesi Atatürk Bulvarı,
Haseyad 1. Kısım No:-3/60C
Başakşehir, İstanbul, Türkiye

تلفن: ۶۷۱-۰۷۰۰ pbx (+۹۰-۲۱۲)

فکس: ۶۷۱-۰۷۴۸ (+۹۰-۲۱۲)

ایمیل: info@islamicpublishing.org

وبسایت: www.islamicpublishing.org

چاپ: چاپخانه ارقم

Language: Persian



کتاب درسی

فقه

(از دیدگاه احناف)

—جلد اول—

نویسنده:

حسن سرحات یتیر



فهرست مطالب

درس اول

علم فقه / ۹

- الف) تعریف فقه ۱۱
- ب) اهمیت فقه ۱۲
- ج) موضوع و هدف علم فقه ۱۳
- د) ویژگی‌های علم فقه ۱۴
- هـ) شاخه‌های اصلی علم فقه ۱۵
- و) فقه، شریعت و حقوق اسلامی ۱۵
- ز) ارتباط علم فقه با علوم دیگر ۱۶

درس دوم

تاریخ علم فقه / ۲۳

- الف) دوره‌ی قبل از شکل‌گیری مذاهب (۱۳ سال قبل از هجرت - ۱۲۰ هـ) ۵۲
- ب) دوره‌ی شکل‌گیری مذاهب (۱۲۰ - ۳۵۰ هـ) ۷۲
- ج) عصر مذاهب فقهی (۳۵۰ - ۱۲۸۴ هـ) ۵۳
- د) عصر قانونگذاری (۱۲۸۴ هـ به بعد) ۶۳

درس سوم

مکلف و مسؤولیت‌های او / ۴۱

- الف) مکلف ۴۳
- ب) افعال مکلفین ۴۳
- ج) موانع و محدودیت‌های اهلیت ۵۱
- د) عزیمت و رخصت ۵۲

درس چهارم

طهارت / ۵۲

الف) تعریف و اهمیت طهارت و پاکیزگی.....	۵۹
ب) اقسام طهارت.....	۶۰
ج) نجاست و حدث.....	۶۲
د) وضو.....	۶۶
هـ) غسل.....	۱۷
و) تیمم.....	۷۵
ز) مسح بر روی موزه و پانسمان.....	۷۸

درس پنجم

نماز / ۸۵

الف) اطلاعات کلی پیرامون عبادات.....	۸۷
ب) اهمیت و فضیلت نماز.....	۸۹
ج) فرائض نماز.....	۹۳
د) واجبات نماز.....	۹۹
هـ) سنت‌های نماز.....	۹۹
و) مکروهات نماز.....	۱۰۱
ی) مبطلات نماز.....	۱۰۲

درس ششم

اوقات نماز و نحوه‌ی خواندن نماز / ۱۰۲

الف) اقسام نماز.....	۱۰۹
ب) نمازهای پنجگانه و چگونگی ادای آن‌ها.....	۱۱۰
تابلوی اوقات نماز.....	۱۱۱
ج) نماز جمعه و چگونگی ادای آن.....	۱۱۳
د- نماز جنازه و چگونگی ادای آن.....	۷۱۱
هـ) نماز عید و چگونگی ادای آن.....	۱۲۱
و) نماز تروایح و چگونگی ادای آن.....	۱۲۳
ز) نماز نافله (رغایب).....	۴۲۱

درس هفتم

دیگر مسائل مربوط به نماز / ۱۳۱

- الف) نماز مسافر ۱۳۳
- ب) نماز شخص مریض ۱۳۵
- ج) قضای نمازهای فوت شده ۱۳۶
- د) امامت و جماعت ۱۳۷
- و) سجده‌ی سهو، تلاوت و شکر ۱۴۹

درس هشتم

روزه / ۱۵۲

- الف) تعریف، اهمیت و فواید روزه ۱۵۹
- ب) فرض شدن روزه ۱۶۰
- ج) اقسام روزه ۱۶۱
- د) شروط روزه ۱۶۵
- هـ) عذرهایی که نگرفتن و شکستن روزه را مباح می‌گرداند ۱۶۶
- و) فدیة‌ی روزه ۱۶۷
- ز) شکننده‌های روزه و اموری که روزه را نمی‌شکند ۱۶۸
- ح) چیزهایی که برای روزه دار مکروه است ۱۷۰
- ط) اموری که انجام آن برای روزه دار مستحب است ۱۷۰
- ی) اعتکاف ۱۷۱

درس نهم

زکات و صدقه / ۱۷۲

- الف) تعریف و حکم زکات ۱۷۹
- ب) فواید زکات ۱۸۰
- ج) شروط فرض بودن زکات ۱۸۱
- د) شروط صحت زکات ۱۸۴
- هـ) نحوه‌ی دادن زکات ۱۸۵
- و) زکات به چه کسانی داده می‌شود؟ ۱۸۶
- ز) به چه کسانی زکات داده نمی‌شود؟ ۱۸۸
- ح) کالاهای مشمول زکات ۱۸۸
- ط) صدقه و انواع آن ۱۹۵

۱۹۶	ی) اهمیت بخشش و انفاق در راه خدا.....
۸۹۱	ک) صدقه‌ی فطریه

درس دهم

حج و عمره / ۲۰۳

۲۰۵	الف) تعریف، اهمیت و فواید حج
۲۰۸	ب) شروط حج.....
۲۱۰	ج) اقسام حج.....
۲۱۱	د) اصطلاحات مربوط به عبادات حج و عمره.....
۲۱۴	هـ) فرایض حج.....
۲۲۱	و) واجبات حج.....
۲۲۴	ز) سنت‌های حج.....
۲۲۸	ح) عمره.....
۲۲۹	ط) نحوه‌ی انجام حج و عمره.....
۲۳۵	ی) دیگر مسائل مربوط به حج و عمره.....

درس یازدهم

قربانی / ۲۴۵

۲۴۷	الف) تعریف و اهمیت قربانی
۲۴۸	ب) افرادی که قربانی بر آنان واجب است.....
۹۴۲	ج) ویژگی‌های حیوانات قربانی
۲۵۰	د) زمان و نحوه‌ی ذبح قربانی.....
۲۵۲	هـ) قربانی نذر و عقیقه.....
۲۵۷	پاسخ سؤالات.....

علم فقه

حوزه‌های موضوعی:

- الف) تعریف فقه.
- ب) اهمیت فقه.
- ج) موضوع و هدف از علم فقه.
- د) ویژگی‌های علم فقه.
- هـ) شاخه‌های اصلی علم فقه.
- و) فقه، شریعت و حقوق اسلامی.
- ی) ارتباط علم فقه با دیگر علوم.

مطالعات مقدماتی



- ۱- معنی کلمه‌ی فقه را از فرهنگ لغت بیاموزید.
- ۲- مفهوم این حدیث پیامبر(صلی الله علیه وسلم) را مورد بحث و بررسی قرار دهید:
«مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ»
(وقتی خداوند برای کسی خیری بخواهد؛ او را در دین فقیه می‌کند.)
- ۳- با مطالعه‌ی یک کتاب فقهی از کتابخانه‌ی منزل یا مکتب در مورد موضوعات فقهی اطلاعات کسب کنید.
- ۴- در آثار مختلف، در مورد ارتباط علم فقه با دیگر علوم اسلامی تحقیق کنید.

الف) تعریف فقه

۱- معنای لغوی کلمه‌ی فقه

کلمه‌ی «فقه» یک کلمه‌ی عربی و به معنای «درک و فهم عمیق» می‌باشد. کلمه‌ی فقه و مشتقات آن در ۲۰ جا از قرآن کریم در مفاهیمی مانند «فهم، مقصد و منظور سخن» و «فهم و درک عمیق» به کار رفته است.^۱

کلمه‌ی فقه با توجه به احادیث شریفه به معنای «فهم و درک نکات دینی» استفاده شده و برخی احادیثی که کلمه‌ی فقه در آن به کار رفته است؛ بدین ترتیب می‌باشد:

«... وَمَنْ لَمْ يَعْلَمْ فَلْيُتْلُ: اللَّهُ أَعْلَمُ فَإِنَّهُ أَعْلَمُ لِأَحَدِكُمْ أَنْ يَقُولَ لِمَا لَا يَعْلَمُ اللَّهُ أَعْلَمُ»^۲

(... شخصی که چیزی نمی‌داند بگوید: «الله داناتر است» چون نشانه‌ی دانایی یکی از شما این است که دربارهی آن چه نمی‌داند بگوید خدا بهتر می‌داند.)

«إِنَّ طُولَ صَلَاةِ الرَّجُلِ، وَقَصَرَ خُطْبَتِهِ مِثْنَةٌ مِنْ فَقْهِهِ»^۳

(طولانی کردن نماز و کوتاه خواندن خطبه نشانه‌ی فقیه بودن شخص است.)

– رسول خدا – صلی الله علیه وسلم – به عبدالله بن عمرو که قرآن را زیاد تلاوت می‌کرد؛ هشدار داد و فرمود:

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ لَمْ يَفْقَهُهُ»^۴

(کسی که قرآن را در کمتر از سه روز ختم کند؛ آن را نفهمیده است.)

کلمه‌ی **فقیه** برای کسی به کار می‌رود که به علم فقه مشغول بوده و در فقه به صورت تخصصی کار کرده و صاحب نظر شده است، جمع آن نیز **فقها** می‌باشد.

۲- مفهوم اصطلاحی کلمه‌ی فقه

«فقه عبارتست از دانش منفعت و ضرر شخص – افعال وی در مسائل دینی – و احکام

مربوط به آن.



«دانش احکام دینی به همراه دلایل آن» تعریف مختصر فقه می‌باشد. در مورد تعریف اصطلاحی کلمه‌ی فقه سه تعریف مهم ذکر شده است که عبارتند از:

۱- تعریف امام اعظم ابوحنیفه از فقه:

«الْفَقْهُ مَعْرِفَةُ النَّفْسِ مَا لَهَا وَ مَا عَلَيْهَا»

(فقه عبارت است از شناخت نفس و دانستن حقوق و وظایف آن.)

۲- تعریف امام شافعی از فقه:

۱- به عنوان مثال: سوره‌ی نساء: ۷۸، انفال: ۶۵، توبه: ۸۷، حشر: ۱۳، اسراء: ۴۴.

۲- مسلم، صفات المنافقين، ۴۰.

۳- مسلم، الجمعة، ۴۷.

۴- احمد بن حنبل، مسند، ۱۰، ۵۵.

«الْفَقْهُ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْعَمَلِيَّةِ مِنْ أَدِلَّتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ»

(فقه عبارت است از علم و فهم دلایل تفصیلی و جزئی احکام شرعی عملی.)

۳- تعریف فقه در کتاب فقهی «المجلة» که حاصل هفت سال تلاش و تحقیق در زمان حکومت عثمانی است:

«علم فقه، یعنی دانستن مسائل شرعی عملی.» یعنی دانستن مسائل دینی مربوط به رفتار و اعمال.

ب) اهمیت فقه

فقه، علم آموزش بایدها و نبایدهای دینی در رفتارها است. علم فقه به خاطر ارتباط مستقیم آن با کردار و زندگی مسلمان؛ از مهم‌ترین علوم دینی به شمار می‌رود.

پیامبر گرامی ما - صلی الله علیه وسلم - به امتش فرمان داده است تا مسائل مختلف احکام دینی را به خوبی آموخته و در مورد آن تحقیق کنند.

«تَفَقَّهُوا قَبْلَ أَنْ تُسَوَّدُوا»^۵

(قبل از سیادت و رهبری فقه بیاموزید.)

یعنی حکم دینی آن را خوب بیاموزید.

صحابه‌ی کرام که اهمیت فقه را دریافته بودند؛ شب‌ها می‌نشستند و در مورد فقه با یکدیگر گفتگو می‌کردند.^۶ ابودردا - رضی الله عنه - یکی از برگزیدگان صحابه می‌گوید: «یک ساعت تلاش برای یاد گرفتن نکته‌های دینی نزد من از عبادت بدون فقه و درک یک شب تا صبح محبوب‌تر است.»

شخص باید مسائل فقهی مربوط به خودش را به خوبی بیاموزد. حضرت علی، اهمیت فقه در خرید و فروش را این گونه بیان می‌کند: «کسی که ندانسته تجارت کند؛ در دام ربا می‌افتد.»^۷

بخوانیم:



رسول خدا حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - فرموده‌اند:

«مَنْ يُرِدْ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ»

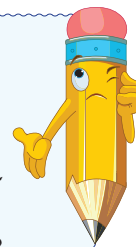
(اگر خداوند برای بنده خیری بخواهد؛ او را در دین فقیه می‌سازد.)

یعنی فهم و درک دینی به او می‌بخشد. این حدیث یکی از نشانه‌های اهمیت فقیه بودن و برخوردار شدن از فهم و درک عمیق دینی نزد خداوند متعال می‌باشد.

۵- بخاری، العلم، ۱۵ و الدارمی، ۱/ ۷۹.

۶- دارمی، ۱/ ۱۴۹-۱۵۰.

۷- علی بن ابوطالب، نهج البلاغه، شماره: ۴۴۷، ۳/ ۲۵۹.



ارزیابی کنیم:

حضرت عمر اهمیت ترجیح فقه در انتخاب رهبران و مدیران را این طور بیان می‌کند: «کسی که در میان قومش به خاطر فقیه بودنش بر سر کار بیاید؛ موجب حیات و زندگانی خود و قومش می‌گردد و کسی که بدون داشتن فقه، زمام امور را به دست گیرد؛ باعث هلاکت خود و قومش می‌گردد.» (دارمی، ۱/ ۷۹).

با توجه به این سخن حضرت عمر، اهمیت فقه را ارزیابی کنید.

ج) موضوع و هدف علم فقه

موضوعات علم فقه		
عقوبات	معاملات	عبادات
جنايات، قصاص، ديه، حدود، دزدی، شرابخواری، مجازات زنا، ارتداد.	نکاح، طلاق، فرائض (میراث)، وصیت، خرید و فروش، اجاره، شراکت، قضاوت، دعوا، شهادت، سیره، حقوق جنگی، صلح.	طهارت، وضو، مسح، غسل، تیمم، نماز، روزه، اعتکاف، زکات، فطریه، حج، عمره، قربانی، کفاره، نذر، قسم یمین.

۱- موضوع علم فقه

موضوع علم فقه: افعال مکلف - کسی که باید اوامر و نواهی دینی را رعایت کند - می‌باشد. موضوعات اصلی فقه عبارتند از:

۱- ارتباط انسان با آفریدگارش (عبادات): در رابطه با احکام عبادت‌ها است. در این خصوص ۱۴۰ آیه در قرآن کریم ذکر شده است که شامل این موضوعات می‌باشد:

الف / نظافت: نجاست، طهارت، وضو، مسح، غسل، تیمم، مسائل مربوط به زنان و غیره.

ب / عبادات بدنی: نماز، روزه، اعتکاف.

ج / عبادات مالی: زکات، صدقه‌ی فطریه.

د / عبادات مالی - بدنی: حج، عمره، قربانی.

ه / کفارات: قتل خطا، روزه، ظهار، قسم، تراشیدن مو در وقت احرام.

و / نذرها و قسم‌ها: نذر کردن، انواع قسم و غیره.

۲- روابط بین انسان‌ها (معاملات): در رابطه با زندگی اجتماعی انسان است. در این زمینه نیز در قرآن کریم حدود

۷۵ آیه وجود دارد و شامل این موضوعات می‌شود:

الف/ احکام مربوط به خانواده (مناکحه، مفارقه): نامزدی، خواهر- برادر شیری، مهریه‌ی ازدواج، حقوق خانواده، نفقه، طلاق، عدّه، تعزیه و غیره.

ب/ احکام مربوط به میراث و وصیت (فرائض): امور مربوط به میت، وصیت و غیره.

ج/ احکام مربوط به امور مالی: خرید و فروش، ربا، اجاره، شراکت، کفالت، رهن و غیره.

د/ اصول قضاوت: ویژگی‌های قاضی، قضاوت، دعوا، شهادت، اعتراف و غیره.

ه/ احکام مربوط به حقوق بین دولت‌ها (سیر): حقوق جنگی (جهاد)، صلح، حقوق غیرمسلمانان ساکن در کشورهای اسلامی و غیره.

۳- احکام مربوط به جزا (عقوبات): مربوط به جزای دنیوی و مجازات‌ها. در این زمینه در قرآن کریم حدود ۵۰ آیه وجود دارد و شامل این موضوعات می‌باشد:

الف/ جرایم مربوط به قتل و جراحت (جنایات): قصاص، دیه و غیره.

ب/ حدود: حد دزدی، زنا، قذف، شرابخواری و ارتداد.

۲- هدف از علم فقه

هدف اصلی و خاص علم فقه؛ آموزش احکام دینی موضوعاتی که انسان نسبت به آن مسئول و مکلف می‌باشد؛ به همراه دلایل آن. هدف عام آن نیز مطلع کردن مسلمانان از وظایف دینیشان، ارشاد افراد و مهیا نمودن خوشبختی دنیوی و اخروی است.

د) ویژگی‌های علم فقه

علم فقه دارای برخی ویژگی‌های منحصر به فرد می‌باشد. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف/ **منبع آن وحی می‌باشد:** منبع اصلی فقه قرآن و سنت است. در مواردی که حکم آن در قرآن و سنت به صورت واضح ذکر نشده باشد؛ احکام توسط مجتهدان با قیاس بر قرآن و سنت وضع خواهد شد.

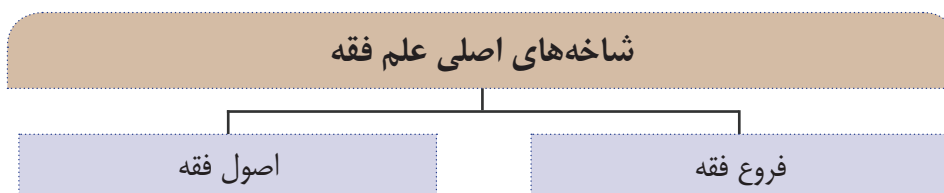
ب/ **تمام جوانب زندگی را دربر می‌گیرد:** دینی که خداوند متعال نازل کرده است؛ تمام عرصه‌های زندگی انسان را دربر می‌گیرد. انسان در برابر خود، خانواده، محیط و آفریدگارش وظایفی بر عهده دارد. علم فقه تعیین کننده‌ی حقوق و محدوده‌ی این وظایف می‌باشد. در عین حال فقه؛ احکام مربوط به دولت و روابط بین دولت‌ها را نیز تعیین می‌کند. به همین جهت علم فقه، علمی جامع و فراگیر است.

ج/ **ارتباط آن با احکام:** احکامی که علم فقه تعیین می‌کند؛ متناسب با اصول اخلاقی می‌باشد. علم فقه به حفظ موضعگیری‌ها و رفتارهایی مانند عدالت، فضیلت، خوبی، صداقت، درستی و احترام به حقوق افراد اهمیت می‌دهد.

د/ **توجه به مصلحت و منفعت جامعه و فرد:** فقه، علاوه بر مراعات مصلحت فرد؛ به مصلحت جامعه نیز توجه دارد. در حد امکان به آزادی فردی - تا زمانی که برای جامعه ضرری را به دنبال نداشته باشد - اهمیت می‌دهد.

ه/ **قابلیت تطبیق و اجرای همیشگی احکام آن:** فقه، به مجتهدان - عالمانی که در عرصه‌ی فقه در بالاترین سطح قرار دارند - اجازه و اختیار تثبیت احکام شرعی مربوط به رویدادها و حوادثی که به تازگی پدید می‌آید؛ را می‌دهد. از این رو فقه با توجه به این ویژگی‌اش؛ می‌تواند احکامی متناسب با هر زمان و هر شرایطی را تثبیت کند.

هـ) شاخه‌های اصلی علم فقه



علم فقه دو شاخه‌ی اصلی دارد:

الف/ فروع فقه: علمی که احکام عملی و تطبیقی دین اسلام مانند وضو، نماز، روزه، زکات، حج، قربانی، نکاح، طلاق و مانند آن را به همراه دلایل شان شرح می‌دهد.

ب/ اصول فقه: علمی که بیانگر روش‌های استخراج احکام دینی، اصول کلی بوده و اطلاعاتی در مورد مذاهب داده و ارزیابی حوادث مختلف از دیدگاه‌های متفاوت را آموزش می‌دهد.

و) فقه، شریعت و حقوق اسلامی

فقه، شریعت و حقوق اسلامی مفاهیمی نزدیک به هم هستند که گاهی به جای یکدیگر به کار می‌روند. در واقع تفاوت اندکی میان این مفاهیم وجود دارد.

فقه: درباره‌ی بُعد عملی دین و بیشتر در رابطه با افراد اطلاعاتی می‌دهد. فقه به عنوان یک علم پذیرفته شده و در دروس علمی، به خصوص به رابطه‌ی فرد با خداوند متعال و نیز به عبادات می‌پردازد.

شریعت: بیانگر بُعد تطبیقی و اجرایی دین می‌باشد و به جای فقه نیز استفاده می‌شود. منظور از کلمه‌ی «شریعت» در قرآن کریم و احادیث شریف؛ احکام الهی، نظام الهی مربوط به دنیا، زندگی اجتماعی و منهج آن در رابطه با دولت می‌باشد. خداوند متعال به تبعیت و مراعات شریعت فرمان می‌دهد:

«ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» [الباقية: ۱۸].

«سپس تو را در طریقه‌ی آیینی [که ناشی] از امر [خداست] نهادیم. پس آن را پیروی کن، و هوس‌های کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن.»

بیشتر بدانیم



بخشی از احکام فقهی هیچ گاه تغییر نمی‌کند. به این نوع احکام **تعبدی** گفته می‌شود. این احکام، در آیات کریمه و احادیث شریفه به صورت واضح و روشن بیان شده است. به عنوان مثال روزه‌ی ماه رمضان.

بخش دیگری از احکام فقهی بنا به زمان و شرایط قابل تغییر است. به این نوع احکام **اجتهادی** گفته می‌شود. به عنوان مثال گفتن اذان از روی مناره.

در قرآن کریم در رابطه با شریعت پیامبران گذشته بسیار سخن گفته شده است. به عنوان مثال «شریعت حضرت موسی».^۸

عبارت «شرعی» که در فقه بسیار استفاده می‌شود؛ به معنای دینی می‌باشد. کلمه‌ی «تشریعی» به معنای وضع شریعت، و قانون بوده و کلمه‌ی «مشروع» نیز به معنای متناسب با شریعت و قانون است. «شارع» به معنای وضع کننده‌ی شریعت بوده و منظور از آن خداوند متعالی است که احکام را فروفرستاده و تطبیق دهنده‌ی این شریعت در میان انسان‌ها یعنی رسول خداست.

حقوق اسلامی، علمی است متمرکز بر بُعد حقوقی دین در رابطه با دولت. این اصطلاح امروزه تحت عنوان فقه نیز استفاده می‌شود. در کشور مسلمانی که درس حقوق اسلامی در دانشگاه‌های آن تدریس می‌شود و این کشور در تطبیق و اجرای اصول شرعی از خود حساسیت نشان دهد؛ به همان اندازه تمام انسان‌ها در آرامش و خوشبختی زندگی کرده و با نظام حقوقی دیگر مقایسه می‌گردد.

ز) ارتباط علم فقه با علوم دیگر

الف / ارتباط آن با تفسیر: علم تفسیر؛ قرآن را بررسی می‌کند، مفهوم آیات را شرح می‌دهد و اسباب نزول را بیان می‌کند. اطلاعات و برداشت‌های حاصل از تفسیر؛ در اثبات احکام فقهی بسیار اهمیت دارد.

ب / ارتباط آن با حدیث: موضوع علم حدیث؛ گفتار، کردار و تقریر (تأیید) پیامبر اکرم (ﷺ) می‌باشد و موثق و قابل اعتماد بودن احادیث و سطح راویان را تثبیت و بیان می‌کند. برای صدور یک حکم فقهی، باید به کتاب و سنت مراجعه شود. احادیث، در صدور یک حکم فقهی نقش تعیین کننده‌ای دارند.

ج / ارتباط آن با سیره: علم سیره، به زندگی رسول خدا (ﷺ)، اخلاق، رفتار، اداره‌ی دولت، جنگ‌هایی که در آن حضور داشته، ارزیابی حوادث و رویدادها توسط ایشان می‌پردازد. اطلاعات و داده‌های علم سیره، حین استخراج حکم از سنت نقش اساسی دارند، زیرا سنت، دومین منبع اصلی در فقه است که از حدیث و سیره آموخته می‌شود.

د / دیگر علوم که فقه از آن بهره می‌گیرد: علم فقه در صورت نیاز از تاریخ اسلام، تاریخ مذاهب، عقاید، تصوف و علوم می‌مانند این‌ها استفاده می‌کند.

دانستن علوم ظاهری مرتبط با موضوعی که احکام فقهی در رابطه با آن استخراج می‌شود؛ ضروری می‌باشد. به همین خاطر فقه، از علوم مختلفی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، پزشکی، بیولوژی، جغرافیا، تاریخ، ادبیات، زبان شناسی و مانند آن استفاده می‌کند. در مورد ارتباط علم فقه با این علوم، چند نمونه را به عنوان مثال ذکر می‌کنیم:

ارتباط آن با فلسفه و منطق: در اظهاراتی که برای اثبات درستی احکامی که فقه استخراج کرده است؛ به کار می‌روند. فقه در حین انجام این فعالیت‌ها، از روش‌های فلسفه و منطق استفاده می‌کند. مجتهد، حین به کار گرفتن رأی و نظر خودش در مورد یک مسأله، با اصل قرار دادن کتاب و سنت؛ از عقل و منطق خودش نیز استفاده کرده و قیاس می‌کند.

ارتباط آن با علم جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسی، علمی است که به آداب و رسوم یک جامعه می‌پردازد. فقه نیز، در تثبیت حکم عرف و آداب جامعه که با دین متناسب است؛ جامعه‌شناسی را به عنوان یک منبع قبول دارد.

ارتباط آن با روانشناسی: علم فقه، حین صدور حکم در مورد عملی که یک شخص انجام داده است؛ وضعیت روانی او را نیز مدّ نظر قرار می‌دهد. به عنوان مثال فقه یاد می‌دهد که قسم شخص عصبانی و خشمگینی که از شدت خشم نمی‌داند چه می‌گوید و در این حالت قسم خورده است؛ معتبر نیست.

ارتباط آن با زبان شناسی: برای استخراج حکم از آیات قرآن، باید زبان عربی را به خوبی دانست زیرا زبان قرآن، عربی است.

تا زمانی که در مورد علوم مربوطه دانایی و اطلاعات کافی وجود نداشته باشد؛ در آن موضوع حکم فقهی صادر نمی‌شود. بدون داشتن اطلاعات کافی در مورد سیر تاریخی یک موضوع، وضعیت جغرافیایی مکان، رشد بیولوژیک انسان و مفاهیمی که ممکن است یک کلمه در خود داشته باشد؛ فتوا دادن غیر ممکن است.

ارزیابی

- ۱- معنای لغوی و اصطلاحی فقه را بنویسید.
- ۲- تعریف ابوحنیفه از فقه را بیان کنید.
- ۳- فقیه کیست؟ فقیه بودن چه فایده‌هایی دارد؟
- ۴- کلمات حکم و احکام را شرح دهید.
- ۵- موضوع علم فقه را بیان کنید.
- ۶- هدف خاص و هدف کلی علم فقه را بیان کنید.
- ۷- ویژگی‌های علم فقه را بیان کنید.
- ۸- منظور از فروع فقه و اصول فقه چیست؟
- ۹- ارتباط بین کلمه‌ی فقه و شریعت را شرح دهید.
- ۱۰- چند مثال از ارتباط بین علم فقه با دیگر علوم بیاورید.

به هم وصل کنید

کسی که شایستگی اجتهاد کردن را دارد		علم فقه	۱
مناکحات		مجتهد	۲
مجازات‌ها		حقوق خانواده	۳
حکمی که بر اساس زمان تغییر می‌کند		فقه	۴
فقیه	۱	حکم اجتهادی	۵
فهم و درک عمیق		عقوبات	۶

سؤالات درست و غلط

- ۱- () به کسی که کتاب‌های فقهی می‌خواند؛ فقیه می‌گویند.
- ۲- () عنوان عقوبات در موضوعات فقهی، برای مجازات اخروی نیست و فقط برای مجازات دنیوی به کار می‌رود.
- ۳- () منظور از عبارت «سیر» در علم فقه؛ فقط زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم است.

جاهای خالی را پر کنید

(معاملات - احکام تعبّدی - عبادات - فقها - عقوبات - فرائض)

- ۱- احکام مربوط به تقسیم میراث در فقه تحت عنوان بررسی می‌شود.
- ۲- به کسی که احکام دینی را با دلایلش می‌داند و بر اساس دلایل شرعی حکم استخراج می‌کند؛ می‌گویند.
- ۳- به احکام فقهی‌ای که بر اساس آیات کریمه و احادیث شریفه به صورت روشن و واضح ذکر شده و هیچ گاه تغییر نمی‌کنند؛ می‌گویند.
- ۴- و و از موضوعات اصلی فقه می‌باشند.

قسمت‌های خالی را با موضوعات اصلی فقه بنویسید

نماز	عبادت	وضو	مناکحات
جنايات	عقوبات	دعوا	سیر
قربانی		مفارقات	قصاص
دیه		کفاره	عقوبات
			روزه

جدول کلمات

(فقه، فقیه، مجتهد، شریعت، فقها، معاملات، عبادات، عقوبات، فرائض، قصاص، حد، دیه، نذر، اعتکاف)

م	ع	ا	م	ل	ا	ت	ص	گ
ف	ج	ع	ب	ا	د	ا	ت	ن
ر	ش	ت	ه	ی	ص	ب	چ	ذ
ا	ر	ک	ه	ق	ل	و	س	ر
ئ	ی	ا	ح	د	ف	ق	ه	ا
ض	ع	ف	ق	ی	ه	ع	ظ	پ
غ	ت	ل	ژ	ط	س	م	د	هـ

سؤالات گزینه یی



۱- کدام یک از موارد زیر تعریف احناف از فقه در اساس نظر ابوحنیفه می باشد؟

- الف) علم فقه یعنی دانستن مسائل شرعی عملی.
- ب) دانستن احکام عملی شرعی بر اساس ادله ی شرعی تفصیلی.
- ج) آگاه بودن شخص از ضرر و منفعت اعمالش.
- د) دانستن فتواها در هر موضوعی.

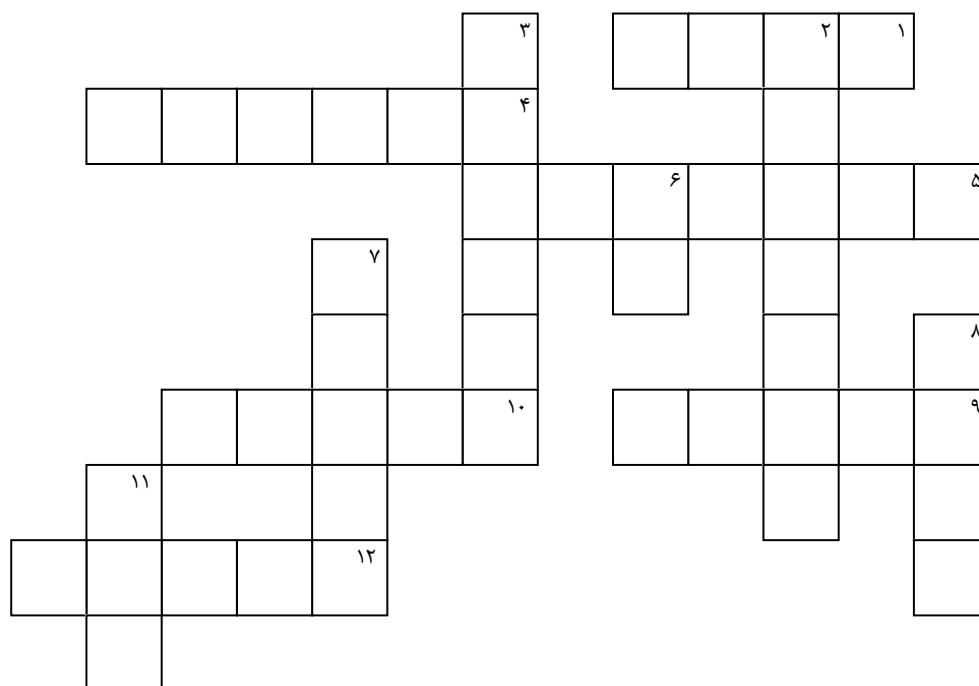
۲- کدام یک از کلمات زیر، به کلمه ی فقه نزدیک تر است؟

- الف) دانستن، پیدا کردن
 - ب) تحقیق کردن، بررسی کردن
 - ج) فهمیدن، درک کردن
 - د) آموزش دادن با جزئیات، تطبیق دادن
- ۵- کدام یک، از ویژگی های کلی علم فقه نمی باشد؟
- الف) فراگیری تمام عرصه های زندگی
 - ب) متناسب بودن برای تطبیق و اجرا به صورت مداوم
 - ج) توجه به خواسته های مدیران و حاکمان دولت
 - د) منبع آن وحی می باشد

۳- جمله ی «یک ساعت کار و تلاش برای علم فقه، از عبادت یک شب تا صبح بدون درک و فقه برای من محبوب تر است» از کیست؟

- الف) حضرت علی (رض)
- ب) معاذ بن جبل (رض)
- ج) حضرت عمر (رض)
- د) ابودردا (رض)

جدول کلمات



- ۱- عبادتی که ستون اصلی اسلام است.
- ۲- اصطلاح فقهی به کار رفته در موضوعات خارج از احکام عبادی عملی در اسلام و هم چنین در مناسبت‌های حقوقی، اداری، مالی، اقتصادی و بشری در روابط انسان‌ها با یکدیگر یا روابط فرد با جامعه یا یک جامعه با جامعه‌ی دیگر.
- ۳- اختصاص دادن دهه‌ی آخر ماه رمضان به عبادت و ماندن در مسجد.
- ۴- عنوان کلی موضوع مجازات‌ها در کتاب‌های فقهی.
- ۵- اصطلاح به کار رفته در مسائل حقوق خانواده، نکاح و ازدواج.
- ۶- مجازاتی که در آیات و احادیث ذکر شده‌اند.
- ۷- عبادتی که به معنای پاکیزگی است.
- ۸- عبادت مالی ای که در اسلام به عنوان پُل اسلام شناخته می‌شود.
- ۹- نام کلی مجازات‌هایی که شخص با اخلال و زیر پا گذاشتن قوانین و فرامین دینی مرتکب شده و نیز بدل مالی یا بدنی‌ای که به منظور طلب مغفرت از خداوند متعال، به خاطر این قانون شکنی‌ها متحمل می‌شود.
- ۱۰- اصطلاح فقهی‌ای که در مورد تقسیم میراث به کار می‌رود.
- ۱۱- پرداخت جزای مالی در صورتی که از قصاص صرف نظر شود یا به خاطر یک دلیل مشروع قصاص انجام نشود و در عوض به جای آن خویشاوندان قاتل مکلف به پرداخت جزای مالی شوند.
- ۱۲- مجازاتی که رئیس دولت با توجه به حقوق اسلامی؛ صلاحیت اعمال آن را دارد.

تاریخ علم فقه

حوزه‌های موضوعی:

- الف) دوره‌ی قبل از شکل‌گیری مذاهب
- ب) دوره‌ی پیدایش مذاهب
- ج) دوره‌ی مذاهب فقهی
- د) دوره‌ی قانونی شدن

مطالعات مقدماتی



- ۱- چرا در زمان پیامبر اکرم (ﷺ) مذاهب وجود نداشتند؟
- ۲- آیا پیروی از مذاهب ضروری است؟ با بزرگ‌هایتان گفتگو کنید.
- ۳- چرا در اسلام مذاهب مختلف ایجاد شده است؟ تحقیق و بررسی کنید.
- ۴- مذاهب رایج امروزی و پیشگامانشان را نام ببرید.
- ۵- نام چند اثر فقهی معاصر که می‌دانید را بنویسد.

الف) دوره‌ی قبل از شکل‌گیری مذاهب (۱۳ سال قبل از هجرت - ۱۲۰ هـ)

۱- فقه در زمان پیامبر اکرم

فقه، با بعثت سرورمان محمد صلی الله علیه وسلم آغاز شد و ساختار اصلی آن در مدینه شکل گرفت و در طول حیات ایشان صلی الله علیه وسلم به تکامل و شکل‌گیری خود ادامه داد.

ویژگی‌های بارز فقه در عصر رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - عبارتند از:

۱- احکام فقهی با وحی تعیین می‌شد: در بسیاری از آیاتی که بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نازل می‌شد عباراتی مانند «یسألونک» (از تو می‌پرسند) «یستفتونک» (از تو فتوا می‌خواهند) وجود دارد. در مواردی هم که آیه نازل نمی‌شد؛ پیامبر - علیه السلام - خودش تصمیم می‌گرفت و این دومین منبع اصلی دین یعنی سنت درخشان و پاک را ایجاد کرده است.

۲- احکام فقهی به صورت تدریجی/اعلان می‌شد: احکام یکباره نازل نمی‌شد، بلکه به مرور زمان تبلیغ می‌شد. به خاطر همین تدریجی بودن دین؛ مردم خیلی راحت‌تر آن را آموخته و قبول می‌کردند و عادات زشت با گذشت زمان کنار گذاشته شد. به عنوان مثال شراب، در سه مرحله ممنوع شد (بقره: ۱۹، نساء: ۴۳ و مائده: ۹۰-۹۱).

۳- نسخ وجود داشت: نسخ، یعنی برداشته شدن و لغو حکمی قبلی، به وسیله‌ی یک دلیل شرعی دیگر. آیات قرآن، شریعت‌های پیشین را نسخ کرده است. در ابتدای اسلام، قبله جهت ادای نماز به سمت مسجد الاقصی بوده است سپس در آیات ۱۴۹ و ۱۵۰ سوره‌ی بقره جهت قبله تغییر کرد. آیه‌ی ۱۸۰ سوره‌ی بقره که پیرامون وصیت است؛ با آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی نساء و هم چنین حدیث «لَا وَصِيَّةَ لِرَأْسِ»^۹ (وصیت به وارث تعلق نمی‌گیرد) نسخ شده است. پیامبر اکرم (ﷺ) ابتدا زیارت قبرها را نهی کرده بود اما پس از پاک شدن جامعه از عادات جاهلیت، بعدها اجازه‌ی زیارت قبرها را داد.

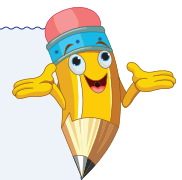
۴- کارها با شورا پیش می‌رفت: پیامبر اکرم (ﷺ)، در موضوعاتی که وحی نازل نمی‌شد گاهی اوقات با مشورت با اصحاب و بر اساس اطلاعات و تجربه‌های آنان احکام را صادر می‌کرد. اگر این احکام اشتباهاتی می‌داشت؛ توسط وحی تصحیح می‌شد.

۵- اختلاف نظری صورت نمی‌گرفت: در زمان رسول خدا (ﷺ)، از آن جایی که هیچ مخالفتی با نظر ایشان نمی‌شد؛ هیچ اختلاف نظر فقهی وجود نداشت.

بیشتر بدانیم

ویژگی‌های بارز فقه در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم عبارتند از:

- ✓ فقه به وسیله‌ی وحی شکل گرفت. ✓ تشریع (وضع احکام جدید). ✓ نسخ (لغو یک حکم).
- ✓ تدریجی بودن. ✓ عدم وجود اختلاف نظر.



۲- فقه در زمان خلفای راشدین

این عصر، پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه وسلم شروع شد و تا سال ۴۰ هـ / ۶۶۰ م ادامه داشت. دوره ایست که در آن آیات و احادیث احکام توسط صحابه تفسیر و توضیح داده می شد.

ویژگی های بارز فقه در این عصر عبارتند از:

- ۱- *اجتهادات جدید لازم بود:* ملت های غیر عرب بسیاری در نتیجه ی فتوحات با اسلام آشنا شده و در موضوعات جدیدی از صحابه ی کرام راهنمایی می خواستند.
- ۲- *مطابق با حوادث واقع شده، فقه نیز پیشرفت می کرد:* فقهای صحابه، فقط به مسائل و روایدهایی که اتفاق می افتاد، می پرداختند و به دنبال حکم فرضیه ها و حوادثی که رخ نداده است؛ نمی گشتند و پرداختن به این کار را بیهوده و وقت گذرانی می دانستند.

نکته:

در زمان خلفای راشدین، بعضی از صحابه ی کرام با برداشت های فقهی یا فتواهایشان در عرصه ی فقه شهرت یافتند.

عبارت اند از حضرت عمر، حضرت علی، حضرت عبدالله بن مسعود، حضرت عبدالله بن عباس، حضرت عبدالله بن عمر، حضرت عایشه، حضرت زید بن ثابت، اصحابی اند که فتوای زیاد داده اند.



- ۳- *اجتهاد از طریق شورا صورت می گرفت:* خلفای راشدین به منظور مشورت در امور فقهی، این موضوعات را در مجالس خود مورد بحث و بررسی قرار می دادند. اجتهاد بر اساس شورا و اجماع در این عصر به میان آمد. در این دوره، حاکم دولت، متناسب با فقه حرکت می کرد و اتفاقات جدید در مجلس شورا مطرح شده و حکمی برای آن در نظر گرفته می شد.

۳- فقه در عصر تابعین

به مسلمانانی که نسل صحابه را دیده اند؛ تابع - جمع تابعین - گفته می شود. این عصر از اواخر دوره ی خلفای راشدین شروع شده و تا سال ۱۲۰ هـ یعنی فروپاشی اموی ها ادامه می یابد.

در عصر تابعین، راه صحابه دنبال شد. فقهای تابعین، علم فقه را از صحابه آموختند، پس از کتاب و سنت، اگر حکمی را در این دو نمی یافتند؛ بر اساس علت حکم، اجتهاد می کردند.

در کوفه: علقمه، مسروق، قاضی شریح، ابراهیم النخعی، شعبی، حماد بن ابی سلیمان، ابن ابی لیلا،

در مدینه: سعید بن مسیب، قاسم بن محمد، نافع، زهری، ربیعۃ الرأی،

در مکه: مجاهد، عکرمه، عطا بن ابی رباح، از مهم ترین فقهای مجتهد این دوره بودند.

ویژگی های بارز فقه در این دوره عبارتست از:

- ۱- بروز اختلافات سیاسی و افزایش سؤال ها و مشکلات در زمان اموی ها، باعث مطرح شدن آراء مختلفی شد.

۲- عرصه ی فقه گسترده تر شد، در مساجد مهم حلقه های تعلیم فقه تشکیل می شد.

۳- افزایش احادیث موضوع و ضعیف در بین مردم، باعث مطرح شدن مسأله ی گزینش شد.

۴- به دلیل اساتید مختلف و تفاوت منطقه ای، نظرات و آراء فقهی مختلفی به میان آمد.

۵- تدوین آثار و تألیفات فقهی در این دوره آغاز شد.

ع- مکتب اهل رأی و اهل حدیث پدید آمد. مهم ترین ویژگی های این مکتب ها به شرح زیر می باشد:

اهل رأی (مکتب کوفه): شهر کوفه که در حاشیه خلیج فارس قرار دارد، در زمان خلفای راشدین که مرزهای دولت اسلامی در حال توسعه بود؛ به شهری مهم تبدیل شد. در زمان سرورمان علی (رض) بنا به اهمیت سیاسی‌اش؛ تبدیل به پایتخت گشت. از میان برگزیدگان اصحاب کرام، عبدالله بن مسعود (رض) به این شهر آمد و تدریس نمود. آموزه‌های ابن مسعود (رض) که گفته می‌شود فقه سرورمان عمر (رض) را به کوفه منتقل کرده است، در تعلیم و تربیت افرادی مانند علقمه، ابراهیم النخعی، حماد بن ابوسلیمان و بعدها ابوحنیفه مؤثر بود.

شهر کوفه، مانند مکه و مدینه در مقابل فرهنگ‌های مختلف بسته نبوده است، بلکه برعکس پذیرای هرگونه رشد و توسعه‌ای بود. نیازها و مشکلات زیاد بود و به خاطر حوادث روزانه‌ی متنوع، اجتهاد لازم بود.

محیط فرهنگی اجتماعی کاملاً متفاوت بود، ادیان پیشین تأثیر خود را از دست نداده بودند، مسلمانان تازه در کوفه زیاد بودند و احادیث ضعیف و موضوع بین مردم نادان به صورت گسترده استفاده می‌شد. چنین اسبابی در تربیت فقهایی اینجا تأثیر بسیاری داشت.

فقه‌های اهل رأی، آراء و نظرات مخالف با مبانی اسلام را رد کرده، در پی فهم و درک منطق وضع احکام بوده و به دنبال جواب منطقی برای پرسش‌ها بودند.

اهل حدیث (مکتب حجاز / مدینه): بخش اعظم اصحابی که بر علوم دینی تسلط داشتند؛ از مکه و مدینه خارج نشدند و در همان جا مردم را تعلیم و آموزش می‌دادند. فتوای عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر در شکل‌گیری این مکتب بسیار مؤثر واقع شده بود. امام مالک، سپس امام شافعی و امام احمد بن حنبل از بزرگان تابعین، مانند زهری، نافع، ربیعة الری، درس گرفته و تبدیل به بزرگ‌ترین پیروان این مکتب شدند.

مهم‌ترین ویژگی مکتب اهل حدیث که مرکز آن مدینه به شمار می‌رود؛ «اثر» است. «اثر» مجموعه‌ای از احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به همراه فتوای صحابه و تابعین می‌باشد.

شهر مدینه که از زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم به روی فرهنگ‌های مختلف بسته بود؛ نیاز زیادی به رأی و اجتهاد نداشت. به خاطر برخورداری از میراث بزرگ حدیث، فقه‌های اهل حدیث بیشتر از عقل، به نقل اهمیت می‌دادند.



ب) دوره‌ی شکل‌گیری مذاهب (۱۲۰-۳۵۰ هـ)

۱- فقه در عصر ائمه‌ی مجتهد (تابعین)

این دوره از تاریخ ۱۲۰ هـ / ۷۳۸ م شروع و در تاریخ ۳۵۰ هـ / ۹۶۰ م به پایان رسید. عصر آغاز تدوین مسائل فقهی و ظهور مجتهدان بزرگ.

این دروه، عصر طلایی فقه است که مهم‌ترین مجتهدان در آن زندگی کرده‌اند. به دلیل کارآمدی فعالیت‌های فقهی در دوره‌ی تبع تابعین، این عصر را عصر طلایی فقه اسلامی، عصر مجتهدان، عصر تدوین و عصر پیدایش مذاهب نیز می‌نامند.

در کوفه: زید بن علی زین العابدین (ت ۱۲۲ / ۷۴۰)، ابوحنیفه نعمان بن ثابت (ت ۱۵۰ / ۷۶۷)، ابویوسف (ت ۱۸۲ / ۷۹۸)، محمد بن حسن شیبانی (ت ۱۸۹ / ۸۰۴)، داوود بن علی ظاهری (ت ۲۷۰ / ۸۸۳)، در مدینه: جعفر صادق (ت ۱۴۸ / ۷۶۵)، مالک بن انس (ت ۱۷۹ / ۷۹۵)، **در مکه:** ابن جریج (ت ۱۵۰ / ۷۶۷) **در بصره:** سفیان ثوری (ت ۱۶۱ / ۷۷۸)، سفیان بن عیینه (ت ۱۹۸ / ۸۱۳)، **در بغداد:** ابو ثور (ت ۲۴۰ / ۸۵۴)، احمد بن حنبل (ت ۲۴۱ / ۸۵۵)، طبری (ت ۳۱۰ / ۹۲۲) **در شام:** اوزاعی (ت ۱۵۷ / ۷۷۴) **در مصر:** لیث بن سعد (ت ۱۷۵ / ۷۹۱) محمد بن ادریس شافعی (ت ۲۰۴ / ۸۲۰) و **در خراسان:** عبد الله بن مبارک (ت ۱۸۱ / ۷۹۷) از بارزترین مجتهدان در این عصر هستند.

با گذشت زمان مذاهب، پیرامون عالمانی مانند ابوحنیفه، امام مالک، شافعی، احمد بن حنبل و جعفر صادق شروع به شکل‌گیری کردند. پیدایش مذاهب فقهی در ابتدا از شهرها شروع شد و به تدریج بر وسعت جغرافیایی آن‌ها افزوده گشت.

بارزترین ویژگی‌های فقهی این دوره عبارتست از:

۱- فقه‌های بزرگی در این عصر پرورش یافتند: حمایت و اهمیت دادن خلفای عباسی و دولتمردان به علمای فقیه در پیدایش چنین محیطی مؤثر بود.

۲- علم فقه و اصول فقه تدوین شده و به صورت یک شاخه‌ی علمی مستقل درآمد: علاوه بر این دومین منبع اصلی فقه یعنی سنت، در این عصر تدوین شد (کتاب‌ها نوشته و جمع‌آوری شد).

۳- مذاهب فقهی شکل گرفتند: تمام مذاهب بزرگ شناخته شده در این عصر شکل گرفتند.

۴- در تمام موضوعات فقهی/اجتهاداتی صورت گرفت: در کنار فقه عملی، فقه نظری (تخیلی) هم توسعه یافت، احکام مسائلی که احتمال رخ دادن آن‌ها وجود داشت؛ تثبیت شد، مسائل فرائض و میراث مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۲- اسباب پیدایش مذاهب:

۱- با گسترش سرزمین‌های اسلامی و آشنا شدن فرهنگ‌های مختلف با اسلام، تحولات سیاسی و بحث‌های علمی پس از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - اختلاف نظر را به همراه داشت.

۲- ارزیابی متفاوت از آیات و احادیث توسط مجتهدان مختلف در پیدایش این مذاهب مؤثر بوده است.

منابع اصلی فقه قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - می‌باشد. برداشت و فهم متفاوت از عبارات به کار رفته در این منابع در پیدایش این مذاهب مؤثر بوده است. به عنوان مثال:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» [المائدة: ۶].

«ای مؤمنان، چون به [قصد] نماز برخیزید، روی خود و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشویید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا دو قوزک [بشویید].»

علمای احناف، مالکی، شافعی و حنبلی کلمه‌ی «وَأَرْجُلُكُمْ» را به صورت مفتوح می‌خوانند که به فعل شستن معطوف می‌شود در حالی که علمای شیعه‌ی جعفری که این کلمه را به صورت مکسور می‌خوانند؛ آن را به فعل مسح کردن عطف داده و به مسح پا حکم می‌کنند.

«وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» [البقرة: ۲۲۸].

«زنان طلاق داده شده باید به سر آمدن سه پاکی [از حیض را] انتظار برند.»

در این آیه‌ی کریمه از کلمه‌ی «قروء» برداشت‌های مختلف صورت گرفته است. این کلمه دو معنای متضاد دارد. این کلمه در زبان عربی همان طور که به معنای عادت ماهیانه می‌باشد؛ در عین حال به معنای «پاکی و طهر از عادت» نیز به کار می‌رود. احناف معنای این کلمه را شروع عادت - حیض - و شافعی‌ها آن را به معنای پاکی پس از حیض دانسته و بر این اساس فتوا صادر کرده‌اند.

عبارت «لمس» در آیه‌ی «أَوْ لَا مَسْتُمْ التِّسَاء» [النساء: ۴۳] «یا زنان را لمس کردید» شافعی‌ها این کلمه را بر اساس معنای واقعی آن و احناف نیز بر اساس معنای مجازی آن به کار برده و شرح داده‌اند. به همین خاطر شوافع معتقدند که لمس جنس مخالف با دست باعث باطل شدن وضو شده در حالی که احناف معتقدند که منظور از لمس در این آیه‌ی کریمه، رابطه‌ی زناشویی و جماع می‌باشد.

فقها پیرامون چنین حالاتی با یکدیگر بحث و گفتگو کرده‌اند. دلایل اختلاف نظر بین مجتهدان در مورد برداشت از قرآن کریم از این قرار است:

- عام یا خاص بودن لفظی که در آیه آمده است.
- خاص یا عام بودن مفهوم آیه.
- نسخ شدن یا نشدن آیه.
- وجود نظرات مختلف در مورد این که کدام آیات قبل تر نازل شده‌اند.
- اسباب وجود اختلاف نظر در سنت نیز عبارتست از:
- بعضی از احادیث پیغمبر به شکل اصل اش نیست بلکه به شکل معنایش روایت شده است، متفاوت بودن روایت‌ها.
- حاوی چند معنا و مفهوم حدیث بودن.
- عدم فهم و درک مفهوم مورد نظر در حدیث.
- فهم و درک متفاوت از رفتار و اعمال پیامبر.
- وجود دو حدیث مختلف در یک مسأله.
- اطلاعات متفاوت امامان مجتهد در رابطه با حدیث.
- روش‌های مختلف در تشخیص صحت حدیث.
- عمل کردن یا نکردن به خبر واحد.
- عمل کردن یا نکردن به احادیث ضعیف و این که آیا حدیث ضعیف مبنا قرار می‌گیرد یا نه.

هرگز نباید فراموش کرد که اختلاف نظر بین مذاهب فقهی همواره در فروع دین - یعنی در مورد احکام جزئی و تفصیلی عملی - است نه در اصول آن. تمام مجتهدانی که نحوه‌ی زندگی و آراء اعتقادی‌شان مورد پسند جامعه قرار دارد؛ همگی در مورد خواندن نماز پنج وقت، روزه‌ی رمضان، زکات فرض و دیگر موضوعات اصولی با هم اتفاق نظر دارند.

۳- تربیت و تعلیم مجتهدان در محیط‌های مختلف و پیروی از اصول متفاوت در استنباط احکام فقهی باعث رسیدن به نتایج مختلف و نهایتاً پیدایش مذاهب متعدد گشت. عواملی مانند عرف، محیط و منطقه راه را برای صدور فتواهای مختلف توسط مجتهدان هموار کرد.

برخی مجتهدان، سخن صحابه را به طور کلی به عنوان دلیل قبول داشتند در حالی که برخی دیگر فقط قول افراد مشخصی از صحابه را معتبر می‌دانستند.

مالکی‌ها، به عرف و عادات اهل مدینه پایبند بودند، در حالی که دیگر مذاهب عرف و عادات منطقه‌ی خودشان را - با شرایط خاصی - به عنوان دلیل قبول داشتند.

۴- تفاوت در شخصیت مجتهدان، تمایل فطری آنان به یک سو و برداشت استادانشان از رویدادها نیز در ایجاد مذاهب مختلف مؤثر بود.

فهم و درک انسان‌ها، استعدادها، ویژگی‌های فردی و قضاوت‌های ارزشی آنان متفاوت است. علاوه بر این‌ها، محیطی که شخص در آن پرورش می‌یابد، نظرات، تجربه‌ها، اطلاعات، توانایی‌ها و مهارت‌ها هم متفاوت می‌باشند. بروز برداشت‌های فقهی متفاوت در کنار تمام این تفاوت‌ها امری اجتناب ناپذیر است.

تفاوت دلایلی که مجتهدین در برداشت از مسائل جدید استفاده کردند و نیز اصولی که برای ارزیابی آن‌ها به کار می‌بردند؛ نیز در تفاوت احکام مؤثر بوده است.

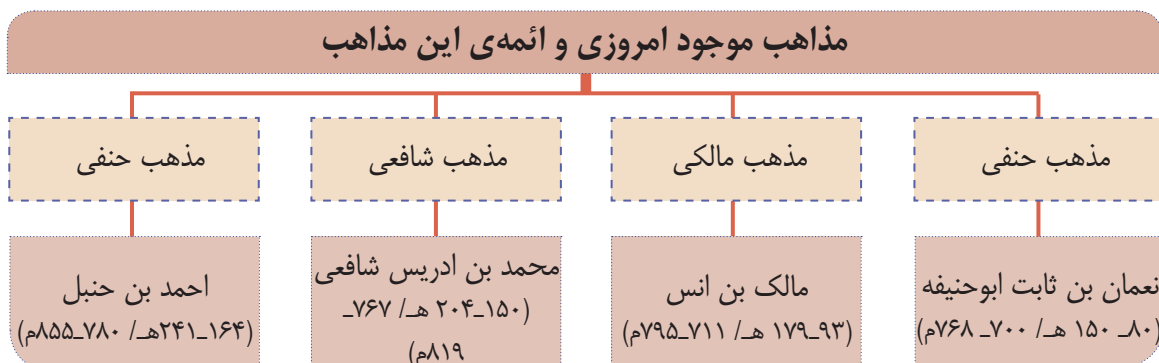
۵- مجتهدان پیشین در تمام موضوعات فقهی اجتهاد نکرده‌اند. اما در این عصر به خاطر افزایش نیاز، مجتهدان به طور مداوم با انجام فعالیت‌های فقهی از تمام موضوعات، احکام فقهی استنباط کرده‌اند. اصولی که در استخراج احکام به کار برده‌اند و نیز احکام استنباط شده توسط خود مجتهدان یا شاگردانشان در کتاب‌ها تحت عنوان‌های خاصی جمع آوری شده است. دیگر علما با دسترسی راحت به این کتاب‌ها از این آراء و نظرات قبول کردند و بدین ترتیب مذاهب شکل گرفتند.

۶- انتقال آراء و نظرات مجتهدین از طریق کتاب‌ها در نظامند شدن مذاهب نقش بسیار مهمی بازی کرده است. دست یافتن شاگردان مشهوری که توسط این مجتهدان تربیت و تعلیم داده شده‌اند، به مناصب مهم و برگشتن آنان به سرزمین‌های خود و رساندن این آراء و نظرات به مناطق جغرافیایی دیگر، در انتشار این مذاهب مؤثر بوده است.

آیا تبعیت از یک مذهب لازم و ضروری است؟ درصنف بحث و گفتگو کنید.



۳- مذاهب فقهی موجود تا به امروز

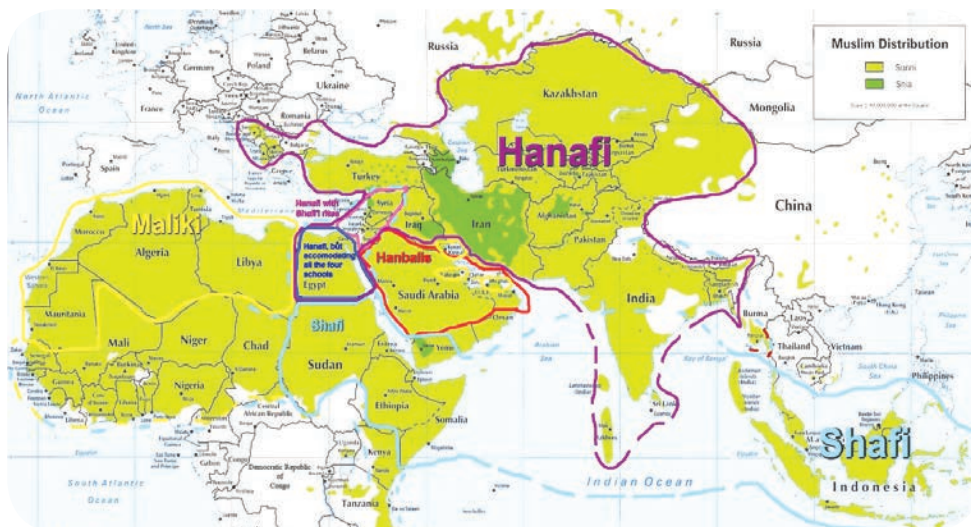
الف) مذاهب اهل سنت

«مذهب» که در لغت به معنای رفتن است، نامی است که به فرقه‌های دینی که به دلیل آراء و نظرات گوناگون در مسائل دینی پدید آمده‌اند؛ اطلاق می‌شود.

در زمان پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - اگر یکی از مسلمانان با مشکلی مواجه می‌شد یا یک حکم دینی را نمی‌فهمید؛ نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌آمد و مستقیم از خود ایشان می‌پرسید و می‌آموخت. پس از وفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عالمان زمان صحابه و تابعین نیز مسائلی که مسلمانان به خوبی نمی‌فهمیدند را همان طور که از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - آموخته بودند، یعنی با توجه به قرآن و سنت شرح می‌دادند. بعدها پیرامون فقهایی مانند ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی، احمد بن حنبل که احکام دینی را به خوبی می‌دانستند؛ اجتماعی تشکیل شد و با گذشت زمان این تجمع‌ها و پیروان به شکل یک مذهب (مکتب) درآمد.

مجتهدان نیز بر اساس نیاز مردم و هم چنین به دلیل صدور حکم و فتوا توسط افراد جاهل؛ خود را وقف علم کرده و پرورش یافتند و با تلاش بسیار در هر موضوعی به استنباط احکام پرداختند. اما این عالمان حین صدور فتوا و احکام هرگز تفکراتی مانند «ما یک مذهب تأسیس میکنیم و شما همه باید از آن پیروی کنید» به ذهنشان هم خطور نمی‌کرد.

مذاهب فقهی / عملی که بدون هیچ وقفه‌ای و به صورت رایج تا به امروز ادامه داشته‌اند عبارتند از: حنفی، شافعی، حنبلی، مالکی. اکنون جزئیات این مذاهب را با هم بررسی می‌کنیم.



۱- مذهب حنفی

الف / امام مذهب حنفی: ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰هـ / ۶۹۹-۷۶۷م)

نام او نعمان بن ثابت، امام اعظم ابوحنیفه، پسر ثابت بن زوطا است که گفته می‌شود از خراسان آمده است. ابوحنیفه در شهر کوفه متولد و بزرگ شد. تحصیلش را در آن جا به اتمام رساند. در سال ۱۵۰ هـ نیز در بغداد وفات کرد. در روایت آمده که مسائل فقهی‌ای که در جلسات درس ابوحنیفه حل شدند؛ به بیش از ۶۰۰ هزار می‌رسند.

تعداد شاگردانی که به دست ابوحنیفه تربیت و تعلیم دیدند به بیش از چهار هزار نفر می‌رسد که هفت‌صدوسی نفر از آنان به جایگاه علمی والایی دست یافته و از میان آنان چهل نفر به درجه‌ی اجتهاد رسیدند. در مذهب حنفی، ابویوسف دومین و امام محمد نیز به عنوان سومین امام شناخته می‌شوند.

۱- ابویوسف (۱۱۳-۱۸۲ هـ / ۷۳۱-۷۹۳م): او در سال ۱۱۳ هجری در کوفه چشم به جهان گشود و در سال ۱۸۲ در بغداد درگذشت. ابویوسف، از میان خلفای عباسی در زمان مهدی، هادی و هارون الرشید منصب قضاوت را بر عهده داشت. عنوان «قاضی القضاة» اولین بار در تاریخ اسلام به ابویوسف داده شد. مهم‌ترین اثر وی «کتاب الخراج» می‌باشد.

۲- امام محمد (۱۳۲-۱۸۹ هـ / ۷۴۹-۸۰۴م): محمد بن حسن شیبانی در سال ۱۳۲ هجری در شهر واسط به دنیا آمد و در سال ۱۸۹ در شهر ری درگذشت. او با آثار خود مذهب حنفی را به صورت سیستماتیک درآورده و در ترویج آن نقش مؤثری داشت.

ب / محل گسترش مذهب حنفی

مذهب حنفی در تمام سرزمین‌های تحت کنترل دولت عباسی گسترش یافته بود. در زمان عباسی‌ها، دست یافتن ابویوسف به منصب «قاضی القضاة» در انتشار این مذهب بسیار مؤثر بود. این مذهب در آسیای وسطی (ترکیه، پاکستان، بنگلادش، افغانستان، هندوستان، ترکستان شرقی، جمهوری‌های ترک و غیره) که تعداد مسلمانان بسیار زیاد بود، در منطقه‌ی بالکان (آلبانی، کوسوفو، بوسنی و هرزگوین و غیره) و در شمال اروپا و قفقاز رایج‌ترین مذهب بود. اکنون نیز طبق تخمین‌ها، ۴۰٪ از مسلمانان جهان حنفی مذهب می‌باشند.

۲- مذهب مالکی

الف / مالک بن انس (۹۳-۱۷۹هـ / ۷۹۵-۷۱۲م)

مالک بن انس که در سال ۹۳ هجری در شهر مدینه متولد و در سال ۱۷۹ در همان جا درگذشت. تحصیلش را نزد ربیعة الرأی که طرفدار رأی بود؛ ادامه داد. علاوه بر این نزد عبدالرحمن بن هرمز نیز که تأثیر بسیاری بر وی گذاشته بود، تحصیل کرد. نزد برده‌ی آزاد شده‌ی عبدالله بن عمر یعنی نافع هم تحصیل کرده است. به غیر از این‌ها، از ابن شهاب زهری، سعید بن مسیب، ابوالزناد و یحیی بن سعید انصاری نیز بهره برد.

ب / محل گسترش مذهب مالکی

مذهب مالکی در آفریقا (مصر، تونس، الجزایر، فاس، سودان و غیره) و اندلس منتشر شده است. مذهب مالکی در منطقه‌ی حجاز، پیروان کمی دارد. این مذهب به دلیل این که مذهب رسمی دولت اموی اندلس بوده؛ بر مردم تأثیر بسزایی داشته است. به علاوه رایج‌ترین مذهب در شمال آفریقا، جنوب اروپا و آمریکا می‌باشد. امروزه نیز طبق تخمین‌ها، ۲۰٪ از مسلمانان دنیا مالکی مذهب هستند.

۳- مذهب شافعی:

الف/ امام شافعی (۱۵۰-۲۰۴ هـ / ۷۶۷-۸۱۹ م)

محمد بن ادریس شافعی که در سال ۱۵۹ هجری در شهر غزه واقع در منطقه‌ی شام چشم به جهان گشود و در سال ۲۰۴ در مصر وفات یافت؛ از خانواده‌ای قرشی بود. او در مدینه با امام مالک دیدار کرد، موطا را از او گوش کرد و آراء فقهی‌اش را آموخت. پس از مدتی به یمن رفت و با شاگرد اوزاعی، عمر بن ابوسلمه دیدار کرد و در جلسات علمی وی حضور یافت. شافعی سه بار به بغداد رفت، در آن جا از محمد بن حسن شیبانی درس فقه آموخت. پس از گذشت مدتی شافعی به مکه بازگشت و در آن جا به آموزش و تعلیم شاگردان پرداخت. سال‌های پایانی زندگی‌اش را در مصر سپری کرد و در آن جا با شاگرد لیث بن سعد؛ یحیی بن حسن دیدار کرد و نظرات استادش را از او برگرفت.

امام شافعی، اولین عالمی است که در اصول فقه اثری می‌نویسد و نام اثرش «الرسالة» است.

وقتی امام شافعی در بغداد بود؛ کتابش «الحجة» را نوشته و نظرات و آراء فقهی‌اش را در آن جمع آوری کرد. در مصر هم کتاب «الأم» را نوشته و نظرات جدیدش را در آن جمع آوری نمود. علاوه بر این‌ها شافعی کتاب‌های «أحكام القرآن» و «اختلاف الحديث» را نیز تألیف کرده است.

ب/ محل گسترش مذهب شافعی

مذهب شافعی به ویژه در مصر گسترش یافته است، زیرا امام شافعی سال‌های آخر زندگی‌اش را در آن جا سپری کرد.

مردم شام، در گذشته پیرو مذهب اوزاعی بودند که البته تا به امروز باقی نمانده است، سپس به مذهب شافعی گرویدند. مذهب شافعی در کشورهای خاورمیانه (سوریه، اردن و غیره) و کشورهای خاور دور (اندونزی، مالزی و غیره) رایج‌ترین مذهب است. امروزه نیز طبق تخمین‌ها ۲۵٪ از مسلمانان دنیا شافعی مذهب هستند.

۴- مذهب حنبلی

الف/ احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ هـ / ۷۸۱-۸۵۵ م)

احمد بن حنبل در سال ۱۶۴ هجری در بغداد متولد شد و در همان جا وفات کرد. او فقیه و محدث طرفدار اهل حدیث است. ابن حنبل، در سنین کودکی قرآن کریم را حفظ کرد. دروس فقه را به همراه امام محمد نزد امام شافعی آموخت. احمد بن حنبل مسأله‌ی «خلق قرآن» را که توسط مامون مطرح شد و از طریق معتصم ادامه یافت؛ نپذیرفت و به همین خاطر مورد ظلم و جفای بسیار قرار گرفت و به زندان افتاد.

احمد بن حنبل در کتاب حدیثش بنام مسند حدود چهل هزار حدیث را جمع آوری کرد. علاوه بر این، کتاب دیگری به نام «العلل» را نیز نوشته است.

ب/ محل گسترش مذهب حنبلی

مذهب حنبلی در مناطق حجاز منتشر شده است. امروزه بیشتر مردم عربستان سعودی حنبلی مذهب هستند. گروه‌هایی که امروزه وهابی نامیده می‌شوند؛ در بخش فقه مربوط حنبلی مذهب هستند. امروزه نیز طبق تخمین‌ها ۵٪ از مسلمانان دنیا حنبلی هستند.

ب/ مذاهب شیعی**۱- مذهب جعفری****الف/ جعفر صادق (۸۰-۱۴۸هـ / ۶۹۹-۷۶۵م)**

بزرگترین فرقه‌ی شیعه که در فقه تابع آراء امام جعفر صادق هست؛ جعفریه می‌باشد. جعفر صادق در مدینه به دنیا آمد و در همان جا درگذشت. امامی است که در منابع سنی نیز از او به احترام یاد شده است. برخی علما مانند امام ابوحنیفه، امام مالک و سفیان ثوری از او علم آموخته‌اند.

جعفریه، در عبادات اصلی دین و قواعد آن، با اکثریت مذاهب اتفاق نظر دارند. اما ثابت شده که در مسائل ایمانی و حدود ۱۷ موضوع، با بیشتر اهل سنت اختلاف نظر داشته و در بین اهل سنت مورد قبول واقع نشده‌اند.

برخی از مسائل اختلافی آنان عبارتند از: مسح بر روی پای برهنه در وضو، عدم جواز ازدواج با زنان اهل کتاب، اضافه کردن عبارت «أشهد أن علیاً ولی الله» به اذان و اقامه، جمع نماز ظهر و عصر در وقت نماز ظهر و جمع نماز مغرب و عشا در وقت نماز مغرب (جمع تقدیم).

ب/ محل گسترش مذهب جعفریه

مذهب جعفریه بیشتر در ایران و کشورهای اطراف ایران منتشر شده است. پیروان جعفریه و مذهب شیعه در کشورهای عراق، آذربایجان، پاکستان، لبنان، فلسطین و بحرین وجود دارند. امروزه طبق تخمین‌ها حدود ۱۰٪ از جمعیت مسلمانان جهان پیرو مذهب جعفریه هستند.

۲- مذهب زیدیه**الف/ زید بن علی (زیدی) (۸۰-۱۲۲هـ / ۶۹۸-۷۴۰م)**

از جمله علمای فقیه، نوه‌ی سیدنا حسین و پسر زین العابدین است. در زمان هشام بن عبدالملک خلیفه‌ی اموی، در نتیجه‌ی تحریک کسانی که خود را طرفداران او می‌دانستند؛ در جنگی با سپاه خلیفه، به شهادت رسید.

زید بن زین العابدین به عنوان اولین کسی که در علم فقه کتاب نوشته بود؛ عالمان زیادی را تربیت کرد. نام اثرش نیز «مجموع الکبیر فی الفقه» می‌باشد.

ب/ محل گسترش مذهب زیدیه

زیدیه، مذهب شیعی میانه روی است که به مذهب حنفیه نزدیک بوده و تا کنون به وجود خود ادامه داده است. امروزه در یمن کسانی هستند که خود را منتسب به مذهب زیدیه می‌دانند.

کنفرانس ارائه دهیم

کنفرانسی پیرامون ائمه و آراء فقهی آنان آماده کرده و در صنف با دوستانتان به اشتراک بگذارید.



۴- مذهب های فقهی که هیچ پیروان آنها نمانده اند.

مجتهدان و مذهب هایی که در دوره های اول پیروان داشتند. فقط نظرایه های شان امروزه بحیث مذهب انتقال نکرده اند. مشهورترین آنها اینها اند.

ابن شبرمة (۷۰-۱۴۴/۶۹۳-۷۶۱م)

ابن ابی لیلی (۷۴-۱۴۸/۶۹۳-۷۶۵م)

الاوزاعی (۸۸-۱۵۷/۷۰۷-۷۷۴م)

سفیان الثوری (۹۷-۱۶۱/۷۱۵-۷۷۸م)

لیث بن سعد (۹۴-۱۷۵/۷۰۱-۷۸۸م)

سفیان بن عیینة (۱۰۷-۱۹۸/۷۲۵-۸۱۳م)

اسحاق ابن راهویه (۱۶۱-۲۳۸/۷۷۷-۸۵۲م)

ابو ثور (۲۴۰/۸۵۴م)

داود الظاهری (۲۰۲-۲۷۰/۸۱۷-۸۸۳م)

طبری (۲۲۴-۳۱۰/۸۳۶-۹۲۲م)

ج) عصر مذاهب فقهی (۳۵۰-۱۲۸۴هـ)

عصر مذاهب فقهی از دوره ی رکود عباسیان یعنی ۳۵۰هـ / ۹۶۰م شروع می شود و تا شروع نوشتن «مجله» تا سال ۱۲۸۴هـ / ۱۸۶۸م ادامه می یابد.

ویژگی های بارز فقهی این دوره عبارتست از:

۱- ثبت عقب ماندگی در فعالیت های فقهی و پیشرفت در پیروی از مذاهب. فقها، اکتفا کردن به آراء و نظرات فقهی مذاهب خاصی را ترجیح دادند. فقه های این عصر بیان کرده اند که تقلید از مجتهدان بزرگ کافیست و به منظور جلوگیری از برخوردهای جاهلانه مردم؛ به بسته شدن و توقف اجتهاد فتوا داده و فعالیت های رأی و اجتهاد را متوقف کردند.

۲- تبعیت از یک مذهب مشخص: پیروی دولتمردان و افراد سرشناس از یک مذهب خاص؛ در انتشار آن مذهب در مناطق خاصی نقش مهمی داشته و قاضیان آن سرزمین، از میان عالمان پیرو همان مذهب انتخاب می شدند.

۳- در دوره های پیشین استنباط احکام در هر مسئله، نیاز به تعمق علوم کمتر شد و فعالیت های اجتهادی در این عصر مانند گذشته توسط مردم و دولتمردان حمایت نمی شد.

۴- فقها، متن ها و عبارت هایی که فهم و درک آن دشوار است؛ را به صورت قابل فهم و درک خلاصه کردند. با نوشتن شرح در متن کتاب های اصلی، در این دوره شرح نویسی به میان آمد.

۵- کتاب های فتوا تدوین و نوشته شد. حل مشکل های جدید در این کتاب های فتوا جستجو می شد.

آثار مهم مذاهب:

آثار مهمی از عصر مذاهب فقهی تا به امروز به جای مانده است. برخی از کتاب‌های فقهی مشهور مذاهب عبارتند از:

حنفیه: «مبسوط» سرخسی، «البدایع الصنائع» کاشانی، «الهدایة» مرغینانی، «فتح القدیر» ابن الهمام، «البحر الرائق» ابن نجیم و «رد المختار» ابن عابدین.

مالکیه: «المدونة» اسد بن فرات، «بدایة المجتهد» ابن رشد و «الفرق» قرافی.

شافعیه: «مختصر» مرنی و «المهذب» شیرازی.

حنبلیه: «المغنی» ابن قدامة، «کشاف القناع» بهوتی و «الفتوی» ابن تیمیه.

د) عصر قانونگذاری (۱۲۸۴ هـ به بعد)

عصری که با نوشتن شدن اولین کتاب قانون در زمان دولت عثمانی در سال ۱۲۸۴ هـ / ۱۸۶۸ م شروع و تا به امروز ادامه دارد.

ویژگی‌های بارز فقهی این دوره عبارتست از:

۱- فعالیت های قانونی شدن آغاز شد: کتاب این دوره با عنوان «مجلة الأحكام العدلیة» اولین گام این جنبش است که به دنبال آن، سرتاسر دنیای اسلامی به سرعت به این فعالیت قانونگذاری پیوستند.

دولت عثمانی، تحت تأثیر جنبش قانونگذاری غرب، «کمیته‌ی مجله» متشکل از فقهایی مشهور و برجسته را به منظور تعیین احکام معاملات فقه حنفی تشکیل داد. این کمیته به ریاست احمد جودت پاشا در سال ۱۸۶۸ م این مأموریت را شروع کرده و پس از هشت سال کار و تلاش بی وقفه، این مجله را با ۱۸۵۱ ماده تهیه و تدارک دید. این مجله، با فرمان پادشاه از سال ۱۸۷۶ م به اجرا گذاشته شد. در سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۹۵۱ قوانین جزا، در سال ۱۸۵۸ قانون اراضی و در سال ۱۹۱۷ حقوق خانواده به آن پیوست داده شد.

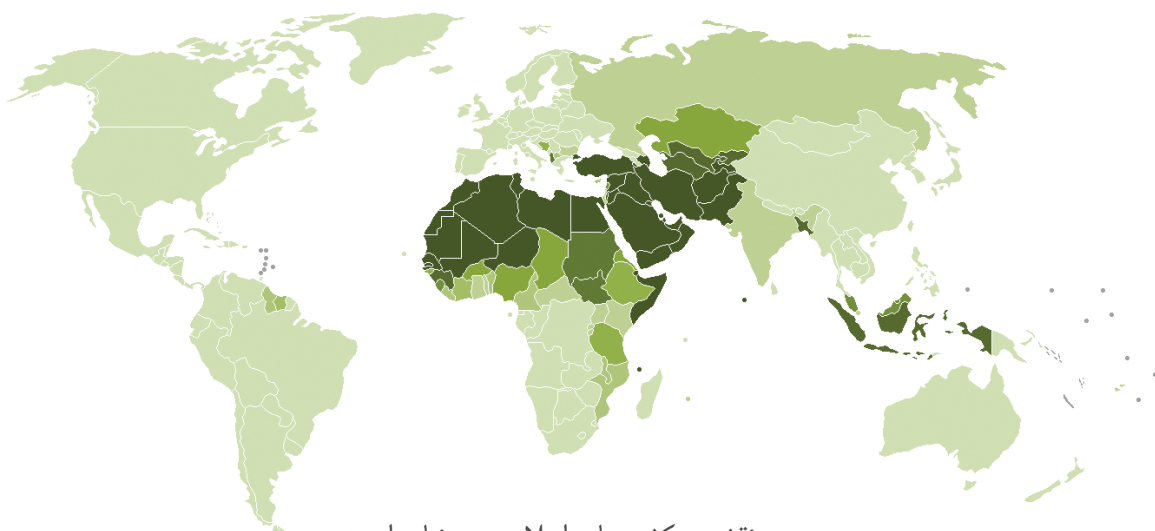
به خصوص در آئین نامهی حقوق خانواده، علاوه بر مذهب حنفی، آراء سه مذهب دیگر نیز جا داده شده است. بعضی کشورهای اسلامی دیگر نیز این فعالیت‌های قانونگذاری

دولت عثمانی، را الگو قرار دادند. اندکی بعد کشورهای مصر و سوریه نیز در عرصه‌ی حقوق خانواده و احوال شخصیه قانونگذاری را آغاز کردند.

۲- انتشار برخی کتاب‌های قدیمی که روحیه‌ی اجتهادی را تغذیه و تقویت می‌کرد: کتاب‌های علما و ائمه‌ی مذاهب و شاگردانشان از قبیل شاه ولی الله، شوکانی، ابن تیمیه، ابن قیم، ابن حزم و شاطبی برجسته و مشهور شد.

۳- نوشته شدن کتاب‌های فقهی پیرامون مذاهب چهارگانه به همراه لغتنامه و دایرة المعارف.

۴- آرائه‌ی آثاری به منظور مقایسه و مدافعه از حقوق اسلامی در برابر حقوق غربی حاکم بر عصر امروزی.



نقشه‌ی کشورهای اسلامی در دنیای امروزی

ارزیابی

- ۱- در مورد پیدایش علم فقه اطلاعاتی ارائه دهید.
- ۲- دوره‌های علم فقه را نام ببرید.
- ۳- ویژگی‌های بارز فقهی عصر صحابه را ذکر کنید.
- ۴- علت پیدایش فرقه‌های مذهبی مختلف چیست؟
- ۵- در مورد پراکندگی فرقه‌ها در دنیا اطلاعاتی ارائه دهید.
- ۶- امروزه کدام عصر فقهی جریان دارد. چه عواملی در پیدایش این عصر تأثیر گذار بوده است؟

به هم وصل کنید

۱	فتوا		برداشته شدن یک حکم
۲	تدریجی		مجلس همفکری
۳	شورا		تفاوت فکری
۴	تدوین	۱	جواب پرسش‌های فقهی
۵	نسخ		جمع آوری نوشته‌ها
۶	اختلاف		وضع قوانین به مرور زمان

سؤالات درست و غلط

- ۱- () در عصر ائمه‌ی مجتهدین، در تمام موضوعات فقهی اجتهاد صورت گرفت که این امر در پیدایش مذاهب تأثیر گذار بود.
- ۲- () مذهب مالکیه، به غیر از قاره‌ی آفریقا، رایج‌ترین مذهب فقهی در تمام دنیای اسلام است.
- ۳- () در تاریخ اسلام، عنوان «قاضی القضاة» اولین بار به ابویوسف داده شد.

جاهای خالی را پر کنید

(مالکی، عثمانی، آسیای وسطی، مجله‌ی احکام عدلیه، شافعیه، حنفیه، کوفه، زید بن زین العابدین، آناتولی، حنبلی، جعفریه، مدینه)

- ۱- مذاهب فقهی‌ای که تا به امروز ادامه دارند عبارتند از:، و
- ۲- بزرگ‌ترین فرقه‌ی شیعه که از آراء و نظرات فقهی امام جعفر صادق پیروی می‌کند، می‌باشد.
- ۳- اولین امامی که پیرامون علم فقه اولین کتاب را نوشته است؛ می‌باشد.
- ۴- اولین فعالیت قانونمداری در دنیای اسلام در دولت صورت گرفته است.
- ۵- مرکز مکتب اهل رأی شهر و مرکز اهل حدیث شهر می‌باشد.
- ۶- مذهب حنفیه در، و رایج‌ترین مذهب است.

در جاهای خالی، شهر محل زندگی مجتهد را بنویسید

مدینه	مالک بن انس	محمد بن ادریس الشافعی	
	اوزاعی	احمد بن حنبل	
	سفیان الثوری	کوفه	ابوحنفیه نعمان بن ثابت
	طبری		زید بن علی زین العابدین

جدول کلمات

(مذهب، تشریع، نسخ، شورا، مجله، رأی، اثر، شیعه، سنی، تقلید، احکام، شاخه)

س	ن	ی	ن	ن	ص	ر	أ	ی
چ	خ	ض	گ	س	ش	ا	خ	ه
ت	م	م	ت	خ	ب	هـ	ذ	م
ش	ق	ج	ش	ی	ظ	ژ	پ	ا
ی	و	ل	ر	ب	و	ی	ا	ک
ع	ا	هـ	ی	ت	ن	ر	ث	ح
هـ	س	ل	ع	د	ش	و	ر	ا

سوالات گزینه‌ی



۴- کدام یک از شخصیت‌های زیر امام مذهب فقهی‌ای است که تا به امروزه حتی به اندازه‌ی اندکی توانسته است به وجود خودش ادامه دهد؟

- الف) زید بن علی
- ب) ابو ثور
- ج) اوزاعی
- د) داوود بن علی

۱- کدام یک جزو مذاهب فقهی نیستند؟

- الف) حنفی
- ب) زیدی
- ج) اشعری
- د) حنبلی

۵- کدام یک از ویژگی‌های عصر مذاهب فقهی می‌باشد؟

- الف) عبارت‌های سخت و دشوار خلاصه شدند
- ب) فعالیت قانونگذاری آغاز شد
- ج) لغتنامه و دایرة المعارف تهیه شد
- د) برخی آثار قدیمی به منظور تقویت روحیه‌ی اجتهاد بار دیگر منتشر شدند.

۲- کدام یک از ویژگی‌های فقهی عصر خلفای راشدین است؟

- الف) نسخ احکام
- ب) اجتهاد از طریق شورا
- ج) پیدایش مذاهب
- د) ظهور اهل رأی و اهل حدیث

۶- کدام یک از موارد زیر از جمله اسباب ظهور اهل رأی در کوفه نمی‌باشد؟

- الف) شهری است که در برابر فرهنگ‌های مختلف و هرگونه توسعه‌ای باز بود.
- ب) نیازها و مشکلات زیاد
- ج) استفاده و ترویج زیاد احادیث ضعیف در بین مردم
- د) برخورداری از میراث بزرگ حدیث

۳- کدام یک از فقه‌های صحابه می‌باشد؟

- الف) ابن تیمیه
- ب) ابن رشد
- ج) ابن مسعود
- د) ابن حنبل

مكلف و مسؤوليت‌هاى او

حوزه‌هاى موضوعى:

- الف) مكلف
- ب) افعال مكلف
- ج) محدوديتها و موانع اهليت
- د) عزيمت و رخصت

مطالعات مقدماتى



- ۱- اهليت در مناسبت‌هاى روزانه، در كجاها کاربرد دارد؟ تحقيق كنيد.
- ۲- در مورد اهليت ادا و اهليت وجوب اطلاعاتى جمع آوري كنيد.
- ۳- از عبارت «مسؤوليت‌هاى مكلف» چه مى‌فهميد؟ دانسته‌هايتان را بازگو كنيد.
- ۴- در رابطه با فرض و اقسام آن از يك كتاب علم حال فقهى، اطلاعاتى جمع آوري كنيد.
- ۵- مفهوم اصطلاحات «سنت» و «مستحب» را از كتاب‌هاى فقهى بياموزيد.
- ۶- عاقل و بالغ بودن به چه معناست؟ از بزرگ‌هاى تان در اين باره پيوريد.

الف) مكلف

مكلف در اصطلاح فقهى، شخص عاقل و بالغى است كه انجام فرامين الهى و اجتناب از نواهى او را بر عهده داشته و نسبت به پيامد اعمالش مسؤول مى باشد.

در فقه به شخصى كه عقل داشته باشد؛ **عاقل** و به كسى كه به دوران بلوغ رسيده باشد؛ **بالغ** مى گويند.

شخص براى مكلف شدن و به عهده گرفتن مسؤوليت دينى، بايد اهليت داشته باشد يعنى:

الف) مسلمان ب) عاقل ج) بالغ باشد.



الف) مسلمان بودن: شخص غير مسلمان، مورد خطاب فرامين و نواهى عبادى خداوند متعال قرار نمى گيرد.

ب) عاقل بودن: دين اسلام عقل را مورد خطاب قرار مى دهد. به همين جهت ديوانگاني كه عقل ندارند و كودكاني كه به سن بلوغ نرسيده اند؛ مكلف نيستند. زيرا «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» [البقرة: ۲۸۶] «**خداوند هيچ كس را جز [به اندازه‌ي] توانش مكلف نمى سازد.**»

ج) بالغ بودن: بلوغ، يعنى خارج شدن از دوران كودكى و وارد شدن به دنياى افراد بالغ كه يكي از بزرگ‌ترين مراحل زندگى انسان‌ها مى باشد.

رسيدن به سن بلوغ همراه با تغييرات بيولوژى و تاثيرات آن - مانند احتلام در پسران، شروع عادت ماهيانه در دختران - همراه است. به اين امر **بلوغ طبيعى** مى گويند.

بلوغ، در همه‌ي انسان‌ها در يك زمان رخ نمى دهد. بلكه با تفاوت‌هاى بيولوژيك شخص و شرايط محيط و منطقه تغيير مى كند. بلوغ در دختران حداقل در نه سالگى و در پسران در دوازده سالگى اتفاق مى افتد.

دختران و پسرانى كه تا سن ۱۵ سالگى بر حسب تاريخ هجرى، نشانه‌هاى بلوغ را در خود نبينند؛^{۱۰} از آن پس مسؤوليت‌هاى دينى را به عهده گرفته و بدين ترتيب **حكماً بالغ** ناميده مى شوند.

شخص عاقلى كه به سن بلوغ مى رسد؛ از لحاظ مسؤوليت‌هاى دينى رشيد است. چنين مسلماني در مورد انجام عبادات، ادائى وظيفه دينى و اجتناب از نواهى آن مسؤول مى باشد.

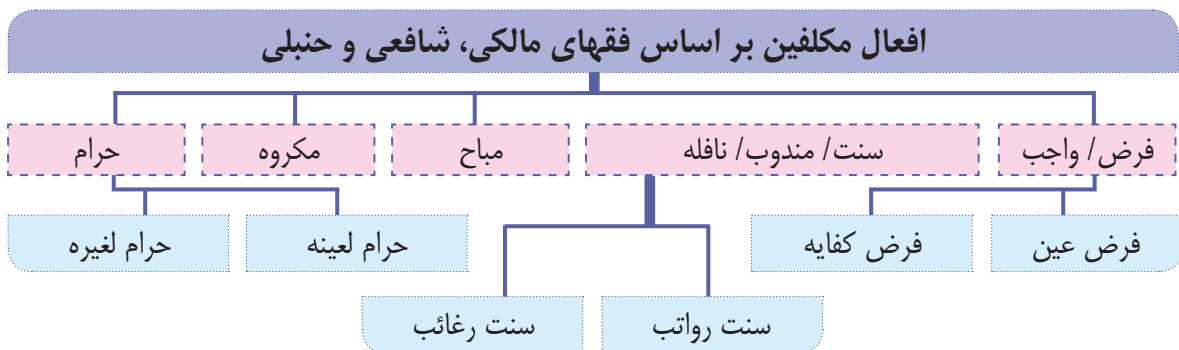
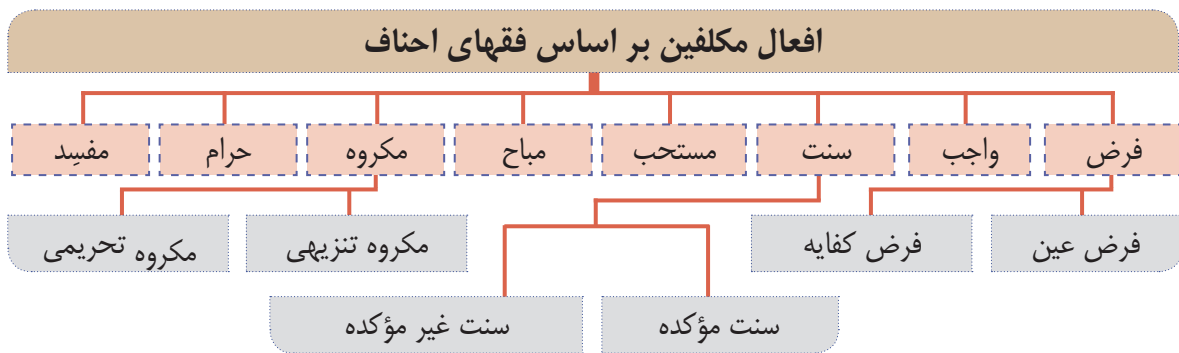
ب) افعال مكلفين

دين اسلام، از مكلف مى خواهد كه برخى امور را انجام داده، از برخى ديگر خوددارى كند و در مورد انجام دادن يا ندادن برخى امور نيز وي را آزاد گذاشته و حق انتخاب به او داده است. به احكام فرامين و نواهى دينى مرتبط با رفتار افراد مكلف، **افعال مكلفين** گفته مى شود.

افعال مكلفين به هشت قسمت تقسيم مى شود:

۱۰- اين مدت بر اساس تاريخ ميلادى، تقريباً مصادف مى شود با ۱۴ سال و هفت ماهگى شخص.

۱) فرض ۲) واجب ۳) سنت ۴) مستحب ۵) مباح ۶) مکروه ۷) حرام ۸) مفید. ۱۱



مجتهدان که از اصطلاحات متفاوتی استفاده می‌کنند؛ هر چند حساسیت یکسانی از خود نشان می‌دهند ولی فهم و درک بسیار متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند. این امر باعث ایجاد برداشت‌های غلط شده و مردم عوام گمان می‌کنند که هر یک از این مذاهب دیگری را اشتباه می‌پندارد. به عنوان مثال احناف، خواندن نماز وتر را واجب می‌دانند در حالی که فقهائى مالکی، شافعی و حنبلی آن را سنت می‌دانند. ولی با این که مجتهدان حکم مختلفی برای این نماز در نظر گرفته‌اند اما همه‌ی آن‌ها بر خواندن نماز وتر سر وقتش و پس از نماز عشا و اهمیت این نماز تأکید کرده‌اند.

الف / فرض

به کارهایی که خدا و رسولش با الفاظ واضح، قطعی و الزامی مکلف را به انجام آن فرمان داده‌اند، فرض گفته می‌شود.

آیات زیر مثال‌های فرض هستند:

«وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» [البقرة: ۴۳] «و نماز بر پای دارید و زکات را بپردازید.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» [البقرة: ۳۸۱]

«ای مؤمنان، روزه بر شما مقرر شده است، چنان که بر پیشینیان مقرر شده بود، باشد که تقوی پیشه کنید.»

۱۱- در این کتاب تقسیم بندی هشتگانه‌ی فقهائى احناف اصل قرار داده شده است. کلمه‌ی واجب که علمای مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی به کار می‌برند؛ نزد احناف شامل فرض و واجب شده و کلمه‌ی مندوب نیز شامل سنت و مستحب می‌گردد.

با توجه به این آیات، خواندن نماز به شکل درست، پرداخت زکات و گرفتن روزه بر تمام مکلفانی که شروط تکلیف را دارند؛ الزامی می‌باشد.

فرض‌ها، از لحاظ این که به صورت فردی یا گروهی انجام شوند، به دو گروه فرض عین و فرض کفایه تقسیم می‌شوند.

بیشتر بدانیم



گاهی اوقات فرض کفایه می‌تواند تبدیل به فرض عین شود. به عنوان مثال شغل پزشکی فرض کفایه است. پزشک می‌تواند مرخصی گرفته و به تعطیلات برود. اگر در منطقه‌ای که پزشک آن جا در تعطیلات به سر می‌برد، نیاز به مداخله‌ی فوری پزشکی باشد و در آن جا پزشک دیگری وجود نداشته باشد؛ این پزشک باید بلافاصله مداخله و رسیدگی کند، زیرا وظیفه‌ی پزشکی که یک فرض کفایه است، در چنین حالتی برای آن دکتر تبدیل به فرض عین می‌شود.

۱- فرض عین: فرضی که هر مکلف باید شخصا انجام دهد. مانند نماز پنج وقت، روزه‌ی رمضان و زکات برای شخص توانمند.

۲- فرض کفایه: فرضی که نه توسط تک تک بلکه توسط گروه یا جماعتی از آنان باید انجام شود. اگر در یک منطقه‌ای فرض کفایه توسط هیچ کس انجام نشود؛ تمام مکلفین آن منطقه گناهکار شده و در برابر آن مسئول هستند. مانند خواندن نماز جنازه، جهاد در راه خدا، دادن جواب سلام، شهادت دادن، امر به معروف و نهی از منکر، تحصیل در رشته‌ی پزشکی و یاد گرفتن صنایع مورد نیاز انسان‌ها. ثواب فرض کفایه فقط متعلق به انجام دهنده‌ی آن است.

حکم فرض: قطعاً باید انجام شود. کسی که فرضی را انکار کند یا آن را به تمسخر بگیرد؛ حکمش خروج از دین است.

کسی که فرض را ادا می‌کند؛ به خاطر ادای فرامین الهی ثواب می‌برد، کسی که بدون هیچ عذری فرضی را ترک کند؛ مرتکب حرام شده و به خاطر ترک آن در آخرت مستحق عذاب می‌باشد.

عبادت‌ی که با نقص در ارکان یا شروطش ادا شود؛ غیر قابل قبول است. به همین خاطر باید دوباره و به صورت کامل و درست ادا شود. به عنوان مثال اگر یکی از فرائض نماز ترک شود؛ گویی اصلاً آن نماز را نخوانده است. باید در همان وقت دوباره ادا شود وگرنه قضا می‌شود.

ب/ واجب

فعلی که از لحاظ دلیل به اندازه‌ی فرض قطعی نبوده ولی انجامش ضروری می‌باشد. از آن جایی که واجب، با دلیل ظنی از مکلف خواسته می‌شود؛ یک درجه پایین‌تر از فرض است. مانند خواندن نماز وتر و نماز عید، دادن صدقه‌ی فطریه در رمضان، خواندن فاتحه در نماز، قربانی کردن در عید قربان.

مانند آیه‌ی «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» [الکوتر: ۲] «پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن.» در این جا مخاطب اصلی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می‌باشد و قربانی کردن برای ایشان فرض است. چون در مورد فراگیر بودن چنین فرامینی در مورد تمام مسلمانان بحث و اختلاف نظر هست؛ بنابراین قربانی به عنوان یک عبادت واجب مورد قبول قرار گرفته شده است.

بنا به مذهب احناف، قرائت در نماز فرض و تلاوت سوره‌ی فاتحه واجب می‌باشد، چون این آیه بیانگر قطعیت خواندن قرآن در نماز می‌باشد: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» [المزمل: ۲۰] «پس آن چه میسر باشد از قرآن بخوانید.» خواندن سوره‌ی فاتحه در نماز نیز با این حدیث ثابت شده است: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^{۱۲} «بدون فاتحه نماز درست نیست.»

از آن جایی که می‌توان از این برداشت کرد که «نماز بدون فاتحه تمام و کمال نخواهد بود» بنابراین حکم خواندن سوره‌ی فاتحه در نماز واجب تعیین شده است.

حکم واجب: واجب نیز مانند فرض باید ادا شود ولی چون با یک دلیل قطعی اثبات نمی‌شود؛ منکران واجب از دین خارج نشده و فقط مرتکب گناه کبیره می‌شوند.

کسی که عمل واجبی را انجام می‌دهد؛ به خاطر ادای فرامین الهی ثواب کسب کرده و در صورتی که بدون عذر آن را ترک کنند، مرتکب عمل مکروه تحریمی شده و در آخرت عذاب می‌شوند.

اگر در حین عبادت، واجبی ترک شود، با این که آن عمل دچار نقص و کاستی شده است ولی آن عمل همچنان صحیح شمرده می‌شود و شاید بتوان به گونه‌ی دیگری آن را تلافی کرد. به عنوان مثال اگر یکی از واجبات نماز ترک شود؛ سجده سهو انجام شده و نماز صحیح می‌شود.

ج/ سنت:

عبارتست از گفتار، کردار و تقریر - تأیید - پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به غیر از فرض و واجب که خودش انجام داده یا به انجام آن تشویق کرده است. اگر این افعال در رابطه با عبادت باشد به آن «سنت هدی» گفته می‌شود. اذان، نماز جماعت، نمازهای سنت پنج وقت از این دسته سنت‌ها هستند.

سنت به دو دسته‌ی مؤکده و غیر مؤکده تقسیم می‌شود.

۱- سنت مؤکده: به اعمالی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) همیشه یا بیشتر اوقات انجام داده و یا برای بیان عدم الزامی بودنشان، به ندرت آن‌ها را ترک کرده است؛ می‌گویند. مانند شستن دهان و بینی در حین وضو گرفتن، خواندن نماز جماعت، خواندن نمازهای سنت صبح، ظهر و عشا و هم چنین نماز تراویح.

۲- سنت غیر مؤکده: به سنت‌هایی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) گاهی انجام داده و گاهی ترک کرده یا بیشتر اوقات انجام داده و بعضاً ترک کرده است؛ گفته می‌شود. مانند سنت نماز عصر، سنت اول نماز عشا

از لحاظ ادای فردی یا گروهی، سنت به دو بخش سنت عین و سنت کفایه تقسیم می‌شود. اعتکاف دهه‌ی اخیر ماه رمضان و خواندن نماز تراویح در مسجد از نمونه‌های «سنت کفایه» هستند.

حکم سنت: کسی که سنت‌ها را انجام دهد ثواب کسب می‌کند.

ترک فردی سنتی مانند نماز جماعت که جزو شعائر دینی است، ایرادی ندارد اما نباید به صورت گروهی جماعت ترک و مورد سهل انگاری قرار گیرد.

ترک عمدی سنت موجب مجازات و عقاب می‌شود گویی امری مکروه انجام داده است. باید در انجام سنت‌های عبادات تلاش کرد.

مسلمان راستین، باید تا جایی که در توان دارد به خاطر فرمان الهی از پیامبرش پیروی کرده و سنت‌هایش را به جای آورد. با توجه به آیه‌ای مانند «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» [آل عمران: ۳۱] «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان بیامرزد و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.» و حدیثی مانند «کسی که سنتم را احیا و زنده کند، مرا دوست داشته و کسانی که مرا دوست دارند در بهشت همراه من محشور خواهند شد» بیانگر لزوم پایبندی مسلمان به سنت می‌باشد.

د/ مستحب:

عبارتست از افعالی که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) همواره انجام داده ولی امتش را به انجام آن فرمان نداده است و یا خود گاهی انجام داده و گاهی آن را ترک کرده اما اصحابش را به انجام آن تشویق نموده است. مستحبات، به طور کلی به آداب و اصول اخلاقی عبادات مرتبط است.

تأخیر نماز ظهر در فصل‌های گرم جهت سهولت در انجام عبادت و تأخیر ادای نماز صبح تا روشن شدن اندک هوا جهت تشویق مردم به ادای آن با جماعت، از جمله مستحبات می‌باشند.

در کتاب‌های فقهی به جای اصطلاح مستحب، عباراتی مانند مندوب، سنن زوائد، تطوع و نافله استفاده شده است ولی نباید فراموش کرد که بین این اصطلاحات اندک تفاوتی هم وجود دارد.

اصطلاحات دیگر نزدیک به مستحب:

مندوب: افعالی که خدا و رسولش به صورت غیر اجباری و غیر الزامی انجام آن را از ما خواسته یا توصیه کرده‌اند. مانند وجود شاهد در طلاق و مهلت دادن به بدهکار. بسیاری از فقها آیات مربوط به نوشتن قرارداد تجاری را نیز مندوب می‌دانند.

سنن زوائد: افعال ناشی از انسان بودن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که ماهیت دینی ندارد. انجام چنین افعالی الزامی نیست، فقط به خاطر محبت و به امید کسب ثواب می‌توان آن را انجام داد. به عنوان مثال سوار شدن پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - بر شتر و زانو نشستن ایشان.

نافله: انجام دادن آن مثل فرض اجباری نیست، یعنی انجام دادن بیش از آنچه باید انجام شود. مانند خواندن نماز اوایین، گرفتن روزه‌ی نافله‌ی روز عرفه.

تطوع: اصطلاح فقهی است که به معنای انجام کارهایی به غیر از فرض و واجب که پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - به صورت داوطلبانه انجام داده، یا از آن استقبال کرده، یا گاهی انجام داده و گاهی ترک نموده و کارهایی که سلف صالح آن را دوست داشته و انجام داده‌اند؛ کاربرد دارد. این اصطلاح اکثر مترادف با نافله به کار می‌رود.

حکم مستحب:

کسی که یک عمل مستحب را به خاطر محبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم)، احترام و انتساب به ایشان انجام دهد؛ ثواب کسب می‌کند، کسی هم که از انجام یک کار نیکو خودداری کند؛ از ثواب آن محروم می‌ماند ولی مستحق عقاب و عذاب نمی‌شود.

از آن جایی که ترک مستحبات به صورت مداوم ممکن است منجر به ترک فرائض، واجبات و سنت‌ها گردد؛ کار درستی نیست. اگر شخص در مورد مکان و جزئیات انجام یک کار مستحب اطلاعاتی داشته باشد ولی با این حال آن را انجام ندهد؛ مرتکب مکروه تنزیهی شده است.

هـ/ مباح

اموری که خداوند متعال انسان را در انجام یا عدم انجام آن آزاد و مختار گذاشته است. انجام یا ترک چنین مواردی گناه یا ثواب ندارد. هیچ گونه ستایش یا توبیخی شامل مکلفی که چنین کارهایی را انجام یا ترک کند؛ نمی‌گردد. به این موارد حلال یا جایز هم گفته می‌شود. مانند نشستن، خوابیدن، خوردن چیزهای حلال. مباح‌ها بی‌نهایت زیاد هستند زیرا اصل در اشیا اباحت است، حرام هم یک استثنا می‌باشد.

دیگر اصطلاحات نزدیک به مباح:

جائز: به معنای عملی است که شرعاً مجاز است. مانند «نگاه کردن به چهره‌ی دختری که قصد ازدواج با او را دارد، صحبت کردن سر سفره و جمع آوری قارچ در کوه».

مفهوم «غیر مجاز» مفهومی گسترده است و شامل مکروه و حرام می‌شود. مثال:

از نظر فقها خواستگاری یا ازدواج با دختری که قبلاً شخص دیگری از او خواستگاری کرده و قصد ازدواج با او را دارد و تقلب دانش آموز در امتحان کتبی جائز نیست.

حلال: چیزی که شرعاً مجاز است و در مورد آن هیچ محدودیتی وجود ندارد. در مفهوم مخالف حرام، برداشتن ممنوعیت و آزاد بودن انجام یک فعل به کار می‌رود.

بحث و گفتگو کنید

دویدن قاعدتا مباح است. در مورد علت مباح نبودن دویدن در موارد زیر در صنف بحث و گفتگو کنید:

- ❖ دویدن برای رسیدن به نماز جماعت.
- ❖ دویدن برای گرفتن و کشتن شخصی که وی را عصبانی کرده است.
- ❖ دویدن برای تعقیب دشمن در حین جهاد.
- ❖ دویدن با لباس‌های بدن نما در حین ورزش.



حکم مباح: انجام دادن یا ترک یک عمل مباح، نه ثواب دارد و نه گناه ولی اگر انجام یا ترک یک عملی که در اصل مباح است؛ ضرری را به همراه داشته باشد، در این جا حکمش تغییر می‌کند.

کسی که به خاطر نخوردن غذا در حال مرگ باشد؛ غذا خوردن برای او فرض است. تا جایی که به شخصی که از شدت گرسنگی در حال مرگ است؛ رخصت داده شده است تا از چیزهای حرام به اندازه‌ی نیاز - که مانع از مرگش شود - بخورد، زیرا هیچ کس حق ندارد جان خود را به خطر و هلاکت بیاندازد.

و/مکروه

در لغت به معنای چیز ناخوشایند، ناپسندیده و زشت می‌باشد. در اصطلاح به اموری که به خاطر دلیل غیر قطعی - ظنی - ممنوع شده و به گفتار یا کرداری که به ترک آن امر شده است؛ گفته می‌شود.

مکروه‌هایی که در ادبیات دینی و به ویژه در حوزه‌ی عبادت به کرات ذکر شده‌اند؛ به منظور دوری از کارهای حرام و زشت و با هدف معنا بخشیدن به فرایض دینی و اجرای مفیدتر آن، نقش حمایتی دارند. هم چنین اجتناب از مکروهات، از لحاظ اجرای توصیه‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نیز بسیار اهمیت دارد

مکروه به دو دسته‌ی مکروه تحریمی و مکروه تنزیهی تقسیم می‌شود:

الف) مکروه تحریمی: مکروهی که نزدیک به حرام است، مانند ترک واجبات نماز. با توجه به حدیث «شخص بدون اجازه‌ی برادرش، بر معامله‌ی او، معامله‌ی خرید و فروش دیگری انجام ندهد و از دختری که به قصد ازدواج از وی خواستگاری شده است؛ خواستگاری نکند»؛ «انجام معامله‌ی خرید و فروش بر معامله‌ی خرید و فروش دیگری» و «قرابت بر روی قرابت» - یعنی خواستگاری بر روی خواستگاری - نهی شده است. از آن جایی که این حدیث بر اساس نظر مجتهدان به صورت خبر واحد که یک دلیل ظنی است؛ روایت شده، حکم آن مکروه تحریمی می‌باشد.

ب) مکروه تنزیهی: مکروهی که نزدیک به حلال است. مانند: تمیز کردن بینی با دست راست حین وضو گرفتن، ترک سنت‌ها و آداب نماز و انداختن آب دهان در خیابان. چنین رفتارهایی نشانه‌ی عدم توجه مکلف به عباداتی که انجام می‌دهد و عدم تربیت وی می‌باشد و در صورت تکرار آن، با چنین شخصی برخورد می‌شود.

حکم مکروه:

کسی که به خاطر رضای الله مکروهی را ترک کند، ثواب کسب می‌کند. اصرار بر انجام مکروهات با گذشت زمان باعث انجام محرمات می‌گردد. انجام مکروهات تحریمی مجازات در آخرت را به همراه دارد، ولی کسی که این حکم را انکار کند؛ از دین خارج نمی‌شود. انجام کاری که مکروه تنزیهی است نیازی به عذاب و نکوهش ندارد، ولی بهتر است انجام نشود.

ح) حرام

مخالف حلال است. به چیزی که شرع قطعاً از انجام آن نهی کرده است؛ حرام گفته می‌شود، مانند نوشیدن شراب، قماربازی، دزدی، زنا و دروغ. با توجه به این آیه:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» [الإسراء: ۳۲].

«و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره - کاری - زشت و بد راهی است.»

از فحشا و راه‌هایی که منجر به فحشا می‌گردد، نهی شده است.

چیزهایی که دین حرام می‌داند و به دوری از آن امر می‌کند، به منزله‌ی محرومیت مسلمان نیست، برعکس نشاندنده‌ی جایگزین مشروع، بهتر و پاکتر برای آن چیز ممنوع می‌باشد. از چیزهای زشت و بد نهی شده و چیزهای خوب و پاک حلال شده است.

ترک فرض‌ها، یعنی اموری که قطعاً به انجام آن امر شده است - مانند ترک نماز، ترک روزه‌ی ماه رمضان - حرام است.

اقسام حرام: حرام بسته به این که حرمت در اصل آن چیز یافت می‌شود یا خیر؛ به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف / حرام لعینه (لذاته): ضرری که در اصل یک چیز بوده و به هیچ وجه از آن جدا نمی‌شود، افعالی که خدا و رسولش به خاطر بدی و ناپاکی آن‌ها، حرام دانسته‌اند. حرام لعینه عبارتست از رفتارهایی که قرآن و سنت به صورت قطعی حرمت آن را اعلام کرده، به ترک آن فرمان داده و هر چیزی که به اموری که شرعا به حفظ آن دستور داده شده‌ایم؛ ضرر برساند که عبارتند از: جان، مال، عقل، دین و نسل. کشتن افراد به ناحق، قماربازی، زنا، دزدی، خوردن گوشتی که شرعا مردار محسوب می‌شود و ازدواج با خواهر/ برادر شیرینی که شرعا ازدواج با آنان حرام است، از نمونه‌های حرام لذاته می‌باشد.

ب / حرام لغیره: مواردی که در اصل مشروع است، اما با وجود حلال بودن به خاطر یک دلیل خارجی حرام می‌شود. به عنوان مثال: گوشت گوسفندی که عمدا بدون گفتن بسم الله ذبح شده است؛ حرام است. علت حرمت گوشت این گوسفند؛ خود گوسفند نیست بلکه به دلیل عدم گفتن بسم الله در حین ذبح حرام شده است.

علت حرمت خوردن سببی که متعلق به شخص دیگری است؛ خود سبب نیست بلکه به خاطر این است که صاحب آن، اجازه‌ی خوردن آن را به ما نداده است.

حکم حرام:

کسی که مرتکب حرامی شود؛ گناهکار محسوب می‌شود و تا زمانی که توبه‌اش قبول نشود؛ در آخرت مجازات خواهد شد.

در دین ما، حلال شمردن چیزی که حرام است به منزله‌ی خروج از دین می‌باشد. کسی که به خاطر ترس از خدا از حرام دوری کند؛ ثواب کسب می‌کند.

مسلمان واقعی، به صرف نظر از شرایط خارجی و وضعیت جامعه می‌بایست در هر مکان و زمانی استوار بوده و احکام دینی را تطبیق دهد. دوری از حرام، واسطه‌هایی که منجر به حرام می‌شود، چیزهایی که شبهه‌ی حرام بودن را در خود دارند و کسب درآمد حرام؛ باعث محبوب شدن شخص نزد خداوند متعال و باتقوا شدنش می‌گردد.

این حدیث شریف، بیانگر امکان نجات با اجتناب و دوری از حرام چنین می‌باشد:

«إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِزِّهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ»^{۱۳}

«حلال واضح و آشکار است، حرام هم واضح و آشکار است، میان این دو، امور متشابهی است که بسیاری از مردم آن‌ها را نمی‌دانند، پس کسی که از شبهه‌ها دوری کند؛ دین و ناموسش را حفظ کرده است و کسی که در دام شبهه‌ها بیفتد؛ مرتکب حرام شده است، مانند چوپانی که دامش را اطراف منطقه‌ی قرق شده می‌چراند و نزدیک است که دام در آن بچرد، آگاه باشید که هر ملک و پادشاهی منطقه‌ی ممنوعه‌ای دارد و منطقه‌ی ممنوعه‌ی خداوند متعال محارمش می‌باشد.»

۱۳- بخاری، البيوع، ۲، مسلم، المساقات، ۲۰.

ط / مفسد

مفسد (فسادگر)، رفتاری است که انجام آن باعث خراب شدن و فساد عبادتی می‌شود که از ابتدا بر اساس آداب و اصولش شروع شده است، مانند: صحبت کردن وسط نماز، خوردن عمدی در وقت روزه داشتن.

صحیح، مخالف مفسد است. انجام یک عبادت بر اساس شروط و آدابش که بدین ترتیب صحیح و قابل قبول می‌شود. عبادات باید به این شکل ادا شود.

حکم مفسد: انجام کار مفسد بدون عذر و از روی قصد گناه محسوب می‌شود و باید سعی کند تا تلافی کند.

اگر عمل مفسد از روی اشتباه صورت گیرد؛ گناه و عذاب ندارد.

عبادت‌ی که به صورت فاسد و غیر قابل قبول انجام شود؛ با اعاده، قضا و گاهی با پرداخت کفاره تصحیح و قابل قبول می‌گردد. مانند کسی که عمداً روزه‌ی ماه رمضان را شکسته است و برای نجات از گناه آن، باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

ج) موانع و محدودیت‌های اهلیت

اهلیت، به معنای شایستگی و صلاحیت شخص برای انجام یک کار می‌باشد. اهلیت به دو بخش اهلیت وجوب و اهلیت اداء تقسیم می‌شود.

اهلیت وجوب: عبارتست از صلاحیت به‌رمندی از حقوق شهروندی ناشی از انسان بودن شخص و هم چنین صلاحیت برخورداری از حقوق و آزادی‌ها. انسان از لحظه‌ای که سالم متولد می‌شود؛ از اهلیت وجوب برخوردار می‌گردد. به صرف نظر از وضعیت عقلی و جسمی شخص؛ هر انسان زنده‌ای از این چنین اهلیتی برخوردار می‌باشد.

اهلیت اداء: به معنای صلاحیت استفاده‌ی شخص از حقوقش می‌باشد. یعنی شایستگی انجام کارهایی که از لحاظ شرعی و حقوقی معتبر می‌باشد. اهلیت ادا بر مبنای عقل و قدرت تمییز می‌باشد. تمییز بدین معنا که شخص به طور کلی خوبی را از بدی و فایده را از ضرر تشخیص دهد.

گاهی اوقات اهلیت یا تماماً از بین می‌رود یا محدود می‌شود. محدودیت‌ها و موانع اهلیت عبارتند از:

۱- عوارض سماوی (آسمانی): عبارتست از موانع اهلیتی که در نتیجه‌ی اراده‌ی کلی که خارج از چارچوب اراده‌ی انسان می‌باشد؛ ایجاد می‌گردد. عوارض سماوی، ممکن است ناشی از یک ناتوانی جسمی، بیماری خیلی سخت، مشکلات و ناتوانی ذهنی، خواب یا بیهوشی که موجب از کار افتادگی هوش و حواس می‌گردد، فراموشی، از دست دادن موقت حافظه، پیری و حالاتی مانند زوال عقل و حماقت باشد. پروردگار متعال در چنین حالاتی ما را از کارهایی که انجام آن ضروری است و نیز از عبادات، معاف داشته است.

۲- عوارض کسبی: عبارتست از موانع اهلیتی که در نتیجه‌ی اراده‌ی انسان ایجاد می‌گردد. عوارض کسبی، ناشی از بی اطلاعی و ناآگاهی، مستی، قرار گرفتن تحت فشار اجبار و تهدید، اسیر شدن در دست دشمن، زندانی شدن، سفیه و بی‌خردی و وضعیت‌هایی مانند تشنگی و گرسنگی شدید؛ می‌باشد. اگر چنین حالاتی با اجبار شخص دیگری صورت بگیرد؛ مسئولیت نزد خداوند متعال کاملاً ساقط می‌گردد. اما اگر شخص با اراده و خواسته‌ی خودش مست شود یا از مواردی که باید می‌دانسته؛ اطلاع نداشته باشد، در این صورت مسئول است.

د) عزيمت و رخصت

عزيمت در لغت: به معنای «کاری را قاطعانه و با عزم انجام دادن» و **رخصت** نیز «آسانی و راحتی اعمال شده در مواقع حرج و دشواری و اجازه‌ی انجام خلاف دستور» می‌باشد. مخالف عزيمت، رخصت است.

اصل آن است که شخص تا جایی که در توان دارد بر اساس عزيمت رفتار کند زیرا تمام مسؤوليتها؛ کم یا زیاد با خود سختی و مشقت دارند. تحمل سختی‌های معمولی ضروری است ولی اگر انجام یک عبادت یا تکلیف شرعی باعث ایجاد مشکلی خارج از توان طبیعی یک فرد شود، در آن صورت راه آسان‌تر در پیش گرفته شده و رخصت اعمال می‌شود.

رخصت‌ها بیانگر اذن و اجازه هستند. به عنوان مثال روزه گرفتن مكلف، یک عزيمت است اما در وقت بیماری یا سفر به دلیل مشقت و سختی و به منظور آسانگیری، اجازه داده شده تا روزه نگیرند و در عوض وقتی به حالت عادی برگشتند؛ می‌بایست قضای آن روزهایی که روزه نگرفته‌اند را به جای آورند. با این که خوردن گوشت خوک و نوشیدن شراب در اصل حرام می‌باشد اما برای کسی که از شدت تشنگی یا گرسنگی با خطر مرگ مواجه است؛ مباح است که به اندازه‌ی رفع خطر مرگ، از گوشت خوک یا شراب بخورد.



نکته:

عزيمت: حکم اصلی‌ای که هر مكلف باید در شرایط معمولی انجام دهد.

رخصت: حکم موقت و تخفیفی که به دلایلی مانند مشقت، ضرورت و نیاز، امکان ترک حکم عزيمت را به افراد خاصی می‌دهد.

رخصت‌های زیادی برای تکالیف سختی مانند وضو و نماز در نظر گرفته شده است. این رخصت‌ها، پیامدهای طبیعی این دینی است که دین رحمت و آسانی می‌باشد و هم چنین بیانگر این است که خداوند متعال برای بندگان آسانی می‌خواهد نه سختی. به عنوان مثال اگر حین سفر آب پیدا نشد، هوا خیلی سرد بود یا رسیدن به آب خطر جانی و مالی به همراه داشته باشد، به جای وضو باید تیمم کرد.

رخصت در دو حالت صورت می‌گیرد:

الف) رخصت انجام کار حرام: یک کار حرام ممکن است به خاطر ضرورت یا نیازی که در حد ضرورت است؛ تبدیل به مباح یا حتی حلال گردد. در برخی وضعیت‌هایی که به انجام کار حرام رخصت داده می‌شود؛ مكلف در انتخاب حکم عزيمت یا استفاده از رخصت آزاد است. کسی که با خطر مرگ مواجه است؛ این رخصت را دارد که ایمانش را مخفی کرده و عبارات کفرآمیز را به زبان بیاورد اما این شخص اگر با عزيمت و استواری عمل کرده و بر آشکار کردن ایمانش مقاومت کند؛ اگر کشته شود شهید می‌شود.

ب) رخصت ترک واجب: اگر مكلف در انجام کار فرضی با سختی و مشقت مواجه شود، برای ترک این فرض نیز رخصتی در نظر گرفته شده است. مانند: نشسته نماز خواندن بیمار، روزه‌ی قضایی گرفتن، ادای نماز برای کسی که خونریزی‌اش ادامه دارد، روزه‌ی قضایی و نماز قصر برای مسافران، مسح بر روی بانداژی که بر روی زخم باز گذاشته شده در حین وضو و غسل.

ارزيابى

- ۱- مكلف را تعريف كنيد.
- ۲- به چه چيزى واجب مى گويند؟ آيا بين فرض و واجب تفاوتى وجود دارد؟
- ۳- سنت مؤكده و غير مؤكده به چه معناست؟ هر کدام را با مثال شرح دهيد.
- ۴- در مورد رفتارها و اعمال مستحب اطلاعاتى بدهيد و حكم آن را بيان كنيد.
- ۵- مكروه را تعريف كرده انواعش را بيان كنيد.
- ۶- اقسام حرام را به همراه ذكر مثال شرح دهيد.
- ۷- براى عوارض سماوى و كسبى مثال بزنيد.
- ۸- عمل كردن طبق رخصت به چه معناست؟ چه زمانى بايد طبق رخصت عمل كرد؟ شرح دهيد.

به هم وصل كنيد

۱	مكلف	چيزى كه به حلال نزديك است اما زشت و ناپسند شمرده مى شود.
۲	مكروه تنزيهى	بالاى ۱۵ سال بالغ شمرده شود.
۳	تطوع	كارى كه انجام آن شرعا مناسب باشد.
۴	بلوغ حكمى	كارهاى كه انسان با اراده خود انجام دهد.
۵	جائز	كارهاى كه انسان داوطلبانه و قلبا انجام دهد.
۶	مكتسب	مسئوليت در قبال كارهاى كه انجام مى دهد.

سؤالات درست و غلط

- ۱- () عزيمة، حكم موقت و تخفيفى است كه به دلایلى مانند مشقت، ضرورت و نیاز، به افراد خاصى داده مى شود.
- ۲- () به امورى مانند مستى كه مانع درست كار كردن عقل انسان براى مدتى شده و با اراده خود انسان صورت مى گيرد؛ عوارض سماوى مى گويند.
- ۳- () براى كارهاى كه سلف صالح دوست داشته و به خاطر رغبته و تمایلشان انجام مى دادند؛ عبارت تطوع به كار مى رود.

کامل کنید

(معاملات، احکام تعبدی، عبادات، فقها، عقوبات، فرائض)

- ۱- احکام مربوط به تقسیم میراث در فقه با عنوان بررسی می شود.
- ۲- به کسانی که احکام دینی را با دلایلش می دانند و با استناد به دلایل شرعی حکم استنباط می کنند؛ می گویند.
- ۳- به احکام فقهی ای که در آیات کریمه و احادیث شریفه به صورت واضح و روشن بیان شده و احکامش هیچ گاه تغییر نمی کند؛ می گویند.
- ۴- موضوع اصلی فقه، و می باشد.

در جاهای خالی احکام هر یک را بنویسید

خواندن نماز جنازه	فرض کفایه	انداختن آب دهان	مکروه
سخن گفتن در نماز		ریش گذاشتن	
راه رفتن	مباح	سلام کردن	
رفتن حج برای ثروتمند		خواندن نماز ضحی	

بازی با کلمات

(مکروه، مندوب، حلال، مستحب، رخصت، عزیمت، حرام، سنت، واجب، جائز)

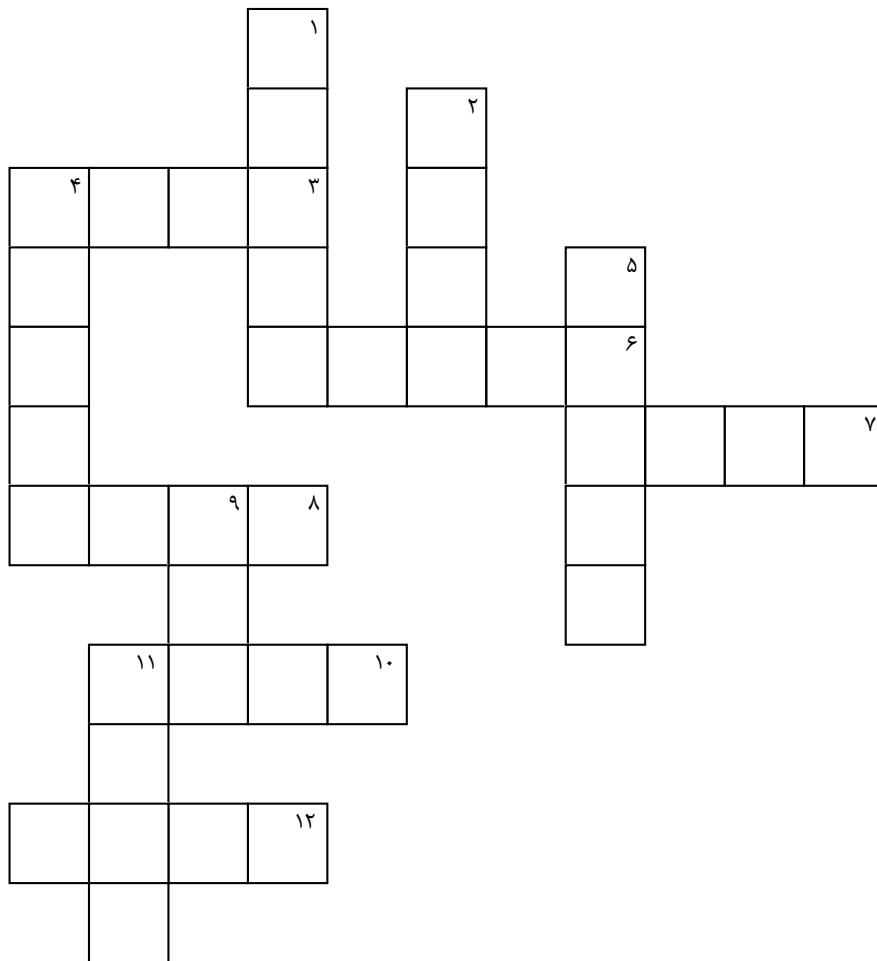
ب	ر	پ	ح	ل	ا	ل	ج	ذ
ل	خ	د	ز	س	ن	ص	ش	ر
گ	ص	ک	ق	م	ن	د	و	ب
ن	ت	م	ی	ز	ع	غ	ح	ف
ز	ج	ا	ئ	ز	خ	ت	ن	س
م	ک	ر	و	ه	س	ض	ظ	ل
و	ژ	ح	پ	م	و	ا	ج	ب



سوالات گزینه یی

- ۱- کدام یک به معنای صلاحیت بهرمندی از حقوق شهروندی ناشی از انسان بودن شخص و هم چنین صلاحیت برخورداری از حقوق و آزادی‌ها می‌باشد؟
 - الف) عوارض سماوی
 - ب) اهلیت اداء
 - ج) عوارض کسبی
 - د) اهلیت وجوب
- ۲- به انجام حکم اصلی توسط مکلف در شرایط عادی چه می‌گویند؟
 - الف) عزیمت
 - ب) رخصت
 - ج) اهلیت
 - د) فرض
- ۳- کدام یک جزو حرام لغیره محسوب می‌شود؟
 - الف) کشتن شخص به ناحق.
 - ب) خوردن گوشتی که شرعاً مردار محسوب می‌شود.
 - ج) ازدواج با خواهر / برادر شیرینی.
 - د) خوردن گوشت گوسفندی که بدون ذکر بسم الله ذبح شده است.
- ۴- کدام یک فرض کفایه نیست؟
 - الف) شهادت دادن
 - ب) اقامه خواندن پیش از ادای نماز فرض
 - ج) دادن جواب سلام
 - د) جهاد در راه خدا
- ۵- کدام یک بنا به رأی جمهور (فقه‌های مالکی، شافعی، حنبلی) جزو افعال مکلفین نیست؟
 - الف) مندوب
 - ب) فرض
 - ج) مفسد
 - د) مباح
- ۶- در کدام یک سن رسیدن به بلوغ درست ذکر شده است؟
 - الف) دختر: ۹-۱۲، پسر: ۱۲-۱۴
 - ب) دختر: ۱۰-۱۲، پسر: ۱۲-۱۴
 - ج) دختر: ۹-۱۰، پسر: ۱۲-۱۵
 - د) دختر: ۱۰-۱۴، پسر: ۱۲-۱۵

جدول كلمات



- ۱- قول يا فعلی که انجام آن به وسیله‌ی یک دلیل غیر قطعی (ظنی) ممنوع یا به ترک آن امر شده است.
- ۲- شخص عاقل و بالغی که مسئول انجام دستورات دینی و دوری از انجام منهیات آن می‌باشد و مسئولیت پیامد افعال خود را به عهده دارد.
- ۳- حکم موقت و تخفیفی که به دلایلی مانند مشقت، ضرورت و نیاز، امکان ترک حکم عزیمت را به افراد خاصی می‌دهد.
- ۴- تشخیص خوبی از بدی و ضرر از فایده به طور کلی توسط شخص.
- ۵- افعالی که خدا و رسولش به صورت غیر قطعی و غیر الزامی به انجام آن توصیه کرده‌اند.
- ۶- انجام کارهایی بیشتر از امور فرض و اجباری.
- ۷- شخصی که برای استفاده از حقوق خود به سن قانونی رسیده است.
- ۸- افعالی که انجام آن شرعا مجاز است.
- ۹- برخورداری و استفاده‌ی شخص از حقوقش، قدرت توانایی انجام کاری.
- ۱۰- چیزی که انجام آن شرعا و قطعا ممنوع شده است.
- ۱۱- کاری که انجام یا ترک آن ثواب یا گناهی ندارد.
- ۱۲- افعالی که شرعا مجاز است و در مورد آن محدودیتی وجود ندارد.

طهارت

حوزه‌های موضوعی:

الف) تعریف و اهمیت طهارت و پاکیزگی

ب) اقسام طهارت

ج) نجاست و حدث

د) وضو

هـ) غسل

و) تیمم

ی) مسح بر روی موزه و بانداز

مطالعات مقدماتی



- ۱- درباره‌ی اهمیت پاکیزگی در سلامت انسان گفتگو کنید.
- ۲- پیرامون اهمیت اسلام به پاکیزگی چه چیزهایی می‌توانید بگویید.
- ۳- پاکیزگی معنوی به چه معناست؟ تفکرتان را در این باره بیان کنید.
- ۴- از کتاب‌های فقهی درباره‌ی مواردی که به غسل نیاز دارد، اطلاعات کسب کنید.
- ۵- معنای یک آیه درباره‌ی نظافت را از ترجمه‌ی قرآن کریم بیاموزید.

الف) تعریف و اهمیت طهارت و پاکیزگی

طهارت هم از لحاظ سلامت انسان و هم از لحاظ ادای عبادات، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. از نظر اسلام، تزکیه و پاکسازی باید هم از ناپاکی‌های مادی، هم از رفتارهای زشت و هم از اعتقادات و تفکرات نادرست حاصل شود.

۱- معنای لغوی و اصطلاحی طهارت

طهارت که در لغت به معنای پاکیزگی و نظافت است. در اصطلاح به معنای طهارت از نجاست یعنی ناپاکی مادی و پاکیزگی از حدث یعنی ناپاکی حکمی که مانع از انجام عبادات می‌گردد؛ می‌باشد.

۲- اهمیت طهارت و پاکیزگی

پاکیزگی، از اموری است که دین اسلام به آن اهمیت می‌دهد. چه پاکیزگی مادی، مانند نظافت بدن، لباس و محیط و چه پاکیزگی معنوی مانند پاکی قلبی، روحی و

اخلاقی، در هر حال اسلام به هرگونه نظافت و پاکی اهمیت داده است.

وظیفه‌ی ماست که از نعمت‌هایی که خداوند متعال به ما ارزانی داشته است؛ به بهترین وجه و بهترین شکل استفاده کنیم. نظافت، شرط لازم برای محافظت در برابر انواع بیماری‌های میکروبی و سلامت جسمی است. زیرا علت اصلی بیماری، کثیفی است. کسی که به تمیزی بدن، لباس، غذا، نوشیدنی و محیط اطرافش اهمیتی ندهد، زمینه را برای بیماری‌ها فراهم می‌کند در حالی که این بدن، امانت و هدیه‌ی گرانبهای خداوند متعال به ما می‌باشد. عدم محافظت از آن به منزله‌ی خیانت به امانت است.

حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و سلم - مانند هر موضوع دیگر؛ در نظافت نیز برای ما الگو است. او به امت خود چنین توصیه کرده است: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ اللَّيْلِ فَلَا يَدْخُلُ يَدُهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْرِغَ عَلَيْهَا مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ»^{۱۴}

«هنگامی که یکی از شما در شب بیدار شد، دستش را داخل ظرف آب نکند، اول دو یا سه بار آب روی دستش بریزد [آن را بشوید] چون نمی‌داند در زمان خواب دستش کجا بوده است.»

اهمیتی که ایشان برای بهداشت دهان و دندان قائل است را همه می‌دانند. رسول خدا صلی الله علیه و سلم به ما می‌فرماید: «لَوْلَا أَنَّ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَمَرْتَهُمْ بِالسَّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ»^{۱۵} «اگر امت خود را در سختی قرار نمی‌دادم، قبل از هر نماز آنان را به انجام مسواک زدن فرمان می‌دادم.»

دستور اسلام به تمیزی و نظافت مادی و معنوی، آشکارترین دلیل بر اهمیت دین ما به پاکی و طهارت است. اهمیت دادن به مسائلی مانند وضو گرفتن برای هر نماز، دستور به غسل حین جنابت، شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا و مانند آن بیانگر جایگاه پاکیزگی در دین ما می‌باشد.

نکته:

طهارت، از ایمان سرچشمه می‌گیرد. حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) که می‌فرماید: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ» [مسلم، کتاب الطهارة، ۱] «پاکیزگی، نیمی از ایمان است.» بیانگر ارتباط طهارت با ایمان می‌باشد. اهمیت دادن به پاکیزگی و نظافت، از موجبات ایمان است.



۱۴- سنن ترمذی، باب الطهارة، ۲۴.

۱۵- سنن ترمذی، باب الطهارة، ۲۲، ۲۳.

پاکیزگی مادی و معنوی در انجام عبادات هم از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان مثال برای ادای نماز باید هم از حدث که همان ناپاکی معنوی است (در صورت نداشتن وضو و غسل) و هم از نجاست که همان ناپاکی مادی است؛ پاک و تمیز بود.

برای ادای نماز و برخی عبادات باید پاکیزه و تمیز به درگاه خدای متعال حضور یافت. دومین دستور خداوند متعال «نظافت لباس» می باشد. جناب حق جل جلاله، در این آیه ی کریمه هم شخص پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و هم تمام مسلمانان را به نظافت مادی و معنوی فرمان می دهد: «وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ (۴) وَالرِّجْزَ فَاهْجُرْ (۵)» [المدثر: ۵-۴] «و لباست را پاکیزه کن. و از هر نوع پلیدی دوری نما».

باید به همان اندازه که به طریقه ی ادای عبادت دقت می کنیم، از لحاظ معنوی و محتوا نیز به آن توجه و دقت داشته باشیم. باید تمام عبادات را با روحمان انجام دهیم. عبادت های بی روح که فقط با حرکات بدن انجام می گیرند؛ هیچ ارزشی ندارند. برای قبولی عبادات، انسان باید پیش از انجام عبادت وجود خود را از غیر الله - ما سوا - پاک کند.

خداوند متعال به کسانی که به پاکیزگی مادی و معنوی خود دقت می کند؛ چنین می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» [البقرة: ۲۲۲] «قطعا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد.»
«وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهِّرِينَ» [التوبة: ۱۰۸].

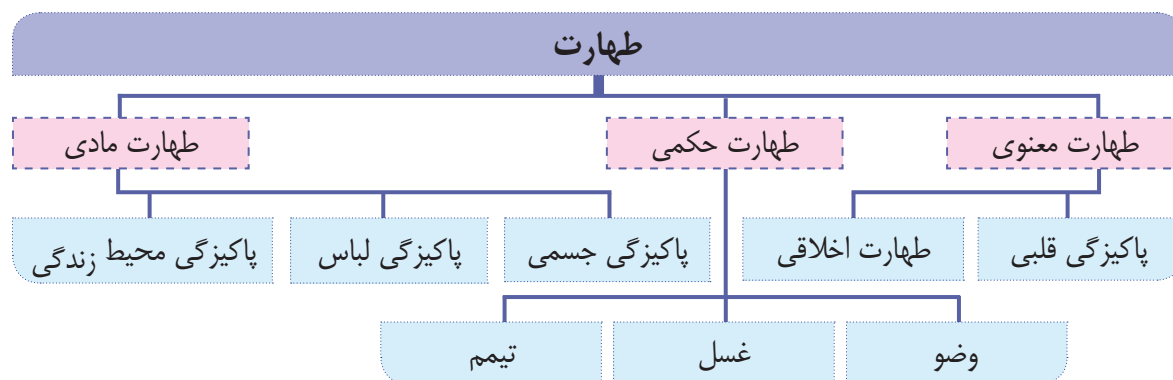
«بی گمان خداوند پاکیزگان را دوست می دارد.»

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - نیز این چنین می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ»^{۱۶}

«خداوند پاک و طیب است و پاکی را دوست دارد، تمیز است و تمیزی را دوست می دارد.»

ب) اقسام طهارت



الف / طهارت معنوی

پاکی و طهارت قلبی و روحی هم در کنار پاکی لباس و بدن انسان حائز اهمیت است. اسلام، به دوری از هر گونه باور و اعتقادات اشتباهاتی که قلب و روح را کثیف و ناپاک می گرداند، اجتناب از بدی ها و گناهان و دوری از رفتارهایی که با اخلاق منافات دارد؛ امر می کند.

اولین شرط مقبولیت عبادت نزد خداوند، داشتن اعتقاد راسخ است. ایمان طهارت معنوی است، مخالف آن، کفر است که ناپاکی معنوی می‌باشد. نفاق و شرک که عقیده‌ی شخص را باطل می‌کند؛ هم نجاست معنوی است. کسی که ایمان ندارد، همان‌طور که گرفتار مشکلات روحی می‌شود، در آخرت هم به سعادت ابدی دست نمی‌یابد.



لازمه‌ی رسیدن به سعادت دنیا و آخرت این است که انسان خود را از بدی‌ها و پلیدی‌ها پاک کند و عقیده‌ی توحید را در دل خود جای دهد. در حقیقت جناب حق در این آیه که فرموده: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)» [الشمس: ۹، ۱۰] «کسی رستگار و کامیاب می‌گردد که نفس خویشتن را پاکیزه دارد. و کسی ناامید و ناکام می‌گردد که نفس خویشتن پنهان بدارد و بپوشاند، و (به معاصی) بیالاید.»

اهمیت و ارزش تمیزی و طهارت معنوی را بیان می‌کند.

طهارت معنوی از دو جنبه جلب توجه می‌کند:

۱- پاکیزگی قلب: تمیزی قلب یعنی داشتن یک باور قوی به دور از عقاید و باورهای مغایر با اسلام و داشتن نیت خوب. برای جای گرفتن آن در قلب، باید خدا را بسیار یاد کرد.

۲- پاکیزگی اخلاقی: یعنی دوری از هر گفتار و کرداری که در دین از آن نهی شده و از نظر اخلاقی زیبا نیست. رفتار نیک با مردم، شریک شدن در شادی‌ها و غم‌هایشان، صداقت و درستی در گفتار و رفتار با آن‌ها، استفاده مناسب از نعمت‌های خداوند، آسیب نرساندن به موجودات، دوری از شر و بدی‌ها نمونه‌هایی از طهارت و پاکی اخلاقی هستند. انسان خوش اخلاق را هم خدا و هم مردم دوست دارند و ارج می‌گذارند. چنین افرادی جایگاه قابل احترامی در جامعه دارند.

ب/ طهارت مادی

۱- پاکیزگی جسمی: پاکسازی بدن از انواع آلودگی‌ها و کیفی‌ها است و مهم‌ترین عامل در حفظ سلامت انسان به شمار می‌رود. تمیز کردن و مراقبت از مو، تمیز کردن زیر بغل و ناحیه‌ی شرمگاه، کوتاه کردن ناخن، مسواک زدن دندان‌ها، شستن دست‌ها و دهان قبل و بعد از غذا، حمام کردن یک بار در هفته، جزو طهارت بدن محسوب می‌شود.

۲- پاکیزگی لباس: توجه به نظافت لباس به منظور جلوگیری از جمع شدن میکروب‌ها و محافظت از بدن بسیار اهمیت دارد. تمیزی لباس عنصری مکمل برای تمیزی بدن است.

تمیز لباس پوشیدن، وظیفه‌ی متقابل انسان نسبت به خود، خانواده و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. نپوشیدن لباس‌های کثیف که باعث ناراحتی دیگران شود و اهمیت دادن به پوشیدن لباس‌های تمیز و آراسته از مقتضیات این وظیفه می‌باشد.

۳- پاکیزگی محیط زیست: نظافت خانه‌ها، مکاتب، محل کار، خیابان‌ها، هوا و آب را اقتضا می‌کند.

پاکیزگی محیط نیز برای سلامتی بسیار مهم است. به ویژه عاری بودن هوای استنشاقی و آب آشامیدنی از انواع مواد مضر برای انسان، یک ضرورت است.

ج/ طهارت حکمی (هم مادی و هم معنوی)

اموری مانند عدم وضو و غسل که به آن‌ها حدث می‌گویند و مانع از انجام برخی عبادات می‌شوند، جزو ناپاکی‌های معنوی نیز محسوب می‌شوند. افراد بدون وضو و جُنُب از نظر جسمی پاک هستند، اما حکماً نجس هستند. به همین دلیل نمی‌توانند با این حالت در پیشگاه خداوند حاضر شوند، برای پذیرفته شدن در پیشگاه خداوند می‌بایست طهارت کنند.

به لطف وضو، اعضای که انسان به طور کلی بیشتر از آن استفاده کرده و ممکن است کثیف شوند مانند دست‌ها، ساق دست، صورت، دهان، بینی و پاها شسته می‌شوند. در غسل؛ با شستشوی تمام بدن علاوه بر نظافت شرعی و حکمی، نظافت مادی و حقیقی نیز صورت می‌گیرد. اهمیت غسل از نظر سلامت پوست آشکار است.

نظافت حکمی با آب انجام می‌شود. زمانی که نظافت با آب امکان پذیر نباشد؛ با خاک انجام می‌شود. پاک شدن از پلیدی‌های مادی و معنوی و نظافت، برای دنیا و آخرت انسان مهم و سودمند است.

ج) نجاست و حدث

۱- تعریف و اقسام نجاست

نجاست به اقسام مختلفی تقسیم می‌شود. «نجاست جامد» به نجاستی مانند مدفوع و فضولات حیوانات و «نجاست مایع» به نجاستی مانند ادرار و مشروبات الکلی را می‌گویند. این‌ها از نظر اخلال یا عدم اخلال در ادای نماز به دو بخش «نجاست سبک» و «نجاست سنگین» تقسیم می‌شوند.

به نجاستی (مانند خون) که بعد از خشک شدن هم دیده می‌شود «مرئیه» می‌گویند.

به نجاست‌هایی که پس از خشک شدن در جایی که به آن آغشته شده‌اند؛ دیده نمی‌شوند (مانند ادرار، آب کثیف) «غیر مرئیه» می‌گویند. هر دو نوع نجاست، از نظر اخلال یا عدم اخلال در نماز به دو دسته‌ی «نجاست سبک» (خفیفه) و «سنگین» (غلیظه) تقسیم می‌شود.

۲- نجاست‌هایی که مانع نماز می‌شوند و نجاست‌هایی که مانع از نماز نمی‌شود و مقدار آن‌ها

بدن، لباس، محل نماز و چیزهایی که نمازگزار در حین نماز با خود حمل می‌کند - تا زمانی که شخص به یاد داشته و توانش را داشته باشد - باید تمیز و پاک باشد.

چنین طهارت و پاکیزگی، شرط نماز است.

نجاست‌ها از نظر اخلال در ادای نماز به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱- نجاست غلیظه: نجاست‌هایی است که دلیل قطعی بر نجس بودن آن‌ها وجود دارد. این نوع نجاست عبارتند از:

۱- خروج خون، ادرار و مدفوع از بدن انسان.

۲- خون جاری همه‌ی حیوانات.

۳- ادرار و مدفوع حیواناتی که گوشتشان خورده نمی‌شود.

۴- فضولات طیوری مانند مرغ، مرغابی و غاز.

هـ- مردار و مشروبات الکلی.

از بین این موارد، نجاست‌های جامد اگر مساحتی بزرگتر از تخمه تربوز را بپوشانند،

(به اندازه‌ی یک درهم، یعنی حدود ۳ گرم) و نجاست‌های مایع و جاری اگر مساحتی بیشتر از اندازه‌ی داخل مشت یعنی کف دست (حدود ۱۲ سانتی متر مربع) را آغشته کند، نماز صحیح نیست. برای ادای نماز پاک کردن این مقدار نجاست واجب است.



۲- نجاست خفیفه: نجاست‌هایی که دلیل قطعی بر نجس بودن آن‌ها وجود ندارد. این نوع نجاست‌ها عبارتند از:

الف/ مدفوع و ادرار حیواناتی مانند گوسفند، گاو، شتر و آهو که گوشت آن‌ها خورده می‌شود.

ب/ مدفوع اسب و الاغ.

ج/ فضولات پرندگانی که گوشت آن‌ها خورده نمی‌شود، مثل شاهین، عقاب و غیره.

اگر محل آغشته شدن لباس به نجاست خفیفه (مانند آستین، دامن)؛ و محل آغشته شدن بدن (مانند کف پا) به اندازه‌ی یک چهارم آن باشد (حدود $90 = 10 \times 9$ سانتی متر مربع) در ادای نماز اخلاص ایجاد می‌کند. نجاست کمتر از این مقدار مانع از نماز نمی‌شود.

نجاست‌هایی که مانع خواندن نماز نمی‌شود عبارتند از:

الف/ پاشیدن ادرار به مقدار نوک سوزن.

ب/ کیفی غیر قابل رؤیت در گل و لایی که از خیابان پاشیده می‌شود.

ج/ بزاق حیواناتی مانند گربه.

د/ مدفوع پرندگانی مثل کبوتر و گنجشک که گوشتشان خورده می‌شود و در هوا مدفوع می‌کنند.

هـ/ قطراتی که بر روی مرده شور پاشیده می‌شود.

باید خود را از آلوده شدن به این نجاست‌ها حفظ کنیم، به خصوص حین رفتن به مستراح (تشناب) دقت کنیم تا ادرار به ما پاشیده نشود. علاوه بر این در صورت سرایت این نجاست‌ها، آب را هم کثیف می‌کند.

اسلام دینی است که به هر نوع پاکیزگی اهمیت داده و به مسلمانان دستور می‌دهد که از هر لحاظ خود را پاکیزه دارند. اگرچه در صورتی که مقدار نجاست کمتر از حد تعیین شده باشد؛ مانعی برای ادای نماز نیست ولی باید تلاش شود که نماز با لباس کاملاً تمیز خوانده شود. مسلمان همان طور که با گفتار و کردار الگو است، از نظر نظافت نیز باید حساس باشد.

پاک کردن بدن، لباس و عبادتگاه حتی از کمترین مقدار نجاست سنگین و خفیف که مانع از عبادت هم نمی‌شود؛ رفتاری متناسب با تقواست که بزرگان اسلام نیز همواره سعی کرده‌اند این کار را انجام دهند. فتوای فقها مبنی بر این که «کسی که کمتر از یک چهارم بدن یا لباسش کثیف و نجس شده باشد؛ می‌تواند نماز بخواند» به معنای این نیست که «باید با همین لباس نماز خوانده شود.» بلکه به این معناست که «اگر نمی‌توانید خود را از این کثیفی‌ها حفظ و

پاک کنید و لباس دیگری هم ندارید و کیفی کمتر از مقدار تعیین شده باشد؛ مجبوراً می‌توانید با آن نماز بخوانید چون در هیچ شرایطی نباید نماز را ترک کنید.» و این رخصت فقط برای موقعیت‌های اضطراری در نظر گرفته شده است.

۳- آب‌ها از لحاظ پاکیزگی

تمیز بودن آب مورد نیاز برای پاک کردن نجاست هم حائز اهمیت است.

آب از نظر استفاده در نظافت به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

۱. آب‌های پاک و پاک کننده (آب‌های مطلق): آبی که طعم، رنگ یا بوی آن تغییر نکرده باشد، لطافت و روان بودنش را از دست نداده باشد، استفاده و مستعمل نباشد و در طبیعت به صورت خالص موجود باشد. این آب‌ها برای وضو، غسل و انواع نظافت و طهارت قابل استفاده می‌باشد.

استفاده از قسمت‌هایی از آب‌های جاری مانند آب دریا، چشمه و رود که نجاست به طور مستقیم در آن مشاهده نمی‌شود؛ برای پاک کردن و زدودن حدث جایز است. آب‌های راكد که اگر آب یک طرف آن حرکت داده شود، طرف دیگرش حرکت نمی‌کند؛ مانند آب دریاچه، سد و حوض‌های بزرگ هم همین حکم را دارند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در این باره چنین فرموده‌اند: «إِنَّ الْمَاءَ طَهُورٌ لَا يُتَجَسَّسُهُ شَيْءٌ»^{۱۷} «آب پاک است و چیزی آن را نجس نمی‌کند». خاک، گیاهان آبی و مواد جامد خمیرمانندی که بر کناره‌های آب می‌ایستند؛ از آن جایی که ویژگی‌های اصلی آب را تغییر نمی‌دهند، چنین آب‌هایی در حکم آب پاک و پاک کننده - طهور و طاهر - می‌باشند. آبی که در طبیعت به صورت اصلی و طبیعی یافت شود، اگر خزه یا جلبک بزند یا مواد جامد پاکی مانند صابون یا خاک در داخل آن بیفتد؛ تا اندازه‌ای که طعمش تغییر نکند، یا خوراکی‌های جامدی مانند ذرت یا نخود که اگر خیس شوند؛ خاصیت و ویژگی پاکی و پاک کنندگی آب را تغییر نمی‌دهند، گرچه رنگ، بو و لذتش تغییر کرده باشد. اما اگر فقط به خاطر این چیزها، ویژگی طبیعی آب تغییر کرده باشد و رقیق بودن و جاری بودنش را از دست داده باشد؛ با چنین آبی نمی‌توان طهارت حکمی انجام داد.

۲. آب پاک و پاک کننده که استفاده از آن تنزیها مکروه است: عبارت است از پس مانده‌ی آبی که حیوانات اهلی مانند گربه، مرغ و پرندگان شکارچی مانند شاهینک و عقاب و شاهین از آن خورده‌اند. در صورت وجود آب پاکی که استفاده از آن مکروه نیست؛ استفاده از چنین آب‌هایی تنزیها مکروه می‌باشد. اگر به غیر از این‌ها، آب دیگری وجود نداشته باشد؛ می‌توان با آن وضو و غسل انجام داد.

در کشورهای بسیار گرمسیر، اگر آب در ظرفی زیر نور خورشید قرار داده شود و خیلی داغ شود، این آب پاک کننده است ولی نوشیدن از آن و وضو و غسل با این آب مکروه است.

۳. آب‌هایی که علی رغم پاک بودن، پاک کننده نیستند: این‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف/ آب‌های مستعمل: آب‌هایی هستند که حین وضو و غسل در ظرف جمع می‌شوند. اگرچه این آب‌ها تمیز به نظر میرسند اما بار دیگر نمی‌توان برای وضو گرفتن و غسل کردن از آن‌ها استفاده کرد.

ب/ آب‌های مقید: آب‌هایی هستند که ماده مایع یا جامدی با آب مخلوط شده و اکثریت آن را تشکیل می‌دهد. گلاب، عصاره و آب میوجات یا سبزیجات که با فشار دادن آن‌ها به دست آمده است، به خاطر مخلوط شدن مواد جامد یا مایع تمیز با آن و به دلیل تغییر یکی از سه ویژگی آن (رنگ، طعم یا بو) یا از دست دادن سیال و جاری بودنش، در این گروه قرار می‌گیرند. شیر، سرکه، آب سوپ، آب صابونی که رقیق بودن خود را از دست داده است، آب نمک

۱۷- سنن الترمذی، باب ما جاء أن الماء لا يتجسس شيء، ۶۶

جزو آب‌های مقید محسوب می‌شوند. آبی که در نتیجه‌ی مخلوط شدن با آرد، تیره شده است هم از این دسته آب‌ها به شمار می‌رود.

در شرایط عادی با آب‌های مقید، نظافت و طهارت انجام نمی‌شود، با این که هیچ گونه کیفی با این آب‌ها مخلوط نشده است اما نمی‌توان با آن وضو گرفت یا غسل کرد.

۴- آب‌هایی که نه پاک است و نه پاک کننده (نجس): آب‌هایی که هرگونه کیفی با آن مخلوط شده و رنگ و بوی آن‌ها خراب شده و تغییر کرده است. آبی که یکی از سه خاصیت اصلی خود را به طور کامل از دست داده است، خصلت پاکی خود را از دست می‌دهد، برای وضو و غسل نمی‌توان از آن استفاده کرد. نظافت با چنین آبی جایز نیست.

۴- آداب رفتن به تشناب

قبل از وارد شدن به توالی باید بسم الله گفت و این دعا را خواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ»^{۱۸} «پروردگار، پناه می‌برم به تو از هرگونه پلیدی و پلشتی.»

باید با پای چپ وارد تشناب شد. کسی که انگشتی دارد که بر آن الله یا بخشی از قرآن نوشته شده است؛ باید پیش از ورود به تشناب آن را در بیاورد. نباید حین قضای حاجت نام خداوند را ذکر کرد.

باید تلاش کرد که ادرار به اطراف پخش نشود و هیچ نجاستی به سمت شخص پاشیده نشود. به همین خاطر باید نشسته قضای حاجت کند و بدون عذر از قضای حاجت به صورت ایستاده دوری نماید. هنگام توالی باید طوری بنشیند که رو به قبله و پشت به قبله نباشد. در مناطق باز باید مراقب بود که عورت دیده نشود و در حین خم شدن و نشستن لباس‌ها را باز نکند.

قضای حاجت رو به باد، به سمت آب‌های ساکن و رودها، به سمت سوراخ حشرات، محل نشستن و عبور و مرور انسان‌ها مکروه است.

به تمیز کردن عورت را بعد از قضای حاجت کوچک و بزرگ **استنجا** می‌گویند. امروز استنجا با آب پس از قضای حاجت و خشک کردن آن قسمت با دستمال توالی، مناسب‌ترین روش نظافت می‌باشد. استنجا فقط با دستمال توالی بدون آب مکروه شمرده می‌شود. در صورت عدم وجود آب در مناطق باز می‌توان با سنگ و دیگر چیزهای خشک و تمیز استنجا کرد. اما نباید ماده‌ی غذایی باشد و از طرف دیگر باید قابلیت پاکسازی عورت را داشته باشد.

در صورت پخش و آغشته شدن نجاست به اطراف، استنجا کردن فرض است.

به انتظار برای قطع شدن کامل ادرار را **استبرا** می‌گویند. با حرکت و تکان خوردن به سمت چپ، کمی راه رفتن، حرکاتی مانند سرفه می‌توان استبرا را انجام داد. مردان باید سعی کنند ادرار را کاملاً قطع کنند، کمی صبر کنند و سپس وضو بگیرند.

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از کنار دو قبر عبور کرد و فرمود: «إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَبْرِئُ مِنْ بَوْلِهِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمِشِي بِالنَّمِيمَةِ»^{۱۹} «این دو عذاب می‌شوند ولی نه به خاطر گناه کبیره، یکی از آن‌ها استبرا نکرده و خود را از ادرار پاک نمی‌کرد و دیگری هم سخن چینی و شایعه پراکنی

۱۸- ابوداود، الطهارة، ۳.

۱۹- بخاری، الوضوء، ۵۵، ۵۶ و مسلم، الطهارة، ۱۱۱.

می‌کرد.» در حدیث دیگر می‌فرماید: «تَزَهُوا مِنَ الْبَوْلِ فَإِنَّ عَامَّةَ عَذَابِ الْقَبْرِ مِنْهُ»^{۲۰} «خود را از ادرار پاک بدارید چراکه بیشتر عذاب قبر از آن است.»

طهارت استنجا و استبرا همواره باید با دست چپ انجام شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «وَإِذَا أَتَى الْخَلَاءَ فَلَا يَمَسُّ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ وَلَا يَتَمَسَّحُ بِيَمِينِهِ»^{۲۱} «حین تواله کردن، با دست راست این کار را نکند و با دست راست خود را تمیز نکند.»

باید با پای راست از تشناب خارج شد.

هنگام خارج شدن از تشناب باید این دعا را خواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي مَا يُؤْذُونِي وَ أَمْسَكَ عَلَيَّ مَا يَنْفَعُنِي»^{۲۲} «حمد و سپاس خدایی را که موجبات آزار و اذیت را از من دور کرد و آن چه برای من مفید بود را برایم نگه داشت.»

۵- تعریف و اقسام حدث

حدث در لغت به معنای چیز جدیدی که بعداً به میان می‌آید. در اصطلاح حدث به معنای مانعی شرعی در انجام برخی عبادات است و نجاست حکمی محسوب می‌شود و به دو بخش حدث اصغر و اکبر تقسیم می‌شود.



۱- حدث اصغر: حدثی که با شکننده‌های وضو ایجاد می‌گردد. این حدث با وضو گرفتن برطرف می‌شود.

۲- حدث اکبر: حدثی که در اثر جنابت، حیض و یا نفاس ایجاد شده و با غسل برطرف می‌گردد.

نماز و دیگر عبادت‌هایی که باید با طهارت انجام شود؛ با وضو گرفتن مباح می‌شوند.



(د) وضو

وضو در اصطلاح: یعنی شستن و مسح قسمتی از بدن به قصد عبادت.

وضو علاوه بر این که عبادت و اطاعتی است در راستای انجام دستور خداوند، از نظر مادی نیز یک نوع نظافت و تمیزی است. از آنجایی که وضو یک نوع عبادت است، به انسان ثواب می‌رساند. به علاوه وضو باعث آمرزش برخی از گناهان هم می‌شود. چنان که پیامبر ما - صلی الله علیه و سلم - در این احادیث بیان کرده است: «مَنْ تَوَضَّأَ هَكَذَا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^{۲۳}

«هر کس این‌گونه - مانند من وضو - بگیرد گناهان گذشته‌ی او بخشیده می‌شود.»

۲۰- ابن ماجه، الطهارة، ۲.

۲۱- بخاری، الوضوء، ۱۸، ابن ماجه، الطهارة، ۱۵.

۲۲- ابن ماجه، الطهارة، ۱۰.

۲۳- مسلم، کتاب الطهارة، ۸.

«مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ دَخَلَ فَصَلَّى غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الْأُخْرَى»^{۲۴}

«هر کس که به نیکی وضو بگیرد سپس وارد شود و نماز بخواند، از این نماز تا نماز بعد گناهانش آمرزیده

می‌شود.»

«إِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ، أَوْ الْمُؤْمِنُ فَعَسَلَ وَجْهَهُ خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا بَعِينَهُ مَعَ الْمَاءِ، أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ، فَإِذَا عَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ كَانَ بَطَشْتُهَا يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ، أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ حَتَّى يَخْرُجَ نَقِيًّا مِنَ الدُّنُوبِ»^{۲۵}

«وقتی بنده‌ی مسلمان وضو می‌گیرد و صورتش را می‌شوید، تمام گناهانی که با نگاه چشمانش مرتکب شده است؛ به همراه آن آب یا آخرین قطره‌ی آب خارج می‌شود، پس وقتی دستانش را می‌شوید، تمام گناهانی که با دستنانش مرتکب شده است؛ به همراه آب یا آخرین قطره‌ی آب خارج می‌شود، تا این که پاک و عاری از گناهان صغیره بگردد.»

وضو، انسان را از بدی‌ها دور می‌دارد و از آن جایی که یکی از شروط انجام «بهترین اعمال»^{۲۶} یعنی نماز می‌باشد؛ از اهمیت خاصی برخوردار است. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در این باره فرموده است: «مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّلَاةُ وَمِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الْوُضُوءُ»^{۲۷} «کلید بهشت نماز و کلید نماز وضو است.»

۱- فرائض وضو

فرائض وضو در این آیه از قرآن کریم ذکر شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» [المائدة: ۶].

«ای مؤمنان، چون به [قصد] نماز برخیزید، روی خود و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشوید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا دو قوزک [بشوید].»

بر این اساس وضو چهار فرض دارد:

۱. شستن صورت (از محل رستگاه مو بر روی پیشانی تا پایین زنج و فاصله‌ی بین برآمدگی گوش‌ها بر روی صورت) یکبار.

۲. شستن دست و ساق دست از نوک انگشتان تا آرنج (از جمله آرنج) یک بار.

۳. مسح یک چهارم سر (در وضو سر را بیش از یک بار مسح نمی‌کنند).

۴. شستن پاها همراه با پاشنه تا قوزک پا.

برای این که وضو کامل و صحیح باشد این چهار فرض باید انجام شود. اگر یکی از این فرائض ترک شود یا قسمتی از آن عضوی که شستنش فرض است، جای خشکی بماند وضو انجام نشده است.

۲۴- مسلم، کتاب الطهارة، ۶.

۲۵- سنن ترمذی، کتاب الطهارة، ۲.

۲۶- صحیح مسلم، کتاب الإیمان، ۱۳۷.

۲۷- سنن ترمذی، کتاب الطهارة، ۴.

مالکی‌ها مالش دادن (دلک)، شافعی‌ها و حنبلی‌ها رعایت ترتیب در هنگام وضو (ترتیب)، مالکی‌ها و حنبلی‌ها نیز شستشوی پی در پی اعضا و شستن یک عضو پیش از خشک شدن عضو قبلی (موالات) و مسح کامل سر، حنبلی‌ها بسم الله گفتن، شستن دهان و بینی، و نیت کردن را فرض می‌دانند و در احناف این موارد فرض نیستند.

۲- سنت‌های وضو

سنت‌های وضو عبارتند از:

- ۱- شروع کردن وضو با أعوذ بالله و بسم الله و نیت.
- ۲- سه مرتبه شستن دست‌ها.
- ۳- خلال کردن انگشتان، شروع کردن شستن دست و پا از سمت راست و از نوک انگشتان.
- ۴- مسواک زدن یا مالش دادن دندان‌ها با نوک انگشتان.
- ۵- سه مرتبه شستن دهان (مزمزه).
- ۶- سه مرتبه شستن بینی (استنشاق).
- ۷- غرغره‌ی آب در دهان برای کسی که روزه نیست، بالا کشیدن آب در بینی به خوبی.
- ۸- سه مرتبه شستن صورت، دست و پاها.
- ۹- رساندن آب به پوست زیربروت و ابرو حین شستن صورت، دست کشیدن ریش و رساندن آب به داخل آن.
- ۱۰- شروع کردن مسح سر از جلو و مسح کامل سر.
- ۱۱- یک بار مسح گوش‌ها.
- ۱۲- رعایت ترتیب در شستشوی اعضا و فاصله نگذاشتن در هنگام شستشو.
- ۱۳- مالش اعضا با آبی که روی آن‌ها ریخته شده است.
- ۱۴- دعا کردن بعد از وضو.

۳- مکروهات وضو

انجام هر یک از کارهای زیر هنگام وضو گرفتن مکروه است:

- ۱- پاشیدن سریع آب به صورت.
- ۲- استفاده از آب بیشتر یا کمتر از حد نیاز.
- ۳- صحبت بی مورد هنگام وضو.
- ۴- کمک خواستن از دیگری در مواقعی که نیازی نیست.
- ۵- ترک یکی از سنت‌های وضو.
- ۶- شستشو یا مسح زیاد اعضا، مثال: چهار بار شستن صورت، دوبار مسح سر.
- ۷- وضو گرفتن در محل نجس (جایی که نجاست به ما می‌رسد).

۸- استفاده از دست راست برای تخلیه آب کشیده شده به بینی.

۹- روزه دار آب را در دهان به گونه‌ای غرغره کند که وارد گلو شود یا بالا کشیدن بیش از اندازه آب در بینی.

این مکروهات تنزیهی هستند و اگر انجام شود ثواب وضو کم می‌شود. باید تلاش کرد که چنین مکروهاتی را بدون عذر انجام نداد.

۴- کارهایی که نباید بدون وضو انجام داد:

۱- نماز خواندن.

۲- سجده‌ی تلاوت.

۳- طواف کعبه.

۴- دست زدن به مصحف، کسی که وضو ندارد نباید به قرآن یا به جایی که آیات قرآن نوشته شده است؛ دست بکشد. صفحه‌ی نمایش دیجیتال قرآن هم در حکم مصحف است.

وضو گرفتن در موارد زیر مندوب می‌باشد:

۱- برای وقوف در عرفات و انجام سعی.

۲- اذان گفتن.

۳- شستن جنازه.

۴- خواندن قرآن از حفظ یا از رو.

۵- خواندن حدیث.

۶- بعد از انجام یک کار اشتباه، بعد از عصبانیت یا غیبت کردن.

همیشه با وضو بودن، وضو گرفتن برای هر نماز و با وضو خوابیدن مستحب است، وضو اسلحه‌ی مؤمن است.

۵- چیزهایی که وضو را باطل می‌کند و چیزهایی که آن را باطل نمی‌کند

اگر یکی از حالات زیر صورت بگیرد؛ وضو باطل می‌شود:

۱- دفع ادرار یا مدفوع از بدن، خارج شدن باد از مقعد

۲- خارج شدن موادی مانند خون، چرک، آب زرد از هر قسمتی بدن و خارج و جاری شدن از محل خروج و آغشته کردن اطرافش حتی به مقدار کم.

۳- منی، مزی، ودی.

۴- استفراغ به اندازه‌ی پری دهان. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «استفراغ وضو را باطل می‌کند».^{۲۸}

۵- خارج شدن خون از لثه یا دهان به صورت مایع یا خونی که هنگام بیرون انداختن آب دهان به مقدار مساوی با بزاق یا بیشتر از آن خارج شود.

۶- مستی، بیهوشی به اندازه‌ای که عقل از سر برود، دیوانگی و تشنج صرع.

۷- خندیدن در نماز به گونه‌ای که فرد کناری شما بشنود.

۸- گذشتن وقت نماز برای کسانی که عذری دارند، تمام شدن مدت زمان تعیین شده برای کسانی که موزه و پاپوش به پا دارند و کسی که تیمم زده و اکنون به آب رسیده است.

۹- خوابیدن به صورت دراز کشیده یا در حالت تکیه به چیزی. کسی که با تکیه به چیزی بخوابد؛ به گونه‌ای که اگر آن چیز از زیر او کشیده شود از شدت غرق شدن در خواب بیفتد، وضویش باطل می‌شود.

وضو در موارد زیر باطل نمی‌شود:

۱- آب یا خون زرد رنگی که از زخم بیرون می‌آید ولی جاری نمی‌شود.

۲- مایع سفید رقیقی که در نور بسیار دیده می‌شود و به مقدار خیلی کم پخش شد است.

۳- خون بسیار کمی که با دندان زدن به چیزهایی مانند سیب دیده می‌شود.

۴- خارج کردن بلغم.

۵- چرک بین انگشتان، رطوبت قارچی و اگزما.

۶- چرت زدن بدون از دست دادن هوشیاری به صورت گذاشتن سر بر زانو یا سر پا نشستن.

۷- گریه و اشک ریختن.

۸- خندیدن خارج از نماز.

۹- دست زدن به اندام تناسلی.

۱۰- لمس جنس مخالف با دست.^{۳۹}

۶- وضوی افراد معذور

به شخصی که بنا به عذری نمی‌تواند وضوی خودش را برای مدتی طولانی نگه دارد؛ معذور گفته می‌شود.

کسی که عذرش به اندازه‌ی یک نماز بی‌وفقه ادامه داشته باشد هم چنین کسی که عذرش در هر وقت نماز، حد اقل یک بار تکرار شده و ادامه یابد؛ معذور به شمار می‌رود. به عنوان مثال کسی که از شروع وقت نماز ظهر تا شروع وقت نماز عصر به صورت پیوسته خونریزی داشته باشد؛ برای نماز ظهر معذور محسوب می‌شود. اگر در وقت نماز عصر حتی برای یک بار هم خونریزی کند، این فرد باز هم معذور محسوب می‌شود.

به اختصار؛ خونریزی‌ای که ابتدا در طول یک وقت نماز ادامه داشته و سپس در وقت نماز بعدی نیز حتی برای مدت کوتاهی اتفاق افتاده یا تکرار شده است؛ عذر به حساب می‌آید.

خونریزی مداوم، ادراری که نمی‌توان جلوی آن را گرفت، ترشح نجاستی که به دلیل بیماری از هر عضوی خارج شده و وضو را بشکند؛ عذر محسوب می‌شوند.

۳۹- دو مورد آخر در برخی مذاهب وضو را می‌شکنند. نزد شوافع به غیر از خویشاوندان نسبی، اگر زن و مرد - به غیر از ناخن و مو - به یکدیگر دست بزنند؛ وضویشان می‌شکند.

* شخص معذور برای هر نماز وضو می‌گیرد. نمی‌تواند دو نماز فرض مختلف را با یک وضو بخواند. ولی می‌تواند علاوه بر نماز فرض آن وقت، نمازهای قضایی و نافله‌ی آن را بخواند. می‌تواند قرآن هم بخواند. (در مذهب شافعی برای هر نماز جداگانه وضو می‌گیرند).

* وضوی شخص معذور با خارج شدن وقت نماز، باطل می‌شود. مثال؛ اگر معذور برای نماز صبح وضو بگیرد، با طلوع خورشید وضویش باطل می‌شود. اگر برای خواندن نماز صبح وضو بگیرد، چون وقت نماز فرض هنوز خارج نشده است؛ می‌تواند نماز ظهر را با همان وضو بخواند.

* وضوی شخص معذور، با خارج شدن نجاستی که باعث ایجاد عذر می‌شود از بدنش یا آغشته شدن لباسش به آن باطل نمی‌شود. ولی در صورت حاصل شدن دیگر مبطلات وضو - به غیر از این عذر - یا خارج شدن وقت نماز، وضویش باطل می‌شود.

* چیزهایی که برای یک زن در حال حیض یا نفاس حرام است؛ برای زن مستحاضه - زنی که به دلیل بیماری؛ خون از رگی بدنش خارج می‌شود نه از رحمش - حرام نیست.

* خونریزی کمتر از سه روز در زن حیض نیست و عذر محسوب می‌شود. خونریزی بیش از ده روز، نفاس بیش از چهل روز، خونریزی قبل از نه سالگی و بعد از پنجاه و پنج سالگی هم عذر محسوب می‌شود.

* به تأخیر انداختن نماز تا آخرین لحظه، در اولین بار پدیدار شدن عذر مستحب است. افراد معذور نباید امام شوند.

* معذوریت، با قطع شدن عذر در طول یک وقت نماز به پایان می‌رسد. در چنین حالتی شخص از حالت معذور بودن خارج شده و احکام شخص سالم به او تعلق می‌گیرد.

تحقیق و بررسی کنید

در مورد این که شخص معذور چه زمانی باید وضو گرفته و با وضویشان چقدر می‌توانند نماز بخوانند؛ تحقیق کنید.



هـ / غسل

غسل، عبارتست از شستن تمام بدن با نیت غسل به گونه‌ای که هیچ قسمت از آن خشک نماند.

غسل، به خاطر برطرف کردن موانع در انجام برخی عبادات؛ بسیار اهمیت دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» [المائدة: ۶] «و اگر جنب بودید (و خواستید نماز بخوانید، همه‌ی بدن) خود را بشوئید.» در مورد غسل زنان می‌فرماید: «فَاعْتَرِلُوا التَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ» [البقرة: ۲۲۲] «پس در حالت قاعدگی از (همبستری با) زنان کناره گیری نمائید، و با ایشان نزدیکی نکنید تا زمانی که پاک شوند.» منظور از پاک شدن در این آیه، غسل کردن زن پس از اتمام ایام حیض می‌باشد و حکم زنی که در نفاس به سر می‌برد، هم به همین ترتیب است.

۱- حالت‌هایی که باید در آن غسل انجام شود

غسل در هر یک از حالات زیر فرض می‌باشد:

۱- جنب بودن: جنب شدن همان طور که با انجام رابطه‌ی جنسی (جماع) صورت می‌گیرد؛ (با داخل شدن محل ختنه - پنیس - به داخل فرج حاصل می‌شود؛ حتی اگر منی خارج نشود) با احتلام در خواب یا خارج شدن منی با شهوت در بیداری نیز حاصل می‌شود.

حتی اگر شخص خوابیده، خواب دیدنش را به خاطر نیاورد و وقتی از خواب بیدار می‌شود، بر بدن یا لباس خود تری و مایعی مانند منی را دید، باید غسل کند. در مقابل اگر خواب دیدن خود را به یاد آورد ولی بر لباس یا بدن او چنین مایعی پیدا نشد؛ نیازی به غسل نیست. اگر پس از رفتن مستی یا غش کردن بر بدن یا لباس خود منی را ببیند؛ بنابر احتیاط باید غسل کند.

۲- پایان حیض یا نفاس زن: وقتی قاعدگی یا نفاس زن تمام شد، غسل بر او فرض می‌گردد.

حیض (قاعدگی): دوره‌ای است در دختران که با رسیدن به سن بلوغ ایجاد می‌شود و از آن پس شروع به دیدن خون قاعدگی می‌کنند. حیض شدن، با خارج شدن خون از رحم شروع می‌شود. خون حیض، خونی است که در مدت زمانی مشخصی از بدن زنی که به سن بلوغ رسیده و حامله نیست خارج شده و با خون استحاضه و نفاس متفاوت می‌باشد. حداقل مدت حیض سه روز کامل و حد اکثر آن ده روز می‌باشد. خونی که کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز دیده شود؛ خون حیض نیست و استحاضه محسوب می‌شود.

نفاس: خونی که از رحم زنی که تازه زایمان کرده است؛ خارج می‌شود. خون نفاس، بلافاصله پس از زایمان شروع می‌شود. حد اقل مدت زمان نفاس مشخص نیست ولی حد اکثر آن چهل روز کامل می‌باشد. خونی که پس از چهل روز خارج شود، دیگر نفاس نیست و خون استحاضه و عذر می‌باشد. زن نفاس شده، در طی چهل روز، هر وقت که خونریزی‌اش کاملاً قطع شد، غسل کرده و شروع به انجام عباداتش می‌کند.

۲- مستحبات و محرمات غسل

محرماتی که افراد جنب و زنانی که در حیض و نفاس هستند، باید از انجام آن خودداری کنند، عبارتند از:

۱- نماز.

۲- سجده‌ی تلاوت.

۳- طواف کعبه.

۴- اعتکاف.

۵- وارد شدن به مسجد: شخص جنب نمی‌تواند وارد مسجد شود مگر در حالت ضرورت.

۶- دست زدن به قرآن: افراد جنب و زنانی که در حالت حیض و نفاس هستند؛ نمی‌توانند به قرآن دست بزنند و نمی‌توانند آیه‌ی نوشته شده‌ای را در جایی را لمس کنند، اما نگاه کردن به قرآن اشکالی ندارد.

۷- قرائت قرآن: افراد جنب و زنانی که در حالت حیض و نفاس هستند، حتی از حفظ هم نمی‌توانند قرآن را بخوانند. با توجه به حدیث «لَا تَقْرَأُ الْحَائِضُ وَلَا الْجُنُبُ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ»^{۳۰} «زن حائض و شخص جنب نباید چیزی از قرآن را تلاوت کند.» زنی که در حالت حیض یا نفاس است به هدف تلاوت نباید چیزی از قرآن بخواند.^{۳۱}

۳۰- ابن ماجه، الطهارة، ۱۰۵، ابوداود، الطهارة، ۹ و المؤطا، قرآن، ۱۵.

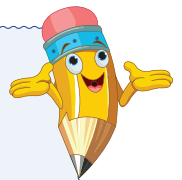
۳۱- در مذهب مالکی، به خط بردن با چشم و تلاوت قرآن به قصد تعلیم برای زنی که در حالت حیض یا نفاس است؛ اجازه داده شده است. در کتاب‌های فقهی، علت این اجازه - با توجه به طولانی بودن مدت آن - احتمال فراموشی آیات حفظ شده بیان شده است. در مذهب مالکیه، رأی تلاوت قرآن به قصد تعلیم و

زنی که در حالت حیض یا نفاس است، علاوه بر موارد ذکر شده نمی‌تواند روزه بگیرد و با همسرش رابطه‌ی جنسی (جماع) انجام دهد. تراشیدن و اصلاح موی سر و صورت و کوتاه کردن ناخن‌ها برای شخص جنب مکروه است اما این موارد برای زنی که در حیض است؛ مکروه نمی‌باشد.

نمازهایی که در وقت حیض و نفاس خوانده نمی‌شود، قضا ندارد ولی گرفتن روزه‌ی قضایی برای روزه‌هایی که در ماه رمضان گرفته نشده است؛ فرض می‌باشد.

شخص جنب یا زنی که حیض یا نفاس است، می‌تواند آیات ربنا را به قصد دعا بخواند و اذکاری مانند «الحمد لله» و «لا إله إلا الله» و «بسم الله» را تکرار کند. در صورت ضرورت می‌تواند با پارچه یا مانند آن به قرآن دست بزند.

بیشتر بدانیم



شخصی که در حالت جنب است - به شرطی که غسل و وضویش را گرفته و نمازش را سر وقتش ادا کند - می‌تواند وضو گرفته و بخوابد یا دست و دهانش را شسته و غذا بخورد و آب بنوشد. علاوه بر این شخصی که در حالت جنب صبح از خواب بیدار شود، این وضعیت وی، به روزه‌اش ضرری نمی‌رساند ولی شخص روزه دار هنگام غسل کردن باید مراقب باشد که آب نخورد.

۳- اقسام غسل

۱- غسل فرض: غسل برای شخص جنب یا زنی که حیض و نفاسش به اتمام رسیده باشد؛ فرض می‌باشد. همچنین شستن بدن میت مسلمان نیز فرض کفایه است.

۲- غسل سنت: غسل نماز جمعه و عید، غسل قبل از بستن احرام برای حج و عمره و غسل برای ایستادن در عرفه نیز سنت است.

۳- غسل مستحب: کسی که از گناه توبه کند، مسافری که از راه دور آمده، ورود به اسلام در حال طهارت و پاکی، غسل کسانی که از بی هوشی، جنون و مستی بیدار می‌شوند، غسل مرده‌شور و غسل کسانی که برای دعای باران خارج می‌شوند؛ مستحب است.

۴- فرائض غسل

غسل سه فرض دارد:

۱- پر کردن دهان از آب و شستن آن تا حلق.

۲- کشیدن آب به داخل بینی و تمیز کردن آن به خوبی.

۳- شستن کل بدن بدون این که هیچ قسمتی خشک بماند.

تعلیم توسط زنی که در حالت حیض است، از آن جایی که موجب برخی اشتباهات می‌گردد؛ باید فقط به عنوان رخصت در نظر گرفته شده و زنانی که در حالت حیض هستند؛ تا زمانی که مجبور نشده‌اند؛ نباید قرآن را تلاوت کنند.

در صورت وجود موادی که آب به زیر آن نفوذ نمی‌کند بر روی بدن، لازم است از قبل آن قسمت‌ها تمیز شوند. ولی در صورت وجود بانداز و پانسمانی که به خاطر حفظ سلامتی بر روی زخمی قرار داده شده است و برداشتن و رسیدن آب به آن قسمت باعث آسیب به آن می‌شود؛ پانسمان برداشته نشود و فقط روی آن مسح کشیده شود.

شستن موهای بافته نشده‌ی یک زن به طور کامل فرض است. اگر آب به ریشه‌ی موهای بافته شده نفوذ کرده و خیس کرده باشد؛ نیازی به باز کردن این بافت‌ها نمی‌باشد. ولی اگر بافت مو آنقدر سفت و محکم باشد که آب به ریشه‌ی آن نفوذ نکند؛ باید بافت‌ها باز شده و تمام قسمت‌های آن خلال کرده شود. اگر موهای مرد بافته شده باشد؛ باید باز شود زیرا بافت موهای مرد مرسوم و عادت نیست.

۵- سنت‌های غسل

سنت‌های غسل عبارتند از:

- ۱- قبل از شروع غسل اعوذ بالله و بسم الله خواندن.
- ۲- نیت کردن و شستن دست‌ها.
- ۳- شستن عورت، تمیز کردن بدن در صورت وجود کثیفی.
- ۴- وضو گرفتن در هنگام غسل.
- ۵- برای شستن بدن، ابتدا روی سر و سپس روی شانه‌های راست و چپ آب ریختن.

۶- روش درست غسل

غسل باید در جایی انجام شود که کسی شخص را نبیند. اگر مجبور به انجام غسل در محل‌هایی مثل حمام بود که افراد دیگری هم در آن حضور دارند؛ باید حتماً محل عورت را به گونه‌ای که بدن نمایان نشود با لنگ، حوله یا مانند آن بپوشاند. پوشاندن عورت یکی از آداب غسل است حتی اگر کسی در آن محل نباشد.

قبل از شروع غسل، هر گونه دندان مصنوعی غیر ثابت باید برداشته شود.

پیش از شروع غسل، أعوذ بالله و بسم الله گفته شود و نیت غسل برای رضای خدا را بکند.

دست‌ها و اندام‌های تناسلی کاملاً شسته می‌شوند - حتی اگر کثیفی روی آن‌ها نباشد. در صورت وجود کثیفی روی بدن، ابتدا آن قسمت تمیز شود.

سپس وضو گرفته می‌شود. آب به خوبی داخل دهان و بینی وارد می‌شود. روزه دار باید دقت کند که آب وارد گلویش نشود.

پس از وضو گرفتن، سه مرتبه آب به اندازه کافی روی سر، کتف راست و چپ می‌ریزد و هر بار بدن را به خوبی مالش می‌دهد.

موها به خوبی شسته شوند، باید دقت شود که آب به ریشه‌ی مو برسد. همین طور به داخل گوش، زیر ابرو، ریش و بروت، لبه‌ی داخلی ناخن، سوراخ‌های بسته نشده‌ی گوشواره، فرو رفتگی ناف و سایر قسمت‌های بدن برسد. باید دقت شود حتی به اندازه نوک سوزن از بدن خشک نماند.

اگر آب در محل غسل جمع می‌شود، باید شستن پاها را به بعد از غسل موکول کند، هنگام خروج ابتدا پای راست سپس پای چپ شسته می‌شوند.

مصرف آب کمتر یا بیش از حد لازم، صحبت در حال غسل، دعا کردن و کمک خواستن از دیگری در صورتی که عذری نداشته باشد از جمله مکروهات غسل است.

غسل، جایگزین وضو است. وضو گرفتن بعد از غسل برای نماز مکروه است.

دو رکعت نماز شکرانه بعد از غسل - در صورتی که زمان مناسب باشد - فضیلت دارد.

و/ تیمم

تیمم عبارتست از استفاده از خاک یا هر چیز پاکیزه‌ای از جنس خاک، به قصد طهارت از حدث، زمانی که آب در دسترس نباشد یا استفاده از آب غیر ممکن باشد، به صورت مسح کشیدن بر صورت و دست‌ها با خاک.

تیمم یکی از آسانگیری‌هایی است که دین ما برای انجام عبادت فراهم کرده و در سال پنجم هجری وضع گردید. پیامبر ما - صلی الله علیه و سلم - و یارانش حین بازگشت از غزوه‌ی بنی مصطلق شب را در محلی اتراق کردند، سحرگاه برای ادای نماز صبح آبی برای وضو پیدا نکردند. در این هنگام خداوند متعال وحی نازل کرده و در صورت نیاز اجازه‌ی تیمم را داده و چنین فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا . . . وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ» [المائدة: ۶].

«ای مؤمنان! . . . و اگر بیمار بودید (و بیماری مانع از استعمال آب بود) یا این که مسافر باشید (و یافتن آب برایتان دشوار بود) یا این که یکی از شما از پیشاب برگشت، یا با زنان مجامعه کردید و (در همه‌ی این صورت‌ها، آب برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید.»

۱- حالاتی که در آن تیمم مباح است

۱- نداشتن آب کافی برای وضو یا غسل، یا تشنه و بی آب ماندن در صورت استفاده از آب موجود: اگر شخص به همراه خود به اندازه‌ی کافی آب نداشته باشد یا این که نزدیکترین محل آب به او در فاصله‌ی ۱ مایل = ۰.۶ کیلومتر (تقریباً ۲۰۰ قدم) یا بیشتر باشد؛ این صورت تیمم زدن جایز می‌باشد.



تیمم بدون پرسیدن از شخص آگاهی که در دسترس می‌باشد؛ جایز نیست. اگر تیمم زده و نماز بخواند سپس خبر وجود آب در مسافتی کمتر از یک مایل به او داده شود؛ باید نمازش را اعاده کند.

در صورتی که آب خریدنی باشد و قیمت آن آب دو برابر یا بیشتر از قیمت آبی است که در بازار به فروش می‌رسد؛ در این صورت هم می‌تواند تیمم بزند.

اگر شخص به دلیل نبود آب تیمم زده و شروع به خواندن نماز کند، به محض دیدن آب، در آن لحظه نمازش باطل می‌شود و باید وضو بگیرد و از نو نمازش را بخواند. اما اگر بعد از تمام شدن نماز آب را ببیند، نیازی نیست که نماز را از نو بخواند.

۲- عدم دسترسی به آب: حتی اگر محلی که آب در آن قرار دارد، نزدیک باشد اما به دلیل بیماری یا ناتوانی دسترسی به آب ندارد، در راه حیوانات وحشی وجود داشته باشد، جان، ناموس یا مال خود شخص یا افرادی که آنها را رها کرده است؛ به خطر بیفتد، یا برای استفاده از آب به کمک شخص دیگری نیاز داشته باشد اما شخص دیگری در آن جا نباشد، در این موارد می‌تواند تیمم بزند.

بر اساس رأی امام اعظم و امام محمد شخصی که در زندان حبس شده و آب تمیز یا خاک پیدا نکند؛ می‌تواند نمازش را به بعد موکول کند. بر اساس رأی امام ابو یوسف، بدون خواندن چیزی، نمازش را ادا کند سپس وقتی نجات پیدا کرد؛ قضای نمازهایی را که نخوانده است؛ به جا آورد.

۳- ضرر داشتن وضو یا غسل با آب برای سلامتی شخص: در صورتی که رسیدن آب به اعضای وضو در هنگام وضو گرفتن، یا تماس آب با نصف بدن در غسل برای سلامتی مضر باشد، می‌تواند تیمم بزند. ولی اگر کمتر از نیمی از بدن زخمی باشد، قسمت‌های سالم خود را می‌شوید و روی زخم‌ها را مسح می‌کشد و نمی‌تواند تیمم کند.

۴- نرسیدن به نماز میت یا نماز عید در صورت رفتن برای وضو گرفتن یا غسل کردن: این شرط برای نماز جمعه صحیح نیست. چون اگر بنا به عذری نماز جمعه را از دست بدهد؛ می‌تواند به جای آن نماز ظهر را به جا آورد. در صورت بروز هر یک از این حالات می‌توان به جای وضو یا غسل تیمم کرد.

۲- شروط صحت تیمم

شروط صحت تیمم به شرح زیر است:

- ۱- وجود حالتی که مستلزم تیمم باشد. اگر به دلیل نبودن آب تیمم انجام می‌شود؛ باید آب را جستجو شود.
 - ۲- بیان واضح نیت. مقصود از بیان آشکار نیت، قصد کردن انجام یک عبادت - مانند نماز، طواف، سجده‌ی تلاوت - است که شرط آن پاکی از حدث است.
 - ۳- تیمم را می‌توان با سطح تمیز زمین یا خاک یا چیزی از جنس خاک (ریگ، شن، گچ، خشت، مرمر) انجام داد.
 - ۴- تیمم، با ضربه زدن حداقل بیش از نصف کف دو دست بر خاک یا چیز تمیزی از جنس خاک انجام می‌شود.
 - ۵- مسح کامل صورت و دو ساق دست به وسیله‌ی دست‌ها.
- اگر بر اندامی که باید بر آن مسح کشیده شود ماده‌ای مانند موم یا رنگ روغن وجود داشته باشد باید ابتدا آنها را پاک کرد.

۳- فرائض تیمم

فرائض تیمم دو تا است که عبارتند از:

- ۱- نیت کردن.
 - ۲- ضربه زدن دو دست بر خاک پاک یا ماده‌ی تمیزی از جنس خاک و ابتدا مسح صورت و سپس ضربه زدن دو دست بر خاک برای بار دوم و مسح دو دست تا آرنج.
- اگر یکی از این فرائض یا قسمتی از آن - مانند مسح یکی از دست‌ها - انجام نشود؛ تیمم صحیح نیست.

۴- سنت‌های تیمم

سنت‌های تیمم به شرح زیر است:

- ۱- شروع تیمم با اَعُوْذُ بِاللّٰهِ وَ بِسْمِ اللّٰهِ.
- ۲- گذاشتن دست‌ها روی زمین با انگشتان باز، هل دادن به جلو و عقب کشیدن.
- ۳- اگر دست‌ها بیش از حد گرد و غبار گرفتند، به آرامی به یکدیگر ضربه زده تا گرد و غبار اضافه بریزد.
- ۴- رعایت ترتیب، یعنی ابتدا صورت و سپس دست راست و چپ را مسح کردن.
- ۵- مسح را یکی پس از دیگری بدون وقفه انجام دادن.
- ۶- یک بار مسح کردن یک عضو (مثلاً صورت) . مسح بیش از یک بار مکروه است.

۵- شیوهی صحیح تیمم

کسی که می‌خواهد تیمم کند باید اول با دل و زبان، نیت تیمم کند سپس دست‌ها را با انگشتان باز بر روی خاک پاک یا ماده‌ی پاک‌ای از جنس خاک قرار داده و به جلو براند. سپس آن را به عقب بکشد. سپس گرد و غبار اضافی را با زدن دست‌ها به هم تمیز کند. سپس با دو دست به گونه‌ای که تمام صورتش را در بر گیرد؛ مسح بکشد. بدین ترتیب اولین ضربه به خاک انجام می‌شود. سپس مثل بار اول دوباره با هر دو دستش به زمین ضربه می‌زند، دستانش را به سمت جلو و عقب می‌مالد و گرد و غبار اضافی را می‌ریزد.

پس از آن انگشت اشاره شصت دست چپ را از هم جدا می‌کند. با قسمت داخل انگشت سبابه، وسط و حلقه. بیرون دست راست را از نوک انگشتان تا آرنج مسح می‌کشد. سپس انگشتان کوچک و شصت را که از قبل از دیگر انگشتان جدا کرده بود را به صورت حلقه درآورده و با قسمت داخلی آن از آرنج شروع کرده و تا نوک انگشتان مسح می‌کشد. سپس دست چپ را نیز به همین به ترتیب مسح کرده و تیمم را به اتمام می‌رساند. هنگام تیمم باید انگشتر، ساعت، دستبند و مانند آن‌ها را درآورده یا آن‌ها را حرکت دهد.

۶- مبطلات و شکننده‌های تیمم

- ۱- هر چیزی که وضو را باطل می‌کند یا نیاز به غسل را واجب می‌گرداند؛ تیمم را نیز باطل می‌کند، مثلاً خون دماغ شدن کسی که تیمم کرده است.
- ۲- از بین رفتن عذری که تیمم را مشروع کرده است، تیمم را نیز باطل می‌کند. مانند یافتن آب یا از بین رفتن عذری که مانع از استفاده آب می‌شده است.
- یافتن آب یا از بین رفتن حالت عذر سه حالت دارد:
- الف) اگر قبل از شروع نماز آب پیدا شود یا عذر برطرف شود، تیمم فوراً شکسته می‌شود و برای خواندن نماز، وضو گرفتن لازم است.
- ب) اگر در حین ادای نماز، آب دیده شود یا عذر از بین برود، هم تیمم و هم نماز باطل می‌شود. باید ابتدا وضو گرفته سپس نماز را دوباره بخواند.
- ج) اگر بعد از خواندن نماز آب پیدا شود یا عذر از بین برود، تیمم باطل می‌شود، ولی لازم نیست که نماز اعاده شود.

۷- برخی احکام مربوط به تیمم

با یک تیمم بیش از یک نماز فرض و نافله را می‌توان خواند.^{۳۲}

چند نفر می‌توانند از یک مکان تمیز تیمم کنند. چون زمین مثل آب نیست، با استفاده‌ی مکرر مستعمل نمی‌شود. با ضربه زدن بر چیزهایی از جنس خاک مانند ریگ، آهک، گچ، مرمر، سیمان، خشت، سفال و همچنین گرد و غبار نشستۀ بر روی اشیاء هم می‌توان تیمم انجام داد. با کشیدن دست روی دیواری که گچ کاری شده است هم تیمم امکان پذیر است.

کسی که نصف یا بیشتر اعضای وضویش جراحت دارد، می‌تواند تیمم کند. شخص ناتوانی که کسی را نیابد تا در وضو گرفتن به او کمک کند، با تیمم نماز می‌خواند.

قبل از شروع وقت نماز می‌توان تیمم کرد. ولی اگر کسی امید داشته باشد که قبل از گذشتن وقت مستحب نماز آب پیدا می‌کند؛ مندوب است که تیمم را به تأخیر بیندازد. بنا به مذهب شافعی، مالکی و حنبلی پیش از داخل شدن وقت نماز نمی‌توان تیمم کرد.

ز/ مسح بر روی موزه و پانسمن

به پاپوش ساخته شده از چرمی که پا را تا مچ پا می‌پوشاند و با آن امکان راه رفتن وجود دارد، خُف می‌گویند. مسح هم عبارتست از مرطوب کردن خف یا پانسمن عضو یا زخم و مانند آن با کشیدن دست خیس بر آن.

دین ما هنگام مشقت (سختی در ادای یک عبادت) راه‌هایی را برای آسان‌تر شدن انجام آن ارائه می‌کند. تیمم در زمانی که آب موجود نیست یا در دسترس هست ولی امکان استفاده از آن نیست و مسح بر روی خُف یا پانسمن، از آسانگیری‌هایی است که دین ما ایجاد کرده است.

۱- شرایط لازم برای جایز بودن مسح بر روی موزه

برای جائز بودن مسح بر روی خف‌ها، شش شرط وجود دارد:

۱- خف‌ها باید از چرم یا مواد با کیفیت ساخته شوند: چکمه‌هایی که پاها را همراه با پاشنه می‌پوشانند، نمد ضخیم و محکم و غیره با کیفیتی که وقتی با آبی تماس پیدا کند؛ پا را خیس نکند، جوراب، جوراب‌های خف مارک اسپل، دمپایی‌های پشمی حلزونی نیز در حکم خُف محسوب می‌شود.

۲- خُف باید به قدری ضخیم باشد که در صورت عدم پوشیدن، راست بایستد و روی زمین نیفتد.

۳- باید برای راه رفتن مناسب و مستحکم باشد و بتوان با آن حد اقل سه مایل - ۴٫۸ کیلومتر - راه رفت.

۴- باید قسمتی از پا را که باید در وضو شسته شود بپوشاند: خُف‌ها، باید به همراه پاشنه (با استخوان مچ پا) از هر طرف پا را بپوشاند. بند یا زیپ خف‌های بندی یا زیپ دار، پس از پوشیدن باید بسته نگه داشته شوند.

۵- خُف‌ها نباید سوراخ یا پارگی‌هایی به اندازه‌ی سه انگشت کوچک پا داشته باشند. خف باید تمیز باشد، حین مسح نباید پارچه و مانند آن روی خُف وجود داشته باشد.

۳۲- بنا به رأی امام شافعی، با یک تیمم یک نماز فرض به همراه چند نماز نافله می‌توان خواند. برای نجات از اختلاف مذاهب، اولی‌تر آن است که برای هر نماز فرض یک تیمم به جای آورده شود.

ع- خف‌ها را باید با وضو پوشید. برای این که بتوان روی خف مسح کشید؛ ابتدا باید وضو گرفته شود سپس پیش از این که این وضو باطل شود؛ باید خف را پوشید.

نکته: مسح بر خف‌ها، فقط در هنگام وضو صورت می‌گیرد. در غسل جایز نیست که به جای شستن پاها، خف پوشیده و بر آن مسح کشید.

۲- روش انجام مسح بر روی خف

بعد از وضو گرفتن، پیش از شکستن وضو، خف پوشیده می‌شود. اگر خف‌ها زیپ دارند، باید زیپ‌ها به گونه‌ای که خف پاشنه‌ی پا را هم بپوشاند؛ بسته شوند.

پس از گذشت زمان و هنگام باطل شدن وضو؛ از نو وضو گرفته می‌شود و نوبت به شستن پاها که رسید؛ ابتدا هر دو مشت را پر از آب کرده سپس آب‌ها ریخته می‌شوند سپس دست‌ها - که قطرات آب از آن چکه می‌کنند - دست راست را روی خف پای راست و دست چپ را روی خف پای چپ کشیده و مسح کشیده می‌شود.

مسح کشیدن از نوک انگشتان پا شروع و به سمت ساق پا کشیده می‌شود در حالی که انگشتان دست از هم باز هستند. بدین ترتیب مسح انجام می‌شود.

* مسح کشیدن با کف دست و حداقل سه انگشت،

* مسح قسمت‌های بالایی و جلوی خف نه قسمت زیرین آن،

* باز نگه داشتن انگشتان دست در حین مسح کشیدن،

* شروع کردن مسح از نوک انگشتان پا و ادامه‌ی آن به سمت بالا و ساق پا سنت است.

شستن خف به جای مسح با آب مناسب نیست. انجام این کار مکروه است.

۳- مدت مسح کشیدن

مسح کشیدن بر روی خفین، فقط برای مدت معینی معتبر است.

مدت زمان مسح کشیدن بر خف برای افراد مقیم (کسانی که در شهر خود یا کشور محل اقامت خود ساکن هستند) یک روز و یک شب یعنی ۲۴ ساعت است. برای مسافر هم (کسانی که کمتر از ۱۵ روز به شهر دیگری سفر می‌کنند یا در شهر دیگری می‌مانند) سه روز و سه شب یعنی ۷۲ ساعت می‌باشد.

بنا به رأی مالکيه، مسح بر خف زمان مشخصی ندارد. به غیر از زمان غسل، همیشه می‌توان بر خف مسح کشید. اما در آوردن خف‌ها در روز جمعه و شستن پاها برای کسانی که نماز جمعه می‌خوانند؛ مندوب می‌باشد.

زمان مسح از لحظه‌ی پوشیدن خفین شروع نمی‌شود بلکه با روی دادن اولین حدث - زمان شکسته شدن وضو - پس از پوشیدن خف‌ها آغاز می‌شود. به عنوان مثال، اگر یک شخص در ساعت ۰۶:۰۰ وضو بگیرد و خف بپوشد و در ساعت ۱۰ وضویش شکسته شود، از این لحظه به بعد زمان مسح شروع می‌شود.

کسی که می‌ترسد پاهایش از شدت سرما یخ بزند، با وجود تمام شدن مدت مسحش؛ می‌تواند خف‌ها را در نیاورده و هم چنان بر مسح بر خفین ادامه دهد. در این صورت به مدت زمان مسح اهمیت داده نمی‌شود. اصل، برطرف شدن حالت عذر است.

۴- مبطلات مسح بر خفین

مبطلات وضو، مسح بر خفین را نیز باطل می‌کنند. اموری مانند خارج کردن خفین از پا که فقط مسح بر خف را باطل می‌کند؛ باطل کننده‌ی وضو نیستند و فقط مسح بر خف را باطل می‌کنند و از آن به بعد حین وضو گرفتن، مسح بر خف انجام نمی‌شود بلکه شستن پاها واجب می‌گردد.

بیرون آوردن خفین از پا برای کسی که با شستن پاها وضو گرفته و اولین وضویش هم چنان ادامه داشته باشد؛ باعث باطل شدن وضویش نمی‌گردد.

مواردی که باعث شکسته شدن مسح بر خفین می‌گردد؛ عبارتند از:

۱- پایان یافتن زمان مسح: با گذشت ۲۴ ساعت برای مقیم و ۷۲ ساعت برای مسافر، دیگر نمی‌توان بر خفین مسح کشید. اگر در حال وضو، مدت زمان مسح تمام شده باشد، باید خفین را از پا بیرون کرده و فقط پاها را بشوید و این برای ادامه وضو کافی است. در این صورت مدت زمان مسح دوباره شروع می‌شود.

۲- در آمدن یا درآوردن خفین از پا: بیرون آمدن خود به خود یکی از خفین از پا یا درآوردن آن توسط صاحبش برای باطل شدن مسح بر خفین کافیست. اگر در این حالت هم چنان وضو داشته باشد؛ شستن پاها کافیست.

۳- هر حالتی که وضو را باطل کند.

۴- وقوع حالتی که مستلزم غسل است. در این صورت برای انجام غسل باید خفین درآورده شوند.

۵- از بین رفتن یکی از شروط مستلزم مسح بر خفین. مثلاً؛ ایجاد سوراخ به اندازه سه انگشت در خف‌ها، باعث از بین رفتن جواز مسح می‌گردد.

۵- مسح روی پانسمان یا زخم

اگر بنا به ضرورتی مانند جراحت، روی اعضای وضو یا غسل بانداز شده و بازکردن و شستن زیر آن ممنوع باشد؛ می‌توان روی پانسمان را مسح کشیده و بدین ترتیب گویی آن اعضا شسته شده است.

اگر چه سه مرتبه شستن اعضای وضو سنت است، اما یک مرتبه مسح کشیدن بر پانسمان کافی است. لازم نیست کل پانسمان مسح کشیده شود، مسح قسمت اعظم پانسمان کافی است. نواحی سالم اطراف پانسمان باید هنگام وضو شسته شود.

با وضو بودن شخص حین بستن پانسمان کردن شرط نیست. گچ و پانسمان روی پای شکسته هم همین حکم را دارد. هم چنین زخمی که با مرهم و دارو پوشیده شده است.

نه تنها بانداژهایی که روی زخم می‌پیچند، بلکه پانسمان‌هایی که در مواردی مانند شکستگی، دررفتگی، رگ به رگ شدن بسته می‌شوند - در صورتی که باز شدن آن‌ها برای سلامتی مضر باشد - در مورد مسح کردن نیز حکمشان به همین منوال می‌باشد.

اگر شستن هر زخم بازی در بدن خطرناک باشد، روی زخم پانسمان، دارو و مواد مشابه گذاشته شده باشد؛ هنگام وضو یا غسل، می‌توان روی این زخم را با دست مرطوب مسح کشید. اگر مسح بر روی زخم باز، سوختگی یا عضو بیماری مانند چشم مضر باشد، مسح را نیز می‌توان ترک کرد.

اگر خون یا چرک به سطح پانسمان برسد، وضو باطل می‌شود. در چنین مواردی، اصل آن است که پانسمان باید برداشته شده و از نو پانسمان تمیزی بسته شود. مسح بر پانسمان جدید مستحب می‌باشد.

اگر گچ یا پانسمانی که روی آن مسح کشیده شده؛ نیاز به تعویض داشته باشد یا لازم باشد که روی آن پانسمان دیگری بسته شود؛ در این صورت نیازی نیست روی این بانداژهای تازه پیچیده شده مسح کشیده شود.

اگر پانسمان زخم التیام نیافته؛ بیفتد یا باز شده و پس از معاینه دوباره بسته شود، مسح آن باطل نمی‌شود. اما اگر پانسمان به دلیل خوب شدن زخم بیفتد، مسح باطل شده و وضو گرفتن واجب می‌گردد.

زمان خاصی برای مسح بر روی بانداژ و پانسمان وجود ندارد. مسح، تا بهبودی و درمان زخم یا تا زمانی که استفاده از آب ضرری به آن نرساند؛ ادامه می‌یابد. هنگامی که عذر کاملاً برطرف شود؛ جواز مسح بر آن پایان یافته و پانسمان‌ها برداشته می‌شوند.

ارزیابی

- ۱- اهمیت نظافت را به اختصار توضیح دهید.
- ۲- معنای آیه و حدیثی پیرامون نظافت را بگویید.
- ۳- پاکیزگی معنوی یعنی چه؟ مختصراً توضیح دهید.
- ۴- در مورد آب‌های مطلق و نسبی توضیح دهید.
- ۵- تعریف حدث و نجاست را بیان کنید.
- ۶- مقدار نجاست خفیفه که مانع از نماز می‌شود را ذکر کنید.
- ۷- راه‌های پاک شدن از حدث را بگویید.
- ۸- فریضه‌های وضو را بر اساس مذاهب بیان کنید.
- ۹- ده تا از سنت‌های وضو را ذکر کنید.
- ۱۰- پنج تا از مکروهات وضو را نام ببرید.
- ۱۱- مبطلات وضو را توضیح دهید.
- ۱۲- به چه کسی معذور می‌گویند؟ شرح دهید.
- ۱۳- کارهایی که انجام آن بدون وضو جایز نیست را ذکر کنید.
- ۱۴- نحوه‌ی وضو در غسل را به اختصار بیان کنید.
- ۱۵- چیزهایی را که انجام آن بدون غسل حلال نیست؛ توضیح دهید.
- ۱۶- درباره‌ی مواردی که نیاز به غسل دارد، مختصراً توضیح کنید.
- ۱۷- فرائض تیمم را به همراه چگونگی انجام آن شرح دهید.
- ۱۸- حالاتی که تیمم را باطل می‌کند را بگویید.
- ۱۹- شرایط مسح روی خفین را بیان کنید.
- ۲۰- بنویسید که چه زمان می‌توان بر پانسمان مسح کشید.

سؤالات درست و غلط

- ۱- () مسح تمام سر، سنت است.
- ۲- () هنگام مسح پاها، وقتی سطح زیرین خف کثیف شود، به جای قسمت بالایی، باید قسمت پایین را مسح کشید.
- ۳- () با تیممی که قبل از شروع وقت نماز گرفته شده، می‌توان نماز وقت بعد را خواند.
- ۴- () برای اعتبار مسح روی خفین، چرمی بودن خف شرط لازم است. بر چیزی که جنس پوست نباشد؛ نمی‌توان مسح کشید.
- ۵- () مدت مسح روی پانسمان، یک روز پس از بستن پانسمان به پایان می‌رسد.

جاهای خالی را پر کنید

- (آب‌های مطلق، استبراء، نجاست مایع، استنجا، حدث کوچک، نجاست جامد)
- ۱- نجاست‌هایی مانند مدفوع و فضولات حیوانات و نجاست‌هایی مانند ادرار، نوشیدنی‌های الکلی نیز نامیده می‌شوند.
 - ۲- به آب‌هایی که رنگ، طعم و بوی آن‌ها - با مخلوط شدن چیزهایی که معمولاً در آب یافت نمی‌شوند - تغییر نکند؛ می‌گویند.
 - ۳- به تمیز کردن محل عورت خود پس از قضای حاجت بزرگ و کوچک و به انتظار جهت قطع شدن کامل ادرار می‌گویند.
 - ۴- به حدثی که با ایجاد حالتی که منجر به شکسته شدن وضو می‌گردد؛ می‌گویند.

در جاهای خالی حکم مربوطه را بنویسید

سنت	نیت کردن هنگام وضو
	صحبت کردن و آواز خواندن در زمان غسل
مکروه	کمک گرفتن از دیگران هنگام وضو گرفتن بدون نیاز به آن
	مالش اعضای وضو حین وضو گرفتن
	تاخیر انداختن نماز از وقتش در صورت پیش آمدن عذری
	جنب ماندن در طول یک روز بدون عذر
	کشیدن دست به یک سطح تمیز و مسح صورت و دست‌ها با آن در حین تیمم

بازی با کلمات

(نجاست، وضو، جنب، تیمم، حیض، نفاس، حدث، غسل، مسح، خُف)

ت	پ	ن	و	ض	ض	غ	ت
ح	ی	ض	ن	ج	ا	س	ت
ح	س	م	و	ن	ح	ل	گ
ب	ا	م	م	ب	د	ذ	ی
خ	ف	ف	ه	م	ث	ز	ر
م	ن	د	ن	ز	و	ض	و

سؤالات گزینه یی

- ۱- کدام یک از موارد زیر در حکم آب مطلق و مناسب برای عباداتی مانند وضو و غسل محسوب نمی‌شوند؟
 الف) آب برف.
 ب) آب چشمه.
 ج) آب باران.
 د) آبی که در آفتاب گرم شده باشد.
- ۲- کدام یک از موارد زیر جز آداب تشناب رفتن نیست؟
 الف) ذکر کردن در تشناب به جای بیکار ماندن. نام الله را یاد کردن.
 ب) تلاش برای عدم پاشیده شدن ادرار به اطراف.
 ج) نشستن به گونه‌ای که قبله روبه رو یا پشت سر قرار نگیرد.
 د) بسم الله گفتن پیش از ورود به تشناب.

۳- کدام یک از موارد زیر از فرایض وضو نیست؟
 ۵- در کدام یک از موارد زیر غسل کردن ضروری نیست؟

- | | |
|-----------------------------------|----------------------|
| الف) مسح یک چهارم سر. | الف) ادامه‌ی قاعدگی. |
| ب) یکبار شستن صورت. | ب) آمیزش جنسی. |
| ج) شستن به ترتیب اعضای وضو. | ج) تازه مسلمان شدن. |
| د) شستن پاها به همراه پاشنه‌ی پا. | د) انزال. |

۴- شخص بدون وضو کدام یک از موارد زیر را می‌تواند انجام دهد؟
 ۶- برای مسح روی خفین کدام شرط ضروری نیست؟

- | | |
|---|------------------------------|
| الف) حمل مصحف. | الف) پوشاندن پا. |
| ب) خواندن قرآن. | ب) داشتن کیفیت خوب . |
| ج) دست زدن به مصحف. | ج) مقاوم بودن برای راه رفتن. |
| د) لمس آیه‌ای که در کتاب نوشته شده است. | د) ضخیم بودن. |

نماز

حوزه‌های موضوعی:

الف) اطلاعات کلی پیرامون عبادات.

ب) اهمیت و فضیلت نماز.

ج) فرائض نماز.

د) واجبات نماز.

هـ) سنت‌های نماز.

و) مکروهات نماز.

ز) مبطلات نماز.

مطالعات مقدماتی



۱- آیا تحقق هر حکم دینی در حیطه‌ی عبادات قرار می‌گیرد؟ نظرتان را در این مورد بیان کنید.

۲- خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» [الذاریات: ۵۶] «جن و انس را فقط برای عبادت خود آفریدم.» با توجه به این آیه، اهمیت عبادت از لحاظ هدف بودن در خلقت انسان را بحث و بررسی کنید.

۳- رایج‌ترین عبادت در اسلام چیست؟ در مورد علت این امر فکر کنید.

۴- بین نمازگزاران همیشگی، کسانی که کم نماز می‌خوانند و کسانی که نماز را ترک کرده‌اند؛ از لحاظ تمیزی و پاکیزگی چه تفاوت‌هایی دارند؟ تحقیق و بررسی کنید.

الف) اطلاعات کلی پیرامون عبادات

کلمه‌ی عبادت در لغت به معنای بندگی کردن، مطیع و تسلیم بودن است. عبادت در اصطلاح نیز انجام تمام دستورات خداوند - در چارچوب احکام معین - به خاطر جلب رضایت الهی و پرهیز از منهیات او می‌باشد.

عبادات از نظر نحوه‌ی انجام آن‌ها به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

۱- عبادات بدنی: عباداتی مانند نماز، روزه و خواندن قرآن.

۲- عبادات مالی: عباداتی مانند زکات، صدقه و فطریه.

۳- عبادات بدنی و مالی: عباداتی مانند حج، جهاد، عمره و قربانی.

۱- هدف از عبادت

۱- عبادت از آن جهت انجام می‌شود که دستور الهی است: اولین هدف از عبادت، انجام فرمان خداوند است، زیرا عبادت به این دلیل انجام می‌شود که دستور خداوند است. اطاعت از امر خدا لازمه‌ی بندگی است،^{۳۳} هدف از خلقت انسان است.

۲- عبادت به امید کسب بهشت انجام می‌شود: انسان‌ها می‌خواهند از عذاب جهنم در آخرت دوری کرده و وارد بهشت شوند. هر مسلمانی برای رسیدن به این آرزو باید تلاش کند تا وظایف خود را در این دنیا انجام دهد.

۳- عبادت برای جلب رضایت خداوند انجام می‌شود: هدف اصلی از عبادت، جلب رضایت خداوند است. این آیه بیانگر این امر می‌باشد: «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» [الأنعام: ۱۶۲] «**بگو نماز، عبادت، زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است.**» رضایت الهی، با انجام عبادت فقط برای خداوند متعال حاصل می‌گردد.

انجام عبادات برای اهدافی مانند کسب منافع دنیوی یا پسندیدن مردم؛ نوعی شرک است. انسان برای کسب رضایت الهی و دست یافتن به نجات در آخرت، باید عبادات را سر وقت و بدون نقص ادا کند.

۲- فواید عبادت

۱- عبادت به ایمان نیرو می‌بخشد: حفظ، استمرار و تقویت ایمان نیز به برکت عبادت امکان پذیر است. زیرا عبادات، دستور خداوند است و چون برای جلب رضایت او انجام می‌شود؛ همواره انسان را به یاد خدا می‌اندازد. ایمان شخصی که هیچ گاه خداوند از یاد او نمی‌رود؛ نیز قوی و نیرومند است.

۲- عبادت، ارزش انسان را زیاد و اخلاق او را زیبا می‌کند: انسان در میان مخلوقات موجودی شرافتمند است. اما حفظ این شرف و ارزش انسان، به داشتن ایمان و انجام عبادات توسط وی بستگی دارد. پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم - پیرامون این که عبادت از لحاظ معنوی درجه‌ی انسان را ارتقا می‌دهد؛ چنین فرموده است:

«عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ، فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً، إِلَّا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً»^{۳۴}

«برای خدا زیاد سجده کنید - عبادت کنید - زیرا به خاطر هر سجده خداوند بر مقام و درجه‌ی تو می‌افزاید.»

۳۳- سوره‌ی الذاریات، ۵۶.

۳۴- صحیح مسلم، کتاب الصلاة، ۲۲۵، سنن ترمذی، باب الصلاة، ۳۸۸.

ارزش نمازگزار نه تنها در نزد خداوند، بلکه در نزد مردم نیز افزایش می‌یابد.

فردی که در برابر الله وظایف خود را انجام می‌دهد؛ در جامعه جایگاه قابل احترامی دارد زیرا این شخص در حق دیگران بدی نمی‌کند، با مردم با عشق و احترام رفتار می‌کند، به حقوق بنده احترام می‌گذارد و به این ترتیب، دیگران هم با وی محترمانه رفتار می‌کنند، حتی کسانی که نمی‌توانند وظیفه عبادی خود را انجام دهند، به شخص عبادت گزار احترام گذاشته و برایش ارزش قائل هستند.

۳- عبادت تأثیر مثبتی بر روان انسان دارد: عبادت باعث آرامش در افراد می‌شود.

هر یک از عبادات تأثیر مثبتی بر روح و روان انسان دارد. مثلاً نماز تا حد زیادی روح انسان را به آرامش می‌رساند. بعد از اقامه‌ی نماز هم، ادای آن باعث آرامش خاطر می‌گردد. نماز اندیشه‌ی خوب و درست انسان را قوت بخشیده و نفس را از تسلیم شدن در برابر خواسته‌های ناشایست و بد باز می‌دارد.

۴- عبادات بدنی باعث سلامت جسمانی می‌گردند: مثلاً، وضو و غسل، بدن را از آلودگی‌ها پاک و تمیز می‌کنند. حرکات بدن در نمازهای پنجگانه‌ی روزانه، بدن را بانشاط نگه می‌دارند. باز هم توصیه‌ی پیامبر: «وَصُومُوا تَصِحُّوا»^{۳۵} «و روزه بگیرید تا سالم باشید.» در این رابطه بسیار مهم است. زیرا روزه نقش مهمی در سلامت انسان دارد. روزه باعث می‌شود بدن انسان استراحت کند، زود فرسوده نشود، سلامتی و تندرستی‌اش را حفظ کند و چربی‌های مضر انباشته شده در بدن با روزه آب شده و بدن راحت می‌شود.

۵- عبادت انسان را به سوی یک زندگی برنامه ریزی شده و منظم سوق می‌دهد: زمان، شکل و شروط عبادت توسط قرآن و سنت تعیین شده است. مثلاً؛ اوقات نماز، هر نماز در وقت مقرر برای خودش انجام شده و از آن چارچوب خارج نمی‌شود.

نمازگزار باید در انجام کارهای روزانه برنامه ریزی شده عمل کند، طوری رفتار کند که نه در نمازش و نه در کارهایش خللی ایجاد شود، پس کارهای مربوط به دنیا را با برنامه انجام می‌دهد. روزه‌ی فرض همیشه در ماه رمضان است. زمان حج نیز مشخص است. این مثال‌ها که نمونه‌های آن بسیار است؛ نشان می‌دهند که عبادات طبق برنامه و اصول خاصی انجام می‌شوند.



ع- عبادت انسان را از بدی‌ها دور می‌کند: عبادت باعث نیکو شدن اخلاق شده و انسان را از بدی‌ها باز می‌دارد. آیه‌ی «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» [العنکبوت: ۴۵] «قطعا نماز از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد.» به این موضوع اشاره دارد.

کسی که همواره نماز می‌خواند، خجالت می‌کشد از این که به عنوان بنده‌ای سرکش در پیشگاه خداوند ظاهر شود و از بدی‌هایی که خداوند از آن نهی کرده است؛ خودداری می‌کند.

روزه هم مانند نماز انسان را از بدی باز می‌دارد. بدین ترتیب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) درباره‌ی روزه می‌فرماید: «روزه - در برابر گناهان و بدی‌ها - بسان زرهی است.» زیرا روزه نه فقط ممانعت از خوردن و نوشیدن بلکه مستلزم ترک گناه و رذیلت می‌باشد. پیامبر (صلی الله علیه وسلم) که

فرمود: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّوْرِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ» «کسی که از دروغ گفتن و انجام کارها با دروغ دست نکشد، خداوند نیازی به ترک خوردن، آشامیدن و گرسنه ماندن او ندارد.» توجه را به لزوم تأثیر مثبت این عبادت بر رفتارهای انسان جلب می‌کند. کسی که این اهمیت و ویژگی روزه را درک کند؛ از شر و بدی‌ها دوری می‌کند.

سایر عبادات نیز از چنین ویژگی برخوردارند.

انسان باایمان و عبادتگر می‌داند که در آخرت باید پاسخگوی کردار و اعمال خود باشد. این باور انسان را به سوی خیر رهنمون کرده و از بدی‌ها دور می‌گرداند.



ب) اهمیت و فضیلت نماز

۱- اهمیت نماز و حکم ترک آن

نماز بر هر مسلمان عاقلی که به سن بلوغ رسیده؛ فرض است. خواندن نماز باعث ورود به بهشت و نخواندن آن هم باعث افکنده شدن مؤمن به جهنم و گرفتار شدن به عذاب می‌گردد. رسول الله - صلی الله علیه و سلم - چنین فرموده است:

«خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يَنْتَقِصْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَهْدًا أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ قَدْ انْتَقَصَ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ إِنْ شَاءَ عَذْبُهُ وَإِنْ شَاءَ غَفَرُ لَهُ»^{۳۶}

۳۶- ابن ماجه، اقامة الصلاة، ۱۹۴.



نکته

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم -
آن جا که فرمود: «وَالصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ»
(ترمذی، الإیمان، ۸) «نماز ستون دین است.»
جایگاه نماز را در دین به ما یاد آوری
کرده و در مورد فرض بودن نمازهای پنجگانه
نیز فرموده است:

«أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَضَّلَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ
صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ» (بخاری، الصلاة، ۱
و مسلم، الإیمان، ۲۶۳)

«خداوند متعال در شبانه روز پنج وقت
نماز برای مردان و زنان مسلمان فرض
گمارده است.»

«خداوند پنج نماز را بر بندگانش فرض کرده
است. هر که این نمازها را بی کم و کاست و بدون
کوچک شمردن به جا آورد، خداوند وعده‌ی قطعی
ورود بهشت را به او می‌دهد. کسی که آن را ناچیز
شمرد و ناقص ادا کند؛ نزد خداوند هیچ وعده‌ای
ندارد، اگر خداوند بخواهد او را عذاب می‌کند و اگر
بخواهد او را می‌بخشاید.»

در حدیث دیگری این موضوع چنین بیان شده است:
«... فَإِنَّهُ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ
اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^{۳۷}

«... کسی که آگاهانه نمازش را ترک کند؛ ذمه و
حفاظت خدا و رسولش از او برداشته می‌شود.»

خداوند متعال وضعیت اسفناکی که در انتظار ترک
کنندگان نماز است را با مثال زیر برای ما توضیح می‌دهد:

«إِلَّا أَصْحَابَ الْإِيمَانِ (۹۳) فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۹۴) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۲۴)
قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۳۴)» [المدثر: ۳۹ - ۴۳].

«مگر یاران سمت راستی (که مؤمنانند و خویشتن را با انجام نیکی‌ها در جهان از عذاب یزدان
رهانیده‌اند). آنان در باغ‌های بهشت به سر می‌برند، و (از دوزخیان) می‌پرسند: چه چیزی شما
را به دوزخ کشانده و بدان انداخته است؟ می‌گویند: (در جهان) از زمره‌ی نمازگزاران نبوده‌ایم.»

در حدیثی از ابوهریره (رض) چنین آمده است: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ
صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْءٌ، قَالَ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ:
انْظُرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَيُكَمَّلَ بِهَا مَا انْتَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ، ثُمَّ يَكُونُ سَائِرُ عَمَلِهِ عَلَى ذَلِكَ.»^{۳۸}

«در روز قیامت ابتدا بنده در مورد نماز فرض مورد بازخواست قرار می‌گیرد. اگر این نماز را به طور تمام و کمال
به جا آورده باشد، چه خوب است. در غیر این صورت گفته می‌شود: «ببینید آیا او نماز نافله خوانده است؟ اگر نمازهای
نافله خوانده باشد، کمبود فرائض با این نافله‌ها تکمیل می‌شود، سپس همین کارها برای سایر فرائض انجام می‌شود.»

مؤمن در هیچ شرایطی نمی‌گذارد نمازش قضا شود و یا آن را ترک نمی‌کند. زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» [البقرة: ۴۵].

«و از شکیبائی و نماز یاری جوئید، و نماز سخت دشوار و گران است مگر برای فروتنان
(دوستدار طاعت و عبادت).»

۳۷- ابن حنبل، ۵/ ۲۳۸.

۳۸- سنن الترمذی، الصلاة، ۱۸۸.

عذر دنیوی برای ترک نماز در نزد خداوند قابل قبول نیست. هر مسلمان عاقلی که بتواند وضو بگیرد؛ باید نمازش را سر وقت بخواند. پروردگار ما در حال جنگ، اجازه داد که نماز کوتاه شود، اما اجازه نداد که ترک شود.

نماز باید با آگاهی از این که در حضور چه کسی هستیم؛ ادا شود اما امکان ترک نماز با این بهانه که نمی‌توانیم آن را درست و کامل ادا کنیم؛ وجود ندارد. چون خداوند متعال با علم و آگاهی از تمام اوضاع و احوال انسان‌ها، به نمازهای پنجگانه فرمان داده است و - به استثنای وضعیت‌های خاص زنان - رخصتی با عنوان «در این صورت می‌توانید نماز را ترک کنید» نگمارده است. به این خاطر بنده، می‌بایست برای ادای درست و خواندن سر وقت نماز تلاش کند.

نماز عبادتی بسیار با فضیلت است که مؤمن را از افتادن در گرداب امیال نفسانی نجات می‌دهد. در این آیه‌ی کریمه فرموده است:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» [العنکبوت: ۴۵]

«و نماز را چنان که باید برپای دار. مسلماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند (در نظر شرع) باز می‌دارد.»

اگر چنین حالتی در شخص نمازگزار دیده شود؛ بدین معناست که او نمازش را درست نمی‌خواند. در این آیه آمده است که مؤمنان واقعی کسانی هستند که حق نماز خود را آن چنان که سزاوار است برپا می‌دارند:

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» [المارج: ۳۴] «و کسانی که مواظب و مراقب (اوقات و ارکان) نمازهای خود می‌باشند.»

از آن جایی که نماز در طول زندگی ادامه دارد؛ نیازمند صبر و زحمت می‌باشد. نماز با عبادات دیگر فرق دارد. نمازگزار غیر از نماز نباید به چیز دیگری مشغول باشد. در عبادات دیگر وضعیت چنین نیست. مثلاً روزه دار می‌تواند در بازار مشتری یا فروشنده باشد. حاجی هم به همین ترتیب.

در نماز تکبیر، لا اله الا الله، تسبیح، حمد، شکر، تواضع و نیاز وجود دارد، دعا برای تمام مؤمنان و درود و سلام بر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) وجود دارد.

تقسیم نمازهای پنج گانه به اوقات معین، بسیار زیاد فایده و حکمت برای انسان دارد. شاید به دلیل بسیاری از حکمت‌هایی که می‌دانیم و نمی‌دانیم، رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - به اصحابش فرمود: «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ، اتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» «مراقب نماز باشید! مراقب نماز باشید! در آن چه در اختیار دارید؛ تقوای الهی را پیشه کنید» و پس از گفتن این سخنان دار فانی را وداع گفت.

نزدیکترین لحظه‌ی انسان در دنیا به خداوند متعال در سجده نماز است. آرامشی که با نماز به دست می‌آید؛ با هیچ عبادتی نمی‌توان آن را به دست آورد.

در مورد سنت‌های نمازهای پنج گانه نیز باید دقت کرد و در ادای آن‌ها نباید سستی کرد. این سنت‌ها شخصاً توسط رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) به عنوان تکمیل نمودن نماز فرض آن وقت تطبیق داده شده است.

برخی از روایات در این زمینه به شرح زیر می‌باشد:

«رَكَعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^{۳۹}

«سنت دو رکعتی صبح از دنیا و آن چه در آن است؛ بهتر است.»

«رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا صَلَّى قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا»^{۴۰}

«خداوند رحمت کند کسی را که قبل از عصر چهار رکعت (سنت) به جا آورد.»

اسلام، تربیت نماز را از سنین کوچک آغاز می‌کند. نباید در این امر کوتاهی کرد، پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - با زبان مبارکش این چنین بیان فرمودند:

«مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا»^{۴۱}

«کودکانتان را از سن هفت سالگی به نماز فرمان دهید، تا ده سالگی - اگر نماز نخواندند - به آرامی بزنید.»

خداوند متعال در قرآن کریم با بیان این که باید در نماز کوشا باشیم؛ دعای حضرت ابراهیم - علیه السلام - را به عنوان نمونه بیان می‌کند:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» [ابراهیم: ۴۰]

«پروردگارا! مرا و کسانی از فرزندان مرا نمازگزار کن. پروردگارا! دعا و نیایش مرا بپذیر.»

رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) در هر موقعیتی به نماز متوسل می‌شد. شب آن قدر نماز می‌خواند تا جایی که پاهایش ورم می‌کرد.

در جواب همسرش که از ایشان پرسید: چرا اینقدر خودتان را خسته می‌کنید؟ ایشان - صلی الله علیه وسلم - در جواب فرمودند: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»^{۴۲} «آیا بنده شکرگزاری نباشم؟» و به ما فهماند که بهترین راه شکر و سپاس از خداوند متعال نماز است و خودش نیز بهترین الگو برای ما بود.

۲- فواید نماز

۱- نماز زندگی روزمره‌ی انسان را نظم می‌بخشد و اراده را تقویت می‌کند: نماز زندگی خصوصی انسان را در طول عمرش منظم می‌سازد. به انسان این امکان را می‌دهد که از مشغله‌های دنیوی خلاص شود.

سوره‌ها و دعاهایی که مدام خوانده می‌شود، انسان را به یاد خدا می‌اندازد، احساس مسئولیت را در دل‌ها جا می‌دهد و انسان را از غفلت و ارتکاب گناه باز می‌دارد. نماز، با تربیت روح، باعث آراستگی ما به سرشت‌های نیکو می‌گردد، غفلت را از بین می‌برد و از انواع وسوسه‌های شیطانی محافظت می‌کند. در قرآن چنین آمده است:

«اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» [العنکبوت: ۴۵] «(ای

پیغمبر) بخوان آن چه را که از کتاب به تو وحی شده است و نماز را چنان که باید برپای دار. مسلماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند باز می‌دارد.»

۳۹- مسلم، صلاة المسافرين، ۹۶.

۴۰- ترمذی، الصلاة، ۲۰۱.

۴۱- ابوداود، الصلاة، ۲۶، احمد بن حنبل، ۲ / ۱۸۰، ۱۸۷.

۴۲- بخاری، التهجد، ۶.

۲- نماز، حس وحدت را تقویت می‌کند: نماز موجب وحدت و همبستگی مسلمانان می‌شود. همبستگی اجتماعی را تحقق می‌بخشد و مؤمنان را تشویق می‌کند و باعث می‌شود مسلمانان به صرف نظر از نژاد، رنگ، زبان و کشور در یک صف گرد هم می‌آیند.

به برکت نمازهای دسته جمعی مانند نماز جمعه و عید، جامعه گرد هم می‌آیند، وحدت ایجاد می‌شود و در مقابل دشمنان پیام‌های اتحاد رسانده می‌شود.

۳- نماز، انسان را به شکر عادت می‌دهد، باعث کسب ثواب شده و کفاره‌ای برای گناهان صغیره می‌گردد: نماز، بنده را به الله نزدیک می‌کند. کسی که نمازش را به جا می‌آورد، در واقع به خاطر انجام وظیفه‌ای که خداوند از او خواسته است؛ در طول عمر همواره با آرامش زندگی می‌کند. در حدیثی آمده است:

«الصَّلَاةُ الْخُمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ كَفَّارَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا اجْتَنِبْتَ الْكَبَائِرُ»^{۴۳} «نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه‌ی دیگر کفاره‌ای برای گناهانی هستند که در این مدت انجام می‌گیرند تا زمانی که از گناهان کبیره دوری شود.»

کسی که نماز را طبق احکام و ارکان آن به جای آورد و رکوع و سجود را کامل و بدون نقص ادا کند، خداوند وعده‌ی مغفرت به او داده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید:

«أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ تَهْرًا بِنَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خُمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ يَبْقَى مِنْ ذَرْبِهِ شَيْءٌ؟» «به من بگوئید: اگر رودخانه‌ای جلوی منزل یکی از شما باشد و او روزی پنج بار خود را با آن بشوید، آیا چیزی از چرک بدنش باقی می‌ماند؟» گفتند: هیچ چرکی از بدنش باقی نمی‌ماند. ایشان فرمود: «فَذَلِكَ مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخُمْسِ يَمْحُو اللَّهُ بِهِنَ الْخَطَايَا»^{۴۴} «مثال نمازهای پنجگانه نیز چنین است که الله با آن‌ها گناهان را از بین می‌برد.»

۴- نماز از نظر سلامت جسمانی برای انسان فواید بسیاری دارد: حرکات در نماز، عضلات بدن، استخوان‌ها و نواحی مفاصل را تقویت می‌کند، ورزش‌های خاص باعث می‌شود افراد احساس نیرومندی کنند. نماز همواره موجب تمیزی و سلامتی انسان است زیرا انسان نمازگزار باید وضو بگیرد، بدین معنا که اعضای که در طول روز کثیف و آلوده می‌شوند؛ پاک و تمیز می‌گردند. به علاوه برای صحت نماز تمیز بودن بدن، لباس و محل اقامه‌ی نماز نیز ضروری است.

ج) فرایض نماز

فرض‌های نماز دوازده عدد است. شش مورد از اینها شروطی است که قبل از شروع نماز باید رعایت شود که عبارتند از:

(۱) طهارت از حدث. (۲) طهارت از نجاست. (۳) ستر عورت. (۴) استقبال قبله. (۵) زمان. (۶) نیت. به این‌ها «شروط نماز» گفته می‌شود. شش فریضه‌ی دیگر اموری است که بعد از شروع نماز باید مراعات شود و عبارتند از: (۱) تکبیر تحریمه. (۲) قیام. (۳) تلاوت. (۴) رکوع. (۵) سجود. (۶) قعده‌ی اخیر. به اینها «ارکان نماز» می‌گویند.

۴۳- مسلم، الطهارة، ۱۴، ۱۵، ترمذی، مواقیع الصلاة، ۴۶.

۴۴- بخاری، مواقیع الصلاة، ۶، نسایی، الصلاة، ۷.

۱- شروط نماز

۱- طهارت از حدث: تمیزی از ناپاکی و پلیدی حکمی یعنی «حدث» که شامل جنب بودن و بی وضویی است؛ از شروط خواندن نماز است. خداوند متعال برای خواندن نماز وضو و در صورت لزوم غسل را شرط گذاشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا. . .» [المائدة: ۶] «ای مؤمنان! هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت‌ها و دست‌های خود را همراه با آرنج‌ها بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را همراه با قوزک‌های آن‌ها بشویید و اگر جنب بودید (و خواستید نماز بخوانید، همه‌ی بدن) خود را بشوئید. . .»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نیز چنین فرموده است:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ أَحَدِكُمْ إِذَا أَحْدَثَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ»^{۴۵}

«هرگاه یکی از شما وضو را بشکند، خداوند نمازش را نمی پذیرد مگر اینکه وضو بگیرد.»

۲- طهارت از نجاست: اگر بر بدن یا لباس نمازگزار یا محل نماز نجاستی باشد به اندازه‌ای که مانع از ادای نمازش شود؛ باید آن را تمیز و پاک کند.

۳- ستر عورت: یعنی پوشاندن قسمت‌هایی از بدن نمازگزار که باید پوشانده شود.

پوشیدن لباسی که بین ناف و زانو را بپوشاند؛ بر مردان فرض است. پیامبر ما (صلی الله علیه وسلم) این گونه فرموده است: «مَا بَيْنَ السُّرَّةِ إِلَى الرُّكْبَةِ عَوْرَةٌ»^{۴۶} «فاصله‌ی بین ناف تا زانو عورت است.»

پوشیدن لباسی که قسمت بالای بدن و شانه‌ها را بپوشاند در نماز هم سنت است. پوشاندن تمام اعضای بدن به جز صورت، دست‌ها و پاها بر زنان فرض است. نماز خواندن با لباس نازکی که رنگ پوست را نشان می‌دهد؛ جایز نیست. نماز خواندن با لباس‌های تنگی که اندام‌ها را آشکار می‌کنند، مکروه است. وقتی از پهلوی نگاه شود؛ نباید پای زن، برهنه دیده شود.

۴- استقبال قبله: یعنی رو به قبله کردن هنگام خواندن نماز. قبله ما کعبه در مکه است.

کسی که کعبه را به چشم خود می‌بیند؛ مستقیم رو به سمت کعبه می‌کند. کسی که از کعبه دور است؛ رو به سمتی می‌کند که کعبه در آن قرار دارد، رویش را به آن طرف می‌چرخاند.

قبله‌ی کسی که به هر دلیلی نتواند رو به قبله باشد؛ همان سمتی است که توانایی رو کردن به آن را دارد. اگر در کنار کسی که جهت قبله را نمی‌داند؛ شخص دیگری باشد، باید جهت قبله را از او پرسیده و بداند. اگر کسی نباشد که از او بپرسد؛ باید سعی کند جهت قبله را پیدا کند و به هر سمتی که قانع شد قبله است؛ نماز بخواند.



اگر انسان هنگام خواندن نماز متوجه شود که در قبله اشتباه کرده است، بلافاصله رو به قبله کرده و نماز را تمام می‌کند. انحراف ۴۵ درجه به راست و چپ از نقطه‌ای که کعبه در آن قرار دارد، انحراف از قبله محسوب نمی‌شود. اگر بیشتر بود شرط «استقبال قبله» مختل می‌شود.

۴۵- بخاری، الوضوء، ۲.

۴۶- احمد بن حنبل، ۱۸۷/۲.

۵- وقت: خواندن نماز در وقت خود، شرط است. همان طور که اقامه‌ی نماز قبل از وقت آن باطل است، تأخیر در نماز از وقتش بدون داشتن عذر شرعی نیز از گناهان کبیره است. در قرآن چنین آمده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» [النساء: ۱۰۳] «قطعاً نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است.»

خواندن نماز به محض وارد شدن وقت آن و بدون تأخیر فضیلت بیشتری دارد.

وقت نماز صبح: از فجر صادق یعنی فجر دوم یعنی روشنایی واقعی شروع شده و تا طلوع خورشید ادامه دارد. خواندن نماز صبح، نیم ساعت پیش از طلوع خورشید مستحب می‌باشد. اگر با وجود تلاش برای خواندن نماز صبح در وقتش باز هم شخص در خواب بماند و وقت نماز بگذرد و در وقتش ادا نشود؛ می‌توان آن را به همراه نماز سنتش تا زمان استوا که خورشید به وسط آسمان می‌آید؛ قضا کرد.

وقت اقامه‌ی نماز ظهر و جمعه: از زمانی که خورشید از نقطه‌ی نیمروز به سمت مغرب حرکت می‌کند؛ شروع می‌شود و تا زمانی که سایه‌ی هر چیزی دو برابرش شود؛ ادامه می‌یابد. اگر آفتاب بسیار گرم و سوزان باشد، در تابستان اندکی تأخیر در نماز ظهر مستحب می‌باشد.

وقت نماز عصر: با پایان وقت نماز ظهر شروع و با غروب آفتاب به پایان می‌رسد. خواندن نماز عصر در وقت کراهت یعنی هنگام غروب خورشید، مکروه است.

وقت نماز مغرب: با غروب آفتاب شروع می‌شود و تا زمان محو شدن قرمزی در سمت غروب خورشید ادامه می‌یابد. باید برای خواندن نماز مغرب به محض دخول وقتش اهمیت ویژه‌ای قائل شد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است:

«لَا تَزَالُ أُمَّتِي عَلَى الْفِطْرَةِ مَا صَلَّوْا الْمَغْرِبَ، قَبْلَ طُلُوعِ النُّجُومِ»^{۴۷}

«ما منم هم چنان بر فطرت هستند تا زمانی که نماز مغرب را پیش از طلوع ستارگان بخوانند.»

وقت نماز عشا: بعد از خروج وقت نماز مغرب شروع شده و تا طلوع فجر دوم (وقت امساک) ادامه دارد. به تعویق انداختن نماز عشا بعد از نیمه شب بدون عذر مکروه است.

وقت اقامه‌ی نماز تراویح: تراویح مخصوص ماه رمضان است، بعد از نماز عشا شروع می‌شود و تا نماز صبح ادامه دارد. از آن جایی که نماز تراویح، نماز سنتی تابع نماز عشا است، پیش از نماز وتر هم خوانده می‌شود اما طبق عادت اول تراویح سپس وتر خوانده می‌شود.

وقت نماز وتر: از بعد از نماز عشا شروع و تا وقت نماز صبح ادامه دارد.

بهتر است این نماز در شب به عنوان آخرین نماز بعد از نماز تهجد و از بعد نماز تراویح در ماه رمضان خوانده شود.

وقت نماز عید: بعد از طلوع خورشید به اندازه‌ی یک یا دو نیزه (۴۵ دقیقه پس از طلوع خورشید) شروع می‌شود و تا زمان استوا که خورشید در میانه‌ی آسمان قرار گیرد؛ ادامه می‌یابد.

در طول روز نماز خواندن در سه وقت مکروه تحریمی است:

۱- هنگام طلوع خورشید: از زمان شروع طلوع خورشید تا تقریباً ۴۵ دقیقه بعد از آغاز طلوع خورشید.

۲- زمانی که خورشید وسط آسمان باشد: از زمانی خورشید در وسط آسمان یعنی در وقت استوا باشد تا زمان زوال آن یعنی وارد شدن وقت نماز ظهر که حدود نیم ساعت طول می‌کشد.

۳- هنگام غروب آفتاب: تقریباً از ۴۵ دقیقه قبل از غروب آفتاب شروع شده و تا غروب خورشید ادامه دارد.^{۴۸}

در این سه وقت علاوه بر این که نمازهای فرض، واجب و نافله، نمازهای قضایی هم خوانده نمی‌شود.

«ثَلَاثُ سَاعَاتٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهَانَا أَنْ نُصَلِّيَ فِيهِنَّ أَوْ أَنْ تَقْبُرَ فِيهِنَّ مَوْتَانَا: حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ بَارِغَةً حَتَّى تَرْتَفِعَ، وَحِينَ يَقُومُ قَائِمُ الظَّهِيرَةِ حَتَّى تَمِيلَ الشَّمْسُ، وَحِينَ تَصْبِفُ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ حَتَّى تَغْرُبَ»^{۴۹} «رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در سه وقت ما را از نماز و دفن اموات نهی کرده است: از زمان طلوع خورشید تا بالا رفتن آن، از زمان استوای خورشید و قرار گرفتن آن در وسط آسمان تا زمان زوالش، از زمان شروع غروب خورشید.»

اگر به خاطر امری ضروری نماز عصر سر وقت خوانده نشود، تا غروب آفتاب می‌توان آن را خواند اما تأخیر در نماز عصر خوب نیست. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در این باره چنین فرموده است: «تِلْكَ صَلَاةُ الْمُنَافِقِ، يَجْلِسُ يَرْقُبُ الشَّمْسَ، حَتَّى إِذَا كَانَتْ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ قَامَ فَتَقَرَّ أَرْبَعًا، لَا يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»^{۵۰} «این نماز منافق است، می‌نشیند و خورشید را زیر نظر می‌گیرد و وقتی بین دو شاخ شیطان قرار می‌گیرد، بر می‌خیزد و چهار نوک می‌زند و جز اندکی ذکر خدا را در آن نمی‌گوید.»



بیشتر بدانیم

خواندن نماز نافله در بعضی اوقات مناسب نیست. اوقات مکروه برای خواندن نماز نافله به شرح زیر است:

الف - بعد از خواندن نماز فرض صبح. (در وقت نماز صبح، هیچ نماز نافله‌ای جز سنت خوانده نمی‌شود.)

ب - بعد از نماز فرض عصر.

ج - قبل از نماز فرض شام. (بنا به رأی شافعیه خواندن دو رکعت نماز قبل از نماز فرض مغرب مستحب است.)

د - روز عید، قبل از نماز عید در خانه یا مسجد. (خواندن نماز نافله در مسجد بعد از نماز عید تا نماز ظهر مکروه است.)

ه - زمانی که به علت تنگی وقت، فرصت کمی برای نماز فرض باقی مانده باشد.

و - هنگام خواندن اقامه پیش از شروع نماز فرض (به جز سنت نماز صبح).

ز - هنگام خواندن خطبه‌ی روز جمعه و هنگام خواندن فرض جمعه.

ح - هنگام جمع کردن دو نماز، بین دو فرض (بنا به مذهب احناف، جمع فقط در عرفات و مزدلفه انجام می‌شود، سنت‌های باقیمانده بین این دو خوانده نمی‌شوند.)

ط - وقتی غذای مورد علاقه‌ی ما حاضر شده باشد.

ی - وقتی نیاز شدید به رفتن به تشناب باشد (دو حالت آخر برای تمام نمازها صحیح است.)

۴۸- زمان‌های ذکر شده در این جا مربوط به ترکیه است. این زمان‌ها بسته به زاویه‌ی تابش نور خورشید به سمت استوا است. با نزدیکتر شدن به آن می‌تواند به ۲۰ دقیقه کاهش یابد.

۴۹- مسلم، کتاب صلاة المسافرين، ۲۹۳.

۵۰- امام مالک، المؤطا، القرآن، ۴۶.

شخص می‌تواند خارج از سه وقتی که خواندن نماز در آن مکروه تحریمی است؛ نمازهای قضایی‌اش را بخواند. نماز جنازه می‌تواند بخواند. می‌تواند نماز احرام و طواف را به جا آورد. کسی که در مسجد به تنهایی نماز فرضش را شروع کرده است و در همان اثنا نماز جماعت شروع شود؛ می‌تواند با امام همراهی کند. اگر هنگام خواندن یا گوش دادن به قرآن آیهی سجده گذشت؛ می‌تواند سجدهی تلاوت را انجام دهد.

۶- نیت: دانستن این که کدام نماز را خواهد خواند و دعا بر این که این عبادت را قلباً به خاطر خدا انجام دهد. گفتن نیت با زبان مستحب است. بعد از تکبیر نمی‌توان نیت کرد. اولی‌تر آن است که نیت به تکبیر نزدیک باشد. مناسب‌تر آن است که بین نیت و تکبیر اعمالی مانند خوردن، آشامیدن، صحبت کردن که متناسب با نماز نیست؛ انجام نشود.

کسی که نماز جماعت می‌خواند نباید از گفتن «اقتدا کردم به امام حاضر» غافل شود. زن و مردی که امامت جماعت را بر عهده دارد، باید بگوید: «أَنَا إِمَامٌ لِمَنْ تَبِعَنِي» «من امام جماعتی هستم که از من پیروی می‌کنند».

۲- ارکان نماز

۱- تکبیر تحریمه: شروع نماز با اظهار عزت و احترام به بارگاه الله جل جلاله، با گفتن الله اکبر.

۲- قیام: به معنای ایستادن در نماز است. ایستادن در نماز صبح، نمازهای فرض و واجب، فرض می‌باشد. بنا به فرمایش الهی در این آیهی کریمه: «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» [البقرة: ۲۳۸] «و فروتنانه برای خدا بپا خیزید».

کسانی که نمی‌توانند بایستند؛ نمازشان را نشسته یا با اشاره را بخوانند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «نماز را ایستاده بخوان، اگر نتوانستی نشسته و اگر نتوانستی به پهلو نماز را بخوان یا به پشت بخوان، خداوند هیچ کس را بیشتر از توانش مکلف نمی‌سازد.»^{۵۱}

کسی که در حین نماز احساس ناراحتی و ناتوانی کند؛ می‌تواند نشسته نمازش را ادامه دهد.

اگر اتوبوس‌ها یا قطارهای بین شهری در وقت نماز توقف نمی‌کنند، مسافر باید نماز را سر وقت و رکوع و سجده را با اشاره به جا آورد. در یک کشتی یا هواپیمای در حال حرکت می‌توان نماز را نشسته خواند ولی خواندن نماز به صورت ایستاده و رو به قبله با فضیلت‌تر است.

۳- قرائت: خواندن یک آیه از قرآن حداقل به اندازه‌ی یک سطر در نماز، فرض است. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِقِرَاءَةٍ»^{۵۲} «هیچ نمازی بدون قرائت، درست نیست».

در دو رکعت اول نمازهای سه و چهار رکعتی و در نمازهای فرض دو رکعتی و نمازهای وتر و هم چنین در تمام رکعت‌های نمازهای نافله تلاوت قرآن فرض است و باید در حالت ایستاده تلاوت شود.

در نمازهای فرض صبح، مغرب و عشا در صورت جماعت، با صدای بلند خوانده می‌شود. کسانی که به صورت فرادا و به تنهایی نماز می‌خوانند؛ می‌توانند با صدای آهسته تلاوت کنند. قرائت نمازهای فرض نماز ظهر و عصر به صورت بلند انجام نمی‌شود.

کسی که به امام اقتدا می‌کند، لازم نیست تلاوت کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) چنین فرموده است: «مَنْ كَانَ لَهُ إِمَامٌ، فَقَرَأَتْهُ لَهُ قِرَاءَةً»^{۵۳} «کسی که امامی دارد، قرائت امام، برای او نیز قرائت محسوب می‌شود».

۵۱- بخاری، التخصیر، ۱۹.

۵۲- مسلم، الصلاة، ۴۲.

۵۳- ابن ماجه، الاقامة، ۱۸.

تلاوت سوره فاتحه نیز جزو قرائت در نماز محسوب می‌شود. زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَفْرَأْ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^{۵۴} «نماز کسی که فاتحه الکتاب را نخواند؛ درست نیست.»

۴- رکوع: یعنی خم کردن سر و پشت در نماز به صورت صاف و موازی با زمین. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا...» [الحج: ۷۷] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ رکوع و سجده کنید...»

حضرت عایشه رضی الله عنها در مورد خم کردن سر در رکوع چنین روایت کرده است: «فَإِذَا رَكَعَ لَمْ يُشْخِصْ رَأْسَهُ، وَلَمْ يُصَوِّبْهُ، وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ»^{۵۵} «وقتی پیامبر به رکوع می‌رفت سرش را نه بالا می‌گرفت و نه پایین می‌گرفت بلکه بین این دو حالت می‌گرفت» «فَكَانَ إِذَا رَكَعَ سَوَى ظَهْرُهُ، حَتَّى لَوْ صُبَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ لَا سَقَرَهُ» «وقتی به رکوع می‌رفت؛ کمرش را راست می‌کرد تا آن جا که اگر آب بر رویش می‌ریخت، آب سر جایش باقی می‌ماند.»

۵- سجده: دو مرتبه سجده کردن در هر رکعت فرض است. سجده در حالی اجرا می‌شود که هفت عضو با زمین تماس پیدا کنند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: «أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: الْجَبْهَةَ . وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى أَنْفِهِ .، وَالْيَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَأَطْرَافِ الْأَصَابِعِ»^{۵۶} «فرمان داده شده‌ام که بر هفت استخوان سجده به جای آورم: پیشانی - با دستش به بینی‌اش اشاره کرد - دو دست، دو زانو و نوک انگشتان.»

سجده مهم‌ترین رکن نماز است. بهترین راه برای ابراز احترام، تواضع و ارج نهادن به ذات باری تعالی است. در نماز نافله می‌توان سجده را طولانی کرد. در حدیث شریف چنین آمده است: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ، وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ»^{۵۸} «نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگارش، در حالت سجده است پس بسیار دعا کنید.»

جای سجده باید جای محکم و سفتی باشد. بنابراین اگر در حین سجده بر چیزهایی مانند پنبه و برف تازه باریده شده؛ سختی زمین احساس نشود، این سجده جایز نیست. کسی که بر روی مرکب نماز می‌خواند؛ رکوع و سجده را به صورت ایما و اشاره انجام می‌دهد. برای سجده باید بیشتر از رکوع خم شد. حین نماز خواندن با اشاره، گذاشتن سر در سجده بر روی چیزی مانند زین حیوان مکروه می‌باشد.

۶- قعده‌ی آخر: به معنای آخرین نشستن است. یعنی نشستن به اندازه‌ی خواندن التحيات - به اندازه‌ی تشهد. قعده‌ی اخير برای خارج شدن از نماز ضروری است.

بحث و بررسی کنید

ارکان نماز در مذاهب دیگر به غیر از مذهب احناف را پیدا کرده و در صنف مورد بحث و بررسی قرار دهید. ارکان مشترک و متفاوت را مشخص کنید.



۵۴- ترمذی، المواقیت، ۶۹

۵۵- مسلم، الصلاة، ۳۴۰.

۵۶- بخاری، الأذان، ۱۲۰.

۵۷- بخاری، الأذان، ۱۳۳.

۵۸- مسلم، الصلاة، ۲۱۵.

د) واجبات نماز

واجبات نماز عبارتند از:

- ۱- شروع نماز با عبارت «الله اکبر».
 - ۲- خواندن سوره‌ی فاتحه در هر رکعت.
 - ۳- تلاوت سوره یا آیه‌ای از قرآن حداقل به اندازه‌ی یک سطر، پس از سوره‌ی فاتحه در دو رکعت اول نمازهای فرض و در تمام رکعت‌های نماز وتر و نافله. فاتحه باید پیش از این سوره یا آیه‌ها خوانده شود.
 - ۴- تلاوت فاتحه و سوره با صدای بلند توسط امام در رکعت اول و دوم نماز جماعت صبح، مغرب، عشا، جمعه و عید، در تمام رکعت‌های نماز تراویح و نماز وتر بعد از نماز تراویح در ماه رمضان. قرائت بی صدا امام در تمام رکعات نماز ظهر، عصر، رکعت سوم نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشا. عدم تلاوت افراد در نماز جماعت. در نماز فردا در طول روز، قرائت به صورت آهسته و بی صدا انجام می‌شود.
 - ۵- مراعات تعدیل ارکان^{۵۹}. یعنی داشتن آرامش و سکونت حین انجام ارکان نماز. به عنوان مثال هنگام برخاستن از رکوع بدن باید صاف و راست و حرکات با آرامش باشد. باید حداقل به اندازه‌ی گفتن یک بار «سبحان الله العظیم» ایستاد سپس به سجده رفت، بین دو سجده نیز به همین ترتیب باید توقف کرد.
 - ۶- دو سجده پی در پی به جا آورده شوند. در سجده، بینی را همراه با پیشانی روی زمین گذاشتن.
 - ۷- به جای آوردن سجده‌ی تلاوت در صورتی که آیه‌ی سجده در نماز خوانده شود.^{۶۰}
 - ۸- خواندن دعای التحیات در قعده‌ها.
 - ۹- انتظار به اندازه‌ی خواندن تشهد در اولین قعده و در نمازهای سه یا چهار رکعتی در قعده‌ی اول پس از خواندن تشهد بدون تأخیر بلافاصله برای رکعت سوم برخاستن.
 - ۱۰- سلام دادن در پایان نماز.
 - ۱۱- به جای آوردن سجده‌ی سهو در صورت اشتباه در نماز.
 - ۱۲- گفتن تکبیر انتقال - قنوت - و خواندن دعای قنوت در نماز وتر.
 - ۱۳- گفتن تکبیرهای اضافی مخصوص نماز عید.
- ترک عمدی واجبات نماز، باعث باطل شدن نماز می‌گردد اما اگر از روی فراموشی ترک شده یا به تأخیر انداخته شود؛ مستلزم به جای آوردن «سجده‌ی سهو» است.

هـ) سنت‌های نماز

سنت‌های نماز عبارتند از:

۵۹- بنا به رأی امام ابویوسف، مذهب شافعی، مالکیه و حنبله تعدیل ارکان فرض است.
۶۰- اگر در نماز آیه‌ی سجده خوانده شده و در همان رکعت قرائت ادامه داشته باشد؛ باید بلافاصله سجده‌ی تلاوت انجام شده و دوباره ایستاده و قرائت کامل شود.
اگر آیه‌ی سجده در آخر تلاوت یا در بین سه آیه‌ی آخر تلاوت شود؛ در این جا نیازی به انجام سجده نیست.

- ۱- خواندن اذان و اقامه برای نمازهای پنجگانه و جمعه.
- ۲- بالا بردن دست‌ها تا لاله‌ی گوش برای مردان و تا موازات شانه برای زنان و باز بودن انگشتان هنگام بالا بردن دست‌ها به صورت طبیعی، در این حالت باید داخل یا کنار دست‌ها رو به قبله باشد.
- ۳- نزدیک بودن تکبیر جماعت به تکبیر امام.
- ۴- حلقه کردن انگشت شصت و انگشت کوچک دست راست به دور میچ دست چپ و قرار دادن سایر انگشتان بر روی میچ دست چپ و گذاشتن دستان در این حالت بر روی ناف در مردان و گذاشتن دست راست بر روی دست چپ و قرار دادن آن‌ها بر روی سینه در زنان.
- ۵- آمین گفتن با صدای آهسته در پایان فاتحه. خواندن «سبحانک اللهم» «اعوذ بالله، بسم الله» و «آمین» در نمازهای جهری با صدای آهسته.
- ۶- خواندن یک سوره‌ی طولانی بعد از فاتحه در نماز صبح و ظهر و یک سوره‌ی کوتاه در نماز مغرب.
- ۷- گفتن «الله اکبر» هنگام رفتن به رکوع.
- ۸- در رکوع، مردان با انگشتان باز زانو‌ها را می‌گیرند و زنان با انگشتان بسته.
- ۹- خواندن حد اقل سه مرتبه‌ی اذکار رکوع و سجده.
- ۱۰- مردان در رکوع، بدون خم کردن زانو‌ها، با صاف نگه داشتن مهره‌های پشت به صورت راست رکوع کرده و زنان نیز کمی زانو‌ها را کج کرده و پشتشان را کمی به سمت بالا خم کرده و رکوع می‌کنند.
- ۱۱- قومه یعنی قیام بعد از رکوع. امام بعد از رکوع «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، تکبیرها و سلام پایان نماز را با صدای بلند بگوید. جماعت نیز پس از برخاستن از رکوع به آرامی «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» گفته و تکبیرها و سلام را نیز به آرامی می‌گویند.
- ۱۲- گذاشتن به ترتیب زانو‌ها، دست‌ها و صورت بر زمین در حال سجده و بلند کردن به ترتیب صورت، دست‌ها و زانو‌ها از زمین هنگام برخاستن.
- ۱۳- قرار دادن صورت بین دو دست در هنگام سجده، گذاشتن دست‌ها در موازات صورت، به هم چسباندن چهار انگشت دست‌ها، چرخاندن دست‌ها به سمت قبله و چسباندن آن‌ها به زمین.
- ۱۴- مردان در حال سجده شکم را از ران، آرنج را از پهلوها و بازوها را از زمین دور کرده، زنان نیز بازوهای خود را به زمین و بدن خود را نزدیک زمین نگه دارند.
- ۱۵- جلسه (نشستن بین دو سجده).
- ۱۶- در قعده، مردان به صورت افتراش بنشینند (پای راست را بر زمین عمود کردن، انگشتانش را به سمت قبله چرخاندن و روی پای چپ نشستن)، زنان به شکل تَوَرُّک بنشینند (خواباندن هر دو پا به سمت راست و چرخاندن نوک انگشتان به سمت قبله و نشستن روی باسن).
- ۱۷- گذاشتن دست‌ها در قعده‌ها بر روی زانو‌ها به سمت قبله.
- ۱۸- بالا بردن انگشت شهادت دست راست هنگام گفتن «لَا إِلَهَ» در تشهد، و پایین آوردن آن هنگام گفتن «إِلَّا اللهُ».

۱۹- خواندن درودها یعنی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّاللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ» در آخرین قعده‌ی نمازهای فرض، وتر، سنت‌های مؤکده و غیر مؤکده و نمازهای نافله، پس از التحیات، و پس از آن خواندن «ربنا» و دعا‌های مانند آن.

۲۰- چرخاندن سر ابتدا به راست و سپس به چپ هنگام سلام دادن و گفتن «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

۲۱- استفاده از ستره در نماز بر حسب نیاز.

نماز با عمل به سنت‌های آن تمام و کامل می‌شود. ترک آن‌ها باعث کاسته شدن از ثواب نماز می‌گردد.

داشتن آرامش، سکونت و خشوع در نماز، پوشیدن لباس‌های زیبا، نگاه کردن به محل سجده در هنگام قیام، به نوک پا حین رکوع، به نوک بینی در سجده، به آغوش در قعده‌ها، به سر شانه‌ی راست و چپ هنگام سلام دادن، طولانی کردن قرائت در رکعت اول نسبت به رکعت دوم، رها کردن دست‌ها در پهلوها در قومه‌ها - تکیه نکردن به دست‌ها هنگام برخاستن از زمین و جلوگیری از خمیازه کشیدن در نماز مستحب می‌باشد.

عمل به سنت‌ها و مستحبات نماز، به منزله‌ی ادای آن به تربیتی است که پیامبر - علیه الصلاة والسلام - بیان کرده است. نماز تنها با ادای فرائض، سنت‌ها و مستحباتش تبدیل به عبادتی تمام و کامل می‌گردد.

(و) مکروهات نماز

۱- خواندن نماز در جای نامناسب مکروه است: در راه، در حمام، در قبرستان (خارج از محلی که برای ادای نماز در نظر گرفته شده است) در محل ذبح حیوان، در جایی که صاحب آن راضی نیست، نماز خواندن به سمت صورت شخص خوابیده، نماز خواندن شخص کور و نابینا به سمت آتش، سجده بر عکس موجود زنده و اقامه‌ی نماز در حالی که عکس موجود زنده در مقابل شخص باشد، قرار گرفتن امام با فاصله‌ی یک ذرع - تقریباً ۲۲ سانتی متر - بالاتر یا پایین‌تر از جماعت به تنهایی مکروه می‌باشد.

۲- نماز خواندن با لباسی که مناسب برای حضور در جمع نباشد؛ مکروه است: باری حضرت عمر شخصی را دید که با لباس نامناسبی در حال نماز خواندن است، از او پرسید: اگر تو را نزد فلان شخص سرشناس بفرستیم؛ نزد او می‌روی؟ شخص جواب داد: خیر، در این هنگام حضرت عمر فرمود: حضور در بازگاه خداوند متعال شایسته‌تر است.

۳- عدم توجه به شروط نحوه‌ی ادای نماز مکروه است: اقامه‌ی نماز با تکیه بر مکانی، گذاشتن بازوها در حالت سجده بر روی زمین در مردان، پوشاندن اطراف سر با عمامه و باز گذاشتن وسط آن، خواندن نماز با آستین‌های بالا زده شده، انداختن پالتو و کت بر روی شانه بدون پوشیدن آن و نماز خواندن در این حالت، نماز خواندن با بالاتنه و شانه‌های برهنه در مردان و سجده بر عمامه نیز مکروه می‌باشد.

۴- خواندن نماز بدون توجه به سنت‌های آن مکروه است: قرار ندادن دست‌ها در قیام در حالت مناسب، در رکوع روی زانو، در حالت نشسته روی ران و در حالت ایستاده دست راست روی دست چپ. ترک اذکار و تسبیحات رکوع و سجده، بالا نگه داشتن سر در قیام و رکوع، تمام کردن قرائت در حال رفتن به رکوع، تأخیر در تسبیحات و اذکار مربوطه از زمانش، گفتن «سمع الله لمن حمده» پس از ایستادن کامل از رکوع - سمع الله لمن حمده را باید حین برخاستن از رکوع شروع و با ایستادن کامل آن را تمام کرد - چرخاندن انگشتان دست یا پا به سمت قبله در سجده، سجده کردن فقط با پیشانی و نگذاشتن بینی بر زمین در حین سجده بدون عذر نیز مکروه است.

۵- افکار و اعمالی که باعث کاهش خشوع در نماز می‌شود؛ مکروه هستند: فشار آوردن به خود برای رفتن به تشناب، نماز خواندن در حالی که سفره آماده است، بازی با بدن یا لباس هنگام نماز، چرخاندن گردن و نگاه کردن، چشم دوختن به بالا، بستن چشم‌ها، جواب دادن سلام با اشاره، صاف کردن محل سجده، کندن موی بدن، خمیازه کشیدن، تکان دادن و باد دادن به لباس و راندن و کیش کردن مگس مکروه است. (راندن چیزهایی مثل زنبور که باعث اذیت می‌شود؛ برای نمازگزار مکروه نیست.)

۶- اشتباه در ترتیب قرائت مکروه است: خواندن سوره یا آیه‌ای قبل از سوره یا آیه‌ای با ترتیبش در قرآن، جا انداختن یک سوره بین دو سوره‌ای که در رکعت اول و دوم خوانده شده است - یکی در میان خواندن سوره‌ها - مکروه می‌باشد (اما جا انداختن دو سوره یا بیشتر مکروه نمی‌باشد). طولانی‌تر کردن رکعت دوم به این ترتیب که دو آیه یا بیشتر از رکعت اول در آن خوانده شود، قرائت را در هر گونه نماز نافله‌ای در رکعت دومش و در رکعت دوم نماز وتر طولانی‌تر از رکعت اول خواندن؛ مکروه است. خواندن آگاهانه‌ی یک سوره در دو رکعت با وجود حفظ داشتن سوره‌ی دیگری در نمازهای فرض، مکروه است.

۷- خواندن نماز در جایی که مردم از آن جا عبور و مرور می‌کنند و عدم استفاده از ستره در مواردی که امکان عبور وجود دارد؛ مکروه است: اگر مجبور شود خارج از مسجد در جایی نماز بخواند که احتمال عبور و مرور از جلوی او باشد؛ باید «ستره» بگذارد. اگر نماز در زمین باز به صورت جماعت خوانده می‌شود؛ کافیت که جلوی امام ستره قرار داده شود. اگر محل خواندن نماز سخت و محکم باشد به گونه‌ای که نتوان ستره‌ای را در زمین فرو کرد یا وسیله‌ای مانند صندلی که بتواند ایستاده بماند هم وجود نداشته باشد؛ باید چیزی به اندازه‌ی ستره گذاشته شود و اگر چیزی برای ستره گذاشتن وجود نداشته باشد؛ خطی کشیده شود.^{۶۱}

۸- اگر در میان صف‌ها جایی برای ایستادن باشد؛ نماز خواندن به صورت فرادا مکروه است.

ی) مبطلات نماز

همان طور که اگر یکی از فریضه‌های نماز ترک شود، نماز باطل می‌شود، انجام برخی کارها در نماز باعث می‌شود که نماز مورد قبول واقع نشود. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- نقص در هر یک از فرائض، نماز را باطل می‌کند: مواردی مانند شکستن وضو در نماز، غش، وجود نجاستی که مانع از نماز شود، کنار رفتن پوشش محلی که باید پوشانده شود به مدتی به اندازه‌ی سه تسبیح، طلوع آفتاب هنگام خواندن نماز صبح، چرخاندن سینه از قبله، از بین رفتن عذر سر نماز، باعث باطل شدن نماز می‌شود، مثلاً کسی که با تیمم نماز می‌خواند؛ در صورت دیدن آب، مدت تیممش به پایان می‌رسد.

۲- سخن گفتن در نماز یا گفتن چیزی که ربطی به نماز ندارد، نماز را باطل می‌کند.

گفتن کلماتی مانند «هی، هو» گفتن «آه و اف» از شدت اندوه، دمیدن گرد و غبار. گفتن کلماتی مانند «الله الله» به خاطر متأثر شدن از برخی امور دنیوی، فریاد زدن به خاطر متأثر شدن از شنیدن تلاوت قرآن، خندیدن در نماز (بلند خندیدن در نماز به طوری که فرد کنار شما آن را بشنود؛ هم نماز و هم وضو را باطل می‌کند).

۶۱- عبور کردن شخص از جلوی شخص نمازگزار نمازش را باطل نمی‌کند ولی اگر شخصی عمداً از جلوی یک نمازگزار عبور کند؛ گناهکار می‌شود. اگر شخص نمازگزار در جایی که محل عبور و مرور مردم است؛ ستره نگذارد و آن طرف‌تر هم جایی برای عبور مردم نباشد؛ در این صورت شخص نمازگزار گناهکار می‌شود.

سلام کردن، جواب سلام دیگران را دادن، خواندن آیه به عنوان پاسخ به و دعا در امور دنیایی به گونه‌ای که مطابق آداب آن نباشد، نماز را باطل می‌کند. به عنوان مثال «پروردگارا، فلان مقام دنیوی را به من عطا کن.»

۳- انجام کاری که در نماز نیست، هنگام خواندن نماز، آن را باطل می‌کند: به این امر «عمل کثیر» می‌گویند، یعنی کار اضافه و زیادی. اگر کسی از بیرون به شخصی نگاه کند و بگوید «این شخص در حال نماز نیست چون شخص نمازگزار به چنین کارهایی نمی‌پردازد.» به این کارها «عمل کثیر» می‌گویند. خوابیدن، اشاره با دست و راه رفتن هم نماز را باطل می‌کند (به شرط قدم برداشتن پشت سر هم به منظور پر کردن صف جلویی نماز را باطل نمی‌کند.)

۴- نادرست خواندن قرآن به گونه‌ای که معنای آن تغییر کند: به این می‌گویند «زلة القاری». یعنی: «لغزش قاری» به معنای نادرست خواندن است. اگر قرآن عمداً اشتباه خوانده شود و معنای آن تغییر کند، نماز باطل می‌شود. ضمناً اگر سهواً کلمه‌ای گفته شود و آن کلمه در قرآن نیامده باشد، باز هم نماز باطل است.

۵- اگر کسی که به امام اقتدا کرده؛ در یک رکن از امام پیشی بگیرد، نماز او باطل می‌شود، مانند به رکوع رفتن قبل از امام و بلند کردن سر از سجده پیش از امام.

۶- ایستادن زن کنار یا جلوی یک مرد در نماز جماعت، باعث باطل شدن نماز مرد می‌شود: به این امر «محازاة النساء» می‌گویند. برای باطل شدن نماز یک مرد در این حالت، آن نماز باید رکوع و سجده داشته باشد، زن و مرد یک نماز را با هم بخوانند، بدون وجود پرده و در یک مکان باشند، محرم بودن مرد در این وضعیت تغییری ایجاد نمی‌کند.

ارزیابی

- ۱- نماز را تعریف کنید و آیات فرض بودن آن را بیان کنید.
- ۲- واجبات نماز چیست؟ توضیح دهید.
- ۳- وجوه برتری نماز بر سایر عبادات را بیان کنید.
- ۴- آیا انسان بدون اقامه‌ی نماز می‌تواند قلب خود را پاک نگه دارد؟ شرح دهید.
- ۵- نماز چه فوایدی برای جامعه دارد؟
- ۶- شروط و ارکان نماز چیست؟
- ۷- نیت نماز چگونه انجام می‌شود؟ توضیح دهید.
- ۸- یک نماز کامل چگونه خوانده می‌شود؟ شرح دهید.
- ۹- پنج مورد از مکروهات نماز را نام ببرید.
- ۱۰- در نماز جماعت قدم برداشتن به سمت صف جلویی، نماز را باطل نمی‌کند. دلیل آن را توضیح دهید.

به هم وصل کنید

شروع کردن نماز با الله اکبر گفتن.	۱	قنوت
آرامش اعضا حین انجام ارکان نماز.	۲	تکبیر تحریمه
آخرین قعده‌ی فرض نماز.	۳	قرائت
رو به قبله کردن نماز گزار در هنگام خواندن نماز.	۴	قعده‌ی آخر
دعایی که در سومین رکعت نماز وتر قبل رکوع خوانده می‌شود.	۵	تعدیل ارکان
تلاوت قرآن با صدای آرام یا بلند.	۶	استقبال قبله

سؤالات درست و غلط



- ۱- () کسی که در حین نماز متوجه شود که در قبله اشتباه کرده است؛ کافیت که بدون قطع نماز، رو به سمت قبله کند.
- ۲- () شخصی که در حال ادای نماز سنت صبح است و با این که توانایی اش را دارد؛ قیام نکرده و نمی ایستد؛ نمازش قابل قبول می باشد.
- ۳- () سجده بر برف تازه ریخته و انباشته شده در صورتی که سختی زمین احساس نشود؛ جایز نیست.
- ۴- () کسی که به امام اقتدا کرده است؛ لازم نیست قرائت بخواند.
- ۵- () قرائت آهسته ی امام در تمام رکعت های نماز ظهر و عصر، رکعت آخر نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشا سنت است.
- ۶- () گناهان کبیره ی نماز گزار آمرزیده می شود.
- ۷- () شخص مکلف در صورت مشغولیت زیاد مجبور نیست نماز را سر وقتش بخواند، در اولین فرصت مناسب می تواند بخواند.
- ۸- () بعد از نماز فرض عصر می توان نماز قضایی را خواند.
- ۹- () هنگام احساس نیاز شدید به رفتن به تشناب+، نباید نماز خواند.
- ۱۰- () اگر زن بدون پوشاندن مو و پا نماز بخواند، نمازش صحیح است.
- ۱۱- () بازی با بدن یا لباس و نگاه کردن با چرخاندن گردن مکروه است.
- ۱۲- () اگر در نماز سهواً کلمه ای که در قرآن نیست گفته شود، نماز باطل نمی شود.
- ۱۳- () بلند خندیدن در نماز به طوری که کسی که در کنار شما است آن را بشنود، هم نماز و هم وضو را می شکند.
- ۱۴- () حین رفتن به سجده به ترتیب زانوها، دست ها و صورت بر زمین گذاشته شود و حین بلند شدن نیز انجام عکس آن، سنت است.
- ۱۵- () نشستن بین دو سجده در نماز، فرض است.

در جاهای خالی حکم مناسب را بنویسید

	چرخاندن سر ابتدا به سمت راست حین سلام دادن
فرائض	نیت کردن، دانستن این که کدام نماز را خواهد خواند
	خواندن فاتحه در هر رکعت
	خواندن نماز با لباس‌های زیبا و مرتب
	خواندن التحیات در قعده‌ها
	چرخاندن انگشتان پا به سمت قبله در حین سجده
	بلند کردن دستان تا موازات گوش‌ها حین تکبیر در مردان

بازی با کلمات

(وقت، قبله، عورت، نیت، اعتدال، ترتیب، نماز، رکن، سجده، سلام، تشهّد)

م	ا	ل	س	ن	م	ا	ز
س	ل	ا	د	ت	ع	ا	خ
ج	چ	ن	ک	ر	ل	ن	ت
د	هـ	هـ	ش	ت	ق	و	ر
هـ	ق	غ	ت	ی	ی	ن	و
ف	گ	هـ	ل	ب	ق	ص	ع

اوقات نماز و نحوه‌ی خواندن نماز

حوزه‌های موضوعی:

الف) اقسام نماز

ب) نمازهای پنجگانه و چگونگی ادای آنها

ج) نماز جمعه و چگونگی ادای آن

د) نماز جنازه و چگونگی ادای آن

هـ) نماز عید و چگونگی ادای آن

و) نماز تراویح و چگونگی ادای آن

ی) نمازهای نافله (رغایب)

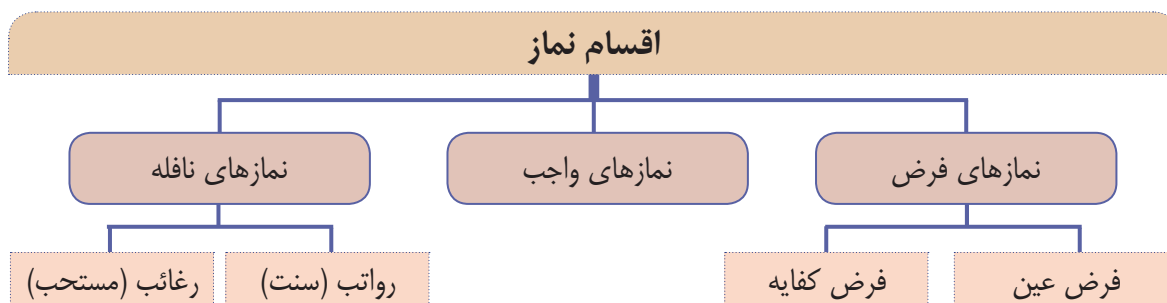
مطالعات مقدماتی



- ۱- آیا مسلمان باید همه‌ی نمازها را ادا کند؟ با بیان انواع نماز در صنف بحث و گفتگو کنید.
- ۲- چرا نماز جمعه و عید به صورت جماعت خوانده می‌شوند؟ آثار دینی و اجتماعی آن را بررسی کنید.
- ۳- چه ارتباطی بین افطار و نماز تراویح وجود دارد؟ تحقیق کنید.
- ۴- چه اعمالی بر متوفی انجام می‌شود؟ فکر کنید، تحقیق کنید.

الف) اقسام نماز

نمازها بر سه قسم است: فرض، واجب، نافله



۱- نماز فرض و انواع آن

نماز فرض به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) فرض عین: فرض نمازهای پنج گانه، خواندن قضایی فرض نمازهایی که قضا شدند و نماز جمعه، فرض عین هستند. نماز جمعه فقط بر مردان فرض است.

ب) فرض کفایه: شامل نماز جنازه است.

بیشتر بدانیم



«خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ مَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يُضَيِّعْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِحْقَاقًا بِحَقِّهِنَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ» (نسائی، الصلاة، ۶، دارمی، الصلاة، ۲۰۸).

«خداوند پنج نماز را بر بندگان فرض گمارده است، کسی که آن‌ها را انجام داده و از روی ناچیز شمردن، آن‌ها را ضایع نکند، نزد خداوند عهدی دارد که او را به بهشت ببرد.»

۲- نمازهای واجب و انواع آن‌ها

نماز وتر و نماز عید از نمازهای واجب هستند.

نماز وتر سه رکعتی خوانده می‌شود. علت این که این نماز را «صلوة وتر» می‌نامند، یک رکعتی بودن آن است. نماز این در ماه رمضان در صورتی که تراویح با جماعت خوانده شود با جماعت خوانده می‌شود، در دیگر زمان‌های بعد از نماز عشا و به صورت فرادا خوانده می‌شوند.

نمازهای عید فطر و عید قربان دو رکعتی هستند. اشخاصی که مکلف به اقامه‌ی نماز جمعه هستند، مکلف به خواندن نماز عید نیز می‌باشند. نمازهای جمعه و عید را فقط با جماعت می‌توان خواند.

ضمناً هر گونه نماز نافله‌ای که شروع شده ولی نیمه تمام مانده است و هم چنین نمازهای نذری هم واجب می‌باشند.

۳- نمازهای نافله و انواع آن

نمازهای نافله: بر دو قسم هستند: الف / رواتب (سنت) ب / به عنوان رغائب (مستحب)

الف / نمازهای رواتب (نمازهای سنت)

عبارتند از سنت‌های مؤکده و غیرمؤکده که قبل از و یا بعد از نمازهای پنجگانه خوانده می‌شود. سنت‌های نماز صبح، ظهر، شام، آخرین سنت نماز عشا و نماز تراویح «سنت مؤکده» هستند. سنت‌های نماز عصر و اولین سنت عشا نیز «سنت غیرمؤکده» هستند.

قوی‌ترین سنت‌های رواتب، سنت نماز صبح می‌باشد.

اتمام سنت‌های دو رکعتی که بعد از نماز ظهر و عشا خوانده می‌شود به چهار رکعتی و خواندن نماز نافله بعد از دو رکعت سنت نماز مغرب مندوب است.

بنا به مذهب احناف، ترک نمازهای رواتب حتی برای کسی که نماز قضایی هم دارد درست نیست.

ب / نماز رغائب (نماز مستحب)

به نمازهای غیر از سنت‌های مذکوره در بالا، نمازهای تطوع نیز گفته می‌شود که نمازهایی از نوع مستحب و مندوب می‌باشند. این نمازها در بین مردم به نمازهای نافله معروف هستند. این‌ها وابسته به نمازهای پنجگانه نبوده و در اوقات دیگر با هدف کسب ثواب انجام می‌شوند. مانند نماز تهجد و ضحی.

ب) نمازهای پنجگانه و چگونگی ادای آن‌ها

الف / نماز صبح و چگونگی ادای آن

نماز صبح به این ترتیب خوانده می‌شود: چون اول نماز سنت را می‌خوانیم؛ می‌گوییم: «نیت کردم که بخوانم نماز سنت صبح امروز خالصاً لله» این نیت چون قلبی است به هر زبانی می‌تواند گفته شود.

مردان دستان را به سمت گوش‌ها برده، با انگشت شصت نرمه‌ی گوش را لمس کرده و زنان نیز دستان را تا موازات شانه می‌رسانند. الله اکبر گفته می‌شود سپس دست راست روی دست چپ قرار داده می‌شود به این ترتیب که: مردان دستان را روی ناف و زنان روی سینه روی هم می‌گذارند. در مردان، انگشت شصت و انگشت کوچک دست راست دور میچ دست چپ بسته می‌شود. در حال قیام باید به محل سجده نگاه کرد. پاها در موازات شانه‌ها هستند و حدود ۱۰ سانتی متر بین آن‌ها باید فاصله باشد.

در قیام پس از تکبیر و بستن دست‌ها، دعای «سبحانک اللهم» خوانده می‌شود. بلافاصله بعد از آن «اعوذ بالله و بسم الله» گفته می‌شود، سوره فاتحه خوانده شده و «آمین» گفته می‌شود، سپس بدون فاصله یک سوره یا حداقل سه آیه یا یک آیه به اندازه‌ی یک سطر خوانده می‌شود. به این کار «ضمّ سوره» می‌گویند.

سپس با گفتن الله اکبر به رکوع رفته می‌شود. کشک زانو تماماً با دست گرفته و کمر صاف می‌شود. در رکوع حداقل سه بار «سبحان ربی العظیم» گفته شده سپس با گفتن «سمع الله لمن حمده» برخاسته می‌شود. در این حین «ربنا لک الحمد» هم گفته می‌شود. سپس با گفتن الله اکبر به سجده رفته می‌شود.

در سجده، پیشانی، بینی، زانو و نوک انگشتان پا با زمین تماس پیدا می‌کنند. سر بین دو دست قرار می‌گیرد، انگشتان دست و پا به سمت قبله می‌باشند. در این هنگام سه مرتبه «سبحان ربی الاعلی» گفته می‌شود. سپس الله اکبر گفته و نشسته می‌شود. در این نشستن، پای راست در حالی که نوک انگشتان به سمت قبله است؛ به صورت عمودی قرار می‌گیرد و پای چپ به سمت داخل پهن شده و روی آن نشسته می‌شود. دست‌ها روی زانو قرار می‌گیرند. این نشستن تقریباً به اندازه‌ی سه بار سبحان الله گفتن به طول می‌انجامد، دوباره الله اکبر گفته شده و به سجده رفته می‌شود. باز هم سه بار «سبحان ربی الاعلی» گفته شده سپس الله اکبر گفته و به قیام ایستاده می‌شود.

در قیام رکعت دوم فقط بسم الله گفته شده سپس فاتحه و پس از آن سوره‌ای تلاوت می‌شود. مقدار آن باید به اندازه‌ی رکعت قبل یا کمی کوتاه‌تر از آن باشد. این سوره‌ی بعدی یا باید سوره‌ای بعد از سوره‌ای که در رکعت اول خوانده شده است؛ باشد یا حد اقل دو سوره بعد از آن باشد. پس از پایان تلاوت الله اکبر گفته و به رکوع رفته می‌شود. رکوع و سجده مانند رکعت قبل انجام می‌شود. پس از برخاستن از سجده مانند نشستن بین دو سجده نشسته می‌شود. دست‌ها روی ران‌ها قرار گرفته و دعای التحیات و سپس «اللهم صلی علی محمد و اللهم بارک علی محمد» و دعای «ربنا اغفر لی» خوانده می‌شود. سپس سر تا موازات شانه ابتدا به سمت راست چرخانده شده و «السلام علیکم ورحمة الله» گفته می‌شود سپس به چپ چرخانده و سلام گفته می‌شود.

نماز فرض صبح: دو رکعت است، مانند دو رکعت سنت صبح که در بالا ذکر شد؛ خوانده می‌شود فقط پیش از شروع اقامه خوانده می‌شود و در نیت هم فرض بودن نماز مشخص می‌شود. کوتاه خواندن نماز سنت صبح و طولانی کردن نماز فرض صبح فضیلت بیشتری دارد.



ب/ نماز ظهر و چگونگی ادای آن

اول برای نماز سنت چهار رکعتی اولی نیت گفته می‌شود: «نیت کردم که بخوانم اولین نماز سنت ظهر را» سپس مانند دو رکعت سنت صبح خوانده شده و در قعده‌ی اول فقط التحیات خوانده می‌شود، سپس با گفتن تکبیر برای رکعت سوم قیام می‌شود.

رکعت سوم و چهارم نیز به همین ترتیب خوانده می‌شود، نشسته، التحیات، صلوات و ربّنا یکی پس از دیگری خوانده شده و سلام داده می‌شود. اما برای چهار رکعت فرض نماز ظهر ابتدا اقامه خوانده شده، نیت نماز فرض گفته می‌شود، سپس مانند سنت چهار رکعتی اولی ظهر، نماز خوانده می‌شود، ولی در رکعت سوم و چهارم پس از فاتحه هیچ سوره‌ای خوانده نمی‌شود.

سنت آخر نماز ظهر که دو رکعت است؛ مانند نماز سنت صبح خوانده می‌شود.

ج/ نماز عصر و چگونگی ادای آن

اولاً برای سنت چهار رکعتی نیت کرده می‌شود. نحوه اقامه‌ی این نماز به طور کلی مانند چهار رکعت سنت اول نماز ظهر است ولی در قعده‌ی رکعت دوم، علاوه بر التحیات، درودها هم «اللهم صلی علی محمد و اللهم بارک علی محمد» خوانده می‌شود سپس با گفتن الله اکبر، رکعت سوم شروع می‌شود سپس دعای «سبحانک اللهم» و بعد از آن «أعوذ بالله و بسم الله» گفته شده سپس مانند رکعت سوم و چهارم سنت ظهر، دو رکعت خوانده می‌شود و سلام داده می‌شود.

چهار رکعت فرض نماز عصر هم مانند نماز فرض ظهر خوانده می‌شود. پس از اقامه، «نیت کردم که بخوانم چهار رکعت نماز فرض عصر امروز خالصا لله تعالی» گفته و مانند نماز فرض ظهر، چهار رکعت خوانده می‌شود.

د/ نماز مغرب و چگونگی ادای آن

با داخل شدن وقت نماز مغرب، برای خواندن نماز سه رکعتی آن، ابتدا اقامه خوانده می‌شود سپس «نیت کردم که بخوانم نماز فرض مغرب امروز خالصا لله تعالی...» پس از این که دو رکعت اول مانند دو رکعت نماز فرض صبح خوانده شد، در قعده التحیات خوانده شده و سپس برای رکعت سوم قیام می‌شود. در این رکعت پس از بسم الله سوره‌ی فاتحه خوانده می‌شود سپس رکوع و سجده چنان که گفته شد؛ انجام می‌گردد و برای قعده‌ی دوم نشسته می‌شود. پس از خواندن التحیات، درودها «اللهم صلی علی محمد و اللهم بارک علی محمد» و دعاها ربنا و سلام داده می‌شود.

دو رکعت سنت مغرب هم مانند دو رکعت سنت صبح ادا می‌شود. ابتدا «نیت کردم که بخوانم دو رکعت نماز سنت مغرب خالصا لله تعالی» گفته شده و نماز شروع شده و مانند سنت نماز صبح خوانده می‌شود.

هـ/ نماز عشا و چگونگی ادای آن

چهار رکعت سنت اول نماز عشا مانند چهار رکعت سنت عصر خوانده می‌شود.

در رکعت‌های دوم، سوم و چهارم قبل از فاتحه فقط «بسم الله» گفته می‌شود. در نمازهای سنت غیر مؤکده‌ی عصر و عشا، هنگام قیام برای سومین رکعت، پس از خواندن دعای «سبحانک اللهم»، «أعوذ بالله و بسم الله» گفته می‌شود

چهار رکعت فرض نماز عشا مانند چهار رکعت فرض نماز ظهر خوانده می‌شود.

دو رکعت آخر سنت نماز عشا هم مانند دو رکعت سنت نماز صبح خوانده می‌شود.

و/ نماز وتر و چگونگی ادای آن

«نیت کردم که بخوانم نماز وتر خالصا لله تعالی» گفته و با تکبیر نماز اقامه می‌شود. مانند سنت نماز صبح، پس از خواندن دو رکعت نشسته می‌شود. پس از پایان دعای التحیات برای ادای سومین رکعت قیام می‌شود، بسم الله خوانده شده و پس از خواندن فاتحه به همراه یک سوره‌ی دیگر؛ پیش از رفتن به رکوع دست‌ها از اطراف به بالا برده شده و تکبیر گفته می‌شود، مردان تا گوش‌ها و زنان تا موازات شانه‌ها بالا می‌برند و دوباره دست‌ها بسته می‌شود. سپس دعای قنوت خوانده می‌شود که به این ترتیب می‌باشد:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَ نَسْتَغْفِرُكَ وَ نَسْتَهْدِيكَ وَ تَوْمِنُ بِكَ وَ تَتُوبُ إِلَيْكَ وَ تَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَ تُثْنِي عَلَيْكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، نَشْكُرُكَ وَ لَا نَكْفُرُكَ وَ نَحْلَعُ وَ نَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ. اللَّهُمَّ إِنَّاكَ تَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَ نَسْجُدُ وَ إِلَيْكَ نَسْعَى وَ نَخْفِدُ تَرْجُو رَحْمَتَكَ وَ نَخْشَى عَذَابَكَ . إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ».

«پروردگارا از تو کمک، آمرزش و هدایت می‌جوییم و به تو ایمان می‌آوریم و در همه‌ی کارها به تو توکل می‌کنیم و همه‌ی ثناها را به تو اختصاص می‌دهیم و از تو تشکر می‌کنیم و به نعمت‌های تو کفر نمی‌ورزیم و از هر کسی که از فرمان تو سرپیچی نماید جدا شده و او را ترک می‌کنیم.

پروردگارا فقط تو را عبادت می‌کنیم و برای تو نماز می‌خوانیم و سجده می‌کنیم و تمام سعی و کوشش‌ها برای توست و به رحمت تو امیدواریم و از عذاب تو می‌ترسیم که همانا عذاب تو سزاوار کافران است.»

در ماه رمضان حین خواندن نماز به صورت جماعت، امام فاتحه و سوره‌ی بعد از آن را با صدای بلند می‌خواند. پس از تکبیر قنوت، هر کس به آرامی دعای قنوت را در دلش می‌خواند.

کسی که دعای قنوت را نمی‌داند؛ تا زمانی که آن را یاد بگیرد به جای آن دعا‌های ربنا را می‌خواند.

ج) نماز جمعه و چگونگی ادای آن

۱- فضیلت و حکمت جمعه

نماز جمعه، حین هجرت حضرت محمد علیه السلام، در نزدیکی مدینه زمانی که در وادی «رانونا» بود؛ فرض گردید و اولین خطبه جمعه در همان جا در مسجد بنی سلیم خوانده شد.

اسلام، همیشه مسلمانان را به نماز جماعت تشویق کرده است. ادای برخی از آن‌ها را نیز مشروط به جماعت خواندن آن‌ها قرار داده است.

نماز جمعه برای هر مرد مسلمان واجد شرایطی فرض است. وقتی اذان خوانده می‌شود، افراد مکلف باید کارهایشان را رها کرده و به مسجد بروند.

نکته



رسول الله (ص) در مورد کسانی که نماز جمعه را ترک می‌کنند، هشدار مهمی داده و فرموده‌اند: «خداوند متعال بر قلب کسی که از روی بی‌توجهی سه هفته نماز جمعه را ادا نکند؛ مهر می‌نهد.» (ابوداود، الصلاة، ۴۰۲).

«برخی، یا دست از ترک نماز جمعه بردارند یا خداوند متعال بر قلب‌هایشان مهر می‌نهد و بدین ترتیب از غافلان خواهند بود.» (مسلم، الجمعة، ۰۴)

در واقع مسلمانان با گفته شدن اذان جمعه این فرمان الهی را تطبیق می‌دهند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» [الجمعة: ۹] «ای مؤمنان! هنگامی که روز آدینه برای نماز جمعه اذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و داد و ستد را رها سازید. این برای شما بهتر و سودمندتر است اگر متوجه باشید.»



پیامبر ما (صلی الله علیه وسلم) در مورد کسانی که نماز جمعه را به جای می‌آوردند، چنین می‌فرماید:

«مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ، فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ، غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ، وَزِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ»^{۶۲} «کسی که به نیکی وضو بگیرد سپس برای ادای نماز جمعه برود، گوش فرا داده و سکوت کند؛ گناهان بین دو جمعه‌ی او به اضافه‌ی سه روز دیگر آمرزیده می‌شود.»

نماز جمعه، عید هفتگی مسلمانان است، به همین خاطر پیامبر اکرم علیه السلام «نَهَى عَنْ صِيَامِ الْجُمُعَةِ»^{۶۳} «از روزه‌ی روز جمعه نهی کرده است.»

باید به نماز جمعه توجه ویژه‌ای شود. حمام و نظافت بدن، کوتاه کردن ناخن‌ها، مسواک زدن، استفاده از عطر و خوشبویی، پوشیدن لباس زیبا و تمیز و رفتن به مسجد مستحب است. ابو سعید خدری (رض) چنین روایت کرده است:

«الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ، وَأَنْ يَسْتَنْ، وَأَنْ يَمَسَّ طَبِيبًا إِنْ وَجَدَ»^{۶۴} «غسل روز جمعه و مسواک زدن، بر هر فرد بالغ و مسلمان واجب است و اگر به مواد خوشبو دسترسی داشت، استفاده کند.»

۲- چگونگی خواندن نماز جمعه

در روز جمعه در نماز ظهر در بزرگترین مسجد آبادی یا محله نماز جمعه اقامه می‌شود.

ابتدا چهار رکعت سنت خوانده می‌شود سپس منتظر خطبه می‌ماند. پس از گوش کردن به خطبه، دو رکعت نماز فرض جمعه با جماعت خوانده می‌شود.

برای ادای چهار رکعت اول سنت جمعه چنین نیت می‌شود: «نیت کردم که بخوانم اولین سنت نماز جمعه را خالصا لله تعالی...» این نماز مانند چهار رکعت سنت اول ظهر خوانده می‌شود.

پس از پایان خطبه، برای ادای دو رکعت فرض روز جمعه به امام اقتدا می‌شود. «نیت کردم که بخوانم نماز فرض جمعه، اقتدا کردم به امام حاضر...» سپس تکبیر گفته شده و نماز فرض جمعه مانند نماز فرض صبح خوانده می‌شود. امام قرائت را با صدای بلند خوانده و جماعت گوش می‌کنند.

۶۲- مسلم، الجمعة، ۸.

۶۳- بخاری، الصوم، ۶۳، مسلم، الصيام، ۱۴۵، ۱۴۶.

۶۴- بخاری، الجمعة، ۴، ۶، مسلم، الجمعة، ۱۰، ۲۶.

بعد از خواندن نماز فرض - اگر امکان داشته باشد محل نماز را تغییر داده - چهار رکعت نماز به صورت فردا خوانده می‌شود، درست مانند سنت اول جمعه و نیتش هم این چنین است: «نیت کردم که بخوانم نماز سنت آخر جمعه خالصا لله تعالی...»

این نماز سنت‌های روز جمعه سنت مؤکده است. رها کردن آن درست نیست.

۳- شروط فرض بودن و درستی نماز جمعه

الف/ شروط فرض بودن نماز جمعه

شرایط لازم برای فرض بودن نماز جمعه به شرح زیر است:

۱- مرد بودن: نماز جمعه بر زنان فرض نیست. ولی اگر آن را بخوانند، نمازشان صحیح بوده و لازم نیست نماز ظهر را بخوانند.

۲- آزادی: نماز جمعه بر بردگان، کسانی که در زندان و یا در بازداشت هستند، فرض نیست.

۳- اقامت: نماز جمعه بر مسافری فرض نیست.

۴- تندرستی: برای سالمندانی که توان راه رفتن ندارند، برای بیمارانی که نمی‌توانند به مسجد بروند، برای بیماری که اگر از خانه بیرون برود؛ بیماری‌اش تشدید می‌شود، کسانی که از بیمارانی که حالشان وخیم است پرستاری و مراقبت می‌کنند و با رفتن به نماز جمعه می‌ترسند که آسیبی به بیمار برسد؛ فرض نیست.

۵- عدم وجود مانعی برای رسیدن به نماز جمعه: کسی که چشمانش انحراف دارد و شخص یک چشم مکلف به شرکت در نماز جمعه می‌باشند. اما کسی که دو چشمش نابینا است، شخص فلج و معلولان بدون پا، مکلف به حضور در نماز جمعه نیستند. اگر اوضاع آب و هوا به خاطر برف یا باران شدید وخیم بوده، به گونه‌ای که مانع خروج از خانه و رفتن به مسجد شود؛ تکلیف ادای نماز جمعه برداشته می‌شود.

۶- امنیت: در صورت ترس از ترور و نیز بر کسانی که به خاطر ترس از راهزن و دشمن و با هدف تأمین امنیت کشیک می‌دهند؛ نماز جمعه فرض نیست.

۷- کار در خدمات عاجل: مانند بیمارستان، آتش نشانی و غیره. نماز جمعه برای کارمندان سازمان‌های عاجل که در وقت نماز جمعه در حال خدمت هستند؛ فرض نیست.

ب/ شروط صحت نماز جمعه

شروط صحت نماز جمعه به شرح زیر است:

۱- محل برگزاری نماز جمعه باید یک مکان مرکزی و جایی باشد که مسلمانان به طور دسته جمعی در آن جا حضور داشته باشند. کسانی که در ارتفاعات دور از روستا یا در صحرا زندگی می‌کنند؛ نمی‌توانند کنار هم جمع شده و نماز جمعه بخوانند، بلکه باید به نزدیک‌ترین جایی که نماز جمعه خوانده می‌شود؛ بروند.

۲- نماز جمعه باید توسط رئیس دولت یا شخصی که از طرف وی وکیل است؛ اقامه شود. افرادی که مأمور به انجام این وظیفه شده‌اند؛ می‌توانند این وظیفه را به شخص دیگری محول کنند. به هر دلیلی اگر امکان گرفتن مجوز از دولت وجود نداشته باشد، در صورتی که مسلمانان در مورد شخصی به توافق برسند؛ امامت نماز جمعه توسط آن شخص جایز است. ادای نماز جمعه در اماکنی که حاکمان آن مسلمان نیستند هم امکانپذیر می‌باشد.

۳- نماز جمعه باید در وقت نماز ظهر خوانده شود.

۴- مسجدی که در آن نماز جمعه برگزار می‌شود؛ باید به روی همگان باز باشد. نماز جمعه یکی از شعائر اسلام است از این رو باید آشکارا خوانده شود.

۵- برای صحت نماز جمعه باید به غیر از امام حداقل سه مرد دیگر حضور داشته باشند. این رأی امام ابوحنیفه و امام محمد است. بنا به قول ابویوسف به غیر از امام حضور دو مرد دیگر برای جماعت کافی است. بنا به رأی مالکیه حداقل دوازده نفر و بنا به نظر شافعیه چهل مرد باید حضور داشته باشند.

۶- قبل از خواندن فرض نماز جمعه، امام باید در حضور جماعت خطبه بخواند و جماعت هم باید گوش فرا دهند.

۴- شروط و سنت‌های خطبه

الف / شروط خطبه

رکن خطبه، ذکر و یاد خالصانه‌ی خداوند متعال می‌باشد. شروط خطبه که به منزله‌ی دو رکعت نماز فرض دانسته می‌شود؛ عبارتند از:

۱- خواندن خطبه جمعه قبل از نماز و داشتن نیت خطبه.

۲- خواندن آن در وقت نماز جمعه. حضور حداقل سه نفر در آن زمان.

۳- فاصله ننداختن بین خطبه و نماز با انجام کاری.

هنگام خواندن خطبه، جماعت باید سکوت کنند و به خطبه‌ی امام گوش فرا دهند.

طوری رفتار کند که انگار در حال نماز است. نمی‌تواند گوشی تلفن خود را باز کند و با آن مشغول شود. نمی‌تواند صلوات و درود بخواند. سلام نکند. جواب سلام را ندهد، به کسی که عطسه می‌کند «یرحمک الله» نگوید. با صدای بلند به دعای امام آمین نگوید و دستش را به صورتش نکشد. جماعت در وقت خطبه باید دو زانو یا چهار زانو بنشینند، سرپا ننشینند و اگر عذری نداشتند؛ پاها را به سمت قبله دراز نکنند.

ب / سنت‌هایی که خطیب باید به آن‌ها توجه کند:

۱- خطیب قبل از خطبه باید به سمت منبر بنشیند.

۲- وقتی بالای منبر می‌رود، رو به جماعت کرده و به اذان گوش دهد.

۳- اذان دوم باید در حضور خطیب خوانده شود، بعد از اذان خطیب می‌ایستد و هر دو خطبه ایستاده خوانده شود.

۴- خطبه‌ی اول و دوم را با الحمدلله شروع کند. بعد کلمه‌ی شهادت را بگوید سپس بر پیامبر علیه السلام درود و صلوات بفرستد.

۵- «اعوذ بالله و بسم الله» بگوید. در رابطه با موضوع آیات و احادیث بخواند، توصیه‌های لازم را به عموم مردم بنماید.

۶- ختم خطبه با آیه.

۷- تقسیم خطبه به دو بخش، نشستن مدت کوتاهی بین دو خطبه و خواندن دعا. در خطبه دوم طلب آمرزش برای جهان اسلام و دعای کوتاه. هر دو خطبه را به صورت عادی بیان کند، نه خیلی طولانی.

۸- خواندن خطبه با صدایی که جماعت بشنوند.

د- نماز جنازه و چگونگی ادای آن

۱- اطلاعاتی پیرامون تشییع جنازه

تشییع جنازه به معنای کفن کردن جسد انسان، گذاشتن آن در تابوت و آماده کردن آن برای دفن است. اگر شخص در حال مرگ در حالت عسر و حرج نباشد، باید به سمت قبله و به سمت راست چرخانده شود. کلمه‌ی شهادت و کلمه‌ی توحید به او تلقین شود. آیات و سوره‌هایی از قرآن خوانده شود. وقتی روحش را تسلیم می‌کند، چانه‌اش بسته می‌شود تا باز نماند، پلک‌ها نیز بسته می‌شوند، در کنارش بویهای معطر گذاشته می‌شود، جنازه نباید تا حد امکان به تأخیر بیفتد و بلافاصله باید دفن شود.

۲- شستن و کفن کردن جنازه

جسد در جای بلندی قرار داده می‌شود. عورت‌ها با پارچه‌ای پوشانیده می‌شوند، لباس‌هایش در آورده می‌شود. بدون آب ریختن در دهان و بینی وضو داده می‌شود. سپس تمام بدن با آب گرم و صابون شسته می‌شود. دقت شود که جای خشکی باقی نماند. سپس کسی که میت را می‌شوید (غَسَّال) جنازه را به خود تکیه داده و می‌نشاند، سپس شکم جنازه را می‌مالد، اگر چیزی از آن بیرون بیاید، آن‌ها را نیز می‌شوید. البته دوباره وضو دادن لازم نیست. مرد، مرد را و زن، زن را می‌شوید. افرادی که جنازه را می‌شویند، باید تمیز بوده و این کار را بدانند.

به سر، مو و ریش جنازه عطر زده می‌شود. مو و ناخن‌ها کوتاه یا شانه نمی‌شود.

ابتدا کفن پیراهن (قمیص) به تن جنازه می‌پوشند. پیراهن از شانه تا پا می‌رسد. سپس اولین لایه‌ی کفن «آزار» پوشیده می‌شود. این پوشش، از سر تا پا است. روی این، لایه دوم کفن «لفاف» پوشیده شده و پیچیده می‌شود. این لایه هم از بالا تا پایین همه جا را می‌پوشاند. سپس از قسمت سر و پا بسته و گره زده می‌شود، کفن کردن مرد به این ترتیب است.

کفن زن؛ با پوشش سر و سینه پنج تکه می‌شود. موهای زن به دو قسمت بافته شده و روی سینه‌اش گذاشته می‌شود. شستن و کفن جنازه فرض کفایه است.

۳- شروط نماز میت، چگونگی اقامه و دعاهای آن

الف/ شروط نماز میت

همان گونه که کار تجهیز و تکفین میت فرض کفایه است، نماز جنازه هم فرض کفایه است. پس از فوت یک مسلمان، عده‌ای از مردم آن منطقه باید به اقامه‌ی نماز میت و رسیدگی به امور میت بپردازند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» [الإسراء: ۷۰] «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشته‌ایم.» اگر نماز جنازه‌ی یک مسلمان را هیچ کس اقامه نکند؛ دوستان، خویشاوندان و تمام کسانی که از وفات او مطلع بوده‌اند؛ گناهکار می‌شوند.

کسانی که می‌خواهند نماز جنازه بخوانند باید پاک و با وضو باشند، نیت کرده، رو به قبله باشند.

برای خواندن نماز جنازه، وجود این شرایط الزامی است:

۱- میت، باید مسلمان باشد: بر غیر مسلمانان و منافقان آشکار نماز جنازه خوانده نمی‌شود. در این آیه آمده است: «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ» [التوبة: ۸۴] «هرگاه یکی از آنان مُرد اصلاً بر او نماز مخوان و بر سر گورش نایست، چرا که آنان به خدا و پیغمبرش باور نداشته‌اند و در حالی مرده‌اند که از دین خدا و فرمان الله خارج بوده‌اند.»

۲- مرده باید تمیز، شسته و در کفن پیچیده باشد.

۳- جنازه باید جلوی جماعت قرار داده شود. جماعت باید در سه صف باشد، طولانی بودن صف اول مستحب است.

۴- برای اقامه‌ی نماز میت تمام یا بیشتر بدن میت یا نیمی از بدن او به همراه سرش باید وجود داشته باشد.

۵- نماز میت باید ایستاده خوانده شود. در نماز میت رکوع و سجده نیست.

۶- میت را باید روی زمین یا روی سنگ بلندی گذاشت.

۷- جماعت خواندن نماز میت شرط نیست. وجود یک زن یا مرد نیز کافی است. همان طور که می‌توان برای چند جنازه با هم، برای مردان، زنان و کودکان به صورت جدا از هم نماز جنازه خواند؛ می‌توان به صورت تک تک برای جنازه‌ها هم نماز جنازه خواند.

به غیر از سه وقت مکروه، در هر وقتی می‌توان نماز میت خواند، ارکان نماز جنازه، عبارتست از چهار تکبیر با قیام است. سلام دادن هم واجب است. مبطلات نمازهای دیگر، نماز میت را نیز باطل می‌کند. اقامه‌ی نماز میت با گذاشتن میت در داخل مسجد مکروه است. اگر جنازه بیرون از مسجد گذشته شده و یک گروه به همراه امام در کنار جنازه و گروه دیگری در داخل مسجد نماز جنازه بخوانند؛ در این صورت مکروه نمی‌باشد.

ب/ چگونگی ادای نماز جنازه و دعاهای آن

جنازه جلوی جماعت قرار داده می‌شود. امامی که نماز را اقامه خواهد کرد؛ هم سطح با سینه میت می‌ایستد. نیت کرده و مرد یا زن، پسر بچه یا دختر بچه بودن او را مشخص می‌کند،^{۶۵} جماعت نیز نیت کرده و به امام اقتدا می‌کند.

ابتدا یک تکبیر گفته می‌شود. دست‌ها مانند نماز بر روی ناف بسته می‌شوند. «سبحانک اللهم» خوانده می‌شود. بدون بالا بردن دست‌ها تکبیر دوم گفته می‌شود (در مذهب شافعی در تکبیرها، دست‌ها بالا رفته و دوباره بسته می‌شوند). درودها (اللهم صل علی... و اللهم بارک علی...) خوانده می‌شود. دوباره بدون بالا بردن دست‌ها تکبیر گفته شده و دعای نماز جنازه خوانده می‌شوند که بدین ترتیب می‌باشند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا . اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ . وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَيَّ الْإِيمَانِ . وَخُصَّ هَذَا الْمَيِّتَ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ . اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ . وَلَقَّهِ الْأَمَنُ وَالْبُشْرَى وَالْكَرَامَةَ وَالرُّلْفَى بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» «پروردگارا، زنده، مرده، شاهد، غایب، کوچک، بزرگ، مرد و زن ما را مورد مغفرت خود قرار بده. پروردگارا، اگر کسی از ما را زنده می‌داری؛ بر اسلام زنده بدار و اگر کسی از ما را می‌میرانی؛ بر ایمان بمیران، به این میت هم راحتی، استراحت، رحمت، مغفرت و رضوان را عنایت بفرما. پروردگارا، اگر شخص نیکوکاری بود، بر

۶۵- میت اگر مرد باشد «دعا برای مرد» و اگر زن باشد «دعا برای زن» اگر پسر بچه باشد «دعا برای پسر بچه» و اگر دختر بچه باشد «دعا برای دختر بچه» نیت می‌شود.



نیکوکاری‌اش بی‌فزا و اگر بدکاری بود؛ از او درگذر و به رحمت خودت ای مهربان‌ترین مهربانان او را به امنیت، بشارت، کرامت و منزلت و تقرب برسان.»

دعای جنازه برای زنان و کودکان در برخی قسمت‌ها متفاوت است.

اگر جنازه زن باشد؛ به جای «وَحْصَ هَذَا الْمَيِّتَ» باید «وَحْصَ هَذِهِ الْمَيِّتَةَ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ. اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَرِّدْ فِيْ اِحْسَانِهَا

وَ اِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَلَقِّهَا الْاَمْنَ وَالْبُشْرَى وَالْكَرَامَةَ وَالزُّلْفَى بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ» گفته شود.

اگر جنازه پسر بچه باشد به جای «وَحْصَ هَذَا الْمَيِّتَ» باید این دعا را خواند: «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرْطًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا اَجْرًا وَ ذُخْرًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا وَ مُشَفَّعًا» «پروردگار، او را پیش روی ما در بهشت قرار بده، پروردگارا او را برای ما اجر، پاداش و توشه‌ای قرار بده، پروردگارا، او را شفاعت کننده و شفاعت شونده قرار بده.»

برای دعای جنازه‌ی دختر بچه هم به جای «وَحْصَ هَذَا الْمَيِّتَ» باید چنین گفته می‌شود: «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا لَنَا فَرْطًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا لَنَا اَجْرًا وَ ذُخْرًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا لَنَا شَافِعَةً وَ مُشَفَّعَةً».

اگر کسی این دعا را نداند، دعای قنوت می‌خواند، اگر آن را هم نداند؛ می‌تواند ربنا آتنا... را بخواند.

پس از آن تکبیر چهارم هم گفته شده و به دو طرف سلام داده می‌شود.

جنازه پس از مراسم کفن کردن و خواندن نماز در قبر دفن می‌شود. کار دفن هم تا زمانی که ضرورتی نباشد؛ شبانگاه انجام نمی‌شود.

قبر بر اساس اعمال دنیوی میت، یا گلستانی از گلستان‌های بهشت یا چاله‌ای از چاله‌های جهنم برای او خواهد بود.

مرگ، قانونی الهی است که همه با آن مواجه شده و راه فراری از آن نیست. عزاداری پس از مرگ، شیون و زاری بیش از حد و انجام رفتارهایی غیردینی، درست نیست. باید به خویشاوندان میت دلداری و تسلی داده شده و به تعزیه رفته شود.

۴- جایگاه و احکام شهادت در دین

شهید شدن، جنگیدن در راه خدا و کشته شدن در این راه، به معنای رسیدن به مقامی والا نزد خداوند است. خداوند متعال در مورد شهید می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» [البقرة: ۱۵۴] «و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مگویید، بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما (چگونگی آن را) نمی‌فهمید.»

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - هم درباره‌ی مقام شهادت چنین فرموده است: «مَا أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُحِبُّ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا، وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ، يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا، فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ

لَمَّا يَرَى مِنَ الْكِرَامَةِ^{۶۶} «هیچ کس نیست که وارد بهشت شود و بخواهد به دنیا برگردد در حالی که در روی زمین چیزی ندارد جز شهید که به خاطر کرامت و بزرگواری‌ای که در بهشت می‌بیند؛ دوست دارد به دنیا بازگردد و ده بار شهید شود.»

کسانی که خارج از میدان جنگ هستند نیز ممکن است بنا به وضعیتشان شهید محسوب شده و در حکم شهید باشند. افرادی که شهید محسوب می‌شوند؛ به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱- شهید دنیا و آخرت: مسلمانی است که در جنگ و یا در حال نگرهبانی، توسط سربازان دشمن کشته شود. به او شهید کامل هم می‌گویند. در واقع از گفتن کلمه‌ی شهید، چنین برداشتی می‌شود. بدون شستن بر آنان نماز خوانده شده و با لباس‌هایشان دفن می‌شوند. ولی لباس‌های ضخیم آنان بیرون آورده می‌شود. در حدیث رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - چنین فرموده است:

«شهیدا را با خون‌هایشان دفن کنید، آنان شسته نمی‌شوند و نماز جنازه برایشان خوانده نمی‌شود.»^{۶۷}

کسانی که زندگی دنیا را در مقابل زندگی آخرت فروخته و در راه خدا می‌جنگند و حین جهاد کشته می‌شوند؛ شهید دنیا و آخرت هستند. در قرآن کریم در این باره چنین می‌آید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» [النساء: ۷۴] «باید در راه خدا کسانی جنگ کنند که زندگی دنیا را به آخرت می‌فروشند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته شود و یا این که پیروز گردد؛ پاداش بزرگی به او می‌دهیم»

کسانی که در جنگ شرکت کرده و سرباز هستند و برای انتشار و دفاع از اسلام و بالا بردن سخن الله وارد نبرد می‌شوند؛ ثابت می‌کنند که حاضرند جان خود را فدا کنند. از این لحاظ جایگاه و مرتبه‌ی آنان نزد خداوند متعال والاتر از هر گونه قدردانی است.

مؤمنی که در راه دفاع از مال، جان، ناموس و امثال آن، بر اثر ظلم و ستم و بی گناه به دست هر کسی که می‌خواهد باشد؛ کشته شود، او نیز از این دسته شهدا محسوب می‌شود.

۲- شهید آخرت: کسانی که برای اعلای دین خدا تلاش کرده و خالصانه سعی کرده‌اند دیندار زندگی کنند و در این حالت وفات می‌کنند؛ اینان شهیدان آخرت هستند.

کسانی که زندگی خود را صرف الله کرده‌اند و به خاطر نبرد در راه خدا زخمی شده ولی بلافاصله پس از جنگ وفات نکرده و بعدها در گذشته‌اند، کسانی که حین مبارزه با شورشیان سرکش زخمی شده و پس از گذشت یک وقت نماز وفات کرده‌اند، کودکان و کسانی که در حالت جُنُب در جنگ شهید می‌شوند و کسانی که به اشتباه کشته می‌شوند؛ نیز شهید می‌باشند. کسانی که در غربت یا در راه علم می‌میرند، کسانی که برای کسب روزی حلال از خانه خارج شده و در راه تصادف می‌کنند، کسانی که در زلزله زیر آوار می‌مانند، در آب غرق می‌شوند، در آتش سوزی جان خود را از دست می‌دهند، کسانی که به خاطر نیش حیواناتی مانند عقرب می‌میرند، یا به خاطر بیماری‌های واگیردار غیر قابل کنترلی مانند وبا می‌میرند، مردن در شب جمعه، زانی که حین وضع حمل می‌میرند، چنان که در احادیث شریف آمده؛ شهید محسوب می‌شوند.

۶۶- بخاری، الجهاد، ۶

۶۷- المؤطا، الجهاد، ۳۷، ابن ماجه، الجنائز، ۲۸ و غیره.

با شهدای آخرت مانند شهدای دنیا عمل نمی‌شود، جنازه‌هایشان شسته شده و کفن به تنشان می‌شود، نماز جنازه برایشان خوانده و دفن می‌شوند. اما نبی اکرم - علیه السلام - بیان کرده است که از لحاظ اجر و پاداش، با اینان هم مانند شهدای واقعی برخورد خواهد شد.

آیا برای شهید شدن؛ مُردن در جنگ شرط است؟ در صنف بحث و گفتگو کنید.



۳- شهید دنیا: منافقانی که با ریا کاری و تظاهر رفتار کرده و رضای الهی را در قلب خود نداشته و با احساس و تفکر دیگری عمل می‌کنند؛ در صورتی که همراه مسلمانان در جنگ شرکت کرده و توسط کافران کشته شوند، چون وضعیت قلبی و نیت اصلی آن‌ها مشخص نیست؛ با آنان بسان شهید دنیا رفتار می‌شود. اینان «حکماً شهید» هستند، جنازه‌ی آنان شسته نمی‌شود، نماز جنازه بر آنان خوانده شده و با لباس‌هایشان دفن می‌شوند.

از ابوموسی اشعری چنین روایت شده است: روزی شخصی نزد پیامبر - علیه السلام - آمد و پرسید: ای رسول الله! عده‌ای برای غنیمت می‌جنگند، عده‌ای نیز برای ستوده شدن در میان مردم می‌جنگند، عده‌ای هم برای این که در شجاعت به جایگاه قابل توجهی برسند؛ جهاد می‌کنند، در این صورت چه کسی به خاطر خدا جهاد می‌کند؟ رسول الله - علیه السلام - فرمودند: «مَنْ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۶۸} «کسی که فقط به خاطر اعلای کلمه‌ی الله جهاد کند، در راه خدا جهاد می‌کند.»

هـ) نماز عید و چگونگی ادای آن

نماز عید فطر و عید قربان بر هر کسی که نماز جمعه بر او فرض است؛ واجب می‌باشد. رفتن زنان به نماز عید و منتظر ماندن زنانی که نمی‌توانند نماز بخوانند در خارج از مسجد برای مشارکت در شادی و خوشحالی عید مستحب است. حکم خطبه‌های بعد از نماز عید سنت است.

۱- چگونگی ادای نماز عید و تکبیرهای آن

هر کس در دلش نیت نماز عید را می‌گوید. تکبیر تحریمه مانند دیگر نمازها گفته می‌شود. دست‌ها بسته می‌شود، دعای «سبحانک اللهم» خوانده می‌شود. سپس جماعت همراه با امام دو بار الله اکبر گفته دست‌ها را تا گوش‌ها بالا برده و سپس در پهلوها رها می‌کنند. بار سوم الله اکبر گفته می‌شود، دست‌ها تا گوش‌ها بالا برده شده و دوباره روی ناف بسته می‌شود. امام در دلش «اعوذ بالله و بسم الله» را می‌گوید. فاتحه و یک سوره را صدای بلند می‌خواند. سپس همه با هم مانند دیگر نمازها رکوع و سجود را انجام می‌دهند. سپس برای رکعت دوم قیام می‌شود، امام در دلش بسم الله می‌گوید، فاتحه و سوره‌ی اضافی را با صدای بلند می‌خواند.

۶۸- بخاری، العلم، ۴۵، مسلم، الإمارة، ۱۴۹-۱۵۰.

بعد از قرائت و قبل از رکوع، جماعت با امام سه مرتبه مانند رکعت اول نماز با گفتن تکبیر، دست‌ها را تا گوش‌ها بالا برده و سپس در پهلوی‌ها می‌کنند.

در چهارمین بار هنگامی که دست‌ها در پهلوی‌ها قرار دارد، الله اکبر گفته شده و رکوع و سجده انجام شده و برای قعدہ می‌نشینند.

دعاهای قعدہ‌ی اخیر خوانده شده و سلام داده می‌شود.



۲- خطبه‌ی عید و حکم آن

پس از خوانده شدن نماز عید، امام بر منبر می‌رود و بدون نشستن خطبه را شروع می‌کند. امام خطبه را با تکبیر و حمد خداوند متعال شروع می‌کند. تکبیرها بدین ترتیب است:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ»

جماعت نیز این تکبیر و دیگر تکبیرهایی که خطیب می‌گوید را با صدای بلند تکرار می‌کنند.

خطیب، در عید فطر در خطبه‌ی اول برای جماعت از انفاق، برادری، اهمیت رمضان و عید سخن گفته و جماعت را تفهیم می‌کند. در عید قربان هم درباره‌ی احکام فقهی قربانی، عید، تکبیرهای ایام تشریق و حکمت‌های آن صحبت می‌کند.

در خطبه‌ی دوم، حمد و ثنای خدا، درود و صلوات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) و دعا برای تمام مسلمانان خوانده می‌شود.

خواندن نماز نافله پیش از نماز عید، چه در خانه و چه در مسجد و بعد از نماز عید در مسجد مکروه است.

۳- تکبیرهای ایام تشریق و حکم آن

گفتن این تکبیرها بعد از نماز فرض صبح قبل از عید قربان یعنی روز عرفه شروع شده و تا نماز عصر چهارمین روز عید یعنی در ۲۳ وقت نماز فرض؛ گفته می‌شود. تکبیرها به شرح زیر است:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ» «الله بزرگ‌تر از آن است که وصف شود، الله

بزرگ‌تر از آن است که وصف شود، خدا و معبودی جز الله نیست، الله بزرگ‌تر از آن است که وصف شود، الله بزرگ‌تر از آن است که وصف شود، حمد و سپاس برای الله است.»

این تکبیر بر هر کسی که مکلف به خواندن نماز است؛ واجب می‌باشد. زیرا در آیه‌ی کریمه آمده است: «وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ» [البقرة: ۲۰۳] «و در روزهای مشخصی خدا را یاد کنید.»

به همین دلیل در ۲۳ وقت نماز فرض، این تکبیر به محض سلام دادن بعد از نماز فرض یک بار گفته می‌شود. کسی که گفتن این تکبیرها را فراموش کند یا در گفتن آن‌ها تأخیر کرده است، می‌تواند قضای تکبیرهای تشریق را

در روزهای بعدی ایام عید بعد از نماز فرض همان وقت یا وقت نماز بعدی‌اش به جای آورد. تکبیرها با صدای بلند یا آهسته گفته می‌شود. زنان با صدای آهسته تکبیرها را می‌گویند.

۴- چیزهایی که در عید مندوب است:

در روز عید رعایت موارد زیر مندوب است:

- زود بیدار شدن در صبح روز عید.
- حمام کردن، غسل کردن.
- مسواک زدن، تمیز کردن دهان.
- استفاده از عطر و خوشبویی، پوشیدن بهترین لباس.
- حضور با ظاهری شاد و سرزنده برای شکرگزاری نعمتهایی که خداوند داده است.
- لبخند زدن و گفتن سخنان و عبارات نیکو هنگام رویارویی با مؤمنان.
- رفتن به مصلی و مسجد بزرگ - در صورت وجود - برای ادای نماز عید.
- گفتن تکبیر به صورت آهسته و در دل هنگام رفتن به نماز در عید سعید فطر و گفتن آن با صدای بلند هنگام رفتن به نماز عید قربان، بازگشت از مسیر دیگری به خانه در صورت امکان.
- خوردن شیرینی قبل از رفتن به مسجد در صبح روز عید فطر. (در عید قربان سنت است که از پس از وقت امساک تا قربانی کردن چیزی خورده نشود و صبر شود تا خوردن در آن روز با گوشت قربانی شروع شود).
- صدقه دادن تا جایی که در توان هست.

و) نماز تراویح و چگونگی ادای آن

تراویح جمع کلمه‌ی «ترویحة» است به معنای استراحت. این نماز، به خاطر نشستن و استراحت در هر چهار رکعت یک بار به اندازه‌ی خواندن ۴ رکعت نماز؛ به این اسم نامگذاری شده است.

نماز تراویح در شب‌های ماه مبارک رمضان، برای هر زن و مرد مسلمان سنت مؤکده است و با قول و فعل حضرت محمد علیه السلام ثابت شده است.

نماز سنت تراویح را همان طور که می‌توان به تنهایی در خانه خواند؛ در مسجد به همراه جماعت هم می‌توان خواند.

نماز تراویح ۲۰ رکعت است. هشت رکعت اول نماز تراویح سنت رواتب و ۱۲ رکعت باقی هم مستحب است. روایاتی درباره‌ی اقامه‌ی هشت رکعتی این نماز در زمان پیامبر اکرم وجود دارد، ولی از آن جایی که در هر رکعت حدود ۱۰۰ آیه خوانده می‌شود؛ بسیار طولانی بوده است. از آن جایی که هدف، خواندن تعداد رکعات معینی از نماز نیست؛ بلکه احیای شب با قیام است، به تدریج از تعداد آیات خوانده شده در هر رکعت کاسته شده و در مقابل بر تعداد رکعات تراویح افزوده گردیده است. خلیفه‌ی دوم، حضرت عمر به خواندن ۲۰ رکعت نماز تراویح در مسجد با جماعت فرمان داد. در زمان حضرت عثمان و حضرت علی و بعدها نیز به همین ترتیب ادامه یافت.

امام باید در هنگام خواندن نماز تراویح با جماعت، حق قرائت را ادا کرده، تعدیل ارکان را مراعات نمود. ختم قرآن در نماز تراویح یعنی تقسیم بندی یک جز در یک شب بین ۲۰ رکعت که کار بسیار نیکویی است.

وقت نماز تراویح، پس از خواندن فرض عشا تا زمان شروع وقت نماز صبح می‌باشد.

نماز وتر را می‌توان قبل یا بعد از نماز تراویح خواند. خواندن آن بعد از تراویح بافضیلت‌تر است.

تراویح، از سنت‌های ماه رمضان است و اگر وقتش گذشت نمی‌توان قضای آن را به صورت جماعت یا فرادا به جای آورد.

نماز تراویح با سلام دادن در هر دو رکعت خوانده می‌شود. به صورت چهار رکعتی نیز خوانده می‌شود. بنا به رأی امام شافعی در هر دو رکعت سلام داده می‌شود، سلام دادن در هر ۴ رکعت یا بیشتر جایز نیست.

اگر در هر دو رکعت سلام داده شود؛ مانند نماز سنت صبح، اگر در هر ۴ رکعت سلام داده شود مانند نماز سنت عصر خوانده می‌شود. خواندن این نماز به صورت سلام دادن در هر ۴ رکعت اگرچه جایز دانسته شده است اما گفته شده است که خواندن آن به این شکل موافق با سنت نیست.

ز) نماز نافله (رغایب)

انسان با عبادت‌های نافله به خدا نزدیک می‌شود. خداوند متعال در حدیث قدسی می‌فرماید: «وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لأُعِيذَنَّهُ.»^{۶۹} «بنده‌ام آن قدر با نوافل به من نزدیک می‌شود تا او را دوست می‌دارم و وقتی او را دوست بدارم؛ گوشش می‌شوم که با آن می‌شنود، چشمش می‌شوم که با آن می‌بیند، دستش می‌شوم که با آن دفع می‌کند و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود و اگر از من بخواهد، به او عطا می‌کنم، اگر به من پناه بیاورد؛ به او پناه داده و محافظت می‌کنم.»

برخی از نمازهای نافله که مستحب است به شرح زیر است:

تحية المسجد:

زمانی که با اهدافی مانند زیارت، اعتکاف، علم آموزی شخص وارد مسجد می‌شود؛ قبل از نشستن، خواندن دو رکعت نماز مستحب است. این نماز، بیانگر احترام به عبادتگاه خداوند متعال است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ، فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ، قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ»^{۷۰} «هر گاه یکی از شما وارد مسجد شد؛ پیش از نشستن دو رکعت نماز بخواند.» به خصوص هنگام زیارت از یک مسجد بزرگ باید برای خواندن نماز تحیت المسجد تلاش کرد. کسی که برای خواندن نماز پنج وقت حین گفتن اذان وارد مسجد می‌شود؛ درست نیست که در آن حین نماز تحیت المسجد بخواند. طوافی که حین وارد شدن به مسجد الحرام انجام می‌شود؛ به جای نماز تحیت المسجد است. هنگام ورود به مسجد در اوقات مکروه نماز، نماز تحیت المسجد خوانده نمی‌شود. اگر زمان مناسب باشد؛ خوانده می‌شود.

۶۹- بخاری، الرقائق، ۳۸.

۷۰- بخاری، الصلاة، ۶۰.



نماز ضحی:

به نمازی که از زمان بالا رفتن خورشید به اندازه‌ی یک نیزه شروع شده و تا وقت استوا و بین دو تا هشت رکعت خوانده می‌شود؛ نماز ضحی می‌گویند. خواندن هشت رکعت بافضیلت‌تر است. حضرت عایشه - رضی عنها - چنین فرموده است: «من یک بار دیدم که پیامبر نماز ضحی می‌خواند. در تمام عمرم هیچ گاه آن را ترک نکردم.»^{۷۱}

نماز اوّابین:

نمازی که بین مغرب و عشا به صورت ۲، ۴ یا ۶ رکعتی خوانده می‌شود. در حدیث شریف آمده است که: «مَنْ صَلَّى مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ إِلَى صَلَاةِ الْعِشَاءِ، فَإِنَّهَا صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ»^{۷۲} «نمازی که شخص بین مغرب و عشا می‌خواند؛ نماز اوّابین است.»

نماز تهجد:

نماز شب که پس از خوابیدن بعد از نماز عشا و بیدار شده خوانده می‌شود. حد اقل دو رکعت و حد اکثر هشت رکعت است. این نماز، با سلام در هر دو رکعت خوانده می‌شود. خواندن این نماز در ثلث آخر شب پرفضیلت‌تر است. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چنین فرموده است: «إِذَا أَيْقَظَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلِّ، أَوْ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ جَمِيعًا، كُنْتَا فِي الذَّاكِرِينَ وَالذَّاكِرَاتِ»^{۷۳} «اگر مردی شبانگاه همسرش را بیدار کند و نماز بخواند یا همگی دو رکعت نماز بخوانند؛ جزو مردان و زنان بسیار ذکر کننده نوشته می‌شوند.»

نماز کسوف و خسوف:

نماز کسوف: نماز دو رکعتی است که به صورت جماعت یا فرادا هنگام خورشید گرفتگی خوانده می‌شود. در این نماز قرائت با صدای بلند خوانده می‌شود. (بنا به قول جمهور علما، در هر رکعت دو رکوع، دو قیام، دو سجده انجام می‌شود. دو قیام و دو رکوع رکعت اول طولانی انجام می‌شود.)

نماز خسوف: نماز دو یا چهار رکعتی که هنگام ماه گرفتگی خوانده می‌شود. این نماز با جماعت خوانده نمی‌شود، در خانه و به تنهایی خوانده می‌شود.

هنگام بمباران دشمن یا بلایای طبیعی مانند زلزله، می‌توان برای پناه بردن به خداوند در مکانی امن، نمازی مانند خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی خواند.

۷۱- بخاری، مسلم.

۷۲- ابن مبارک، الرقائق.

۷۳- ابوداود، الصلاة، ۳۰۷.

صلاة تسبیح:

نماز تسبیح، به صورت فردا و یک بار در سال یا در طول عمر بدان توصیه شده و نمازی چهار رکعتی می‌باشد. در هر رکعت ۷۵ بار «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر» خوانده می‌شود. ۱۵ بار پس از «سبحانک اللهم»، پیش از رفتن به رکوع، در رکوع، هنگام برخاستن از رکوع، در سجده و در قعدہ ۱۰ بار این تسبیح گفته می‌شود.

نماز توبه:

مسلمانی که مرتکب گناهی شده و از انجام آن پشیمان است؛ به خوبی وضو گرفتن و خواندن دو رکعت نماز برای توبه از آن گناه مندوب است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) چنین می‌فرماید: «مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا فَيَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ فَيَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»^{۷۴} «هر بنده‌ی مؤمنی که مرتکب گناهی گردد سپس برخیزد و به خوبی وضو بگیرد سپس دو رکعت نماز بخواند و از خداوند طلب مغفرت نماید؛ خداوند او را می‌آمرزد.»

نماز استخاره:

نماز دو رکعتی است که شخص پیش از خوابیدن جهت دریافت الهامی از سوی خداوند مبنی بر خیر بودن یا نبودن در انجام کاری اقامه می‌کند. استخاره برای کارهایی انجام می‌شود که درست بودن یا نبودنش معلوم و مشخص نیست. انجام آن کار مطابق با اولین الهام خیری که در دل ایجاد می‌شود. جابر بن عبدالله می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ»^{۷۵} «رسول خدا استخاره را مانند سوره‌ای از قرآن به ما می‌آموخت.»

نماز حاجت:

یک نماز دو رکعتی است. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در بیان این که بنده برای رفع نیازهای دنیوی و اخروی اش چگونه با نماز از خداوند مسألت نماید؛ فرموده‌اند:

«مَنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى اللَّهِ، أَوْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فَلْيَتَوَضَّأْ، وَلْيُحْسِنِ وُضُوءَهُ، وَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَلْيُسَبِّحْ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَجَلَّ وَعَلَا، وَلْيُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ لِيَقُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، اللَّهُمَّ لَا تَدْخُلْنَا ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضَى إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^{۷۶} «کسی که از خدا یا بنی بشری حاجت و خواسته‌ای داشته باشد، پس وضو بگیرد، وضویش را به نیکی بگیرد، دو رکعت نماز بخواند، حمد و ثنای خداوند تبارک و تعالی را بگوید و بر پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم درود و سلام بفرستد سپس بگوید: «هیچ معبودی نیست مگر الله که حلیم و کریم است. پاک و منزّه است خدا که پروردگار عرش بزرگ است و سپاس خدای را که پروردگار عالمیان است. پروردگارا، من مواردی که رحمتت را ایجاب می‌کند و آمرزش را جلب می‌کند و غنیمت از هر خوبی و سلامتی از هر گناه را از تو می‌خواهم، خدایا هیچ گناهی برای ما مگذار مگر آن که آن را بیامیزی و هیچ دغدغه‌ای مگر آن که آن را بر طرف کنی و هیچ حاجتی که تو را خشنود می‌سازد، جز این که آن را برآورده کنی ای مهربانترین مهربانان.»

۷۴- ابن ماجه، الصلاة، ۱۹۳.

۷۵- بخاری، التهجد، ۲۸.

۷۶- ترمذی، الصلاة، ۳۴۸.

ارزیابی

- ۱- نمازهای روزانه را با تعداد رکعاتش ذکر کنید.
- ۲- زمان مکروه تحریمی و مکروه تنزیهی را ذکر کرده و مشخص کنید که در این مواقع کدام نماز را می‌توان خواند و کدام نماز را نمی‌توان خواند.
- ۳- دعاهایی که باید در نماز قنوت، در تشهد و نماز جنازه خوانده شود را بنویسید و حفظ کنید.
- ۴- نماز وتر چه زمانی و چگونه خوانده می‌شود؟
- ۵- حکم صحبت کردن هنگام خوانده شدن خطبه‌ی جمعه را بیان کنید.
- ۶- خطبه چیست؟ چه زمانی خوانده می‌شود؟ شرایط آن را توضیح دهید.
- ۷- آخرین وظایف دینی و انسان دوستانه‌ی ما که باید در قبال اموات انجام دهیم چیست؟ به ترتیب توضیح دهید.
- ۸- به چه کسی شهید می‌گویند؟ شهید بر چند قسم است، توضیح دهید.
- ۹- چگونگی اقامه‌ی نماز عید قربان را مشخص کنید.
- ۱۰- در مورد تکبیرهای تشریق اطلاعات بدهید.
- ۱۱- حکم و چگونگی اقامه نماز تراویح را ذکر کنید.

به هم وصل کنید

نماز که هنگام خورشید گرفتگی خوانده می‌شود.	نماز اوابین	۱
نماز که هنگام بالا رفتن خورشید به اندازه‌ی کمی خوانده می‌شود.	نماز حاجت	۲
نماز که هنگام خواستن حاجتی خوانده می‌شود المسجد.	نماز تحیه	۳
شروع وقت نماز صبح.	نماز ضحی	۴
نماز که شخص هنگام وارد شدن به مسجد می‌خواند.	نماز کسوف	۵
نمازی که بعد از نماز مغرب خوانده می‌شود.	فجر صادق	۶

سؤالات درست و غلط



- ۱- () نماز جمعه بر همه‌ی مسلمانانی که به بلوغ رسیده‌اند فرض است.
- ۲- () نماز وتر یک نماز واجب سه رکعتی است.
- ۳- () نماز تهجد، نماز رواتب است.
- ۴- () نماز تراویح در ماه رمضان چهل رکعت و با جماعت خوانده می‌شود.
- ۵- () وقت نماز ظهر به قول ابوحنیفه تا عصر ثانیه (وقتی که سایه‌ی هر چیز به دو برابرش برسد) ادامه دارد.
- ۶- () کسی که بنابر مانعی نتواند نماز فرض را در وقتش بخواند، باید به محض برطرف شدن مانع و ضرورت، قضای آن را ادا کند.
- ۷- () چون نماز عید واجب است، حضور زنان نیز در جماعت واجب می‌باشد.
- ۸- () هنگامی که اقامه برای نماز وقت گفته می‌شود، می‌توان نماز نافله را شروع کرد.
- ۹- () وقت نماز تراویح بعد از نماز عشا شروع می‌شود و تا وقت نماز صبح ادامه دارد.
- ۱۰- () کسی که بعد از سجده در نماز قیام می‌کند، نباید دست بر زمین گذاشته قیام کند.
- ۱۱- () چون نماز جمعه در روز خوانده می‌شود، امام قرائت را با صدای بلند نمی‌خواند.
- ۱۲- () وقتی نماز تمام شد، اگر کسی در سمت چپ جماعت نباشد، به آن طرف سلام داده نمی‌شود.
- ۱۳- () جماعت می‌تواند در حالی که امام در حال خواندن خطبه‌ی نماز جمعه است، پیام دریافتی را در تلفن همراه خود بررسی کنند.
- ۱۴- () برای صحت نماز جمعه باید حداقل چهل مرد در خطبه حضور داشته باشند.
- ۱۵- () نماز شبی که بعد از بیدار شدن از کمی خواب خوانده می‌شود، نماز تهجد نامیده می‌شود.



سؤالات گزینه‌ی

۱- کدام یک از موارد زیر سنت مؤکده محسوب نمی‌شود؟

الف) نماز سنت مغرب

ب) نماز تراویح

ج) نماز سنت عصر

د) نماز سنت صبح

۴- هنگام روبرو شدن با یک وضعیت ضروری یا غیر ارادی ممکن است نماز شخص قضا شود و شخص در این حالت گناهکار محسوب نمی‌شود. در کدام یک از موارد زیر، چنین عذری به شمار نمی‌رود؟

الف) تحت عمل جراحی بودن.

ب) خواب ماندن.

ج) تصادف و جراحت شدید.

د) غفلت و فراموشی.

۲- قنوت در کدام نماز خوانده می‌شود؟

الف) نماز صبح

ب) نماز وتر

ج) نماز مغرب

د) نماز توبه

۵- کدام یک از موارد زیر نادرست است؟

الف) تمام تکبیرهای نماز «الله اکبر» است.

ب) تمام نمازهای فرض چهار رکعتی به یک شکل ادا می‌شوند.

ج) همه سنت‌های غیر مؤکده به یک شکل ادا می‌شوند.

د) در قعده‌ی اول تمام نمازها فقط التحیات خوانده می‌شود.

۳- کدام نماز فرض را می‌توان در وقت کراهت خواند؟

الف) نماز صبح

ب) نماز ظهر

ج) نماز عصر

د) نماز مغرب

۶- مردان در قیام دست خود را کجا قرار می‌دهند؟

الف) بالای ناف

ب) زیر ناف

ج) در ناحیه‌ی روده

د) در قسمت قفسه‌ی سینه

۷- کدام یک از موارد زیر نادرست است؟

الف) امام قبل از خواندن فاتحه به آهستگی بسم الله می گوید.

ب) جماعت عبارت «سمع الله لمن حمده» را تکرار نمی کنند.

ج) مردان هنگام شروع نماز، دست ها را تا شانه ها بالا می برند.

د) مردان در هنگام سجده دست خود را به بدن خود نزدیک نمی کنند.

۱۰- ارکان نماز جنازه در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

الف) دعای قیام و جنازه

ب) نیت و صلوات بر پیامبر

ج) دعای جنازه و سلام

د) قیام و چهار تکبیر

۱۱- کدام یک از مطالب زیر در مورد نماز جنازه درست است؟

الف) امام در موازات سر جنازه می ایستد.

ب) ذکر جنسیت متوفی در حین نیت الزامی نیست.

ج) با تکبیر افتتاحیه جمعاً با چهار تکبیر خوانده می شود.

د) با وضو بودن کسانی که نماز جنازه می خوانند؛ الزامی و شرط نیست.

۸- کدام یک از شروط فرض بودن نماز جمعه نیستند؟

الف) نیابت

ب) مردانگی

ج) حریت

د) اقامت

۱۲- کدام یک از موارد زیر «حکما شهید»

محسوب شده، شسته نمی شوند و با لباس هایشان دفن می شوند؟

الف) کسانی که در راه علم و معرفت از دنیا می روند.

ب) منافقانی که در جنگ جان می بازند.

ج) کسانی که به اشتباه کشته می شوند.

د) افرادی که بر اثر بیماری عفونی فوت می کنند.

۹- برای صحت نماز جمعه برخی شرایط لازم است. کدام یک جزو این شرایط نیست؟

الف) خطبه خواندن قبل از نماز فرض

ب) گشایش مسجد برای هر مؤمنی

ج) بودن در داخل مسجد

د) ادای آن در وقت ظهر

دیگر مسائل مربوط به نماز

حوزه‌های موضوعی:

- الف) نماز مسافر
- ب) نماز شخص مریض
- ج) قضای نمازهای فوت شده
- د) امامت و جماعت
- هـ) اذان و اقامه
- و) سجده‌ی سهو، تلاوت و شکر

مطالعات مقدماتی



- ۱- آسانی در عبادت هنگام مسافرت، بیماری و عذرهایی‌های مشابه آن به چه صورت تأمین شده است؟ تحقیق و بررسی کنید.
- ۲- آیا مسلمان می‌تواند نماز خود را عمداً ترک کند؟ بحث و گفتگو کنید.
- ۳- اهمیت ساخت مساجد و نمازخانه‌ها را با توجه به آیات و احادیثی مربوطه بیان کنید.
- ۴- با توجه به ساختار دنیای ما، اذان ۲۴ ساعته خوانده می‌شود. حکمت این امر را از بزرگ‌های تان پیرسید و یاد بگیرید.
- ۵- سجده به چه معناست؟ در چه مواردی سجده انجام می‌شود؟ بررسی کنید.

الف) نماز مسافر

۱- سفر

«سفر» که یک اصطلاح دینی است به معنای پیمودن مسافت مشخصی می‌باشد. این مسافتی به اندازه‌ی پیاده روی سه روز و سه شب می‌باشد. بنا به اجتهاد جمهور علما (شافعی، مالکی و حنابله) این مسافت حدود ۹۰ کیلومتر می‌باشد. به این مسافت، مسافت سفر گفته می‌شود.

سفر، با خارج شدن از اقامتگاه اصلی آغاز می‌شود. با نیت ماندن در مکانی دیگر به مدت ۱۵ روز یا بیشتر ادامه یافته و با بازگشت به اقامتگاه اصلی به پایان می‌رسد.

کسی که مسافتی کمتر از ۹۰ کیلومتر را طی کند، شرعاً مسافر محسوب نمی‌شود، فردی هم که قصد ندارد حداقل ۹۰ کیلومتر از اقامتگاهش دورتر برود، اما تا این حد یا بیشتر می‌رود نیز مسافر به حساب نمی‌آید.

برای درک بهتر مفاد سفر؛ شخص باید مفهوم «وطن» به معنای اقامتگاه و محل زندگی را به خوبی بفهمد.

وطن از لحاظ فقهی بر سه قسم است:

۱- وطن اصلی: محل سکونت اصلی که شخص در آنجا اقامت دائم دارد، محل امرار معاش و جایی است که اعضای خانواده‌اش، از وی حمایت می‌کنند. همچنین، جایی که فرد در آن متولد و بزرگ شده است، جایی که ازدواج می‌کند، محلی که برای تحصیل علم به آنجا رفته و احتمالاً در آینده به آن باز خواهد گشت، که مشروط به ادامه‌ی ارتباطش با آنجا، می‌تواند وطن اصلی باشد. وقتی شخصی در کشور دیگری ساکن می‌شود، وطن اصلی او هم تغییر خواهد کرد، مثلاً فردی محل تولد و بزرگ شدن خود را ترک می‌کند و برای امرار معاش در سرزمین دیگری ساکن شده و قصد دارد بقیه‌ی زندگی خود را در این مکان جدید بگذراند، از آن به بعد مکان جدید، وطن اصلی او می‌شود. مکان قبلی دیگر وطن اصلی او نیست.

۲- وطن اقامت: به محلی غیر از محل تولد، بزرگ شدن، ازدواج و جایی که قصد ماندن همیشگی در آن را دارد اما بیشتر از ۱۵ روز در آن اقامت می‌کند؛ وطن اقامت گفته می‌شود. مکان‌هایی که برای گذراندن خدمت سربازی، دوران دانشجویی، کارگری و کارمندی و مانند آن به آنجا رفته و همیشه در آن اقامت نداشته اما قصد اقامت بیش از ۱۵ روز در آن را دارند؛ «وطن اقامت» می‌باشند.

۳- وطن سُکنا: محل اقامت و سکونت شخص حین سفر برای مدتی کمتر از پانزده روز می‌باشد.

از میان این سه وطن، احکام سفر فقط در وطن سکنا و در طول سفر جاری است.

نماز در وطن اصلی به طور کامل خوانده می‌شود. شخصی که ۹۰ کیلومتر یا بیشتر از وطن اصلی خود دور شده و قصد اقامت در آنجا را به مدت حداقل پانزده روز یا بیشتر دارد؛ اینجا برای او وطن اقامت است و تا زمانی که در آنجا به سر می‌برد؛ نمازش را کامل می‌خواند.

مثلاً؛ شخصی که در قاهره زندگی می‌کند و برای گردشگری به استانبول آمده و قصد ماندن به مدت شانزده روز در استانبول را دارد؛ نمازهایش را کامل می‌خواند چرا که این مکان برای او «وطن اقامت» شده است. سپس اگر برای تجارت بعد از استانبول به مسکو برود و سه روز در آنجا بماند و در راه بازگشت به قاهره، دوباره تا کمتر از پانزده روز در استانبول توقف کند؛ مدتی که در استانبول مانده و در طول سفر، مسافر محسوب شده و نمازهای چهار رکعتی فرض

را به صورت دو رکعتی ادا می‌کند زیرا با ترک استانبول که وطن اقامت او بوده و پانزده روز در آن جا اقامت داشته؛ این مکان تبدیل به وطن سُکنای او گشته است.

کسی که برای کاری به مکانی می‌رود و نمی‌تواند تصمیم بگیرد چند روز در آن جا اقامت خواهد کرد و برای ترک آن جا امروز و فردا می‌کند؛ اگر بیش از پانزده روز یا حتی ماه‌ها در آن جا بماند، باز هم حکم مسافر را دارد.

عشایری که قصد دارند پانزده روز یا بیشتر در یک مکان بمانند، تا زمانی که در محل اُتراقشان بمانند؛ مقیم هستند. چنین افرادی تا زمانی که قصد پیمودن مسافت ۹۰ کیلومتری را نداشته باشند و از چراگاهی به چراگاه و مرتع دیگری کوچ کنند؛ مسافر محسوب نمی‌شوند.

۲- احکام و پیامدهای سفر

اسلام به ناراحتی، سختی، خستگی و کسالت حاصله از سفر توجه کرده و برخی آسانگیری‌های خاصی را وضع کرده است که به این ترتیب است:

۱- شخص مسافر می‌تواند به مدت سه روز روی موزه‌هایی که به پا دارد؛ مسح بکشد.

۲- نماز جمعه بر مسافر فرض نیست. اما سفر در وقت نماز جمعه چندان مورد تأیید نیست. اگر نماز جمعه را بخواند، نمازش صحیح است. اگر مسافر نتواند نماز جمعه را بخواند، باید حتماً نماز ظهر را بخواند.

۳- مسافر نماز چهار رکعتی فرض را به صورت دو رکعت و نماز سه رکعتی مغرب و وتر را به همان ترتیبی که هست یعنی سه رکعت می‌خواند. سنت‌های مؤکده به غیر مؤکده تبدیل می‌شوند. بر اساس یک اجتهاد شخص می‌تواند نمازهای سنت - به غیر از نمازهای سنت صبح و مغرب - را نخواند.

۴- نماز عید بر مسافر واجب نیست. ولی اگر بخواند؛ نمازش صحیح است.

۵- مسافر در ماه رمضان می‌تواند روزه نگیرد و آن را به تأخیر انداخته بعداً قضایی‌اش را بگیرد.

۶- قربانی کردن برای مسافر واجب نیست.

بر اساس مذهب حنفی، دو رکعت خواندن فرض نمازهای چهار رکعتی بر مسافر واجب می‌باشد. ۴ رکعت خواندن این نمازها برای او مکروه است. در مذاهب مالکی در سفرهای مشروع، ۲ رکعت خواندن نمازهای فرض ۴ رکعتی، سنت است. بر اساس مذهب شافعی و حنبلی، در سفر مشروع هم ۲ رکعت و هم ۴ رکعت خواندن جایز است، ۲ رکعت خواندن اولی‌تر است.

اگر شخص مسافر به امام غیر مسافر اقتدا کند، نمازش را به همراه امام ۴ رکعت می‌خواند. مسافری که در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ می‌تواند نمازهای نافله را ترک کند.

سفر، از زمانی که شخص مسافر ساختمان‌های شهر، شهرستان یا روستایی که در آن سکونت دارد^{۷۷} را ترک کند؛ شروع شده و نمازها را به صورت قصر می‌خواند. هنگام بازگشت از سفر به محض وارد شدن به ساختمان‌های محل اقامت، احکام سفر به پایان می‌رسد.

به فردی که مسافر محسوب نمی‌شود «مقیم» می‌گویند.

۷۷- امروزه محدوده‌ی محله‌های مسکونی شهرداری، اصل قرار داده می‌شود. در شهرهای بزرگ هم از آن جایی که مرزهای شهر بسیار وسیع می‌باشد؛ محدوده‌ی سفر با مرزهای شهرداری منطقه تعیین و قابل قبول می‌باشد.

مناسب نیست که شخص مسافر برای جماعت مقیم امامت کند. با این حال، اگر فرد مسافر به خاطر تقوا و غیره برای نماز ظهر، عصر و عشا برای افراد مقیم امامت دهد؛ در پایان رکعت دوم خودش سلام می‌دهد و جماعت مقیم بدون سلام بر می‌خیزند و چهار رکعت را به تنهایی به پایان می‌رسانند. در چنین شرایطی امام مسافر باید قبل از نماز به جماعت بگوید «من مسافر هستم شما نمازتان را تمام کنید.»

اگر چه نمازهای فرض چهار رکعتی در مسافرت ترک شود، حین بازگشت به محل سکونت، قضایش دو رکعتی خوانده می‌شود.

ب) نماز شخص مریض

مریض در این‌جا، فردی است که از نظر جسمی مریض‌تر از آن است که ایستاده نماز بخواند یا اگر ایستاده نماز بخواند؛ بیمار شده یا بیماری‌اش وخیم‌تر و یا بهبودی‌اش طولانی‌تر می‌شود.

بیمار می‌تواند به روش‌های زیر نماز بخواند:

۱- نشسته: بیماری که توان ایستادن نداشته باشد، یا بیم داشته باشد از این که در صورت ایستادن بیماری‌اش طولانی‌تر یا وخیم‌تر شود؛ می‌تواند در حالت نشسته رکوع و سجده‌اش را انجام دهد. اگر نتواند رکوع و سجده را انجام دهد؛ با ایما و اشاره بخواند. شخص در چنین وضعیتی، برای رکوع سرش را خم می‌کند، در سجده سرش را بیشتر از رکوع خم می‌کند. کسی که نمی‌تواند در سجده سرش را روی زمین بگذارد؛ نباید چیزی را از زمین بلند کرده و روی آن سجده کند.

کسی که نشسته نماز می‌خواند؛ اگر توانایی نشستن روی زانو را داشته باشد، باید مانند نماز بنشیند. اگر نتواند این کار را بکند؛ پاهایش را در جهت قبله دراز کرده و بنشیند.

کسی که با مرکب، اتوبوس، هواپیما و غیره سفر می‌کند؛ در حالت نشسته روی صندلی رو به جهت حرکت نماز می‌خواند.

کسی که در حالت ایستاده نتواند رکوع و سجده به جا آورد، با این که خواندن با اشاره به صورت ایستاده جایز است اما خواندن با اشاره به صورت نشسته مناسب‌تر و بهتر است. کسانی که به دلیل سرگیجه نمی‌توانند بایستند؛ می‌توانند به صورت نشسته بخوانند.

۲- دراز کشیده: کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، می‌تواند با خوابیدن به پشت و با حرکت سر رکوع و سجود نمازش را به جا آورد. افرادی که به این ترتیب نماز می‌خوانند، برای این که رو به قبله کنند؛ بهتر است زیر سرشان بالشتی قرار بدهند.

۳- با اشاره: افراد بسیار بیمار و پیر و درمانده به پهلو خوابیده و صورت خود را به سمت قبله می‌گردانند یا به سمت راست چرخیده و با حرکات سر اشاره کرده و نماز می‌خوانند. از نظر مذاهب احناف، اشاره تنها با چشم مناسب نیست. بیماری که از رو کردن به قبله ناتوان است؛ تا جایی که در توان داشته باشد به سمت قبله نماز بخواند.

کسی که حتی نتواند نماز را با اشاره و حرکت سر بخواند، خواندن نمازش را به بعد موکول کند.

از نظر مذهب حنفی، اگر این حال بیمار بیش از یک شبانه روز ادامه یابد، قضایش را هم لازم نیست به جای آورد. اما شخصی که عقلش سر جایش است و این حالت ناتوانی‌اش کمتر از شش وقت نماز به طول انجامد، وقتی حالت ناتوانی‌اش برطرف گردد؛ باید قضای نمازهایی که نتوانسته بخواند، به جای آورد.

ج) قضای نمازهای فوت شده

مسلمانی که به سن بلوغ رسیده است؛ باید هر نماز را سر وقتش ادا کند. «ادا» یعنی خواندن نماز سر وقت و «قضا» یعنی خواندن نمازی که در وقتش ادا نشده است. نماز با قضای آن نیز ادا می‌شود اما تأخیر عمدی در ادای نماز از وقتش گناه بزرگی است و باید برای آن از خداوند متعال عفو طلبید.

۱- سرانجام وخیم نخواندن نماز در وقتش

یکی از مهم‌ترین عناصر نماز این است که به موقع خوانده می‌شود. در قرآن چنین آمده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» [النساء: ۱۰۳] «قطعا نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است.»

از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - پرسیده شد: کدام یک از اعمال نیکوتر است: فرمود: «الصَّلَاةُ لَوْفَتْهَا»^{۷۸} «خواندن نماز در وقتش.»

بین کسی که ادای نماز در وقتش را رها می‌کند با شرک و کفر مانع و فاصله‌ای وجود ندارد، ایمان وی هر لحظه با خطر مواجه است. پیامبر اکرم - علیه السلام - فرموده است: «بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ»^{۷۹} «بین بنده و گرفتار شدن در کفر، ترک نماز است.»

کسی که از روی فراموشی یا به خاطر بیدار نشدن از خواب نتواند نمازش را به موقع بخواند، باید هر چه زودتر قضایش را به جای آورد.

۲- احکام مربوط به قضای نماز فوت شده

شخصی که نمازش از روی فراموشی، خوابیدن و یا بدون عذر قضا شود؛ باید قضای این نمازها را به جا آورد.

قضای کدام نمازها باید به جای آورده شود؟

۱- خواندن قضای فرض نمازهای پنج گانه، فرض است. قضای نماز وتر نیز واجب است.

وقتی نمازی قضا می‌شود، باید به وقت قضای آن توجه شود. بر این اساس، اگر نمازی در سفر قضا شود، قضایش در هر جایی که باشد؛ طبق احکام سفر خوانده می‌شود. در صورتی که نمازهای فرض ظهر، عصر و عشا در سفر فوت شود؛ قضایی آن به صورت دو رکعت ادا می‌شود. نمازی که در حالت مقیم بودن فوت شود؛ قضایی آن در هر جایی که باشد؛ باید مطابق با احکام مقیم به جای آورده شود.

۲- قضای سنت و فرض نماز صبح تا وقت استوای همان روز قابل به جای آوردن است. سنت‌های اولیه‌ی نماز ظهر و جمعه را می‌توان بعد از ادای فریضه و پیش از آخرین سنت‌هایش خواند. سنت‌های دیگر قضایی ندارد.

۷۸- بخاری، مواقیع الصلاة، ۵.

۷۹- مسلم، الإيمان، ۱۳۴، ابوداود، السنة.

به جای آوردن قضای نمازهای فوت شده برای شخص از خواندن نمازهای نافله برایش بهتر است. طبق مذهب احناف، ترک نمازهای نافله در اوقات مشخص و سنت‌های رواتب برای کسی که نماز قضایی دارد، درست نیست.

۳- نحوه‌ی ادای قضای نماز

برای کسی که به دلیل خواب، فراموشی، غفلت یا به هر دلیل غیر موجهی نماز فرضش را به موقع نخوانده است؛ دو حالت وجود دارد:

الف/ به شخصی که تعداد این نمازهای قضایی اش ۵ یا کمتر باشد، «صاحب ترتیب» می‌گویند. صاحب ترتیبی که نمازهایش را با خشوع بخواند، هنگام ترک این دنیا بر ذمت خدا و رسولش بوده و این وضعیت رفتن این شخص به بهشت را آسان خواهد گرداند.

ب/ اگر تعداد نمازهایی که شخص نتوانسته است بخواند ۶ نماز یا بیشتر باشد، این شخص دیگر «صاحب ترتیب» نیست.

هنگام به جای آوردن قضای نمازهای فوت شده، در صورتی که تعدادشان از ۵ تا کمتر باشد؛ رعایت ترتیب نمازها شرط و واجب است. مراعات این ترتیب‌ها، هم بین نماز معمولی با نماز قضایی و هم بین خود نمازهای قضایی واجب می‌باشد.

در صورتی که نمازهای قضایی صاحب ترتیب، بیش از یک نماز باشد؛ قضایشان باید به ترتیب اولین نمازی که فوت شده (مانند صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا) به جای آورده شود. این فرد، نمی‌تواند پیش از اتمام نمازهای قضایی‌اش، نماز وقتی که در آن به سر می‌برد را ادا کند. ابتدا نمازهای قضایی‌اش و سپس نماز همان وقت را ادا خواهد کرد.

زمان مشخصی برای به جای آوردن نماز قضایی وجود ندارد.

نماز قضایی را می‌توان در هر زمانی به جز سه وقتی که در آن نماز خوانده نمی‌شود؛ به جای آورد.

د) امامت و جماعت

«جماعت» به معنای «اقتدای فرد یا افرادی به امام می‌باشد». حداقل جماعت یک نفر و برای حداکثر آن هیچ محدودیتی وجود ندارد. کلمه‌ی «امام» نیز اگر به معنای پیشرو یا رهبر باشد؛ در مسأله‌ی نماز منظور کسی است که هنگام نماز دیگران به او اقتدا می‌کنند.

۱- فضیلت جماعت و حکم آن

دین ما برای نماز جماعت اهمیت زیادی قائل است. جماعت شرط صحت و درستی نماز جمعه است. نمازهای عید را فقط به صورت جماعت می‌توان خواند. جماعت در نمازهای پنج وقت و نماز جنازه سنت و جماعت در نماز تراویح و خورشید گرفتگی مندوب است.

تلاش برای از دست ندادن نماز جماعت در مسجد، برای یک مؤمن بسیار مهم است. زیرا در یک حدیث شریف تأکید شده است بر این که در روز قیامت، در آن مکان هولناک که سایه‌ای وجود ندارد؛ یکی از هفت گروهی که از سایه‌ی عرش الهی بهرمنند هستند؛ مؤمنی است که «قلبش به مسجد بسته است».

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَاذُ الْمَسَاجِدَ، فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ»^{۸۰} «اگر دیدید شخصی به رفت و آمد به مساجد بسیار عادت کرده است؛ پس بر ایمان او گواه باشید.»

مؤمنانی که نماز را با جماعت می‌خوانند از کسانی که به تنهایی نماز می‌خوانند؛ ثواب بیشتری کسب می‌کنند. پیامبر محبوب ما - صلی الله علیه وسلم - در این باره چنین مژده‌هایی داده است: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَدِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»^{۸۱} «نماز جماعت بیست و هفت درجه برتر از نماز فرادا است.»



۲- موقعیت‌هایی که نمی‌توان در آن به نماز جماعت رفت

اسلام برای عبادت به صورت جماعت، جایگاه مهمی قائل شده است. نماز جمعه و جنازه و اعیاد، نمازهایی است که به صورت جماعت ادا شده و به تنهایی خوانده نمی‌شوند. نمازهای سنت و نافله قاعداً با جماعت خوانده نمی‌شوند. اما نماز تراویح اگرچه سنت است، اما می‌توان آن را هم به تنهایی و هم با جماعت خواند. نماز وتر را فقط می‌توان در ماه رمضان به جماعت خواند. اصل بر آن است که مردان نمازهای پنج‌گانه را با جماعت بخوانند. با این حال، در موارد زیر یا در موقعیت‌های مشابه آن، افراد می‌توانند نمازشان را به صورت فرادا بخوانند.

- ۱- کسانی که به شدت بیمار هستند، کسانی که بیماری دارند که مانع از رفتن آن‌ها به مسجد می‌شود.
- ۲- افراد فلج یا سالخورده‌گانی که نمی‌توانند راه بروند.
- ۳- کسانی که از هر دو چشم نابینا هستند یا هر دو پایشان قطع شده است.
- ۴- کسانی که مجبورند از جاده‌ای گل‌آلود و بسیار تاریک راه عبور کنند.
- ۵- کسانی که مجبورند در سرمای شدید، طوفان، باران و گرمای شدید به مسجد بروند.
- ۶- کسانی که با شرایط اضطراری مانند آتش سوزی در خانه مواجه می‌شوند.
- ۷- کسانی که از بیمار اورژانسی و بد حال مراقبت می‌کنند، همراهان بیمار.
- ۸- مسافرها، کسانی که در شرف رفتن به سفر هستند.
- ۹- کسانی که دائماً نیاز به رفتن به توالت دارند، یا اگر به توالت بروند و وضو بگیرند؛ جماعت را از دست می‌دهند.

۸۰- ترمذی، الإیمان، ۸ و ابن ماجه، المساجد، ۱۹.

۸۱- بخاری، الأذان، ۳۰ و مسلم، المساجد، ۴۲.

۱۰- کسانی که از آزار و ظلم بیم دارند، در صورت تهدید جان یا مال، یا نگرهبانانی که در مناطق عملیات نظامی برای امنیت منطقه کشیک می‌دهند.

۱۱- کسانی که علوم مهمی مانند فقه را تدریس می‌کنند یا کسانی که مشغول تحصیل آن هستند.

۱۲- حین شروع نماز با جماعت، از آن لحظه به بعد نمی‌توان آن را رها کرد، کارکنان در بخش‌های خدمات عمومی اورژانسی.

۳- امامت و شرایط آن

امامت دادن برای نماز جماعت مستلزم آن است که شخص مرد مسلمان، بالغ و عاقل باشد، سوره‌ی فاتحه و برخی از سوره‌ها و دعا‌های لازم برای خواندن نماز را به اندازه کافی حفظ کرده باشد و خودش هم هیچ عذری نداشته باشد.

اگر در جایی امامی تعیین شده باشد، او برای نماز امامت می‌دهد. ولی اگر امام بخواهد می‌تواند شخص شایسته‌ی دیگری از جماعت را برای امامت تعیین کند. عده‌ای که برای خواندن نماز جمع شده‌اند؛ می‌توانند از میان خود شایسته‌ترین فرد را به امامت میان خودشان تعیین کنند.

شخص می‌تواند پشت سر امام باتقوای یک مذهب دیگر نماز بخواند.



در دوره‌های صدر اسلام، به داشتن اطلاعات دینی بسیار و زندگی مطابق با فرامین دینی امام‌ها بسیار توجه می‌شد.

اگر بیش از یک نفر صلاحیت امامت را داشته یا بخواهند امام شوند؛ به ترتیب، صلاحیت‌های زیر در آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- کسی احکام نماز و فقه را بهتر بداند.

۲- کسانی که قرآن را به بهترین نحو مطابق با احکام آن تلاوت می‌کنند یا حافظ کلام الله هستند.

۳- بیش از دیگران از امور حرام و شبهه دار پرهیز می‌کنند.

۴- مسن تر، خوش اخلاق تر، خوش سیماتر، در نسب شریف تر، خوش صداتر و خوش لباس تر نشان ترجیح داده می‌شود.

اگر در همه‌ی این موارد با هم مساوی باشند، بین آن‌ها قرعه کشی می‌شود.

اگر قرار باشد نماز در خانه خوانده شود و صاحب خانه صلاحیت پیش نمازی را داشته باشد؛ برای امامت اولی تر است.

بحث و گفتگو کنید

این موضوع که برای صلاحیت امامت، حافظ بودن شرط نیست؛ را در صنف بررسی کنید.



امامت افراد زیر جایز نیست:

- ۱- امامت زنان برای مردان و یا پسر بچه‌هایی که به سن تمییز رسیده‌اند.
 - ۲- امامت معذور برای غیر معذور.
 - ۳- امامت شخص لال برای بی سواد.
 - ۴- امامت افراد سفیه و سبک عقل برای افراد عاقل.
- امامت افراد جاهل و گناهکار مکروه است.
- اگر جماعت به دلیل ویژگی بدی در امام او را نخواستند، امامت دادن او برایشان مکروه است.
- امامت شخص حرامزاده مکروه است ولی اگر باتقوا باشد می‌تواند امامت دهد.
- امامت شخص نابینا تنزیهاً مکروه است.

امام باید نماز را با مراعات تعدیل ارکان بخواند. طولانی کردن جماعت در نمازهای جمعه، اعیاد و همچنین طولانی کردن قرائت و رکوع در نمازهای پنجگانه نیز مکروه می‌باشد. رسول اکرم علیه السلام چنین می‌فرماید: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ، فَلْيُخَفِّفْ، فَإِنَّ مِنْهُمْ الضَّعِيفَ وَالسَّقِيمَ وَالْكَبِيرَ، وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا شَاءَ»^{۸۲}

«هنگامی که شخص از شما بر مردم امامت می‌دهد، نماز را کوتاه و خفیف بخواند زیرا در میان آنان ضعیف، بیمار و سالخورده هست و هنگامی که به تنهایی نماز می‌خواند؛ تا جایی که بخواند طولانی بخواند.»

۴- طریقه ادای نماز جماعت

وقتی مؤذن اقامه را می‌خواند با گفتن «حی علی الصلاة» جماعت همراه با امام می‌ایستند. جماعت برای نماز و اقتدا به امام نیت می‌کنند. امام، بعد از یادآوری از بین بردن فاصله و مراعات نظم در صف‌ها رو به قبله کرده و برای نماز و امامت نیت می‌کند. وقتی اقامه تمام شد، امام دستان خود را بالا برده و با صدای بلند تکبیر می‌گوید. جماعت نیز تکبیر می‌گویند. هر کس در دلش دعای «سبحانک اللهم» را می‌خواند. امام «أعوذ بالله و بسم الله» را در دلش می‌گوید و در نمازهای مغرب، عشا و صبح فاتحه و سوره را با صدای بلند می‌خواند و جماعت هم گوش داده و به معنای آیات فکر می‌کنند. در نمازهای ظهر و عصر امام در دلش می‌خواند. جماعت هم قرائت نمی‌کنند زیرا تلاوت امام به منزله تلاوت جماعت است.

در نمازهایی که با صدای بلند قرائت می‌شود؛ پس از اتمام سوره‌ی فاتحه، جماعت به صورت کشیده و به آرامی «آمین» می‌گویند. وقتی سوره‌ها و آیات تمام شد، امام با صدای بلند تکبیر گفته و به رکوع می‌رود. جماعت نیز رکوع می‌کنند.

امام و جماعت حداقل سه بار در رکوع «سبحان ربی العظیم» می‌گویند. امام با صدای بلند «سمع الله لمن حمده» گفته، می‌ایستد و در دلش می‌گوید «ربنا ولك الحمد». جماعت هم این عبارت را بی صدا می‌گویند.

امام با صدای بلند تکبیر می‌گوید و به سجده رفته و به ترتیب دست‌ها، زانوها، پیشانی و بینی را به زمین می‌گذارد. جماعت نیز به آرامی تکبیر گفته همین کار را می‌کنند.

۸۲- بخاری، الأذان، ۲۱، مسلم، الصلاة، ۳۷.

در سجده، امام و جماعت حداقل سه مرتبه «سبحان ربی الأعلی» می‌گویند. امام با صدای بلند تکبیر می‌گوید و پای چپ را زیر باسن گذاشته و روی آن می‌نشیند.

انگشتان پای راستش را به سمت قبله می‌چرخاند و پاهایش را در کنار باسن راستش صاف و عمود نگه می‌دارد. جماعت هم بی صدا تکبیر گفته و مانند امام می‌نشینند.

امام با صدای بلند تکبیر گفته و به سجده‌ی دوم می‌رود. همان کاری که در سجده‌ی اول انجام داده را تکرار می‌کند. جماعت هم همین کار را می‌کنند. امام تکبیر گفته و می‌ایستد، پس از او جماعت نیز با تکبیر برای رکعت دوم قیام می‌کنند، امام در دلش بسمله و فاتحه را می‌خواند - در نمازهای سِرّی که آهسته خوانده می‌شود - و دقیقاً مانند رکعت اول سوره یا آیات مختلفی خوانده و همان کارها را انجام می‌دهد. جماعت هم همان کارهایی را که در رکعت اول انجام دادند؛ تکرار می‌کنند. همه با هم رکوع و سجود می‌کنند. هنگام برخاستن از سجده همان‌طور که در بالا گفته شد؛ می‌نشینند. در قعده، امام و جماعت به آرامی دعا‌های نماز را می‌خوانند.

با اتمام التحیات، در نمازهای ظهر، عصر، مغرب و عشاء برای رکعت سوم قیام می‌شود. در نماز صبح هم پس از التحیات، «درودها و ربنا آتنا، ربنا اغفر لی» به آرامی خوانده می‌شود، سپس امام با صدای بلند و جماعت بی صدا ابتدا به سمت راست و سپس به چپ سلام می‌دهند.

در نمازهای غیر از نماز صبح، امام پس از خواندن دعای التحیات با صدای بلند تکبیر می‌گوید و برای رکعت سوم بر می‌خیزد. امام بی صدا در دلش بسم الله گفته و فاتحه می‌خواند. امام در رکعت چهارم فقط بسم الله گفته و فاتحه می‌خواند. جماعت رکوع و سجود را مانند دو رکعت اول انجام می‌دهند. امام و جماعت در قعده‌ی اخیر به آهستگی دعا‌هایشان را می‌خوانند. امام با صدای بلند و جماعت بی صدا ابتدا به سمت راست و سپس به چپ سلام می‌دهند.

۵- هم سطح بودن زنان با مردان در جماعت (محاذات)

در صف‌های پشت امام، مردان صف می‌بندند. سپس پسرپچه‌ها و پشت سر آن‌ها زنان صف تشکیل می‌دهند. صف بستن زنان پشت سر مردان شرط است. اگر در نماز جماعت این شرط محقق نشود و بدون هیچ مانعی بین زنان و مردان، زنان در یک صف در کنار مردان یا جلویشان بایستند، نماز مردانی که در سمت راست و چپ و دقیقاً جلویشان زن ایستاده است؛ باطل می‌گردد.

۶- وضعیت نماز گزاران پشت سر امام

به کسی که با اقتدا به امام نماز می‌خواند «مقتدی» می‌گویند که بر سه قسم است:

۱- مُدرک: کسی است که تمام رکعات نماز را با امام خوانده است. کسی که نیت کند و در حال ایستاده تکبیر بگوید و قبل از اینکه امام از رکوع برخیزد؛ در رکوع به امام برسد نیز به آن رکعت رسیده است.

مُدرک چنین نیت می‌کند: «نیت کردم که به جای آورم نماز . . . امروز، اقتدا کردم به امام حاضر، خالصا لله تعالی...» وقتی امام تکبیر می‌گوید؛ مدرک نیز بلافاصله تکبیر گفته و دست‌هایش را می‌بندد و به آرامی «سبحانک اللهم» را می‌خواند سپس سکوت می‌کند. در قیام هم فقط وقتی امام در نمازهای جهری خواندن فاتحه را تمام می‌کند؛ با صدای آهسته «آمین» می‌گوید. در رکوع هم سه مرتبه «سبحان ربی العظیم» می‌گوید. وقتی امام با گفتن «سمع الله لمن حمده» برخاست «ربنا لک الحمد» می‌گوید. در سجده نیز سه مرتبه «سبحان ربی الأعلی» می‌گوید. در قعده‌ها همراه با امام دعاها را می‌خواند و سلام می‌دهد.

۲- لاحق: به کسی که با این که نماز را با امام شروع کرده است اما به خاطر دلایلی مانند خواب آلودگی یا فشار و ازدحام؛ کل نماز جماعت یا بخشی از آن را از دست بدهد «لاحق» می‌گویند. مثلاً هنگام خواندن نماز تراویح، چرت بزند و غافل شده و از جماعت عقب بماند یا کسی که برای تازه کردن وضویش رفته باشد؛ ارکانی که از امام عقب افتاده است را بلافاصله انجام داده و خود را به امام رسانده و به او اقتدا می‌کند و با او سلام می‌دهد. اگر بداند که در صورت انجام ارکان فوت شده؛ به امام نخواهد رسید، بلافاصله از همان جا به امام اقتدا می‌کند و وقتی نماز تمام شد و امام سلام داد برخاسته و ارکانی که از آن عقب مانده است را کامل می‌کند.

۳- مسبوق: کسی است که بعد از رکوع رکعت اول به امام اقتدا کند. مسبوق، در حالی که امام به سمت چپ سلام می‌دهد؛ بر می‌خیزد و با خواندن رکعت‌هایی که به آن نرسیده است، نماز را تمام می‌کند.

مثلاً کسی که نتوانسته به رکوع رکعت اول برسد، از جایی که به امام رسیده است نیت کرده، تکبیر می‌گوید و به امام اقتدا می‌کند و نمازش را با امام ادامه می‌دهد. در قعده‌ی اخیر «التحیات» را می‌خواند و صبر می‌کند تا امام سلام دهد. وقتی امام به سمت راست سلام داد؛ خودش بدون این که سلام بدهد با گفتن «الله اکبر» برخاسته، «سبحانک اللهم، أعوذ بالله، بسم الله، فاتحه و یک سوره» را می‌خواند. سپس به رکوع و سجده رفته و می‌نشیند. التحیات، درودها و ربناها را می‌خواند سپس ابتدا به سمت راست سپس به سمت چپ سلام داده و نماز را به اتمام می‌رساند.

کسی که در رکعت سوم یک نماز چهار رکعتی به امام اقتدا می‌کند، در قعده‌ی اخیر صبر می‌کند تا امام سلام دهد، وقتی امام به سمت راست سلام داد؛ بدون این که سلام بدهد برخاسته و دو رکعت فوت شده را کامل می‌کند. کسی که در رکعت سوم نماز سه رکعتی مغرب و وتر به امام برسد، همراه با امام آن رکعت را به جا می‌آورد. هنگامی که امام سلام داد، بر می‌خیزد سبحانک اللهم، أعوذ بالله و بسم الله، فاتحه و یک سوره را می‌خواند، رکوع و سجده را انجام داده و می‌نشیند. اینجا فقط التحیات را می‌خواند و با گفتن «الله اکبر» بر می‌خیزد. بسم الله و فاتحه و یک سوره را می‌خواند، رکوع و سجده را انجام داده و می‌نشیند. التحیات، درودها و ربناها را هم خوانده ابتدا به راست و سپس به چپ سلام داده و نماز را تمام می‌کند.

کسی که در رکعت چهارم نماز چهار رکعتی به امام اقتدا کند، رکعت آخر را با امام به جا می‌آورد. هنگامی که امام در قعده‌ی اخیر سلام داد، بر می‌خیزد. در این جا سبحانک اللهم، أعوذ بالله و بسم الله، فاتحه و یک سوره را خوانده سپس به رکوع و سجده می‌رود و فقط التحیات را خوانده، بر می‌خیزد. در قیام بسم الله، فاتحه و سوره را می‌خواند و رکوع و سجده می‌کند و بدون نشستن بلافاصله می‌ایستد. سپس فقط بسم الله و فاتحه را می‌خواند و به رکوع و سجده می‌رود و می‌نشیند. التحیات، درودها و ربناها را خوانده و به سمت راست و چپ سلام می‌دهد.

کسی که پس از برخاستن امام از رکوع آخرین رکعت، به امام اقتدا می‌کند؛ وقتی امام به سمت راست سلام داد، با گفتن «الله اکبر» برخاسته و تمام رکعت‌ها را از اول می‌خواند و نمازش را تمام می‌کند.

۷- قطع نماز و پیوستن به جماعت

پس از شروع نماز، بدون عذر نماز شکسته نمی‌شود. اما کسی که به تنهایی نماز می‌خواند؛ برای بهرمند شدن از فضیلت جماعت باید نماز خود را بشکند.

کسی که برای نماز به مسجد می‌آید، در صورتی که مؤذن اقامه را شروع نکرده باشد؛ می‌تواند سنت را بخواند. وقتی نماز با جماعت شروع می‌شود؛ برای کسی که نماز فرض آن وقت را نخوانده باشد؛ که سعی کردن برای خواندن نماز سنت و یا با سنت مشغول شده و سعی نکردن برای رسیدن به جماعت مکروه است. به همین دلیل وقتی شخصی وارد مسجد می‌شود؛ اگر نماز فرض شروع شده باشد، نماز سنت را نمی‌خواند بلکه فوراً به امام اقتدا می‌کند. اما اگر

شخص در حال ادای نماز فرض صبح وارد مسجد شود و فکر کند که می‌تواند به امام برسد؛ ابتدا باید سنت را خوانده سپس به امام اقتدا کند.

اگر بعد از شروع نماز چهار رکعتی سنت، نماز جماعت شروع شود؛ شخص دو رکعت خوانده، سلام می‌دهد و به امام اقتدا می‌کند. اگر در حال خواندن رکعت سوم یا چهارم باشد؛ سنت را تمام کرده و به امام اقتدا می‌کند. وقتی شخص به مسجد می‌رسد و می‌بیند نماز فرض ظهر شروع شده است، بلافاصله به امام اقتدا می‌کند. سنتی را که از دست داده یا نیمه تمام مانده است را بعد از فرض به جا می‌آورد. وقتی شخص به مسجد می‌آید در حالی که نماز فرض عصر یا عشا شروع شده است؛ بلافاصله به امام اقتدا می‌کند و سنت این نمازها را نمی‌خواند.

پس از این که شخص که به تنهایی خواندن نماز فرض چهار رکعتی را شروع کند؛ و در کنارش نماز جماعت شروع شود؛ در حالت ایستاده به یک طرف سلام داده نماز را قطع و به امام اقتدا می‌کند. اگر سجده رکعت اول را انجام داده باشد، دو رکعت را به اتمام رسانده سلام می‌دهد سپس به امام اقتدا می‌کند و نماز فرض را با او می‌خواند. دو رکعتی که به تنهایی خوانده است؛ نافله حساب می‌شود. اگر پس از رفتن به سجده رکعت سوم، نماز جماعت در کنارش آغاز شود، نمازش را قطع نکرده و به تنهایی چهار رکعتش را تمام می‌کند. در نماز فرض صبح و مغرب اگر هنوز سجده رکعت دوم را انجام نداده باشد، نماز را قطع و به امام اقتدا می‌کند.

۸- بیان اموری که جماعت در نماز، در آن باید به امام اقتدا نکنند و نکنند

الف/ کسی که به امام اقتدا کند، پس از تکبیر امام تکبیر گفته و فقط «سبحانک اللهم» را خوانده و سکوت می‌کند، فاتحه و سوره را نمی‌خواند. در رکوع با امام سه مرتبه «سبحان ربی العظیم» می‌گوید. وقتی که امام «سمع الله لمن حمده» گفته از رکوع بر می‌خیزد، مقتدی در حالت ایستاده فقط «ربنا لک الحمد» می‌گوید. در سجده نیز سه مرتبه «سبحان ربی الاعلی» می‌گوید.

ب/ مقتدی در رکوع و سجده صبر نمی‌کند تا سه بار گفتن تسبیحات را تمام کند، بلکه همراه با امام حرکت می‌کند.

ج/ در اولین قعده نمازهای چهار رکعتی اگر شخص «التحیات» را تمام نکرده باشد و امام برای رکعت سوم برخیزد؛ اگر بخواهد می‌تواند «التحیات» را از جای مناسبی قطع کرده و بلافاصله همراه با امام بایستد. اگر هم بخواهد می‌تواند پس از اتمام «التحیات» برخیزد. اگر در قعده‌ی اخیر، پیش از این که مقتدی «التحیات» را تمام کند؛ امام سلام دهد؛ جماعت پس از اتمام «التحیات» سلام می‌دهد.

د/ اگر جماعت «التحیات» را تمام کرده ولی امام پیش از این که جماعت درودها و ربنا را تمام کنند؛ سلام بدهد، جماعت نیز درودها را از محل مناسبی به اتمام رسانده و بلافاصله همراه امام سلام می‌دهند.

هـ/ اگر امام قبل از اتمام دعای قنوت نماز وتر رکوع کند و مقتدی کمی قنوت را خوانده باشد؛ در جای مناسبی توقف کرده و همراه با امام به رکوع می‌رود.

و/ اگر امام سجده‌ی اضافه بکند، جماعت به او اقتدا نمی‌کند.

ز/ اگر امام از روی فراموشی، بعد از قعده‌ی آخر نماز، دوباره برخیزد، جماعت از او پیروی نکرده و برای یادآوری به امام «سبحان الله» می‌گویند. اگر امام متوجه هشدار جماعت شده و برگشته و بنشیند، نماز صحیح است، ولی باید در آخر نماز سجده‌ی سهو به جای آورد. اگر امام پس از قعده‌ی اخیر دوباره برخیزد و با وجود هشدار جماعت متوجه

نشده و ننشیند؛ جماعت از او پیروی نکرده و خودشان سلام می‌دهند. در این صورت نماز جماعت درست و نماز امام باطل می‌شود.

اگر امام بدون نشستن در قعده‌ی اخیر قیام کند، اما برگشته و ننشیند و سجده این رکعت را به جا آورد؛ نماز امام و جماعت هر دو باطل است.

پنج چیزی که اگر امام در نماز آن‌ها را انجام ندهد، جماعت هم نباید آن‌ها را انجام دهند: اینها عبارتند از: قنوت، تکبیرهای عید، قعده‌ی اول، سجده‌ی تلاوت و سجده سهو.

چهار چیزی که اگر امام آن را انجام دهد، جماعت از او پیروی نکنند: اینها عبارتند از: سجده‌ی اضافه، گفتن تکبیرهای اضافه در نماز عید، گفتن تکبیرهای اضافه در نماز جنازه و قیام برای رکعت‌های بیشتر در آخر نماز.

نه چیزی که اگر امام آن‌ها را انجام ندهد، جماعت باید آن‌ها را انجام دهد: اینها عبارتند از: بالا بردن دست‌ها در تکبیر تحریمه، خواندن سبحانک اللهم، تکبیر رکوع، تکبیر سجده، تسبیح رکوع، تسبیح سجده، گفتن «سمع الله لمن حمده» در صورتی امام هنگام برخاستن از رکوع آن را نگوید، خواندن التحیات، سلام دادن در پایان نماز و گفتن تکبیرهای تشریق.

۹- برخی احکام در مورد نماز جماعت

الف/ نیت: امام باید نیت امامت جماعت را داشته و جماعت هم نیت اقتدا به امام را بکنند.

ب/ وحدت نماز: نمازی که امام قصد خواندن آن را دارد باید با نماز جماعت یکی باشد.

مثلاً اگر امام قصد خواندن نماز فرض ظهر را داشته باشد؛ نیت کردن نماز دیگر توسط جماعت صحیح نیست.

ج/ مکان امام و مقتدی: محل ایستادن امام و مقتدی برای نماز بهتر است که در یک سطح باشد. بالاتر بودن یا پایین‌تر بودن مقتدی از امام تا حدود ۴۵ سانتی متر مکروه است. وجود دیوار بلندی که مانع از رسیدن صدای امام به مقتدی شود؛ نیز جایز نیست.

د/ فاصله بین امام - جماعت و صفوف: هر جا که نماز خوانده شود اگر بین امام و جماعت یا بین صفوف، فاصله‌ای به اندازه‌ی مجرای آب یا جاده‌ای در حد عبور کوچکترین موتر وجود داشته باشد، این وضعیت مانع از اقتدا به امام می‌گردد.

هـ/ تعداد جماعت: اگر جماعت متشکل از یک زن یا یک کودک ممیز باشد؛ یعنی جماعت تشکیل می‌شود و ثواب جماعت برده می‌شود ولی ثواب جماعت در خانه به اندازه‌ی جماعت در مسجد نیست.

و/ نظم صف‌ها: اگر جماعت فقط متشکل از یک نفر باشد؛ مقتدی در سمت راست امام می‌ایستد. اگر دو نفر یا بیشتر باشند؛ مقتدی‌ها پشت سر امام صف تشکیل می‌دهند. بافضیلت‌ترین صف، صف پشت سر امام است. سپس به ترتیب صف‌های دیگر. نظم و فاصله‌ی بین افراد در صف، با قرار دادن پاشنه‌ی پاها در یک سطح ایجاد می‌شود. قرار گرفتن قوزک پاهای مقتدیان، عقب‌تر از پاشنه‌ی پای امام شرط است.

ز/ عبور از جلوی نماز جماعت و فرادا: عبور از محل سجده نمازگزاران جماعت در مسجد مکروه است، عبور از محلی دورتر از محل سجده مکروه نمی‌باشد. عبور از جلوی نماز در اماکنی مانند صحرا یا اماکن کوچکی مانند مسجد و خانه‌ی کوچک؛ حتی دورتر از محل سجده نیز مکروه می‌باشد. در صورتی که امام جماعت یا شخص فرادا جلوی

خودش ستره بگذارد؛ عبور از جلوی آنان ممنوع نیست. نمازگزاری که هنگام خواندن نماز در مسیر عبور و مرور مردم ستره قرار ندهد؛ گناهکار محسوب می‌شود.

ح/ طولانی یا سریع خواندن نماز: باید نماز را مطابق با سنت خواند. نباید عجله کرده و به سنت‌ها بی توجهی نمود و نه قرائت، تسبیحات و تشهد را بیش از اندازه طولانی خواند. هر دوی این موارد مکروه است. تعدیل ارکان به ویژه هنگام قومه و برخاستن از رکوع و نیز نشستن بین دو سجده را باید مراعات نمود.

ط/ اشتباه امام حین قرائت: در صورتی که امام در حین قرائت با صدای بلند اشتباه بخواند یا نتواند به خاطر آورد؛ اگر آیاتی که تلاوت کرده به اندازه‌ی کافی باشد، بهتر است از همان جا به رکوع برود و نباید منتظر باشد تا جماعت به یادش بیاورند. اگر آیاتی که تلاوت کرده به اندازه‌ی کافی نباشد جماعت پشت سر به یادش بیاورند. اگر امام در جایی که قرائت می‌کرده است؛ گیر کند و نتواند ادامه دهد، می‌تواند آیه یا سوره‌ی دیگری را شروع کرده و قرائت را به اتمام می‌رساند.

ی/ صدای کم امام: در صورتی که جماعت زیاد بوده و صدای امام به اندازه‌ی کافی نرسد؛ مؤذن یا شخصی دیگر از میان جماعت سعی کند با صدای بلند تکبیرها را به دیگران برساند. امروزه از بلندگوها برای همین منظور استفاده می‌شود.

ک/ سلام دادن امام و جماعت: سنت آن است که امام حین سلام دادن به سمت راست؛ بیش از اندازه آن را طولانی نکرده و سلام اول را با صدای بلند داده و در سلام دوم صدایش را پایین‌تر بیاورد.

۱۰) دعا‌های پایان نماز

شخص در پایان نماز این دعا را می‌خواند:

«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا دَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ»

«پروردگارا، تو صلح و سلامتی هستی، صلح و سلامتی از تو سرچشمه می‌گیرد. مبارکی ای صاحب جلال و ارجمندی.»

سپس سه بار «استغفرالله» می‌گوید و طلب مغفرت می‌کند. ۳ بار خواندن این دعا با صدای آهسته نیکوتر است: «اَسْتَغْفِرُ اللهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

پس از آن برای پیامبرمان حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - درود و سلام می‌فرستد. سپس «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» می‌خواند.

خواندن آیه‌ی ۲۵۵ سوره‌ی بقره یعنی آیه‌ی الکرسی قبل از خواندن تسبیحات و بعد از هر نماز، عادت نیکویی است. پیامبر اکرم - علیه السلام - چنین فرموده است: «سُورَةُ الْبَقَرَةِ فِيهَا آيَةٌ سَيِّدُ آيِ الْقُرْآنِ، لَا يُقْرَأُ فِي بَيْتٍ وَفِيهِ شَيْطَانٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْهُ آيَةُ الْكُرْسِيِّ»^{۸۳}

«در سوره‌ی بقره آیه‌ایست که سرور آیه‌های قرآن است، در هر خانه‌ای که در آن خوانده شود؛ شیطان از آن خارج می‌شود؛ این آیه، آیه‌ی الکرسی است.»

پس از اتمام نماز؛ سنت است که شخص ۳۳ بار تسبیح یعنی «سبحان الله» (پاک و منزّه است الله) و ۳۳ بار تحمید یعنی «الحمد لله» و ۳۳ بار تکبیر یعنی «الله اکبر» (خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود) بگوید.

در پایان این تسبیحات، این دعا را می‌گوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ احْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ الصَّالِحِينَ».

به جای آخرین قسمت می‌تواند بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الْوَهَّابِ». هنگام دعا دستان بالا برده شده و هر کس هر دعایی که بخواهد به هر زبانی که می‌داند در دلش می‌خواند. هنگام خواندن دعاها بعد از نماز کف دست‌ها به سمت بالا و در موازات سینه به صورت باز قرار گرفته می‌شود. دو دست را می‌توان به هم چسباند یا با فاصله کمی از یکدیگر از هم باز کرد.

خواندن آیات ۲۲، ۲۳ و ۲۴ سوره‌ی حشر پس از نمازهای صبح و مغرب، توصیه شده است. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در این باره چنین می‌فرماید: «مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ثُمَّ قَرَأَ الثَّلَاثَ آيَاتِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُمِيسَ، إِنَّ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمَ مَاتَ شَهِيدًا، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمِيسُ كَانَ يَتْلُكَ الْمَنْزِلَةُ»^۴ «کسی که صبحگاه سه بار بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». سپس سه آیه‌ی سوره‌ی حشر را بخواند؛ خداوند هفتاد فرشته را بر او می‌گمارد که تا شامگاه بر او درود بفرستند و اگر در آن روز درگذشت؛ شهید می‌شود، و کسی که آن را در شبانگاه تکرار کند، در آن جایگاه قرار می‌گیرد.»

خواندن دو آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره یعنی آیات ۱۸۵ و ۱۸۶ «آمن الرسول...» بعد از نماز عشا سنت می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در این باره چنین فرموده است: «خواندن دو آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره در یک شب برای خواننده‌اش کافیهست.»

«این دو آیه را یاد بگیرید، به همسران و فرزندانان بیاموزید زیرا این دو هم نماز، هم قرآن و هم دعا هستند.»

ه) اذان و اقامه

۱- حکم اذان و اقامه

اذان در لغت به معنای اعلام و ابلاغ است که تطبیق آن از سال اول هجری آغاز شد.

اذان در اصطلاح فقهی، عبارتست از سخنان مبارک و مشخصی که برای اعلان اوقات مشخص نماز فرض به کار می‌رود.

در هر دینی کلمات و آواهایی وجود دارد که اوقات عبادت را به پیروان آن دین اعلام می‌دارد و آنان را به عبادت دعوت می‌کند. شیپور برای یهودیان، ناقوس (زنگ) برای مسیحیان و اذان نشانگر و وجه تمایز اسلام است.

اذان، نماد حضور اسلام در یک کشور است. به همین دلیل است که بدون توجه به ملیت آن کشور، به زبان عربی خوانده می‌شود.

اذان، از یک سو بیانگر اوقات نماز به جامعه است و از سوی دیگر عالی‌ترین اصول دین مبین اسلام را به جهانیان اعلام می‌دارد. اذانی که برای نماز خوانده می‌شود، فرصتی است که نام خدا در هر ثانیه بر روی زمین ذکر شود.

اذان، با قرآن، سنت و اجماع ثابت شده است. در این فرموده‌ی خداوند: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ» [المائدة: ۵۸] «وقتی برای نماز فراخواندید . . .»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ لَا يُؤَدُّنَّ وَلَا تَقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ»^{۸۵} «اگر سه نفر در یک جا جمع شوند و اذان نگفته و بینشان جماعت را برپا ندارند؛ بدون شک شیطان در میانشان غالب می‌گردد.»

علماء ترک کامل اذان و قامه که یکی از مهم‌ترین شعائر اسلام است؛ توسط افراد یک منطقه را مشکل بسیار بزرگی می‌دانند.

به کسی که اذان می‌گوید «مؤذن» می‌گویند.

۲- الفاظ اذان

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ
 اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ
 اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ
 حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ
 حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
 قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ
 اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ
 لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ

در نماز صبح بعد از عبارت «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» دو بار «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» اضافه می‌شود. الفاظ اقامه هم به همین ترتیب است فقط بعد از «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» دو بار «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» خوانده می‌شود. اذان آهسته ولی اقامه کمی سریع‌تر خوانده می‌شود.

۳- نکاتی که در خواندن اذان و اقامه باید رعایت شود

گفتن اذان برای مردان قبل از نمازهای فرض پنجگانه و نماز جمعه، پیش از خواندن نماز جماعت به صورت کفایه سنت مؤکده است. گفتن اقامه بر مردها برای نمازهای فرض وقت و نمازهای قضایی، سنت مؤکده است. اگر مؤذن اقامه بگوید، جماعت نیازی نیست جداگانه اقامه بگویند.

اگر قبلاً در مسجدی نماز جماعت اقامه شده باشد، گفتن اقامه برای جماعت‌های بعدی آن وقت؛ لازم نیست.

هنگام گفتن اذان؛ انجام امور زیر برای مؤذن مستحب است:

- ۱- گفتن اذان با وضو، ایستاده و رو به قبله.
 - ۲- صحبت نکردن، با دقت، خالصانه، دقیق و آهسته خواندن.
 - ۳- خواندن با صدای بلند در مکان‌های بلند.
 - ۴- گذاشتن انگشتان شهادت در سوراخ گوش یا روی سوراخ گوش، چرخاندن صورت به سمت راست هنگام گفتن «حی علی الصلاة» و چرخاندن آن به سمت چپ هنگام گفتن «حی علی الفلاح».
- گفتن اقامه توسط کسی که اذان را گفته است، رو به قبله کردن هنگام گفتن اقامه، ایستاده گفتن، اقامه گفتن با صدایی که جماعت به راحتی بشنوند و سریعتر گفتن آن نسبت به اذان، مستحب می‌باشد. بنا به مذهب احناف، الفاظ اقامه نیز مانند الفاظ اذان دو بار و سریع گفته می‌شود. (بر اساس مذهب مالکی، الفاظ اقامه هر کدام یک بار گفته شده و عبارتست از ۱۰ لفظ. بر اساس مذهب شافعی و حنبلی ۱۱ لفظ است. عبارت «قد قامت الصلاة» و تکبیرها دوبار تکرار می‌شوند.)

حالاتی که در اذان و اقامه مکروه است؛ به شرح زیر است:

- ۱- اذان و اقامه گفتن زن، کودک کم عقل، دیوانه، فاسق، مست، جنب، بی وضو و شخص نشسته.
- ۲- گفتن اذان و اقامه قبل از وقت.
- ۳- صحبت در حال گفتن اذان و اقامه، راه رفتن در حال گفتن اذان.
- ۴- گفتن عبارات اذان و اقامه با یک تن صدا.

۴- نکاتی که شنوندگان اذان باید به آن توجه کنند:

مستحب است کسانی که اذان را می‌شنوند؛ توقف کرده و گوش فرا دهند، سخنانشان را قطع کنند و به اذان پاسخ دهند. حتی قطع کردن تلاوت قرآن و گوش دادن به اذان نیز برای کسانی که در حال تلاوت هستند؛ فضیلتش بیشتر است. پیامبر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هنگام شنیدن اذان، گفته‌های او را تکرار کنید سپس بر من درود و سلام بفرستید. هر کس به غیر از «حی علی الصلاة» دیگر گفته‌های مؤذن را دقیقاً تکرار کند؛ وارد بهشت می‌شود. هنگام شنیدن «حی علی الصلاة» «لا حول ولا قوة الا بالله بگویند».

جواب دادن به اذان یعنی تکرار عباراتی که مؤذن می‌خواند. فقط هنگام «حی علی الصلاة وحی علی الفلاح»، باید «لا حول ولا قوة الا بالله» گفت و در اذان صبح هنگام «الصلاة خیر من النوم» گفتن، باید «صدق و بررت» گفته شود. از میان چند اذان در مساجد مختلف، جواب دادن به اولین اذان کافیست. کسانی که در حال تحصیل علم یا آموزش آن یا تلاوت قرآن هستند؛ می‌توانند جواب اذان را نگویند.

در پایان اذان پس از صلوات و درود بر پیامبرمان، دعای «وسیله» خوانده شود. چون رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین فرموده است: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ، فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ، لَا تَبْغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ»^{۸۶} «وقتی صدای مؤذن را شنیدید؛ مانند سخنان او را تکرار

کنید سپس بر من درود و سلام بفرستید زیرا کسی که بر من درود و سلام بفرستد؛ خداوند بر او ده درود و سلام می‌فرستد، سپس از خداوند برای من «وسيله» را بطلبید زیرا جایگاهی در بهشت است که فقط شایسته‌ی یکی از بندگان خداوند است که امیدوارم من آن بنده باشم، پس کسی که برای من از خدا «وسيله» را مسألت بدارد؛ شفاعتم شامل حال او می‌گردد.»

دعای اذان:

«اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّاقَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَالْفَضِيلَةَ وَالْدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ. إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.»

«بارالها، ای صاحب این دعوت کامل، و این نماز برپا و پایدار! مقام وسیله و فضیله را به محمد (صلی الله علیه وسلم) عطا بفرما و او را به مقام محمودی که به وی وعده داده‌ای، برانگیز، قطعاً تو خلاف وعده نمی‌کنی.»

۱) سجده‌ی سهو، تلاوت و شکر

۱- سجده‌ی سهو

کلمه‌ی «سهو» به معنای اشتباه از روی فراموشی و غفلت است. «وقتی در انجام یکی از فریضه‌های نماز تأخیر شده یا یکی از واجبات آن ترک یا تأخیر شود؛ سجده‌ی سهو» باید انجام شود.

اگر یکی از فرایض نماز دانسته یا ندانسته ترک شود، نماز باید بعداً از نو خوانده شود.

چنین کمبودی با سجده‌ی سهو جبران نمی‌شود. ولی اگر یکی از فرایض نماز به تأخیر افتاد، سجده‌ی سهو انجام می‌شود.

اگر یکی از واجبات نماز سهواً و اشتباهاً انجام نشود، قبل‌تر یا بعدتر انجام دادن آن باعث نقص در نماز می‌شود. این نقص و کاستی با سجده‌ی سهو از بین می‌رود.

سجده‌ی سهو در موارد زیر صورت می‌گیرد:

- فراموشی قنوت در نماز وتر.
- رفتن به رکوع بدون خواندن سوره‌ی اضافی بعد از فاتحه در رکعت‌هایی که سوره‌ی اضافی باید خوانده شود.
- خواندن سوره بدون این که فاتحه را بخواند، سپس به خاطر آورده و فاتحه را بعد از سوره خواندن.
- فراموش کردن اولین قعه/نشستن و ایستادن،
- سجده نکردن هنگام خواندن آیه‌ی سجده در نماز.
- در نمازهای سه یا چهار رکعتی فرض و وتر؛ در رکعت دوم پس از خواندن التحیات قیام نکرده و پس از خواندن بخشی از درودها به خاطر آورده و بایستد.

اگر امام در نماز اشتباه کند، هم او و هم جماعت، باید سجده‌ی سهو را به جای آورند. ولی در صورتی که مقتدی اشتباه کند، نیازی نیست که هیچ کدام سجده‌ی سهو را به جای آورند. اگر امام سجده‌ی سهو را انجام ندهد؛ جماعت نیز آن را انجام نمی‌دهند.

در قعده‌ی اخیر پس از خواندن «التحیات» سلام داده می‌شود سپس «الله اکبر» گفته شده سجده انجام شده و سه بار «سبحان ربی الأعلى» گفته شده سپس با گفتن «الله اکبر» از سجده بلند شده به اندازه‌ی یک تسبیح می‌نشینند، بار دیگر «الله اکبر» گفته به سجده‌ی دوم می‌رود. پس از سه بار «سبحان ربی الأعلى» گفتن «الله اکبر» گفته از سجده برخاسته و می‌نشینند. التحیات، درودها و ربناها خوانده شده سپس ابتدا به سمت راست و بعد به سمت چپ سلام داده می‌شود.

هنگام به جای آوردن سجده‌ی سهو امام برای این که جماعت به اشتباه نیفتند، فقط به سمت راست سلام می‌دهد. در نمازهای فرادا به هر دو طرف سلام داده شده و سجده‌ی سهو انجام می‌شود.

در صورتی که انجام سجده‌ی سهو نیاز باشد اما شخص انجام آن را فراموش کرده و سلام دهد؛ نیازی نیست که نماز دوباره خوانده شود.

۲- سجده‌ی تلاوت

تلاوت به معنای خواندن است. سجده تلاوت نیز به معنای «سجده‌ی خواندن» است. در اصطلاح، سجده‌ی تلاوت، هنگام خواندن یکی از ۱۴ آیه‌ی سجده در قرآن بر خواننده و شنونده مکلف واجب می‌باشد. کسی که سجده‌ی تلاوت را انجام می‌دهد؛ باید با وضو باشد، بدن و لباسش تمیز بوده و عورت‌هایش هم پوشیده باشد.

خواندن یا شنیدن ترجمه‌ی آیات سجده نیز باعث سجده می‌شود. شنیدن آیه‌ی سجده از رادیو، تلویزیون، نوار صوتی و غیره نیز مستلزم سجده است.

اگر در یک مجلس، بیش از یک بار آیه‌ی سجده تکرار شود، یک سجده کافی است. کسی که چند آیه‌ی سجده را بخواند، خواه در یک مجلس خوانده شود خواه در چند مجلس، ادای سجده‌ی تلاوت برای هر آیه به صورت مجزا واجب می‌شود.

سجده‌ی تلاوت بر هر مسلمان مکلفی واجب است. سجده‌ی آیاتی که خارج از نماز خوانده می‌شود، را می‌توان در طول زندگی انجام داد ولی مستحب است بلافاصله انجام شود، تأخیر بدون عذر در انجام آن مکروه می‌باشد.

سجده کننده می‌ایستد و با گفتن «الله اکبر» به سجده رفته سه مرتبه «سبحان ربی الأعلى» می‌گوید، سپس با گفتن «الله اکبر» قیام کرده و می‌گوید:

«سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»

«شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا، مغفرت و آمرزش تو را می‌طلبیم و بازگشت به سوی توست.»

وقتی در نماز آیه‌ی سجده خوانده می‌شود؛ باید این کار را انجام داد: بعد از خواندن آیه‌ی سجده اگر قرار باشد بیش از سه آیه خوانده شود؛ فوراً به سجده رفته و بعد از یک سجده ایستاده و تلاوت ادامه داده می‌شود. اما اگر قرار است بعد از آیه‌ی سجده، سه آیه یا کمتر خوانده شود، هیچ کاری انجام نمی‌شود. هنگام رفتن به رکوع و سجده‌ی آن رکعت، گویی سجده‌ی تلاوت انجام شده است. پس از اتمام نماز، به خاطر آیه‌ی سجده‌ای که در نماز خوانده شده است؛ سجده‌ی تلاوت انجام نمی‌شود.

۳- سجده‌ی شکر

«سجده‌ی شکرگزاری» سجده‌ای است که هنگام اطلاع از یک رویداد یا خبر خوشایند، یا برای دفع بلا یا مصیبت برای ابراز سپاسگزاری از خدا انجام می‌شود. این سجده مستحب است. خارج از نماز در هر زمان مناسبی می‌توان آن

را انجام داد. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - هنگام مواجه شدن با رویدادی خوشایند و خوشحال کننده آن را انجام داده است.

سجده کردن برای توبه از گناه و پناه بردن به خدا در صورت وقوع زلزله و بلایا نیز مستحب دانسته شده است. این سجده‌ها، مانند سجده‌ی تلاوت انجام می‌شود.

ارزیابی

- ۱- سفر و مسافر به چه معناست؟ آن چه می‌دانید را بیان کنید.
- ۲- رخصت‌های شرعی در سفر و بیماری چه مواردی هستند؟
- ۳- شخص مریض به چه روش‌هایی می‌تواند نماز بخواند؟ توضیح دهید.
- ۴- نماز خواندن با خشوع به چه معناست؟ چگونه می‌توان با خشوع نماز خواند؟
- ۵- ادا و قضا به چه معناست؟
- ۶- چرا ترک نماز گناه کبیره محسوب می‌شود؟
- ۷- کسی که نمازش را قضا می‌کند، چطور قضا را به جا بیاورد؟
- ۸- در مورد فواید دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی نماز جماعت فکر کنید.
- ۹- امام به چه کسی گفته می‌شود؟ ویژگی‌های امام را ذکر کنید.
- ۱۰- مؤذن کیست؟ در مورد اهمیت و فضیلت مؤذن بودن تحقیق کنید.
- ۱۱- چه کسانی از رفتن به نماز جماعت معاف هستند؟
- ۱۲- معنای اصطلاحات جماعت، مقتدی، فردا، مُدرک، مسبوق و لاحق را در فقه شرح دهید.
- ۱۳- از تعبیر «محاذات» بین زن و مرد چه می‌فهمید؟ توضیح دهید.
- ۱۴- در چه جاهایی باید از امام پیروی کرد و در چه جاهایی نباید پیروی کرد؟ آن‌ها را ذکر کنید.
- ۱۵- آیات و دعا‌های خوانده شده در پایان نماز را بیان کنید.
- ۱۶- سجده‌ی سهو چیست؟ در چه شرایطی و چه زمانی انجام می‌شود؟
- ۱۷- سجده‌ی تلاوت چگونه انجام می‌شود؟ احکامش را بیان کنید.

سؤالات درست و غلط



- ۱- () قصر خواندن نمازهای فرض در مسافرت لازم نیست.
- ۲- () کسی که در شهر دیگری ساکن شده، ازدواج کرده و کسب و کار راه می‌اندازند و قصد بازگشت به شهر خود را ندارند؛ وقتی برای دیدار مادر و پدرش به زادگاهش در مسافت ۱۲۰ کیلومتر می‌رود؛ مسافر محسوب می‌شود.
- ۳- () اقتدا کردن مسافر به امام مقیم جایز است.
- ۴- () اگر شخصی در سفر باشد و زمان بازگشتش را نمی‌داند، در این مدت هر چقدر هم که طولانی باشد؛ می‌تواند نمازش را به صورت قصر بخواند.
- ۵- () در مذهب احناف، در سفر می‌توان نماز ظهر با عصر و نماز مغرب با عشا را به صورت جمع خواند.
- ۶- () کسی که با مرکب، اتوبوس، هواپیما و غیره سفر می‌کند؛ می‌تواند با نشستن روی زین مرکب یا صندلی اتوبوس یا هواپیما، در جهت حرکت نماز بخواند.
- ۷- () وقتی نماز در حالت سفر یا اقامت خوانده نشود، با توجه به وضعیت زمانی که قضایی‌اش خوانده می‌شود - سفر یا اقامت - باید خوانده شود.
- ۸- () مریضی که از رو کردن به قبله ناتوان است؛ می‌تواند نمازش را قضا می‌کند.
- ۹- () نماز جماعتی که پشت سر امام فاسقی خوانده شود، صحیح نیست.
- ۱۰- () دویدن به سوی جماعت برای رسیدن به نماز مکروه است.
- ۱۱- () سجده‌ی سهو، در صورت ترک یک سنت مؤکده یا ترک دو یا چند مستحب انجام می‌شود.
- ۱۲- () نماز سنت صبحی که خوانده نشده است؛ را می‌توان تا نیمروز همان روز قضا کرد.
- ۱۳- () شخصی که احکام نماز و فقه را بهتر از هر کسی بداند؛ برای امامت دادن نماز از همه شایسته‌تر است.

جاهای خالی را با حکم مناسب پر کنید

	باوضو بودن حین گفتن اذان
جایز نیست	امامت زنان برای مردان
	مراعات ترتیب در صورتی که نمازهای قضایی از ۵ وقت کمتر باشد
	طولانی خواندن نماز توسط امام به اندازه‌ای که جماعت آن را رها کنند
	اقامه گفتن زنان
	به جای آوردن سجده‌ی سهو در صورت لزوم
	امامت دادن شخص جاهل و فاسق

بازی با کلمات

(مقیم، مسافر، قصر، ادا، قضا، امام، مؤذن، جماعت، مقتدی، مدرک، مسبوق، اذان، اقامه، سهو، تلاوت)

ق	ا	ل	م	ا	ق	ا	م	ه
ش	م	ق	ت	د	ی	ا	ؤ	چ
ت	ا	س	ع	ا	غ	ذ	ذ	م
ل	م	ص	ب	ک	گ	ا	ن	ا
ا	ق	و	ر	و	چ	ن	ض	ع
و	ی	د	ر	ص	ق	ض	ا	ت
ت	م	س	ا	ف	ر	و	ه	س

سؤالات گزینه‌ی



۱- کدام نماز را در مسافرت نمی‌توان به صورت قصر خواند؟
۴- در چه حالتی نمازها را به صورت جمع می‌توان خواند؟

- | | |
|----------|----------------------|
| الف) صبح | الف) در تاریکی مطلق |
| ب) ظهر | ب) در سفر |
| ج) عصر | ج) هنگام بارش تگرگ |
| د) عشا | د) در عرفات و مزدلفه |

۲- احکام سفر در کدام وطن قابل اجرا است؟
۵- کدام مورد از حالات خاص مربوط به نماز نادرست است؟

- | | |
|------------------|--|
| الف) وطن اصلی | الف) مسافر می‌تواند به مدت سه روز بر روی خُف‌ها مسح بکشد. |
| ب) وطن محل سکونت | ب) بیمار یا معلولی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند؛ می‌تواند قضای نمازش را به جای آورد. |
| ج) وطن سکنا | ج) بیمارانی که قادر به وضو گرفتن نیستند؛ می‌توانند با تیمم نماز بخوانند. |
| د) وطن ثانی | د) مسافران می‌توانند نماز جمعه و عید را نخوانند. |

۳- در رابطه با سفر، کدام یک از موارد زیر اشتباه است؟

الف) عبارت «سفر» در فقه برای مسافر استفاده می‌شود.

۶- مسافری که می‌خواهد نماز ظهر را که جمعاً ۱۰ رکعت است همراه با سنت‌هایش بخواند؛ باید چند رکعت نماز بخواند؟

- الف) ۴ رکعت
ب) ۶ رکعت
ج) ۸ رکعت
د) ۱۰ رکعت

ب) سفر، با نیت رفتن به محلی با فاصله‌ی حداقل ۹۰ کیلومتر صورت گرفته و با حرکت به سوی محل مورد نظر آغاز می‌شود.

ج) کسانی که بیش از پانزده روز در مقصد می‌مانند مسافر محسوب می‌شوند.

د) مسافر، نماز وتر را همان طور که هست، ۳ رکعت می‌خواند.

۷- کدام یک از موارد زیر از جمله شروط لازم برای امامت دادن جماعت نیست؟

- الف) مرد بودن.
- ب) هم مذهب بودن با جماعت.
- ج) معلول نبودن.
- د) فاتحه و سوره‌هایی مانند آن را حفظ بودن.

۸- کدام یک از موارد زیر برای امامت در نماز جماعت، مکروه دانسته نمی‌شود؟

- الف) فاسق
- ب) جاهل
- ج) سالمندان
- د) نابینا

۹- کدام یک از موارد زیر هنگام خواندن نماز جماعت جایز نیست؟

- الف) دویدن برای رسیدن به نماز.
- ب) آوردن بچه‌ها به جماعت.
- ج) شرکت زنان در جماعت.
- د) استفاده از میکروفون.

۱۰- احکام خاصی در رابطه با جماعت وجود دارد. در این باره کدام مورد اشتباه است؟

- الف) نماز امام و جماعت، نماز یک وقت باشد.
- ب) اگر تعداد مقتدیان از دو نفر بیشتر باشد، جماعت پشت سر امام بسته می‌شود.
- ج) اگر فاصله بین امام و جماعت یا بین دو صف به اندازه‌ی عبور یک موتر کوچک باشد؛ این وضعیت مانع اقتدا کردن است.
- د) وجود دیوار بلندی که مانع از دیده شدن امام توسط جماعت گردد، نماز را باطل می‌کند.

۱۱- سجده‌ی سهو برای کدام شخص ضروری نیست؟

- الف) کسی که در قعه‌ها التجیات را نخوانده باشد.
- ب) کسی که هنگام تلاوت، فراموش کرده به عقب برگشته و قرائتش را تصحیح کند.
- ج) کسی که یکی از فریضه‌های نماز را به تأخیر اندازد.
- د) کسی که خواندن قنوت در نماز وتر را فراموش کند.

۱۲- در چه زمانی ادای سجده تلاوت لازم نیست؟

- الف) شنیدن آیه‌ی سجده.
- ب) خواندن ترجمه‌ی آیه‌ی سجده.
- ج) دیدن آیه‌ی سجده.
- د) خواندن آیه‌ی سجده در نماز.

روزه

حوزه‌های موضوعی:

- الف) تعریف، اهمیت و فواید روزه.
- ب) فرض شدن روزه.
- ج) اقسام روزه.
- د) شروط روزه.
- هـ) عذرهایی که نگرفتن و شکستن روزه را مباح می‌گرداند.
- و) كفاره‌ی روزه.
- ز) شکننده‌های روزه و اموری که روزه را نمی‌شکنند.
- ح) چیزهایی که برای روزه دار مکروه هستند.
- ط) اموری که برای روزه دار مستحب هستند.
- ی) اعتکاف.

مطالعات مقدماتی



- ۱- تأثیرات مثبت روزه بر سلامت انسان را - در صورت امکان - از یک پزشک بپرسید.
- ۲- درباره‌ی حکمت و فضیلت روزه از معلمان خود بپرسید.
- ۳- آیا با افرادی برخورد کرده‌اید که به غیر از روزه‌ی رمضان، روزه می‌گیرند؟ درباره‌ی روزه‌ی این افراد تحقیق کنید.
- ۴- با مطالعه‌ی یک کتاب فقهی، حالاتی را که روزه را باطل می‌کند؛ بیاموزید.
- ۵- آیا تا به حال با دیگران در سفره‌های افطار حضور داشته‌اید؟ آیا تفاوت خاصی بین این افطارها با سفره‌های دسته جمعی دیگر وجود دارد؟ اگر وجود دارد، آن‌ها چه هستند؟
- ۶- دین ما برای افراد سالخورده یا بیماری که توان روزه گرفتن را ندارند؛ چه رخصت‌هایی در نظر گرفته است؟ از کتاب‌های فقهی در این مورد اطلاعاتی کسب کنید.

الف) تعریف، اهمیت و فواید روزه

الف/ مفهوم لغوی و اصطلاحی روزه

روزه در لغت یعنی پرهیز از کار، خورداری از خوردن و آشامیدن.

در اصطلاح فقهی روزه یعنی «پرهیز از خوردن، نوشیدن و روابط جنسی مکلفین از وقت امساک تا غروب خورشید به نیت عبادت».

ب/ اهمیت و فواید روزه

روزه برای انسان جنبه‌های مفید بسیاری دارد. روزه باعث تقویت اراده و کنترل میل‌ها و خواسته‌های نفسانی می‌شود.

کسی که با روزه، نفس را از تمایلات و خواسته‌هایش باز می‌دارد؛ با دوری از گناه، به بلوغ روحی و معنوی می‌رسد. شخصی که با روزه اراده‌اش را تقویت کرده؛ سعی می‌کند دستورات الهی را آن چنان که باید و شاید انجام دهد.

روزه دار به خاطر گرسنگی، قدر نعمت‌هایی که نمی‌تواند از آن بهرمنند شود را بهتر دانسته و از هدر دادن آن‌ها دوری می‌کند. علاوه بر این، ذکر و یاد پروردگاری که هر چه دارد از لطف و احسان اوست؛ را نیز هرگز از ذهنش دور نمی‌کند و بدین ترتیب خود را از گناهان دور نگه می‌دارد.

انسان ممکن است در زندگی خود با مشکلات و مصیبت‌های مختلفی روبه رو شود.

او باید صبور باشد تا بتواند بایستد و مقاومت کند. روزه به انسان صبر و شکیبایی می‌آموزد. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در این حدیث به این واقعیت اشاره کرده است: «الصَّيَامُ نِصْفُ الصَّبْرِ»^{۸۷} «روزه نیمی از صبر است».

روزه دار حال فقرا را درک کرده بیشتر از همیشه دست یاری به سوی آنان دراز می‌کند.

حدیث دیگری که اهمیت روزه را بیان می‌کند بدین ترتیب است:

شخصی نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: مرا به چیزی فرمان بده تا خداوند مرا از آن بهرمنند گرداند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - به او فرمود: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَا عِدْلَ لَهُ»^{۸۸} «روزه بگیر زیرا عبادتی بی نظیر است».

از آن جایی که روزه باعث تحریک احساس شفقت، محبت و مرحمت در افراد شده، کینه‌ها و دلخوری‌ها را تبدیل به صلح و آشتی می‌کند.

روزه باعث استراحت و عملکرد خوب بدن انسان می‌شود. چربی‌های مضر تراکم یافته در بدن، با روزه آب شده و بدن آسایش پیدا می‌کند. به همین دلیل پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «صُمْوُا تَصِحُّوْا»^{۸۹} «روزه بگیرید تا سالم بمانید».

۸۷- سنن ابن ماجه، کتاب الصیام، ۴۴.

۸۸- سنن نسائی، کتاب الصیام، ۴/ ۱۶۵.

۸۹- سنن طبرانی، باب الصوم، ۵.

حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به این ترتیب است: «الصَّيَّامُ جُنَّةٌ فَلَا يَرْفُثُ وَلَا يَجْهَلُ وَإِنْ امْرُؤٌ قَاتَلَهُ أَوْ شَاتَمَهُ فَلْيُقِلْ إِيَّي صَائِمٌ مَرَّتَيْنِ. وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فِيمَ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ. . يَتْرُكُ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ وَشَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِي، الصَّيَّامُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهِ»^{۹۰} «روزه سپری است - که انسان را از گناهان حفظ می‌کند - روزه دار سخن ناروا نگوید، به کسی که قصد مجادله و بگومگو با او دارد؛ دو بار بگوید: من روزه دارم، (حق تعالی به روزه دار می‌فرماید): روزه دار به خاطر رضای من از خوردن، نوشیدن و جماع دست می‌کشد. روزه عبادتی است که فقط برای من گرفته می‌شود، پس من پاداشش را می‌دهم.»

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی این که روزه باعث مغفرت گناهان نیز می‌شود؛ چنین فرموده است: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ، إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^{۹۱} «کسی که ماه رمضان را با ایمان و حساب کردن اجرش نزد خداوند روزه بگیرد؛ گناهان پیشینش آمرزیده می‌شود.»



(ب) فرض شدن روزه

یکی از ارکان پنج گانه‌ی اسلام روزه گرفتن در ماه رمضان است. روزه، در سال دوم هجری فرض شد. در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» [البقرة: ۱۸۳] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روزه فرض شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما فرض بوده است، باشد که پرهیزگار شوید.» «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» [البقرة: ۱۸۵] «هر کس از شما که ماه رمضان را دریابد، آن را روزه بگیرد.»

۹۰- مسلم، کتاب الصیام، ۱۶۲.

۹۱- بخاری، الصوم، ۲/ ۲۸۸.

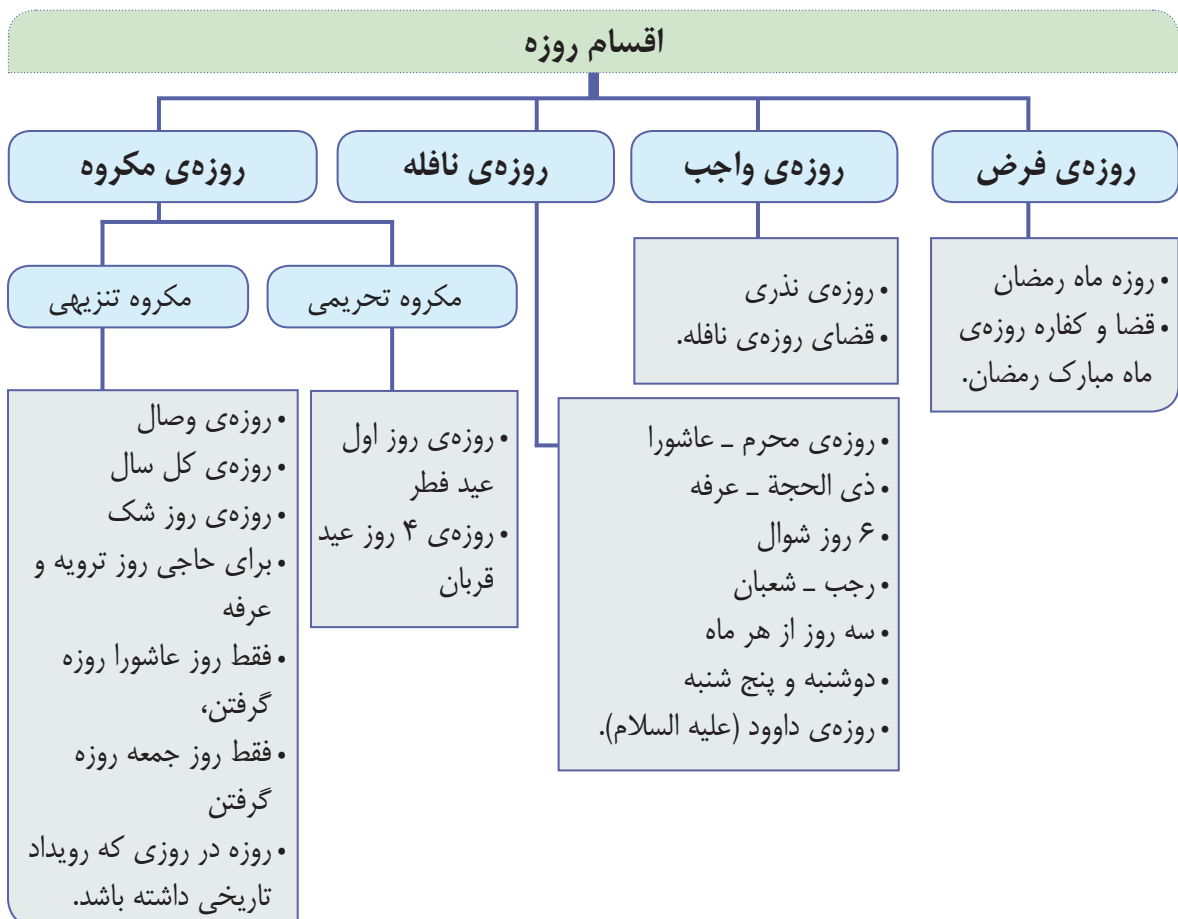
رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامَ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ، وَصَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحَجَّ الْبَيْتِ.» «اسلام بر پنج رکن بنا شده است: شهادت این که معبودی جز الله نیست و این که محمد رسول و فرستاده‌ی خداست، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات، روزه‌ی رمضان و حج.»

فرض شدن روزه‌ی رمضان منوط به فرا رسیدن این ماه است. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَصُومُوا»^{۹۲} «هنگامی که هلال ماه رمضان را دیدید، روزه بگیرید.»

همان طور که از آیات و روایات فهمیده می‌شود، روزه گرفتن در هر سال بر هر مسلمان مکلفی فرض می‌باشد. اهمیت ندادن و سبک شمردن روزه یا انکار فرضیت و وجوب آن باعث خارج شدن شخص از دایره‌ی اسلام می‌گردد. کسی که معتقد به فرض بودن آن بوده اما بدون هیچ عذری روزه نگیرد، گناهکار می‌شود.

ج) اقسام روزه

روزه بر اساس احکام آن، به چند دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: روزه‌های فرض، واجب، نافله و مکروه.



الف / روزهی فرض

روزه‌های فرض بر دو قسمت است:

۱- **روزه‌ی ماه رمضان:** هر مسلمان عاقل و بالغی که عذری برای گرفتن روزه ندارد؛ مکلف به روزه گرفتن در ماه رمضان می‌باشد.

۲- **قضا و کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان:** گرفتن روزه‌ی قضایی برای کسانی که بنا به عذری نتوانسته‌اند در وقتش روزه بگیرند یا به خاطر عذری مجبور به شکستن روزه‌ی خود شده‌اند و هم چنین کفاره‌ی روزه برای کسانی که بدون عذر روزه‌ی ماه رمضان را شکسته‌اند؛ فرض می‌باشد.

روزه‌ی قضایی و کفاره‌ی ماه رمضان، جزو روزه‌های فرضی است که روزش مشخص نیست. بنا به قول اکثر فقها، باید در همان سال قضا و کفاره‌ی روزه را به جای آورد.

کسانی که روزه‌ی قضایی دارند، این روزه‌های قضایی را در غیر از ماه رمضان و در روزهایی که روزه گرفتن مباح است؛ به جای می‌آورند. روزه‌ی کفاره نیز در دو ماه هجریت و یا شصت روز، پشت سر هم و در زمانی که هیچ مانعی بین این دو ماه نباشد؛ گرفته می‌شود.

ب / روزه‌ی واجب

۱- **روزه نذری:** روزه نذری روزه‌ای است که انسان برای رضای خدا نذر می‌کند. این روزه بر دو قسم است:

الف / روزه‌ی نذری که مشروط به هیچ شرطی نیست و اگر روز گرفتن این روزه مشخص شده؛ در همان روز و اگر مشخص نشده باشد در زمان دلخواه گرفتن آن واجب است.

به عنوان مثال: اگر بگوید: «دوشنبه‌ی هفته‌ی آینده به خاطر خدا روزه خواهم گرفت» واجب است که در روز دوشنبه روزه بگیرد. اگر بدون تعیین زمان بگوید: «می‌خواهم به خاطر رضای خدا یک روز روزه بگیرم» و نذر کرده باشد؛ باید یک روز را حتما روزه بگیرد.

ب / دومین نوع روزه‌ی نذری، روزه‌ایست که مشروط به شرطی باشد. وقتی شرط تحقق یابد؛ واجب است که این روزه گرفته شود. به عنوان مثال: «اگر فلان کارم انجام شود؛ به خاطر خدا سه روز روزه می‌گیرم.» یا «اگر بتوانم در فلان مسجد به اعتکاف بنشینم؛ برای خدا سه روز روزه می‌گیرم.» شخص در صورت محقق شدن این شرط، باید روزه‌ی نذری‌اش را بگیرد.

۲- **قضای روزه‌های نافله:** بر اساس مذهب احناف و مالکیه؛ قضای روزه‌ی نافله‌ای که شروع شده اما به هر دلیلی شکسته شده است؛ واجب می‌باشد. (بر اساس مذهب شافعی و حنبلی واجب نیست).

ج / روزه‌های نافله

روزه‌هایی که گرفتن آن‌ها فرض یا واجب نیست. روزه‌هایی که در این اوقات گرفته می‌شود؛ نافله می‌باشند:

۱- **روزه گرفتن در ماه محرم به ویژه روز عاشورا و حوالی آن:** باید تلاش کرد در ماه محرم بسیار روزه گرفت، به ویژه روزهای نهم، دهم، یازدهم محرم یا نهم و دهم آن یا دهم و یازدهم روزه گرفتن سنت است. بنا به روایت ابن عباس (رض) وقتی رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - به مدینه آمد، یهودیان را دید که روزه می‌گیرند، پرسید: «این چه روزه‌ای است؟» به ایشان گفتند: «این روز بزرگی است. در این روز خداوند موسی و بنی اسرائیل را از

شر دشمنان نشان نجات داد، پس موسی نیز در این روز روزه گرفت. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «نَحْنُ أَوْلَى بِمُوسَى مِنْكُمْ» «ما از شما به موسی اول تر و نزدیک‌تریم» سپس به روزه گرفتن این روز امر فرمود.^{۹۳}

۲- روزه‌ی اولین روزهای ماه ذی الحجه و به ویژه روز عرفه: ام المؤمنین حفصه (رضی الله عنها) چنین نقل می‌کند: «أَزْبَعُ لَمْ يَكُنْ يَدْعُهُنَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صِيَامَ عَاشُورَاءَ، وَالْعَشْرَ، وَثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَالرَّكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْغَدَاةِ»^{۹۴} «پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم چهار چیز را ترک نمی‌کرد: روزه‌ی عاشورا، ده روز - ذی الحجه - روزه‌ی سه روز از هر ماه و دو رکعت نماز قبل از نماز فرض صبح».

روز نهم ذی الحجه باید روزه گرفت. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - چنین فرمودند: «مَنْ صَامَ يَوْمَ عَرَفَةَ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ سَنَتَيْنِ، سَنَةَ قَبْلَهُ وَ سَنَةَ بَعْدَهُ»^{۹۵} «کسی که روز عرفه را روزه بگیرد، گناهان دو سالش آمرزیده می‌شود؛ یک سال قبل و یک سال بعد از این روز». این روزه برای کسانی است که حج نمی‌کنند.

۳- شش روز روزه‌ی شوال: ماه بعد از رمضان، شوال است. ابو ایوب در حدیثی که از او نقل شده، گفته است: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ فَكَأَنَّمَا صَامَ السَّنَةَ»^{۹۶} «هر که رمضان را روزه بگیرد و به دنبال آن شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد؛ مثل این است که تمام سال را روزه گرفته است».

علماء، سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) مبنی بر برابری این روزه‌ها با یک سال را به همراه آیه‌ی ۱۶۰ سوره‌ی انعام «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» [الأنعام: ۱۶۰] «هر کسی کار نیکی انجام دهد؛ ثوابی ده برابر آن دریافت می‌کند» ارزیابی کرده و گفته‌اند که اگر یک - ماه رمضان - را ضرب در ۱۰ کنیم؛ پس ماه رمضان در مقابل ده ماه و ۶ روز شوال راه هم ده برابر کنیم ۶۰ روز می‌شود یعنی در مقابل دو ماه قرار می‌گیرد که جمعا می‌شود ۱۲ ماه یعنی روزه‌ی یک سال که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در حدیثش ذکر کرده است.

۴- روزه گرفتن در روزی که شب‌هایشان مبارک است، در ماه رجب و در آغاز ماه شعبان: روزه گرفتن در ماه‌های رجب و شعبان و شب‌هایی که نزد خداوند گرانقدر است؛ ثواب بسیاری دارد. باید به روزه گرفتن روزهایی که شب‌هایشان مبارک است مانند اولین پنجشنبه‌ی ماه رجب، روز ۱۵ ام و ۲۷ ام ماه شعبان توجه خاصی کرد.

۵- روزه‌ی سه روز در ماه، به خصوص روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه‌های قمری: حضرت عایشه (رضی الله عنها) از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که در هر ماه سه روز، روزه می‌گرفت. طبق روایت ابوذر (رض)، رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «روزه‌ی سه روز در ماه را در روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ام بگیر»^{۹۷} به این روزه‌ها به خاطر کامل بودن ماه «ایام بیض» می‌گویند.

۶- روزه هر دوشنبه و پنجشنبه: بنا به روایت اسامه بن زید (رض) پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - روزه‌های دوشنبه و پنجشنبه را روزه می‌گرفت. زمانی که علت این را از ایشان پرسیدند؛ فرمود: «تُعَرِّضُ الْأَعْمَالُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمِيسٍ وَاثْنَيْنِ»^{۹۸} «اعمال مردم در روزهای دوشنبه و پنجشنبه ارائه می‌شود».

۹۳- بخاری، الصوم، ۶۹.

۹۴- نسایی، الصیام، ۸۳.

۹۵- احمد بن حنبل، ۵/ ۱۹۶.

۹۶- ترمذی، الصوم، ۵۲.

۹۷- بخاری، الصوم، ۵۶، ۵۸، مسلم، الصیام، ۱۸۱.

۹۸- ابوداود، الصوم، ۶۰.

۷- روزه گرفتن مانند داوود (علیه السلام): با فضیلت‌ترین روزه‌های اختیاری، روزه گرفتن به صورت یک درمیان است. رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - فرمود: «صُمْ أَفْضَلَ الصَّيَامِ عِنْدَ اللَّهِ، صَوْمَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيَقْطِرُ يَوْمًا» «بهترین روز را روزه بگیر، یعنی روزهی داوود علیه السلام، یک روز روزه می‌گرفت و یک روز می‌خورد.» وقتی عبدالله بن عمرو - رضی الله عنهما - گفت: من توانایی بیشتر از این را دارم؛ پیامبر (صلی الله علیه و سلم) در جوابش فرمود: «لَا أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ»^{۹۹} «بهتر و پرفضیلت‌تر از این نیست.»

د/ روزه‌های مکروه

روزه‌هایی که بنا به هر دلیلی گرفتن آن‌ها مکروه است و به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- روزه‌های مکروه تحریمی: روزه گرفتن در زمانی که مسلمانان عید را جشن می‌گیرند و اوقاتی که شادی‌های خود را با دیگران شریک می‌شوند؛ مکروهی نزدیک به حرام می‌باشد. این روزه‌ها شامل دو وقت می‌باشد:

الف/ روز اول عید فطر

ب/ چهار روز عید قربان

۲- روزه‌های مکروه تنزیهی:

الف/ روزهی وصال: روزه گرفتن بدون وقفه، یعنی روزه گرفتن پشت سر هم بدون افطار که تنزیهاً مکروه است.

ب/ روزه گرفتن تمام سال: روزه گرفتن هر روز به صورت متوالی و بدون وقفه، روزهی تمام یا بیشتر سال که این مورد هم تنزیهاً مکروه است.

ج/ روزهی حاجیان در روز ترویبه و عرفه: به دلیل شروع مناسک حج، روزهی حجاج در روز قبل از عید یعنی عرفه و روز قبل‌تر از آن یعنی ترویبه مکروه تنزیهی می‌باشد.

د/ روزه گرفتن فقط در روز عاشورا: روزهی روز دهم محرم به تنهایی تنزیهاً مکروه است. برای رفع کراهت آن باید روز قبل آن یعنی تاسوعا یا روز بعد از آن یعنی یازدهم محرم را نیز روزه گرفت.

ه/ روزهی یوم الشک و آخرین روزهای شعبان: از آن جایی که شروع یا عدم شروع ماه رمضان ممکن است مشخص نباشد؛ روزه در یوم الشک یعنی آخرین روز ماه شعبان، گرفتن روزهی واجب - مانند روزهی نذری - همراه با نیت روزهی رمضان تنزیهاً مکروه می‌باشد.

روزه‌ی آخرین روزهای شعبان به نیت رفتن به استقبال ماه رمضان - اگر از قبل‌تر ادامه نداشته باشد - مکروه تنزیهی می‌باشد زیرا اصل آن است که با نشاط و قدرت، روزهی رمضان را شروع کرد.

و/ فقط روز جمعه روزه گرفتن: از آن جایی که روز جمعه، روز عید مسلمانان است؛ روزه گرفتن فقط در این روز اگر مصادف با روزهی واجب یا فرضی نباشد، تنزیهاً مکروه است.

در مورد روزه نگرفتن فقط در روز شنبه نیز احادیثی وجود دارد. اگر روز قبل یا روز بعد از این روزها هم روزه گرفته شود، کراهت از بین می‌رود. مثلاً کسی که بخواهد روزه جمعه روزه بگیرد؛ اگر روز پنج شنبه یا شنبه هم روزه بگیرد؛ کراهت از بین می‌رود.

ز/ روزه‌ی روزهای عیدی که پیشینه تاریخی دارند: روزه‌ی نوروز، روزه‌ی اعیاد ملی و روزهای شبیه آن به منظور احترام یا اعتراض تنزیها مکروه است.

نکته: روزه‌ی نافله‌ای که روز آن معین است، در صورتی که با این روزها مصادف شود؛ باید به عنوان روزه‌ی نافله گرفته شود. مثلاً اگر روزه‌ی عرفه مصادف با روز جمعه باشد، یا اولین پنجشنبه‌ی ماه رجب مصادف با روز نوروز باشد؛ با هدف کسب ثواب آن روز، روزه گرفته می‌شود.

د) شروط روزه

الف/ شروط فرض بودن روزه‌ی ماه رمضان

برای این که روزه بر شخص فرض شود؛ باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱- مسلمان بودن.

۲- بالغ و عاقل بودن.

۳- توانایی روزه گرفتن: روزه بر افراد خیلی پیر یا مریض که توان روزه گرفتن را ندارند؛ فرض نیست. سالمندان، در مقابل روزه‌هایی که نمی‌توانند بگیرند، کفاره می‌دهند. فرد بیمار که نمی‌تواند روزه بگیرد؛ قضای روزه‌هایش را زمانی که سلامتی خود را به دست آورد؛ ادا می‌کند.

گرفتن روزه برای زنان باردار و شیرده که در خطر آسیب رساندن به خود یا فرزندانشان هستند؛ تا پایان این مدت زمان، فرض نیست. این دسته از زنان، قضای روزه‌های خود را بعدها به جای می‌آورند.

۴- مقیم بودن: روزه بر شخصی که شرعاً مسافر محسوب می‌شود تا پایان سفر فرض نیست. با این حال چنین شخصی در صورت تمایل می‌تواند روزه بگیرد. قضای این روزه‌ها را خارج از ماه رمضان، وقتی سفرش به اتمام رسید؛ به جای آورد.

ب/ شروط صحت روزه

۱- نیت: داشتن نیت قلبی برای گرفتن روزه از شروط صحت آن می‌باشد. بیان نیت با زبان سنت است. نیت کردن برای روزه‌ی ماه رمضان، روزه‌ی نافله، روزه‌های نذری که روزش معین است تا وقت دحوه (تقریباً یک ساعت پیش از وقت ظهر) و نیت برای روزه‌های قضایی، کفاره و روزه‌ی نذری مطلق تا وقت امساک باید انجام شود.

وقت دحوه، نیمی از یک روز شرعی یعنی فاصله‌ی بین امساک تا مغرب است. اگر فاصله‌ی بین وقت امساک تا مغرب را در تقویم با هم جمع کرده سپس تقسیم بر ۲ شود؛ وقت «دحوه‌ی کبری» به دست می‌آید. این وقت، آخرین زمان برای شروع روزه‌ی رمضان و نافله می‌باشد.

برای روزه‌ی رمضان به صورت قلبی هم که شده باید روزانه نیت کرد. (در مذهب مالکیه، نیت در ابتدای ماه رمضان کافیتست). بیدار شدن برای سحری خوردن نیز می‌تواند به عنوان نیت باشد.

نیت برای قضایی روزه‌های رمضان، تا زمان امساک امکانپذیر است. از آن به بعد اگر نیت شود؛ قابل قبول نیست. هنگام نیت برای این روزه باید مشخص کرد: «جهت به جای آوردن روزه‌ی قضایی رمضان» در وقت نیت، نوع روزه باید مشخص شود.

۲- دوری از حالاتی که روزه را باطل می‌کند: برای صحت روزه باید از خوردن، آشامیدن و جماع خودداری کرد. علاوه بر این برای کسب ثواب روزه، پرهیز از گناهانی مانند دروغ، غیبت و دشنام دادن به دیگران دوری کرده و حفظ زبان نیز شرط می‌باشد.

۳- حیض و نفاس نبودن زن: برای اینکه زن بتواند روزه بگیرد، نباید در حال حیض یا نفاس باشد. زن حائض یا زنی که نفاس می‌شود قضای روزه‌های ماه رمضان را بعد از پاک شدن می‌گیرد.

هـ) عذرهایی که نگرستن روزه را مباح می‌گرداند

خداوند متعال بندگان را مکلف به چیزی را که طاقت و توانش را ندارند؛ نمی‌گرداند. این امر در مورد روزه نیز صدق می‌کند.

در حقیقت، خداوند متعال رخصت در روزه را در آیات ذیل بیان می‌فرماید: «أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» [البقرة: ۱۸۴] «(روزه) چند روز معین و اندکی است - که بر شما فرض گمارده شده - پس کسانی که از شما بیمار یا مسافر باشند؛ - قضای روزه‌هایی که نگرفته‌اند را در - روزه‌های دیگر روزه می‌گیرند، و بر کسانی که توانایی انجام آن را ندارند - سالخورده‌گان و بیمارانی که امید به بهبود ندارند و دائم العذر - لازم است کفاره بدهند و آن خوراک مسکینی است و هر که کار خیر را پذیرا شود برای او بهتر است و روزه داشتن برای شما خوب است اگر بدانید.»

الف / عذرهایی که روزه نگرستن در ماه رمضان را مباح می‌گرداند

۱- سفر: کسی که مسافر محسوب می‌شود یا قرار است روز بعد به سفر برود، می‌تواند ماه رمضان را روزه نگیرد. با این حال، برای کسی که می‌تواند سحری درست کند و یا سفر راحتی دارد؛ مناسب است که روزه بگیرد. کسی که نیت روزه کرده و روزه را شروع می‌کند، اگر سفر را آغاز کند، نباید روزه‌اش را بخورد، اگر این کار را بکند، به جا آوردن قضای آن لازم است.

۲- بیماری: روزه گرفتن شخصی که به شدت بیمار است یا با تشخیص دکتر مؤمن و قابل اعتمادی از روزه گرفتن منع شده است؛ می‌تواند روزه نگیرد.

۳- بارداری و شیردهی: اگر زنان باردار و شیرده نگران آسیب به کودک خود باشند؛ می‌توانند روزه نگیرند.

۴- پیری: پیرمردان و پیرزنانی که قادر به روزه گرفتن نیستند، می‌توانند روزه نگیرند. اگر در طول سال نتوانند روزه بگیرند؛ هر شخص برای هر روز باید کفاره بدهد.

۵- جهاد با دشمن: سربازی که آن روز قرار است به جنگ برود، بنا به نظر فرمانده به خاطر عدم ضعف و ناتوانی در برابر دشمن می‌تواند روزه نگیرد.

ب شرایطی که شکستن روزه‌ی رمضان را جایز می‌گرداند

۱- افزایش و وخامت بیماری / یا استفراغ به اندازه‌ی پُری دهان: فرد بیمار روزه دار اگر احساس کند روزه، بیماری‌اش را بدتر کرده یا نگران است از این که ممکن در اثر بیماری بمیرد، می‌تواند روزه‌اش را بشکند. در این موارد و حالات مشابه اگر روزه باطل شود؛ بعد از ماه رمضان باید قضایش به جای آورده شود.

۲- گرسنگی و تشنگی شدید: اگر بر اساس داده‌های پزشکی، انسان با روزه گرفتن و به خاطر گرسنگی و تشنگی زیاد با خطر مرگ مواجه شود؛ می‌تواند افطار کند.

در چه حالاتی روزهی رمضان را می‌توان شکست؟ در صنف بحث و گفتگو کنید.



۳- انجام کار سخت و طاقت فرسا برای کسب نفقه: کسی که به صورت روزمزد کار می‌کند و وضعیت مالی خوبی ندارد و برای کار هم باید از تمام توان و نیروی جسمانی‌اش استفاده کند، در صورتی که حین انجام کار به شدت بی حال و ناتوان شده و نتواند کارش را ادامه دهد؛ می‌تواند روزه‌اش را بخورد و بعداً قضایش را به جای آورد.

۴- حالت اجباری: روزه داری که با تهدید اسلحه و دیگر آلات از جانب شخصی دیگری وادار به باز کردن روزه‌اش گردد؛ می‌تواند روزه‌اش را بخورد.

۵- وضعیت جنگی: سرباز مسافری که در ماه رمضان قرار است به مصاف دشمن برود و برای این که در روز نبرد پرتوان و نیرو باشد و با صلاح‌دید فرمانده‌ای که نسبت به مسائل دینی حساس است؛ می‌تواند روزه‌اش را باطل کند.

ج/ شرایطی که شکستن روزهی نافله را مباح می‌گرداند

باطل کردن روزهی نافله در موارد زیر جایز است:

۱- با وقوع یکی از شرایطی که باعث اباحت شکستن روزهی ماه رمضان می‌شود.

۲- دعوت شدن به مهمانی: کسی که برای شرکت وی در ضیافت اصرار شود، می‌تواند روزه‌اش را باطل کند. اگر ضیافت قبل از ظهر باشد بهتر است شکسته شود، اگر بعد از ظهر باشد؛ ترجیح با روزه دار است.

۳- در مسأله‌ی اطاعت: سرباز نبست به فرماندهی خود، فرزند نسبت به پدر و مادر، زن نسبت به شوهر، مهمان نسبت به صاحب خانه‌ی خود باید رفتار شایسته‌ای داشته باشند. مسلمانان باید در جنگ قوی باشند. به همین دلیل در صورتی که امکان جنگ وجود داشته باشد؛ روزه گرفتن در آن روز تنزیهاً مکروه است. اگر فرمانده بنا به دلایل نظامی به سربازانش دستور دهد که روزهی نافله‌ی خود را باطل کنند؛ سربازان باید از دستور اطاعت کنند. موقعیت‌های مشابه نیز به همین ترتیب است. حتی گرفتن روزهی نافله‌ای که روزش مشخص نیست؛ برای مهمان بدون اطلاع صاحب خانه و زن بدون اطلاع همسر درست نیست.

و) فدیة روزه

فدیة؛ غرامت مالی است که اشخاصی که استطاعت گرفتن روزهی فرض و واجب را ندارند؛ مکلف به پرداخت آن هستند.

فدیة روزه با این آیه ثابت شده است: «أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ» [البقرة: ۱۸۴] «(روزه) چند روز معین و اندکی است - که بر شما فرض گمارده شده - پس کسانی که از شما بیمار یا مسافر

باشند؛ - قضای روزه‌هایی که نگرفته است را در - روزه‌های دیگر روزه می‌گیرند، و بر کسانی که توانایی انجام آن را ندارند - سالخورده‌گان و بیمارانی که امید به بهبود ندارند و دائم العذر - لازم است کفاره بدهند و آن خوراک مسکینی است و هر که کار خیر را پذیرا شود؛ برای او بهتر است.»

این فدیة، یا به صورت غذای یک صبح و شب برای یک فقیر یا پول نقد معادل آن داده می‌شود. همین مقدار به اندازه‌ی فطریه‌ی روزه برای یک نفر می‌باشد.

کسانی که به دلیل کهولت سن یا بیماری همیشگی که مانع از روزه گرفتن آن‌ها می‌شود؛ نمی‌توانند روزه بگیرند، به ازای هر روزه‌ای که نمی‌گیرند؛ یک فدیة پرداخت می‌کنند. فدیة به کسانی داده می‌شود که زکات می‌گیرند. این فدیة هم به صورت غذای صبح و شام و هم به صورت پول نقد معادل آن به فقیر داده می‌شود.

اگر کفاره و فطریه بیش از یک روز باشد؛ به یک نفر هم داده و یا هم میان چند نفر تقسیم می‌شود.

فدیة را می‌توان در اول ماه رمضان، در اواسط یا آخر این ماه داد.

کسانی که توانایی پرداخت فدیة را ندارند؛ باید به درگاه خداوند توبه کرده و طلب آمرزش کنند. زیرا خداوند هیچ کس را مکلف به چیزی بیش از قدرت او عطا نمی‌نماید.

ز) شکننده‌های روزه و اموری که روزه را نمی‌شکند

الف/ حالاتی که روزه را باطل کرده هم قضا و هم کفاره را الزامی می‌کند

- آمیزش جنسی در روزه ماه رمضان.

- خوردن یا آشامیدن عمدی در ماه رمضان.

اگر شخص مکلف به روزه، در ماه رمضان برای روزه نیت کرده سپس بدون عذرعمداً آن را بشکند؛ کفاره بر او واجب می‌گردد.

کفاره‌ی شکستن بدون عذر روزه؛ آزاد کردن برده یا کنیزک است. با این حال، امروزه از آن‌جا که یافتن برده و کنیز مشکل است، باید شصت روز متوالی به عنوان کفاره روزه گرفت. علاوه بر این، یک روز دیگر به عنوان قضای آن روز باید روزه گرفته شود. در صورتی که امکان روزه گرفتن به مدت ۶۰ روز متوالی نباشد؛ در این صورت باید صبحانه و شام ۶۰ فقیر یا غذای مورد نیاز ۶۰ روز یک فقیر را بدهد.

ب/ حالاتی که روزه را باطل کرده و فقط به جای آوردن قضایی آن را اقتضا می‌کند

به عنوان یک اصل اساسی، هر چیزی که وارد بدن شده و باعث تغذیه و لذت گردد؛ روزه را باطل می‌کند. موارد زیر نیز روزه را باطل می‌کند که به جای آوردن قضایی آن واجب می‌باشد:

- خوردن و آشامیدن در روز ماه رمضان بدون نیت روزه. (اگر این کار بدون عذر انجام شود؛ گناه بزرگی است.)

- شکستن روزه‌ای غیر از روزه‌ی رمضان از روی عمد یا غیر عمد (باطل کردن عمدی هر گونه عبادتی که انجام آن شروع شده؛ درست نیست.)

- ارضای جنسی به روشی غیر از جماع.

- استنشاق و به داخل ریه کشیدن عمدی دود سیگار.

- ورود اشتباهی آبی که هنگام وضو داخل دهان و بینی می‌شود؛ به حلق. وارد شدن برف، باران یا دانه‌های تگرگ به دهان.

- وارد کردن دارو به بدن با روش تزریقی، مانند سرم، آمپول، رسیدن تأثیر داروهای مایع و جامد بر معده، مخلوط شدن آن با خون.

- بلعیدن دارو یا قرص مغذی بدون مصرف آب.

- شکستن روزه پس از حرکت به قصد سفر.

- جویدن ساجق بدون قند (ساجق بدون هیچ گونه مواد افزودنی روزه را نمی‌شکند).

- استفراغ کردن به زور و با خواست خود شخص به اندازه‌ی پُری دهان.

- شکستن روزه با زور و اجبار دیگران.

- ادامه دادن خوردن و آشامیدن به گمان این که وقت امساک هنوز نگذشته است.

- خوردن و آشامیدن به گمان این که وقت افطار شده، با این که وقت آن هنوز نرسیده است.

روزه کسی که یکی از این کارها را انجام دهد؛ باطل می‌شود. کسی که روزه‌اش با یکی از این موارد باطل شود؛ تا وقت افطار باید مانند روزه دار رفتار کند.

زنی که برای روزه نیت کرده سپس در طول روز حیض یا نفاس شود؛ روزه‌اش باطل می‌شود. اما زنی که هنوز حیض نشده؛ نمی‌تواند با گفتن این که «امروز روز پریود من است» روزه‌اش را بخورد. شخص مریض یا مسافر نیازی نیست که هیچ چیزی نخورد یا ننوشد ولی به خاطر احترام به روزه داران، در ماه رمضان پنهانی می‌خورد نه آشکارا.

ج/ چیزهایی که روزه را نمی‌شکنند

- خوردن و آشامیدن چیزی در حالی که فراموش کرده‌اید که روزه هستید. پیامبر اکرم فرمود: «مَنْ أَكَلَ نَاسِيًا،

وَهُوَ صَائِمٌ، فَلَيْتَمَ صَوْمُهُ، فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ»^{۱۰۰} «کسی که فراموش کند روزه است و چیزی بخورد و بیاشامد، باید روزه خود را تمام کند چون خدا به او غذا و آب داده است.»

- خیسی موجود در دهان بعد از وضو.

- بلعیدن بزاق و بلغم در دهان.

- ورود گرد و غبار و دود به حلق، ورود آب به داخل گوش.

- خوردن غذای باقیمانده از سحری بین دندان‌ها در صورتی که کوچک‌تر از دانه‌ی نخود باشد.

- استفراغ غیر ارادی، بلعیدن استفراغی که از دهان خارج نشده باشد.

- استفاده از مسواک، مسواک زدن بدون خمیر. (به دلیل احتمال باقی ماندن طعم خمیردندان یا پریدن آب به

حلق، بهتر است پیش از شروع وقت امساک دندان‌ها را مسواک زد.)

- استنشام رایحه‌های خوب مانند گل رز، گل، اسانس، مشک.

- سرمه کشیدن چشم.
- مصرف یا چکاندن دارویی که تأثیرش به معده نمی‌رسد.
- کشیدن دندان (اما قورت دادن خون یا هر ماده دیگری حین کشیدن دندان، روزه را باطل می‌کند).
- خون دادن، حجامت درمانی.
- احتلام شدن هنگام خواب روزانه.
- دوش گرفتن. غسل کردن و وضو گرفتن شخصی که احتلام شده یا شبانگاه جنب بوده پس از وقت امساک؛ روزه را نمی‌شکند.
- نکته:** در مواردی که روزه باطل نشده ولی شخص با گمان این که باطل شده شروع به خوردن و آشامیدن کند؛ گرفتن روزه‌ی قضایی را اقتضا می‌کند.

ح) چیزهایی که برای روزه دار مکروه است

- جویدن بدون عذر و بی مورد چیزهایی مانند کاغذ.
- جمع آوری بزاق در دهان و بلعیدن آن.
- زیاده روی در وارد کردن آب به دهان و بینی هنگام وضو یا غسل.
- چشیدن و تف کردن چیزی (چشیدن چیزی هنگام خرید در صورت وجود احتمال فریب کاری، چشیدن طعم غذا با نوک زبان برای زنی که شوهرش بداخلاق بوده و از بد بودن طعم غذا تا حد کتک زدن وی خشمگین می‌شود و هم چنین برای کسی که به عنوان آشپز در هتل کار می‌کند و احتمال اخراج شدن از کارش هست؛ روزه را باطل نمی‌کند، اما این کار مکروه است. چنین افرادی تا جایی که امکان دارد برای اجتناب از گرفتار شدن به کراهت، در روزهای ماه رمضان از زنان و کودکانی که روزه ندارند؛ برای چشیدن طعم غذا استفاده کنند).
- استشمام بوی غذایی که احتمال می‌رود تغذیه کننده باشد.
- نوازش و بوسیدن همسر.
- احساس ضعف و ناتوانی شدید برای روزه داری که مشغول به انجام کارهای سخت و طاقت فرسا است. (فقط اگر مجبور باشد سخت کار کند؛ کار آن شخص مکروه نیست).
- غیبت، دروغ.

ط) اموری که انجام آن برای روزه دار مستحب است

- بیدار شدن برای سحری، تأخیر در خوردن سحری تا نیمه‌ی آخر شب.
- عجله کردن در خوردن افطار.
- باز کردن روزه با خرما، آب یا چیز شیرین.
- دعا کردن هنگام افطار.

- افطاری دادن به مؤمن روزه دار.

- کمک به اقوام و فقرا در ماه رمضان بیشتر از ماه‌های دیگر. زیاد صدقه دادن.

- پرهیز از سخنان غیر ضروری هنگام روزه داری.

- گفتن «روزه هستم» در مواجهه با اتفاق بد.

- تلاوت قرآن و واکنش و جواب دادن به آن.

- به اعتکاف نشستن.

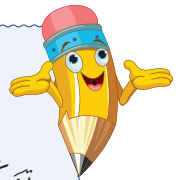
ی) اعتکاف

اعتکاف در لغت یعنی در جایی ماندن، منتظر شدن، صبر کردن، جایی را ترک نکردن. **اعتکاف** در اصطلاح فقهی، یعنی ماندن در مسجد یا مکانی مانند مسجد برای عبادت و برای مدتی به صورت مداوم.

اعتکاف از نظر حکمی به سه قسمت واجب، سنت مؤکده و مستحب تقسیم می‌شود: اعتکاف نذری واجب است. اعتکاف در ده روز آخر ماه رمضان سنت است. اعتکاف به قصد عبادت در زمانی دیگر هم مستحب است.

هدف از اعتکاف، دست کشیدن از دنیا و روی آوردن به سوی خدا به صورت موقت و استفاده از تمام وقت برای عبادت به منظور جلب رضای خداوند متعال انجام می‌شود.

بیشتر بدانیم



خواندن دعای زیر در هنگام افطار مستحب است: «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ» «پروردگارا، برای تو روزه گرفتم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و با روزی تو افطار نمودم.»

اعتکاف باید در مسجد یا مکانی مانند مسجد انجام شود. اعتکاف مرد، در مسجد یا نمازخانه‌ایست که در آن نماز جماعت برگزار می‌شود. محل اعتکاف زن نیز اتاقی از منزلش هست که در آن نماز می‌خواند. زن برای اعتکاف باید از شوهرش اجازه گرفته باشد.

اگر وقت و مدت اعتکاف واجب معین شده باشد؛ در همان زمان و مدت باید انجام شود، اعتکاف سنت در دهه‌ی پایانی ماه رمضان انجام می‌شود، اعتکاف نافله نیز در وقت مناسب انجام می‌شود.

در اعتکاف واجب و سنت؛ روزه گرفتن لازم است.

در هنگام اعتکاف باید لباس تمیز و معطر باشد. در این مدت باید قرآن کریم، حدیث و کتاب‌های مذهبی خوانده و با خواندن نماز نافله یا قضایی مشغول شد.

بیرون رفتن از محل اعتکاف بدون عذر و نیز جماع، اعتکاف را باطل می‌کند.

انجام موارد زیر باعث شکسته شدن اعتکاف نمی‌شود:

- بیرون رفتن به خاطر شکستن وضوی بزرگ و کوچک.
- رفتن به مکان دیگری برای اقامه‌ی نماز جمعه؛ در صورت عدم اقامه‌ی نماز جمعه در محل اعتکاف.
- خارج شدن از محل اعتکاف برای محافظت از اعضای خانواده یا اموال شخص معتکف در صورتی که در خطر باشند.
- بد گفتن، غیبت کردن، دعوا کردن. این گونه رفتارها اعتکاف را باطل نمی‌کند؛ اما این رفتارها از ثواب این عبادت می‌کاهد.

ارزیابی

- ۱- تعریف روزه را بیان کنید.
- ۲- روزه در چه زمانی فرض می‌باشد؟
- ۳- آیه‌ی کریمه و حدیث شریفی پیرامون فرض بودن روزه بنویسید.
- ۴- شروط فرض بودن روزه چیست؟
- ۵- روزه بر چند قسم است؟
- ۶- شروط صحت روزه را ذکر کنید.
- ۷- در چه شرایطی کفاره به شخصی که روزه‌اش را شکسته است؛ واجب می‌گردد؟
- ۸- کفاره‌ی روزه چگونه به جای آورده می‌شود؟
- ۹- چه چیزهایی روزه را می‌شکنند؟
- ۱۰- مواردی که روزه نگرفتن را جایز می‌گرداند؛ ذکر کنید.
- ۱۱- مکروهات روزه چیست؟
- ۱۲- اعتکاف چیست؟ چگونه انجام می‌شود؟

به هم وصل کنید

خواندن و گوش دادن به قرآن در جلسات قرآنی.	۱	سحری
وقت تمام شدن روزه.	۲	اعتکاف
غذایی که شب هنگام برای گرفتن روزه خورده می‌شود.	۳	مقابله
کاری که متخلف حین انجام محرمات به عنوان مجازات انجام می‌دهد.	۴	فدیه
ماندن در مسجد به قصد عبادت.	۵	کفاره
دادن پول کافی برای سیر کردن فقیر.	۶	افطار

سوالات درست و غلط

- ۱- () روزه گرفتن زن در حال حیض و نفاس مکروه است.
- ۲- () روزه گرفتن روز اول عید فطر و چهار روز عید قربان تحریم است.
- ۳- () زنان باردار و شیرده در صورت ترس از آسیب دیدن کودک می‌توانند روزه نگیرند.
- ۴- () در مذهب احناف، شخصی که روزه‌اش در ماه رمضان قضا شده است؛ باید پیش از فرا رسیدن رمضان سال بعد قضای روزه‌اش را به جای آورد.
- ۵- () کسی که می‌گوید: «اگر فلان کارم انجام شود؛ سه روز در راه خدا روزه می‌گیرم» در صورت تحقق آن شروط، گرفتن روزه‌های نذری بر او واجب می‌گردد.
- ۶- () باز کردن روزه با خرما، آب یا چیز شیرین مستحب است.
- ۷- () خوردن و آشامیدن در روز رمضان بدون نیت روزه؛ مستلزم قضا و کفاره است.
- ۸- () کسی که به دلیل کهولت سن نمی‌تواند روزه بگیرد، مکلف به پرداخت فدیه نیست.
- ۹- () پریدن آب به گلو هنگام وضو، روزه را باطل نمی‌کند.
- ۱۰- () استفراغ با خواست خود شخص و به اندازه‌ی پُری دهان، فقط قضای آن را اقتضا می‌کند.
- ۱۱- () استشمام عمدی بوی غذایی که احتمال دارد باعث تغذیه شود یا به داخل ریه کشیدن بویی به صورت عمدی مکروه است.
- ۱۲- () اعتکاف در ده روز آخر ماه رمضان واجب است.
- ۱۳- () شتاب در خوردن افطار مکروه است.
- ۱۴- () روزه گرفتن در اعتکاف واجب و سنت، الزامی است.
- ۱۵- () زنی که وارد اعتکاف می‌شود باید از شوهرش اجازه گرفته باشد.
- ۱۶- () غسل کردن یا وضو گرفتن در حال روزه؛ روزه را باطل می‌کند.

در جاهای خالی حکم مناسب را بنویسید

	چشیدن و تف کردن غذا در صورت ضرورت
	سه روز در ماه روزه گرفتن
	غیبت کردن، دروغگویی
مستحب	افطاری دادن به مؤمن روزه دار
	روزه گرفتن ۶ روز از ماه شوال
	گرفتن روزه‌ی قضای ماه مبارک رمضان
	روزه گرفتن روز عرفه در حج

معما

(روزه، هلال، رمضان، شوال، شعبان، محرم، امساک، سحری، افطار، فدیة، اعتکاف، عرفه)

ر	و	ز	هـ	هـ	ل	ا	ل
ب	ل	ی	ز	ف	د	م	خ
ا	د	ی	ط	ر	ش	ح	ی
ف	ا	ک	ت	ع	ا	ر	ش
ط	ذ	ر	ب	و	ح	م	و
ا	ا	ا	م	س	ا	ک	ا
ر	ن	ا	ض	م	ر	ن	ل

سؤالات گزینه یی



- ۱- کدام یک از موارد زیر روزه ی واجب است؟
- الف) روزه ی روز عرفه.
ب) روزه ی روز عاشورا.
ج) روزه ی نذری.
د) کفاره ی روزه ی ماه رمضان.
- ۲- کدام یک از موارد زیر به عنوان روزه ی نافله شمرده نمی شود؟
- الف) روزه گرفتن در روز عاشورا و روز قبل و بعد آن.
ب) روزه ی روز آخر شعبان به منظور استقبال از رمضان.
ج) روزه ی شب برات نیمه ی شعبان.
د) روزه گرفتن در روزهای دوشنبه و پنجشنبه.
- ۳- کدام یک از موارد زیر باعث شکستن روزه شده و هم قضا و کفاره را اقتضا می کند؟
- الف) با وجود این که از وقت امساک گذشته است؛ شخص با گمان این که هنوز وقت هست، به خوردن و نوشیدن ادامه دهد.
ب) وارد کردن خوراکی ای به اندازه یک دانه کنجد به دهان از بیرون و بلعیدن.
ج) خوردن و نوشیدن پس از فراموشی و سپس ادامه دادن به خوردن و نوشیدن با گمان این که روزه باطل شده است.
د) تزریق برای درمان.
- ۴- کدام یک از موارد زیر روزه را باطل کرده و فقط قضای آن را اقتضا می کند؟
- الف) استفراغ بر خلاف میل خود.
ب) مسواک دندان.
ج) خوردن و نوشیدن در صورت فراموشی روزه داشتن.
د) پریدن ناخواسته ی آب به گلو در زمان وارد کردن آب به دهان و بینی در هنگام وضو.
- ۵- برای صحت اعتکاف شرایط خاصی وجود دارد. کدام یک از موارد زیر جزو این شروط نیست؟
- الف) ماندن برای مدتی متوالی در مسجد به قصد عبادت.
ب) روزه داری در اعتکاف سنت.
ج) صحبت نکردن در اعتکاف مگر در موارد ضروری.
د) اعتکاف در مسجد یا مکانی که در حکم مسجد است.

زکات و صدقه

حوزه‌های موضوعی:

- الف) تعریف و حکم زکات.
- ب) فواید زکات.
- ج) شروط فرض بودن زکات.
- د) شروط صحت زکات.
- هـ) نحوه‌ی دادن زکات.
- و) زکات به چه کسانی داده می‌شود؟
- ز) زکات به چه کسانی داده نمی‌شود؟
- ح) کالاهای مشمول زکات.
- ط) صدقه و انواع آن.
- ی) اهمیت بخشش و انفاق راه خدا.
- ک) صدقه‌ی فطریه.

مطالعات مقدماتی



- ۱- اهمیت زکات را در ایجاد کمک و همبستگی بین مردم بررسی کنید.
- ۲- برای فرض شدن زکات، باید آن شخص ثروتمند باشد. این که شرعا به چه کسی ثروتمند می‌گویند؛ را با پرسش از معلم خود بیاموزید.
- ۳- آیا می‌دانید زکات و فطریه به چه کسانی داده نمی‌شود؟ آن چه در این باره می‌دانید را بگویید.
- ۴- وجوه مشترک و تفاوت‌های زکات و صدقه را با کمک فقه بررسی کنید.
- ۵- تعداد بنیادها و مؤسسات خیریه منطقه خود را برشمرده و تحقیق کنید که به چه منظور ایجاد شده‌اند؟
- ۶- در رابطه با این که با ایجاد مؤسسات قرض الحسنه چه نوع بدی‌ها از بین خواهد رفت؛ بحث و گفتگو کنید.

الف) تعریف و حکم زکات



کلمه‌ی «زکات» به معنای تمیزی و برکت است. در اصطلاح فقهی زکات: «انفاق و بخشش قسمتی از اموال و دارایی‌ها توسط مسلمانی که شرعا ثروتمند و بی نیاز دانسته می‌شود؛ در راه خدا و در وجوه مربوطه» می‌باشد. زکات که یکی از پنج اصل اساسی دین مبین اسلام است در ماه شوال سال دوم هجری بر رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرض شده است.

خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن به زکات دستور داده است.

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» [البقرة: ۴۳] «و نماز را برپا دارید و

زکات را بپردازید.»

«... وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»

[الأنبياء: ۷۳] «... و انجام خوبی‌ها و اقامه‌ی نماز و دادن زکات را

بدیشان وحی کردیم.»

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ

قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» [التوبة: ۶۰]
 «زکات مخصوص مستمندان، بیچارگان، گردآورندگان آن، کسانی که محبتشان جلب می‌شود، (آزادی) بردگان، (پرداخت بدهی) بدهکاران، (صرف) در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه می‌باشد. این یک فریضه‌ی مهم الهی است و خدا دانا و حکیم است.»

مال و ثروتی را که انسان با کار و کسب به دست آورده، الله تعالی آن را آفریده و در خدمتش قرار داده است. وظیفه انسان، به دست آوردن مال و ثروتی است که خداوند در مقابل کار و تلاش به او ارزانی داشته و استفاده از آن در راستای دستورات الهی و ارزیابی آن به بهترین نحو می‌باشد. یکی از این راه‌های ارزیابی؛ زکات است. از آن‌جا که خداوند متعال به دادن زکات دستور داده است؛ پس انسان باید به این دستور عمل کند.

بیشتر بدانیم



زکات کمکی نیست که دادن یا ندادنش به اراده انسان واگذار شود، بلکه حق فقیر و وظیفه‌ی اجباری ثروتمند است که باید آن را ادا کند. قرآن کریم این مسأله را چنین بیان کرده است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» [الذاریات: ۱۹] «در اموال و دارایی آنان حقی و سهمی (جز زکات) برای تنگدستان و بینوایان است.» به همین دلیل، حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - زمانی که به عنوان رئیس دولت برگزیده شد؛ با کسانی که زکات نمی‌دادند مبارزه کرد.

ب) فواید زکات

سهم جامعه‌ای که ثروتمندان در آن زندگی می‌کنند؛ در شکل‌گیری ثروت آنان بسیار زیاد است. آیا کسی که به تنهایی زندگی کند؛ می‌تواند ثروتمند باشد؟ بدین ترتیب کسی که زکات می‌دهد، هم شکر و سپاس خداوند متعال که او را ثروتمند نموده؛ به جای می‌آورد و هم تشکری که به جامعه بدهکار است را ادا می‌نماید.

زکات باعث برکت مال شده و موجب رشد و تکثیر می‌گردد. در قرآن چنین آمده است: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» [ابراهیم: ۷] «اگر شکر و سپاسگزاری کردید، هر آینه (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهم و اگر کافر و ناسپاس شدید؛ بی‌گمان عذاب من بسیار سخت است.» «... وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» [سبا: ۳۹] «... و هر چه را (در راه خدا) ببخشید و صرف کنید، خدا جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.»

زکات دادن مثل هرس کردن درخت است. شخص زکات دهنده احساس می‌کند که از اموالش کم شده است پس برای جبران و رشد آن بیشتر کار می‌کند و بدین ترتیب مال و ثروتش بزرگ و بزرگ‌تر می‌گردد.

مؤمنان باید پول خود را ارزیابی و آن را به سرمایه‌گذاری تبدیل کنند زیرا کسانی که اموال خود را ارزیابی و سرمایه‌گذاری نمی‌کنند؛ مجبورند زکات بیشتری بپردازند. بدین ترتیب زکات، با ممانعت از مخفی شدن و راکد ماندن پول و ثروت در زیر بالش‌ها؛ آن‌ها را به سوی بازار روانه کرده و زنده و در حال تکاپو نگه داشته و به جریان می‌اندازد.

زکات بخل را از بین می‌برد و انسان را سخاوتمند می‌سازد. مسلمانان ثروتمندی که زکات خود را به نیازمندان می‌دهند؛ در مقابل محبت مردم را نیز به دست خواهند آورد. بدین ترتیب جامعه‌ای ایجاد خواهد شد که همه نسبت به یکدیگر محبت، احترام و اعتماد متقابل داشته، حسادت از بین رفته و همبستگی اجتماعی به بهترین وجه اجرا شده و جامعه‌ای آکنده از آرامش خاطر پدید می‌آید.

زکات؛ همان طور که قلب ثروتمند را از بخل پاک می‌کند؛ اموال ثروتمند را نیز از کسب حرام پاک می‌گرداند. پروردگار ما در قرآن کریم می‌فرماید:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» [التوبة: ۱۰۳] «از اموال آنان زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را پاک داری و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه‌ی آرامش (دل و جان) ایشان می‌شود و خداوند شنوای آگاه است.»

زکات یک نظام تعاون و همیاری اجتماعی است. زکات و سایر اشکال کمک مالی در اسلام، با رفع عدم تعادلی که ممکن است در نتیجه‌ی تفاوت ثروت بین فقیر و غنی ایجاد شود را از بین برده و آرامش و سکونت را برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

زکات پل اسلام است. فقیر و غنی را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: «حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ، وَذَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَأَعِدُّوا لِلْبَلَاءِ الدُّعَاءَ» «اموالتان را با پرداخت زکات محافظت کنید، بیمارانتان را با صدقه درمان کنید و با دعا برای هر گونه بلا و مصیبتی آماده باشید.»

ج) شروط فرض بودن زکات

فرض شدن زکات بر یک شخص؛ منوط به وجود برخی شروط است. بخشی از این شروط مرتبط با شخص زکات دهنده و بخشی نیز مرتبط به مالی که زکات به آن تعلق می‌گیرد؛ می‌باشد.

الف/ شروط لازم برای مکلف (زکات دهنده):

ادای زکات بر کسی که تمام شرایط زیر را دارا باشد؛ فرض است:

۱- **مسلمان بودن:** زن نیز مانند مرد مکلف به پرداخت زکات است. دادن زکات برای زن به دلیل مهریه یا طلا و نقره و پولی که از راه‌های دیگر کسب شده و به حد نصاب رسیده است؛ الزامی می‌باشد.

۲- **عادل بودن:** زکات بر کسی که عادل نیست؛ فرض نمی‌باشد.

۳- **رسیدن به سن بلوغ:** دادن زکات بر کودکانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند؛ فرض نیست. اما امام شافعی معتقد است که ولی کودک نابالغ، باید به جای کودک از مال او زکات اموالش را بدهد. علمای امروزی نیز بیان کرده‌اند که اگر اموال کودکان یا بیماران روانی به کار گرفته شده و درآمدزایی داشته باشد؛ کارکنان باید زکات اموالشان را بدهند.

۴- **آزاد بودن:** دادن زکات بر برده و کنیز فرض نیست. شخص زندانی و محکوم به حبس؛ در صورت داشتن سایر شرایط باید زکات اموال خود را بدهند.

۵- **دارا بودن مقدار نصاب مال:** اموال کسی که زکات می‌دهد؛ باید بیش از نیازهای اولیه - و در صورت وجود بدهی بیشتر از مقدار پرداخت آن - بوده و به حداقل حد نصاب برسد.



نقره:
۲۰۰ درهم



پول نقد:
به ارزش ۲۰ مثقال طلا



طلا:
۲۰ مثقال



محصولات کشاورزی:
۵ وسق



شتر:
۵ عدد



گاو و بوفالو (گاو میش):
۳۰ عدد



گوسفند و بز:
۴۰ عدد

منظور از نیازهای اولیه: خانه‌ای که شخص در آن زندگی می‌کند به صرف نظر از این که چقدر زیبا باشد، اثاثیه‌ی مورد نیاز داخل این خانه، کتاب‌ها، پوشاک مورد نیازی که متناسب با عرف است، کامپیوتر شخصی، موبایل، تلفن، اتومبیل، وسیله‌ی نقلیه، حیوانات باربر، سگ شکاری، هزینه مواد غذایی و احتیاجات سوپرمارکتی به اندازه‌ی یک ماه در صورتی که شخص معاش خوار باشد، ابزار و آلات کار برای صنعتگر و کسی که با استفاده از آن ابزار امرار معاش می‌کند و هم چنین سلاح‌هایی که شخص از آن استفاده می‌کند. به پول نقدی که به اندازه‌ی قرض شخص نزد او هست و نیز سنگ‌های قیمتی مانند مروارید، زمرد و الماس که زن نه بعنوان تجارت بلکه به عنوان زینت شخصی از آن استفاده می‌کند؛ زکات تعلق نمی‌گیرد.

نصاب، مقدار و معیار مشخصی است که شرع برای اموال تعیین کرده است. حد نصابی که در زمان پیامبر(صلی الله علیه وسلم) برای اموال تعیین شده است؛ عبارتست از:

* برای طلا: ۲۰ مثقال. یک دینار مکه ۴,۲۵ گرم است. ۲۰ مثقال = ۸۵ گرم طلا.^{۱۰۱}

* برای پول نقد و مال التجارة: مقداری برابر با ارزش ۲۰ مثقال طلا است. به عنوان مثال اگر یک گرم طلا ۱۰۰ لیر باشد؛ کسی که ۸۵۰۰ لیر پول دارد، ثروتمند محسوب می‌شود.

* برای نقره: ۲۰۰ درهم. یک درهم مکه ۲,۹۷۵ گرم است. ۲۰۰ درهم = ۵۹۵ گرم نقره. به عنوان مثال: اگر یک گرم نقره ۱,۶۸ لیر باشد؛ کسی که به اندازه‌ی ۱۰۰۰ لیر نقره دارد؛ ثروتمند محسوب می‌شود.

* برای گوسفند و بز: ۴۰ عدد.

* برای گاو و گاومیش: ۳۰ عدد.

* برای شتر: ۵ عدد.

* برای محصولات کشاورزی: ۵ وسق است. یعنی محصول غذایی که به ابعاد ۲۳ در ۲۳ در ۳۵ سانتی متر با وزنی بین ۱۷ تا ۲۰ کیلوگرم بوده و که متقابل با معیارهای استاندارد ۳۴ قوطی می‌باشد.

بنا به رأی امام ابوحنیفه با توجه به وجود امر قطعی در آیه‌ی زیر در محصولات کشاورزی حد نصاب وجود ندارد.

«وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» [الأنعام: ۱۴۱] «... و زکات لازم آن‌ها را در روز درو بدهید.»

ب/ شروط لازم برای مالی که زکات به آن تعلق می‌گیرد

۱- مال باید از نوع تولیدی و افزایشی باشد: دو نوع تولید و افزایش در مال وجود دارد:

اول: افزایش مال التجارة در حیواناتی مانند گوسفند، بز، گاو با زاد و ولد آن‌ها صورت می‌گیرد که تولید واقعی نامیده می‌شود. حیوانات با زایش و متاع‌های تجاری نیز در تاریخ جهان با افزایش قیمت آن در زندگی روزمره رشد کرده و افزایش می‌یابند.

دوم: تکثیر در دارایی‌های معتبر و با ارزشی مانند طلا، نقره و پول نیز رشد حکمی نامیده می‌شود. صرافی هم در این دسته گنجانده می‌شود. طلا، نقره، پول و ارز خارجی معمولاً خودبخود افزایش نمی‌یابند اما در بازار جهانی معمولاً در طول سالها، ارزش بیشتری پیدا می‌کنند.

۱۰۱- در احادیث شریفه بیان شده است که در اختلافات فقهی، پول مکه اساس قرار داده می‌شود.

درآمد حاصله از اموال منقول یا غیرمنقول نیز به عنوان دارایی‌های تولیدی و افزایشی محسوب می‌شوند. زکات به خود این اموال تعلق نمی‌گیرد بلکه درآمد آن‌ها مشمول زکات است. مثلاً از درآمدهای تاکسی تجاری، وسایل نقلیه حمل و نقل، از کرایه‌ی منزل اجاره‌ای، از اجاره‌ی دریافتی از محل کار و از محصولات زمین کشاورزی زکات داده می‌شود.

زکات به اموالی مانند خانه، زمین، مغازه، ماشین آلات، ابزار، ماشین و غیره که برای کسب درآمد و مقاصد تجاری اجاره داده نشده و به فروش نمی‌رسد؛ تعلق نمی‌گیرد.

۲- در اختیار داشتن مالکیت مال: زکات دهنده، باید مالی که به آن زکات تعلق می‌گیرد را کاملاً در اختیار داشته و حق هرگونه تصرف در آن را داشته باشد.

علماً با توجه به شرط مالکیت کامل در زکات؛ به این نتایج رسیده‌اند:

(الف) وقتی قرار است زکات داده شود، مال باید در اختیار خود شخص باشد.

(ب) مال و کالایی که وجه آن پرداخت شده اگر چه هنوز به دست صاحبش نرسیده باشد؛ مشمول زکات است.

(ج) کالایی که توقیف شده و حق تصرف آن از مالک غصب شده باشد، زکات ندارد.

(د) اگر مالی پس از فرض شدن زکات بر آن و پیش از پرداخت زکاتش تلف شود، پرداخت زکات آن لازم نیست.

(هـ) به کالایی که متعلق به شخص است ولی مفقود شده و احتمال برگشت مجدد آن وجود ندارد؛ زکات تعلق نمی‌گیرد. اموالی که به دریا افتاده و قابل خارج کردن نیست، پولی که در جایی پنهان و مکانش فراموش شده، طلب‌هایی که پرداخت شده ولی پرداخت آن قابل اثبات نیست هم از این دسته می‌باشند. اما اگر روزی این‌ها را بتوان دوباره به دست آورد، زکات آن‌ها باید پرداخت شود.

(و) به اموالی که متعلق به شخص یا اشخاص خاصی نیست؛ زکات تعلق نمی‌گیرد. بنابراین از اموالی دولتی که در جهت منافع عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد یا از اموال وقفی که به عنوان اموال خیریه عمومی اهدا می‌شود، زکات داده نمی‌شود.

(ز) به پولی که به عنوان قرض داده شده و کالای تجاری فروخته شده به ورثه که مبلغش مشخص است و طلب‌هایی که احتمال دریافت آن بسیار زیاد است؛ زکات تعلق می‌گیرد. هنگام وصول چنین مطالباتی زکات به آن تعلق می‌گیرد.

(ح) به اموال و پول‌هایی که شخص از راه حرام کسب کرده است؛ زکات تعلق نمی‌گیرد. اگر صاحب اموال حرام موجود باشد؛ باید اموالش به او بازگردانده شود و اگر صاحبش نباشد؛ باید بین فقرا تقسیم شود. اگر مال حلال مخلوط با مال حرام شود به گونه‌ای که امکان تفکیک آن وجود ندارد، باید زکات همه‌ی این اموال پرداخت شود.

(ط) اگر مالک، اموالی که زکات به آن تعلق می‌گیرد را جدا کرده اما پیش دادن زکات به فقیران؛ فوت کند، این مال به ورثه می‌رسد. اگر مالک وصیتی مبنی بر پرداخت زکات گذاشته باشد؛ از یک سوم ترکه، این قرض زکات پرداخت می‌شود.

۳- گذشت یک سال از آن مال: به مالی که به حد نصاب رسیده و قابلیت افزایش و رشد را دارد اما یک سال قمری کامل از آن نگذشته باشد، زکات تعلق نمی‌گیرد. اگر در اواسط سال مال دچار زیان شده و کم شود؛ به آن اهمیت داده نشده و مانعی برای پرداخت زکات نمی‌باشد.

زکات اموالی که یک سال قمری از آن گذشته است؛ با توجه به مقدار آن در پایان سال پرداخت می‌شود. مثلاً؛ اگر گوسفندان شخصی در روز پنجم ماه رمضان ۴۰ عدد باشد، یک سال بعد یعنی در روز پنجم ماه رمضان تعداد گوسفندانش به ۱۲۱ گوسفند برسد؛ باید (۲ گوسفند) به عنوان زکات داده شود.

برای دادن زکات پول نقد، طلا، نقره، اموال تجاری و دامها، گذشت یک سال شرط است. برای معادن، محصولات کشاورزی و میوه‌ها نیازی به گذشت یک سال نیست. با استخراج مواد معدنی از معدن‌ها و برداشت محصول کشاورزی و میوه‌ها، زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

(د) شروط صحت زکات

برای این که زکات داده شده صحیح (درست و معتبر) باشد، باید نکات زیر رعایت شود:

الف / شروط مربوط به زکات دهنده

۱- شرط نیت: مکلف، هنگام تخصیص اموال برای زکات یا جدا کردن مالی برای پرداخت به عنوان زکات باید این را قلباً نیت کند.

اگر شخصی مال خود را بدون نیت داده باشد؛ تا زمانی که مال از دست او خارج نشده، می‌توان نیت کند اما اگر زکات گیرنده آن را خرج کرده باشد، نیت بعد از آن کافی نیست.

پاداشی که در روزهای عید و دیگر روزها به خدمتکاران، کودکان نیازمند و فقیرانی که خبر خوشی را می‌آورند؛ داده می‌شود، می‌تواند با نیت زکات داده شود.

۲- شروط مربوط به حد نصاب: مالی که به عنوان زکات اموالی که به حد نصاب نرسیده است؛ پرداخت شود، صدقه محسوب می‌شود.

کسی که اموالش به حد نصاب رسیده؛ می‌تواند پیش از موعد (قبل از گذشت یک سال بر آن مال) زکات آن را بدهد.

ب / شروط مربوط به مالی که زکات به آن تعلق می‌گیرد

۱- شروط مربوط به کیفیت کالا: کالایی که به عنوان زکات داده می‌شود نباید کیفیت پایینی داشته باشد. کالاها نباید خیلی قدیمی و بی کیفیت باشند. اگر مالی که به عنوان زکات داده می‌شود به درد فقرا نمی‌خورد، باید بهای معادل آن داده شود.

۲- شرط واگذاری و تحری (پیگیری): واگذاری، به معنای انتقال مالکیت کالا یا مالی که به عنوان زکات داده می‌شود به شخص زکات گیرنده. تحری (پیگیری) نیز یعنی شخص مکلف به پرداخت زکات، تحقیق کند که آیا زکاتش به دست یکی از ۸ گروه زکات گیرنده‌ای که در آیه ذکر شده‌اند؛ رسیده است یا نه.

اگر ثروتمند از فقری که در خانه‌اش مستاجر است، کرایه نگیرد و آن را به جای زکات خود به حساب آورد، زکات او پرداخت نشده است زیرا فقیر هیچ تملکی بر آن ندارد. غذایی که به فقرا و یتیمان داده می‌شود نیز زکات حساب نمی‌شود.

اما اگر لباس مورد نیاز فقیر را به نیت زکات بخرد و بپوشاند یا مواد غذایی یا مواد شوینده‌ی مورد نیاز خانه را تهیه کند یا خانه‌اش را تعمیر کنند، به عنوان زکات حساب می‌شود.

زکات باید به کسانی که مستحق آن هستند؛ داده شود. در قرآن به صراحت آمده است که زکات به چه کسانی تعلق می‌گیرد. کسی که پس از تحقیق و بررسی به این نتیجه برسد که فلان شخص نیازمند است و زکات خود را به او بدهد سپس معلوم شود که آن شخص ثروتمند بوده است؛ لازم نیست دوباره زکاتش را پرداخت کند. چون زکاتی که با تحری و تحقیق داده شود؛ صحیح است. اگر تحقیق نکند یا تحقیقات خود را ناقص انجام دهد، یا توجه نکند به این که به چه کسی می‌دهد و در نهایت معلوم شود که به شخص مستحق نداده است، باید دوباره زکاتش را بدهد. مالیات پرداختی به دولت زکات محسوب نمی‌شود. از آن جایی که هشت گروه مستحق زکات در قرآن به صراحت بیان شده‌اند؛ نمی‌توان آن را در جاهای دیگر صرف کرد، اما مالیات این‌طور نیست. هم‌چنین زکات و تعهدات مالیاتی متفاوت هستند، به همین دلیل مسلمانان نمی‌توانند مبلغی را که به عنوان مالیات می‌دهند را از روی زکاتشان کم کنند.

هـ) نحوه‌ی دادن زکات

۱- مسلمان باید زکات خود را فقط برای کسب رضای خداوند بدون «منت» و «اذیت» پرداخت کند. یعنی کار نیکی که با شکستن دل، تحقیر فقرا، اذیت و منت گذاشتن بر آنان انجام شود؛ نزد خداوند هیچ ارزشی ندارد.

۲- از نظر احناف، به منظور حفظ آبروی زکات گیرنده و دوری از تظاهر بهتر است زکات به صورت مخفیانه به مستحق داده شود. بنا به رأی شوافع و حنابله، برای تشویق مردم به این عبادت بهتر است زکات آشکارا داده شود. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ تَبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» [البقرة: ۲۷۱] «اگر بذل و بخشش‌ها را آشکار کنید، چه خوب و اگر آن‌ها را پنهان دارید و به نیازمندان بپردازید، برای شما بهتر خواهد بود و برخی از گناهان شما را می‌زداید و خداوند آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.»

از نظر همه فقها به غیر از زکات، دادن صدقات و دیگر پرداخت‌های داوطلبانه به صورت مخفیانه فضیلت بیشتری دارد.

۳- بهتر است شخص زکات دهنده اعلام نکند که آن‌چه به فقیر می‌دهد؛ زکات است. فقهای مالکی گفته‌اند: «مطلع کردن شخص مستحق از زکات بودن مالی که به وی داده می‌شود؛ مکروه است چون باعث دل‌آزردگی وی می‌گردد.»

۴- ضروری نیست که مسلمان زکات خود را شخصا بپردازد. برای انجام این فریضه می‌تواند یک مسلمان مورد اعتماد یا وقفی را به عنوان وکیل خود تعیین کند. شخص ثروتمند باید شخص یا وقفی که به عنوان وکیل خود تعیین کرده است را از زکات بودن آن مال مطلع ساخته و آن را به دست مستحقانش برساند.

برخی از فقهای مالکی برای پرهیز از ریا و نیز تعریف و تمجید مردم از این موضوع، پرداخت زکات با وساطت وکیل را مناسبتر می‌دانند.

۵- زکات باید بدون تأخیر و سر وقتش داده شود. مالی که زکات آن پرداخت نشده، پاک نیست. به همین دلیل، کسی که زکات خود را بدون عذر به تأخیر بیندازد، گناهکار می‌شود.

۶- مسلمان نباید کالایی را که دوست ندارد دیگران به او بدهند را به عنوان زکات و صدقه بدهد.

۷- هنگام دادن زکات و صدقه، باید گستاخان، از فقرای واقعی که فقر و گرفتاری خود را مخفی و پنهان می‌دارند؛ تشخیص داده شوند. شخص مکلف به پرداخت زکات می‌بایست متقیان و کسانی که از خداوند متعال می‌ترسند و از شدت حیا نیاز خود را با مردم درمیان نمی‌گذارند را پیدا کرده و زکاتشان را به آنان بدهند.

۸- پرداخت زکات به خویشاوندی که مستحق گرفتن زکات است؛ فضیلت بیشتری دارد.

۹- زکات باید میان فقیرانی که در محله‌ای که خود شخص ثروتمند زندگی می‌کند یا در مکانی که دارایی‌های وی قرار دارد؛ پخش شود.

با این حال، اگر اقوام فقیر یا افراد نیازمند بیشتری در خارج از آن منطقه وجود دارند، می‌تواند آنان را ترجیح دهد.

۱۰- می‌بایست در حال دادن و گرفتن زکات دعا خوانده شود. خداوند متعال در آیه ۱۰۳ سوره‌ی توبه خطاب به پیامبر(صلی الله علیه وسلم)

می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» [التوبة: ۱۰۳] «از اموال آنان زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را پاک داری و ایشان را بالا ببری و برای آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه‌ی آرامش ایشان می‌شود و خداوند شنوای آگاه است.»

حضرت پیامبر(صلی الله علیه وسلم) نیز با اجرای این امر برای کسی که زکات آورده بود؛ چنین دعا فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ فُلَانٍ»^{۱۰۲} «پروردگارا، به خانواده‌ی فلانی درود بفرست.»

گفتن این دعای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حین دادن زکات مندوب است: «پروردگارا، این زکات را برای من مایه‌ی سود و فایده بگردان، آن را بسان پرداخت قرضی بدون هیچ نیت و خلوصی مگردان.»

و زکات به چه کسانی داده می‌شود؟

در قرآن کریم، در مورد افراد و مصرف کنندگانی که باید زکات داده شود، چنین آمده است:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» [التوبة: ۶۰] «به درستی که زکات مخصوص مستمندان، بیچارگان، گردآورندگان آن، کسانی که جلب محبتشان (برای اسلام سودمند است)، (آزادی) بردگان، (پرداخت بدهی) بدهکاران، در راه خدا و مسافران (وامانده در راه) می‌باشد. این یک فریضه‌ی مهم الهی است و خدا دانا و حکیم است.»

بر اساس این آیه، افرادی که به آن‌ها زکات داده می‌شود، عبارتند از:

۱- **فقیران:** کسانی که شرعاً ثروتمند و بی نیاز محسوب نشده و به اندازه‌ی نصاب پول و اموال ندارند، کسانی که درآمد آن‌ها پاسخگوی نیازهای آن‌ها نمی‌باشد؛ افراد فقیر و نیازمند هستند.

۲- **مسکینان و بیچارگان:** کسانی که هیچ درآمد و دارایی ندارند، نیازمندانی که اگرچه که محتاج خوراک و پوشاک هستند اما گدایی نمی‌کنند، معلولان و بیمارانی که توانایی پرداخت هزینه‌های درمان را ندارند، سالمندان نیازمند مراقبت، بینوایان و زندانیان در این زمره قرار دارند.



۳- مأموران زکات: کسانی که درگیر انواع

کارهای مربوط به جمع آوری و توزیع زکات هستند - این‌ها اگر هم ثروتمند باشند - در مقابل کاری که انجام می‌دهند؛ از زکات جمع آوری شده به آنان مبلغی داده می‌شود. با این سیستم، کارمندان تشویق شده و از دخالت آن‌ها در کلاهبرداری جلوگیری می‌شود.

۴- کسانی که برای به دست آوردن به

آنان زکات داده می‌شود (مؤلفه القلوب): کسانی

که تازه اسلام آورده‌اند و در عین حال افرادی هستند که در مسلمان شدن دیگران تأثیرگذار بوده و دیگران به حرف آن‌ها گوش می‌دهند. هدف از دادن زکات به این افراد؛ تقویت ایمان آن عده که ایمانشان ضعیف است و نیز جلوگیری از شر عده‌ای دیگر از آنان می‌باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم)، در جریان فتح مکه به این گونه افراد سهمی از زکات داد. حضرت عمر - رضی الله عنه - در زمان خلافتش به مؤلفه القلوب هیچ زکاتی نداد. او گفت که مسلمانان قوی شده و اسلام دیگر نیازی به چنین افرادی ندارد. این رویه در دورانی که اسلام قدرتمند بود؛ هم چنان ادامه داشت.

۵- بردگان (زندانی): می‌توان زکات را به منظور آزادسازی بردگان مؤمن داد. بنا به رأی برخی از علما اسرای

مسلمانی که توسط دشمن دستگیر شده‌اند؛ نیز از این گروه هستند.

۶- بدهکاران: کسانی که در زمان سررسید بدهی، قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.

۷- کسانی که در راه خدا در حال حرکت هستند: آنان کسانی هستند که آماده برای جنگ در راه خدا

هستند اما به خاطر نداشتن توشه، غذا، اسب، سلاح و غیره از جنگ بازمانده‌اند. کسانی که برای سفر حج به راه افتاده‌اند اما در طول سفر محتاج و نیازمند گشته‌اند. دعوتگرانی که برای اطاعت از فرامین الهی و کار در راه‌های خیر و انتشار اسلام به کشورهای دیگر می‌روند. دانشجویان فقیری که برای رضای خدا در طلب علم و تحصیل آن هستند نیز از این گروه می‌باشند.

۸- مسافران (در راه ماندگان): یعنی کسی که در طول سفر پولش تمام شده و بدین ترتیب در میان راه

مانده و توان بازگشت به وطن خود را ندارد. کسی که برای حفظ دین و ناموس خود و فرار از ظلم ستمگر برای خداوند متعال هجرت کرده و خانه و کاشانه‌ی خود را ترک کرده است؛ نیز جزو این گروه هستند.

توزیع مساوی زکات بین این هشت گروه شرط نیست. همان طور که می‌توان تمام زکات را به یک نفر داد؛ می‌توان آن را میان چند نفر هم تقسیم کرد. در این راستا سودمندترین روش آن است که نیاز اساسی یک فقیر برطرف شده و او را از این وضعیت خلاص کرد. حتی می‌توان نیازمندی که به سختی با زکات امرار معاش می‌کنند را از کرایه نشینی خلاص کرده و صاحب خانه نمود.

تحقیق و بررسی کنید

آیا ثروتمندان می‌توانند زکات بگیرند؟ در چه مواردی می‌توان زکات را به ثروتمندان داد. بررسی کنید.



ز) به چه کسانی زکات داده نمی‌شود؟

۱- به اشخاص تحت تکفل زکات دهنده: شخص نمی‌تواند به مادر، پدر، پدربزرگ، مادربزرگ، فرزندان و نوه‌های خود - حتی اگر فقیرهم باشند - زکات بدهد. بنا به رأی امام اعظم ابوحنیفه زن و شوهر نمی‌توانند به یکدیگر زکات بدهند زیرا این افراد مستوجب نفقه هستند. بنا به رأی امامین، اگر شوهر از تأمین نفقه عاجز و ناتوان باشد؛ همسرش می‌تواند به او زکات بدهد، چون زن مجبور و مکلف نیست مخارج زندگی شوهرش را تأمین کند.

۲- به اغنیا: به ثروتمندانی که به اندازه‌ی حد نصاب پول و دارایی دارند، زکات داده نمی‌شود. پسری که پدرش پولدار است، زنی که شوهرش ثروتمند باشد ثروتمند محسوب می‌شود. اما جایز است که یک مرد ثروتمند از زکات دیگران، به فرزند بزرگش که از کسب درآمد عاجز و ناتوان است و نیز به پدر فقیرش، بدهد.

به افرادی که مقدار نصاب مال را ندارند اما می‌توانند به راحتی امرار معاش کنند؛ زکات داده نمی‌شود.

۳- به کسانی که با وجود توانمندی، از سر تنبلی کار نمی‌کنند: رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِغَنِيِّ وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ»^{۱۰۳} «زکات برای ثروتمند و برای فرد نیرومند غیر معلول حلال نیست.»

۴- غیر مسلمانان: زکات را نمی‌توان به غیر مسلمان داد. زیرا زکات حق مسلمان فقیر است. دادن پول زکات به افرادی که آن را در راه گناه مانند شراب و قمار خرج می‌کنند یا آن را اسراف می‌کنند؛ درست نیست.

۵- جاهای مانند، مسجد، مکتب، چشمه، راه، پل: از آنجایی که زکات حق افراد واقعی است، حتی برای ساختن چنین مکان‌هایی نیز نمی‌توان زکات داد. زیرا در زکات شرط تخصیص به شخص وجود دارد.

ح) کالاهای مشمول زکات

الف / زکات طلا و نقره و پول

حد نصاب طلا بیست مثقال (۸۵ گرم) و نصاب نقره دویست درهم (۵۹۵ گرم) است. حد نصاب پول یا ارز به اندازه‌ی نصاب طلا است.^{۱۰۴} وقتی پول به ارزش ۸۵ گرم طلا رسید، زکات به آن تعلق می‌گیرد.

نرخ زکات طلا، نقره و پول یک چهلم یا ۲،۵ (دو و نیم) درصد است. کسی که پول نقد، ارز، طلا یا نقره دارد؛ پس از کم کردن نیازهای اساسی و بدهی‌های اولیه خود و اضافه کردن مطالبات قطعی خود به آن، اگر میزان پول باقیمانده‌اش به ارزش ۸۵ گرم طلا و بیشتر برسد؛ ثروتمند و بی‌نیاز محسوب می‌شود. اگر بعد از گذشت یک سال اموالش را حساب کند و به غیر از نیازهای اساسی مبلغی به ارزش ۸۵ گرم طلا داشته باشد؛ باید یک چهلم پولش را به عنوان زکات پرداخت کند.

در صورتی که طلا یا نقره‌هایش به صورت مخلوط باشد، هر کدام از این دو ماده که بیشتر باشد؛ اصل قرار داده می‌شود. برای تعلق گرفتن زکات به طلا و نقره وزن آن‌ها در نظر گرفته می‌شود نه ارزش آن‌ها. زکات به تمام طلا

^{۱۰۳}-ترمذی، الزکاة، ۲۳، نسایی، الزکاة، ۹۰.

^{۱۰۴}-امروزه حین محاسبه حد نصاب ارزها، حد نصاب طلا که در بازار غالب است، در نظر گرفته می‌شود. اما علمایی هم هستند که معتقدند به خاطر منفعت فقرا، بهتر است حد نصاب نقره اساس قرار داده شود.

و نقره‌های موجود در خانه اعم از خشت‌ها، جام‌ها یا ظروفی که در منزل استفاده می‌شوند، تعلق می‌گیرد. جواهرات، زیورآلات و تابلوهای ساخته شده از طلا یا نقره نیز زکات دارند.

زیورآلاتی مانند مروارید، زمرد و یاقوت و زیورآلاتی که زنان به عنوان زینت استفاده می‌کنند؛ زکات ندارد. اما اگر به قصد پس انداز باشد؛ زکات آن باید پرداخت گردد.

اگر مقدار اجناس فلزی که از دیگر فلزات ساخته شده و مورد نیاز نیستند و ارزش آن‌ها به اندازه نصاب طلا برسد؛ زکات به آن تعلق می‌گیرد.

شخصی که خانه ندارد و از پولی که برای خرید خانه پس انداز کرده است؛ یک سال می‌گذرد، اما هنوز خانه‌ای نخریده است اگر پولش از نصاب بیشتر باشد، باید زکات این پول را بدهد. اگر در مؤسسات مالی به صورت مشارکت انتفاعی سرمایه گذاری شود؛ باید زکات آن در آخر سال هم از سرمایه و هم از سود حاصله به میزان یک چهارم پرداخت شود.

ب/ زکات کالاهای تجارتي

در قرآن کریم، به دادن زکات کالاهای تجارتي دستور داده شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» [البقرة: ۲۶۷] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه‌ی اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، انفاق کنید.»

برای این که یک کالا؛ کالای تجاری باشد، باید دو عنصر را با هم داشته باشد. عمل (خرید و فروش) و نیت (قصد کسب سود). اگر یکی از این دو کم باشد، آن کالا، کالای تجاری نیست.

هر نوع کالایی که برای کسب سود از طریق تجارت نگهداری می‌شود؛ مشمول زکات است. به صرف نظر از جنس کالاهای تجاری؛ اگر ارزش آن به حد نصاب طلا برسد، باید زکاتش پرداخت شود.

زکات کالای تجارتي، با در نظر گرفتن کل سرمایه پرداخت می‌شود نه با توجه به سود آن. اگر تاجر ضرر کند؛ باز هم تا زمانی که مالش بالاتر از حد نصاب است، باید زکاتش را بدهد.

طلا، نقره، پول و کالاهای تجاری در تکمیل حد نصاب به یکدیگر اضافه می‌شوند.

زکات کالاهای تجارتي را می‌توان هم به صورت کالا و هم به صورت محاسبه قیمت نقدی پرداخت نمود. ارزش کالاهای تجاری با محاسبه ارزش عمده فروشی تعیین می‌شود.

در پایان سال، تاجر کالای تجاری، نقدینگی موجود و طلب‌های دریافتی در مقابل کالاهای تجاری‌اش را با هم جمع کرده قرض‌هایش را از آن کم می‌کند، سپس ۲,۵ درصد از ارزش کل این اموال را به عنوان زکات پرداخت می‌کند. کاهش و افزایش اموال در طول سال اهمیتی ندارد.

به سرمایه‌ی ثابت غیر فزاینده مانند ساختمان کارخانه، ماشین آلات و وسایل نقلیه خدماتی زکات تعلق نمی‌گیرد. با این حال، برای انواع وجوه نقد، مواد اولیه، ارزش‌های اقتصادی تمام شده یا نیمه تمام یک چهارم (۲,۵٪) به عنوان زکات داده شود.

از آنجایی که سهام معامله شده در بورس مانند یک کالای تجاری است، زکات باید به نسبت یک در چهل (۲,۵٪) بر ارزش آن‌ها داده شود.

در شرکت‌ها هر یک از شرکا زکات خود را با در نظر گرفتن دارایی‌های خارج از شرکت محاسبه و پرداخت می‌کند. اما در صورتی که مدیریت شرکت با توجه به اساسنامه شرکت مجاز به محاسبه زکات و دادن آن به مستحقان آن باشد؛ مدیریت شرکت می‌تواند با ایجاد تملک با نیت زکات؛ برای نیازمندان و فقرا، زکات را از سوی دیگر شرکا پرداخت کند. باید یک چهل‌م ارزش ساختمان‌هایی مانند خانه‌ها، مغازه‌ها، محل کار و کلیه املاک و مستغلات که برای مقاصد تجاری نگهداری می‌شوند و برای فروش خریداری می‌شوند و هم چنین موترهای مازاد از احتیاج، به عنوان زکات پرداخت شود.

زکات باید به نسبت یک چهل‌م بر ارزش داده شود. یک کالا حتی اگر فروخته نشود، اگر برای فروش آگهی شده باشد یا وکالت و صلاحیت فروش آن به شخص دیگری داده شده باشد؛ باز هم کالای تجاری محسوب شده و مشمول زکات است.

ج/ زکات حیوانات

به حیواناتی که به منظور تولید مثل، تولید شیر یا پشم پرورش یافته و بیش از نیمی از سال را در مراتع و چراگاه‌ها سپری می‌کنند «سائمه» یعنی دام می‌گویند. هنگامی که تعداد این دست از حیوانات مانند گوسفند، بز، گاو، گاومیش و شتر به حد نصاب برسد و یک سال از آن بگذرد؛ باید زکاتشان پرداخت شود. اگر تعداد حیوانات سائمه در ابتدای سال به حد نصاب برسد و در اواسط سال تعداد آن‌ها بیشتر شود؛ در آخر سال زکات با توجه به تعداد همه‌ی آن‌ها داده می‌شود و برای آن دسته از حیواناتی که بعداً اضافه شده‌اند؛ گذشت یک سال شرط نیست.

در زکات حیوانات، حیوانات مشخص را میتوان به عنوان زکات داد یا که ارزش آنها را داد. چوپه حیوانات هم به زکات شامل می‌باشد.

اگر زکات حیوانات به صورتیکه حیوان داده شود؛ نباید پست‌ترین و یا باارزش‌ترین حیوان باشد، بلکه حیوانی در سطح متوسط باشد.

حیوانی که بیشتر سال را در طویله با خوراک آماده تغذیه می‌شود «عالوفه» نامیده می‌شود.

زکات حیوانات از نوع عالوفه که برای تجارت و قربانی خرید و فروش می‌شوند؛ مانند مال التجاره بوده و به اندازه‌ی ۲٫۵ درصد از ارزش آن پرداخت می‌شود.

حیواناتی که در طویله فقط برای شیر، گوشت و تولید مثل تغذیه و پرورش داده می‌شوند، در صورتی که فروخته نشوند؛ سرمایه محسوب شده و فقط ۲٫۵ درصد از سود آن به عنوان زکات پرداخت می‌شود.

اسب، قاطر، الاغ، گاو که در حد برطرف کردن نیازهای ضروری و برای زراعت، حمل بار، سواری پرورش یافته و مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ زکات ندارند.

جابر بن عبدالله گفته است: گاوی که برای کشاورزی استفاده می‌شود؛ زکات ندارد.

زکات گوسفند و بز:

نصاب گوسفند و بز سائمه چهل است و زکاتش به این صورت است:

بین ۰ تا ۳۹ گوسفند زکاتی وجود ندارد.

۴۰ تا ۱۲۰ گوسفند ۱ گوسفند،

۱۲۱- ۲۰۰ گوسفند ۲ گوسفند،

۲۰۱- ۳۹۹ گوسفند ۳ گوسفند،

در ۴۰۰ گوسفند، ۴ گوسفند زکات دارد. پس از آن به ازای هر صد گوسفند یک گوسفند زکات تعلق می‌گیرد. به عنوان مثال برای ۴۹۹-۴۰۰ گوسفند چهار گوسفند، برای ۵۹۹-۵۰۰ گوسفند پنج گوسفند زکات داده می‌شود.

از آن جایی که گوسفند و بز یک نژاد محسوب می‌شوند، برای تکمیل نصاب به یکدیگر اضافه می‌شوند. به عنوان مثال، اگر کسی بیست و پنج میش و پانزده بز داشت، برای مجموع این‌ها که چهل گوسفند است؛ باید یک گوسفند به عنوان زکات داده شود. زکات، از هر حیوانی - میش یا بز - که تعدادش در گله بیشتر باشد، داده می‌شود.

اگر دو نفری که در یک گله گوسفند شریک باشند و ۸۰ گوسفند داشته باشند چون به حصه هر کدام ۴۰ گوسفند می‌رسد؛ هر کدام باید یک گوسفند زکات بدهند، سهم این دو با هم جمع و به صورت یک گوسفند زکات داده نمی‌شود. دو شریکی که ۲۰۰ گوسفند دارند؛ بدون اینکه سهم خود را جدا کنند، سه گوسفند به عنوان زکات می‌دهند. زیرا در چنین مواردی منفعت فقرا ترجیح داده می‌شود.

حیوانی که به عنوان زکات دام‌های کوچک داده می‌شود؛ باید بیش از یک سال سن داشته باشد. با این حال، نر یا ماده بودن آن شرط نیست، از هر دو می‌تواند باشد.

زکات گاو و گاومیش:

حد نصاب دام گاو سی عدد است.

- بین ۰ تا ۲۹ گاو زکات ندارد.

- بین ۳۰ تا ۳۹ گاو، یک گوساله‌ی نر یا ماده‌ای که وارد دو سالگی شده.

- بین ۴۰ تا ۵۹ گاو، یک گاو نر یا ماده‌ای که وارد سه سالگی شده.

بعد از آن، از هر سی گاو، یک گوساله‌ای که وارد دو سالگی شده، از هر چهل گاو، یک گاوی که وارد سه سالگی شده به عنوان زکات داده می‌شود. مثلاً به ازای ۶۰ راس گاو، دو گوساله که وارد دو سالگی شده‌اند و برای ۷۰ راس، یک گوساله دو ساله داده و یک گاو سه ساله داده می‌شود.

زکات شتر:

حد نصاب شتر پنج راس است.

- بین ۰ تا ۴ شتر زکات ندارد.

- از ۵ تا ۹ شتر، یک گوسفند

- بین ۱۰ تا ۱۴ شتر، دو گوسفند

- بین ۱۵ تا ۱۹ شتر، سه گوسفند

- بین ۲۰ تا ۲۴ شتر، چهار گوسفند

- بین ۲۵ تا ۳۵ شتر، یک شتری که به سن دو سالگی رسیده باشد.

- بین ۳۶ تا ۴۵ شتر، یک شتر ماده که به سن سه سالگی رسیده است.

- بین ۴۶ تا ۶۰ شتر، یک شتر ماده که به سن چهار سالگی رسیده است.

- بین ۶۱ تا ۷۵ شتر، یک شتر ماده که به سن پنج سالگی رسیده است.

- بین ۷۶ تا ۹۰ شتر، دو شتر ماده سه ساله

- بین ۹۱ تا ۱۲۰ شتر، دو شتر ماده چهار ساله

مبالغ زکاتی که برای تعداد شتر بیشتری داده می‌شود، در بخش‌های مربوطه کتب فقهی به تفصیل شرح داده شده است. شترهایی که به عنوان زکات داده می‌شوند باید ماده باشند.

زکات اسب:

به اسب‌هایی که برای سواری و حمل بار نگهداری می‌شوند؛ زکات تعلق نمی‌گیرد.

اسب‌های با ارزشی که عالوفه هستند و اسب‌هایی که برای تجارت نگهداری می‌شوند، کالای تجاری محسوب می‌شوند و از آن جایی که حتی یکی از آن‌ها می‌تواند به حد نصاب زکات برسد، یک چهلیم (۲,۵٪) ارزش آن به عنوان زکات پرداخت می‌شود.

بنا به رأی برخی فقها، زکات به اسب‌های سائمه، یعنی اسب‌هایی که بیشتر سال را در مرتع و چراگاه می‌گذرانند، تعلق می‌گیرد. بنا به رأی این علما، ارزش و بهای اسب‌هایی که تعدادشان بیش از ۵ عدد می‌باشد؛ محاسبه شده و یک چهلیم آن (۲,۵٪) به عنوان زکات داده می‌شود.

د/ زکات گنج (رکائز) و معادن

رکائز، یک اصطلاح کلی است که بیانگر معادن، دفینه‌ها، گنج‌ها و هرگونه اشیای گرانبهایی است که توسط مردم دفن و در زیر زمین پنهان شده‌اند.

به رکازی که در حالت طبیعی در زیر زمین قرار دارد، «معدن» و به آن‌هایی که توسط مردم دفن شده‌اند «کنز» گنج» گفته می‌شود.

طبق مذهب حنفی، برای معادن و گنجینه‌هایی که مشمول زکات هستند، رسیدن به حد نصاب و گذشت یک سال شرط نیست. زکات آن‌ها مشمول فیء^{۱۰۵} است و در راه مصالح عمومی مصرف می‌شود.

معادن یا رکائزی که غنیمت محسوب می‌شوند و زکات آن‌ها یک پنجم می‌باشد؛ به طور ویژه در مصارف غنیمت صرف می‌شوند. در قرآن چنین آمده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» [الأنفال: ۴۱] «و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و خویشان پیامبر، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است.»

۱۰۵ در لغت به معنای رجوع و بازگشت می‌باشد. و در اصطلاح فقها مالی از کافران است که بدون کارزار و جنگ و خونریزی عاید مسلمانان شده است، مثل جزیه، و خراج و مانند آنها. (مترجم)

بنا به رأی ابوحنیفه، از هر نوع رکائزی، چه به صورت فرآوری شده باشد و چه به صورت مواد خام، به میزان یک پنجم زکات گرفته می‌شود. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در این باره فرموده است: «یک پنجم معادنی و اشیای قیمتی که از زیر خاک پیدا شود؛ باید به عنوان زکات داده شود.»^{۱۰۶}

از رکائز معادنی که در آتش ذوب می‌شوند، مانند طلا، نقره، مس، قلع، نیکل و آهن که از اراضی عمومی استخراج می‌شود؛ به نسبت یک پنجم به عنوان زکات گرفته می‌شود.

بنا به گفته‌ی امام اعظم و امام محمد از رکائزی که در آتش ذوب نشده و از دریا استخراج می‌شوند مانند مروارید، یاقوت عنبر، الماس زکاتی گرفته نمی‌شود. بنا به قول ابویوسف، به میزان یک پنجم زکات گرفته می‌شود.

معادن و گنجینه‌های استخراج شده از زمین شخصی بنا به رأی امام اعظم ابوحنیفه مانند دیگر کالاهای تجارتي مشمول احکام متعارف زکات می‌باشد.

هـ/ زکات محصولات زمین (عشر)

به زکاتی که از محصولات به دست آمده از زمین کشاورزی گرفته می‌شود «عشر» می‌گویند.

لازم نیست یک سال از محصولات زمین کشاورزی بگذرد تا مشمول زکات شوند. در صورتی که در سال دو بار محصول برداشت شود؛ در هر «برداشت محصول» باید زکات پرداخت شود. اگر مقداری از محصول به دست آمده از بین برود، از مقدار باقیمانده زکات داده می‌شود.

برای مکلف شدن به پرداخت زکات از محصولات کشاورزی، عاقل یا بالغ بودن شرط نیست. در صورتی که صاحب مال کودک یا دیوانه باشد؛ ولی و وصی آن‌ها مکلف به پرداخت زکات به جای آن‌ها می‌باشد.

اگر زمین‌هایی که عشر آن باید پرداخت شود؛ با باران یا آب رودخانه آبیاری شود، یک دهم محصول زکات داده می‌شود.

اگر زمین‌ها با کمک موتور و پمپ آب یا آب خریداری شده و غیره آبیاری شود، یک بیستم محصول به عنوان زکات داده می‌شود. رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «فِيمَا سَقَّتِ السَّمَاءُ وَالْغَيُوتُ أَوْ كَانَ عَثَرًا الْعُشْرُ، وَمَا سَقَّى بِالنَّضْحِ نِصْفُ الْعُشْرِ»^{۱۰۷}

«محصولات زمینی که با باران، چشمه یا خود به خود از زمین آب می‌کشد؛ یک دهم و آن چه - با تکلف - به آن آبرسانی می‌شود؛ یک بیستم زکات دارد.»

بنا به قول ابوحنیفه، محصول به دست آمده چه کم باشد چه زیاد مشمول زکات است. از نظر شاگردان امام اعظم یعنی امام ابویوسف و امام محمد و اکثر مجتهدان محصولات کشاورزی حد نصابی دارد. حد نصاب، پنج وسق^{۱۰۸} (تقریباً ۳۴ قوطی یا سینی) است و محصولات مختلف کمتر از این مقدار، عشر ندارد. این علما با توجه به حدیث «لَا زَكَاةَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَرْثِ حَتَّى يَبْلُغَ خُمُسَهُ أَوْ سَاقٍ» «محصولاتی که مقدار آن کمتر از پنج وسق باشند؛ زکات ندارند» چنین نظری داده‌اند.

۱۰۶- بخاری، المساقات، ۳.

۱۰۷- بخاری، الزکاة، ۵۵، مسلم، الزکاة، ۸، ابوداود، الزکاة، ۵، ۱۲ و ترمذی، الزکاة، ۱۴.

۱۰۸- هر وسق یک بار شتر معادل با شصت صاع هست [مترجم].

اگر زمینی در مقابل اجرت مشخصی به اجاره داده شود تا کاشته و برداشت شود (اجاره)، زکات از مستأجر گرفته شده است. اگر زمین به صورت مشترک اجاره شده باشد، عشر هر سهم صاحب محصولات و مستأجر جداگانه محاسبه می‌شود.

حین محاسبه‌ی زکات از محصولات کشاورزی، هزینه‌های مصرفی مانند بذر، کود، سموم دفع آفات و دستمزد کارگران در طول سال کسر نمی‌شود.

از مراتع و چراگاه‌های غیر شخصی، از درختانی که خود به خود رشد می‌کنند، از ماهی‌های صید شده از جویبارها عشر گرفته نمی‌شود.

زکات عسل: از آنجایی که زنبور عسل را از محصولات کشاورزی تولید می‌کند؛ زکات عسل مانند زکات محصولات کشاورزی دانسته می‌شود.

حد نصاب عسل با توجه به ارزش آن در نظر گرفته می‌شود. وقتی ارزش عسلی که قرار است به فروش برسد به اندازه‌ی ۳۴ قوطی جو برسد؛ فروشنده‌ی آن شرعاً شخص ثروتمندی محسوب شده و یک دهم عسل به عنوان زکات داده می‌شود.

و/ زکات مطالبات (طلب‌ها)

مطالبات به سه قسمت تقسیم می‌شود:

۱- مطالبات قوی: عبارتست از پول‌های قرض داده شده و بهای کالاهای تجاری فروخته شده. اجاره‌ی محل‌های تجاری نیز شامل این موارد می‌شود.

اگر یک سال از این‌ها گذشته باشد و یک پنجم پول طلب‌ها (۲۰٪) جمع شود؛ یک چهارم (۲۵٪) آن برای سال قبل به عنوان زکات داده می‌شود. اگر کمتر از یک پنجم آن جمع آوری شده باشد، دیگر اموالی که به آن زکات تعلق می‌گیرد؛ به آن‌ها اضافه می‌شود و زکات این مطالبات به همراه دیگر اموال پرداخت می‌گردد.

۲- مطالبات متوسط: مطالباتی که ماهیت تجاری ندارند و در ازای شغل یا خدمت دریافت می‌شوند. مطالباتی از قبیل حقوق، دستمزد، غرامت، اجاره خانه در این گروه قرار دارند. تا زمانی که این موارد تحویل گرفته نشوند؛ زکات ندارند.

این گونه درآمدها با سایر ارقام پول، طلا، نقره یا کالاهای تجاری که مشمول زکات هستند جمع شده و با هم ارزیابی می‌شوند.

۳- مطالبات ضعیف: مطالباتی که در ازای کالا، خدمات یا منافع نیست. ارث، وصیت، دیه‌ای که شخص زخمی از کسی که او را زخمی کرده است؛ می‌گیرد و مهریه‌ای که زن از شوهرش می‌گیرد، از این دسته می‌باشند. این موارد وقتی به ملکیت شخص درآیند و به حد نصاب برسند و یک سال از آن‌ها بگذرد؛ زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

ط) صدقه و انواع آن

الف/ تعریف صدقه

صدقه در لغت: یعنی تصدیق کردن، حرف درست زدن، چیزی را در راه حلال خرج کردن. **صدقه در اصطلاح:** یعنی انسان از اموال خودش برای تأمین نیازهای مردم فقط به خاطر رضای خداوند کمک کند. صدقه، یک اصطلاح گسترده است که زکات و سایر اشکال کمک را در بر می‌گیرد.

وسعت صدقه را در حدیث زیر می‌توان دید: «كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ، يَعْدِلُ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَيُعِينُ الرَّجُلَ عَلَى دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُ عَلَيْهَا، أَوْ يَرْفَعُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ خُطْوَةٍ يَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَيُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ»^{۱۰۹} «هر روز که خورشید طلوع می‌کند، در ازای هر یک از مفاصل انسان صدقه ای لازم است؛ همین که میان دو نفر، به عدالت صلح و آشتی برقرار کنی، خود صدقه است؛ یا اگر به کسی کمک کنی تا سوار مرکبش شود یا بارش را برای او روی مرکبش بگذاری، صدقه است؛ سخن نیکو، صدقه است؛ و هر گامی که به سوی نماز برمی‌داری، صدقه است؛ و این که خار و خاشاک (و هر چیز آزاردهنده‌ای) را از سر راه برداری، صدقه به شمار می‌رود.»

صدقه موجب برکت مال است. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «مَا تَقَصَّتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ»^{۱۱۰} «صدقه مال را کم نمی‌کند.»

زنان نیز به دادن صدقه تشویق شده‌اند. روزی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در خطاب به زنان فرمود: «ای جماعت زنان، صدقه بدهید هر چند از زینت‌های شما هم باشد.»

آیا بین زکات و صدقه تفاوتی وجود دارد؟ درصنف بحث و گفتگو کنید.



ب/ انواع صدقه

صدقه بر سه قسم است: فرض، واجب و نافله.

۱- **صدقه فرض:** یعنی زکات. زکات؛ خود یک عبادت است و احکام خاص خود را دارد.

۲- **صدقه‌های واجب:** تعهدات مالی مانند صدقه‌ی فطریه و کفاره‌ی نذر، قسم، روزه وظهار در زمره‌ی صدقه‌های واجب قرار می‌گیرد.

۳- **صدقه‌های نافله:** به غیر از زکات و صدقات واجب، دیگر صدقه‌ها نافله هستند.

یکی از زیباترین صدقه‌های نافله، صدقه‌ی جاریه است که همیشه ادامه دارد. کمک مالی به عبادتگاه‌ها، مؤسسات آموزشی، تأسیسات جاده‌ای، آبرسانی، پل‌ها و مؤسسات خیریه در راه خدا از جمله راه‌های انجام این کار نیک می‌باشد.

۱۰۹- بخاری، الصلح، ۱۱، الجهاد، ۷۲، ۱۲۸، مسلم، الزکاة، ۵۶.

۱۱۰- مسلم، کتاب البر والصله، ۱۹.

ی) اهمیت بخشش و انفاق در راه خدا

انفاق، کمک مالی یا کمک به امرار معاش فقرا و نیازمندان از میان خویشاوندان و افراد دیگر جهت گذران زندگی می‌باشد. در بسیاری از آیات قرآن کریم، مؤمنان به «انفاق در راه خدا» دستور داده شده و تشویق شده‌اند. انفاق کنندگان در راه خدا نیز همواره ستوده شده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«... فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» [الحديد: ۷] «... پس کسانی که از شما ایمان بیاورند

و (در راه خدا) بذل و بخشش کنند، پاداش بزرگی دارند.»

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» [البقرة: ۲۶۱] «مثل کسانی که دارایی خود را در راه خدا صرف می‌کنند، همانند دانه‌هایی است که هفت خوشه برآرد و در هر خوشه صد دانه باشد و خداوند برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می‌گرداند و خدا (قدرت و نعمتش) فراخ (و از همه چیز) آگاه است.»

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [البقرة: ۲۷۴] «کسانی که دارایی خود را در شب و روز و به پنهان و آشکارا می‌بخشند، مزدشان نزد پروردگارشان محفوظ است و نه ترسی بر آنان است و نه ایشان اندوهگین خواهند شد.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ...» [البقرة: ۲۵۴] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آن چه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است...»

کمک نکردن به فقرا، مستمندان و یتیمان با وجود توانایی انجام آن؛ باعث وارد شدن به جهنم در قیامت می‌گردد. این امر را از این آیات کریمه متوجه می‌شویم:

«فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۲۴) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۳۴) وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ (۴۴)» [المدثر: ۳۹ - ۴۴]

«آنان در باغ‌های بهشت بسر می‌برند و می‌پرسند . از بزهکاران و گناهکاران: چه چیزهایی شما را به دوزخ کشانده و بدان انداخته است؟ می‌گویند: از زمره‌ی نمازگزاران نبوده‌ایم و به مستمند خوراک نمی‌داده‌ایم.»

نکته:

این آیه‌ی کریمه در رابطه با انفاق توجه را به خود جلب می‌کند: «... وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ...» [البقرة: ۲۱۹] «و از تو می‌پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد (نیازمندی خود).»



خداوند متعال حین سخن از مؤمنان تقوا پیشه، آنان را چنین توصیف می‌فرماید:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» [البقرة: ۳] «آن کسانی که به دنیای

نادیده باور می‌دارند و نماز را به گونه‌ای شایسته می‌خوانند و از آن چه بهره آنان ساخته ایم می‌بخشند.»



همان طور که از آیهی شریفه فهمیده می‌شود؛ خداست که به انسان دارایی و روزی می‌دهد، انسان باید این را به خوبی بداند و در برابر نیازمندان و فقرا بخل نورزد، باید از افراد محتاج و نیازمند محافظت و مراقبت نماید. اگر چنین کند ثواب و اجری بیشتر از خداوند متعال خواهد گرفت زیرا پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند:

«مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ، وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً، فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^{۱۱۱} «کسی که نیاز برادرش را برطرف کند؛ خداوند نیز حاجت و نیاز وی را برطرف می‌سازد و کسی که مشکلی از مشکلات برادرش را برطرف ساخته و حل کند؛ خداوند نیز در روز قیامت مشکلی از مشکلاتش را حل می‌کند.»

انسان باید تلاش کند که هم در رفاه و هم در سختی انفاق نماید. جناب حق تعالی می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» [آل عمران: ۱۳۴] «آن کسانی که در حال خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و تنگدستی، به احسان و بذل و بخشش دست می‌یازند و خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) حتی کسانی را که چیزی ندارند؛ تشویق می‌کرد که به هر ترتیبی انفاق کنند. مثلاً ابوذر - رضی الله عنه - با این که از فقیرترین اصحاب بود؛ او را به انفاق دعوت می‌کرد و می‌فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا طَبَخْتَ مَرْقَةً، فَأَكْثِرْ مَاءَهَا، وَتَعَاهَدْ جِيرَانَكَ»^{۱۱۲} «ای ابوذر، وقتی شوربایی می‌پزی آبش را بیشتر کن و حواست به همسایگان هم باشد.» به این دلیل بود که اصحاب همواره در تلاش برای انفاق کردن بودند. حضرت عمر - رضی الله عنه - برای غزوه تبوک، نیمی از اموال خود را آورد. حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - تمام دارایی خود را انفاق کرد. تا زمانی که در میان اعضای خانواده مشکلات زیادی باشد، تلاش برای کمک به افراد دورتر کاری متناسب با مصلحت نیست. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ، دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ، وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَى ذَاتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۱۱۳} «بافضلیت‌ترین دیناری که شخص انفاق می‌کند؛ دیناری است که برای خانواده/اش خرج کند، دیناری که شخص برای مرکبش در راه خدا صرف کند و دیناری که شخص برای دوستانش در راه خدا انفاق کند.»

خرج کردن برای اعضای خانواده نیز در حکم صدقه است. در این حدیث فرموده شده است: «إِذَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى أَهْلِهِ نَفَقَةً يَحْتَسِبُهَا فَهِيَ لَهُ صَدَقَةٌ»^{۱۱۴} «هنگامی که شخص بر خانواده/اش انفاق کند و امید به کسب ثواب از بارگاه خداوند متعال را دارد؛ برایش صدقه حساب می‌شود.»

در آیهی کریمه چنین آمده است: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» [النساء: ۳۶] «و نیکی کنید به

۱۱۱- مسلم، کتاب البر والصله، ۵۸.

۱۱۲- مسلم، البر، ۱۴۲.

۱۱۳- مسلم، الزکاة، ۳۸، ابن ماجه، الجهاد، ۴، احمد بن حنبل، ۵/ ۲۷۹، ۲۸۴.

۱۱۴- بخاری، باب ما جاء أن الأعمال بالنية والحسبة، ۲۰ / ۱.

پدر و مادر، خویشان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند، همسایگان بیگانه، همدمان، مسافران، و بندگان و کنیزان. . .»

با فضیلت‌ترین اتفاق برای فردی که وضعیت اقتصادی خوبی دارد، کمک به خویشاوندان نیازمند است. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - با این فرمایش خود: «إِنْدَا بِنَفْسِكَ ثُمَّ بِمَنْ تَعُولُ»^{۱۱۵} «انفاق را اول از خود شروع کن سپس با کسانی که سرپرستی آن‌ها را به عهده داری.» توجه را به این موضوع جلب کرده است.

اگر شوهر یک زن فقیر باشد، زن باید از اموالش به او کمک کند. پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - چنین فرموده است: «زَوْجُكِ وَوَلَدُكِ أَحَقُّ مَنْ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ»^{۱۱۶} «شوهر و فرزندان سزاوارترین افراد به صدقه دادن هستند.»

ک) صدقه‌ی فطریه

الف/ تعریف صدقه فطر و جایگاه آن در دین ما

صدقه‌ای که به نشانه‌ی شکرگزاری حلول ماه مبارک رمضان و بهره‌مندی از ثواب و برکات آن داده می‌شود؛ صدقه‌ی فطریه یا فطره می‌گویند.

صدقه فطر در سال دوم هجری واجب شد. پرداخت به موقع و کامل این صدقه توسط هر شخص واجد شرایطی شرط می‌باشد. از نظر مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی، فطریه یک عبادت فرض محسوب می‌شود.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - درباره این صدقه چنین فرموده است: «زَكَاةُ الْفِطْرِ طَهْرَةٌ لِلصَّائِمِ مِنَ اللَّغْوِ وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةٌ لِلْمَسَاكِينِ»^{۱۱۷} «زکات فطریه پاک‌کننده‌ی سخنان لغو و مستهجن روزه دار و خوراک و توشه‌ای برای نیازمندان و درماندگان است.»

ب/ حد نصاب صدقه‌ی فطریه

حد نصاب این صدقه، داشتن مال بیش از نیازهای اولیه به اضافه‌ی پیش نیازهای قربانی می‌باشد.

حد نصاب فطریه با حد نصاب زکات تفاوت دارد و آن این است که کالاهایی که مشمول زکات نیستند؛ مشمول نصاب فطریه می‌شوند.

صدقه فطریه مانند زکات مال نیست بلکه زکات سراسر است. پرداخت صدقه‌ی فطر در روزهای پایانی ماه رمضان، حتی صبح روز عید برای کسی که نصاب دارد؛ واجب است.

در صدقه‌ی فطریه عقل و بلوغ شرط نیست. کسی که می‌تواند امرار معاش کند؛ باید برای خود، فرزندان نابالغ و خدمتکارانش صدقه‌ی فطریه بدهد. زنی که هیچ دارایی ندارد؛ شوهرش به جای او فطریه می‌دهد. صدقه‌ی فطریه فرزندی که به سن بلوغ رسیده ولی هنوز ازدواج نکرده و مسکنش جدا نشده است؛ نیز برعهده‌ی پدر یا مادرش است. والدین بیماران روانی، از اموال خودشان صدقه‌ی فطریه‌ی وی را می‌دهند.

۱۱۵- بخاری، الزکاة، ۱۸، النفقات، ۳، مسلم، الزکاة، ۴۱، ترمذی، الزکاة، ۳۸، الزهد، ۳۲، نسائی، الزکاة، ۵۱، ۵۳، ۶۰

۱۱۶- ابوداؤد، الزکاة، ۴۴ و الطلاق، ۱۹.

۱۱۷- شوکانی، نیل الأوتار، ۲/ ۴۰۶.

ج/ صدقه‌ی فطریه از چه چیزهایی داده می‌شود؟

در زمان رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - ، صدقه‌ی فطریه از اجناسی که همواره در بازار موجود بود مانند گندم، جو، خرمای خشک و کشمش که به عنوان قوت غالب بودند؛ حساب شده و به ازای هر شخص نیم صاع گندم (حدود ۱,۵ کیلوگرم) و از جو، خرمای خشک یا کشمش به اندازه‌ی یک صاع (تقریباً ۳ کیلوگرم) تثبیت شده است.

هدف از تعیین این مواد و مقدار آن‌ها در فطریه، تأمین دو وعده‌ی غذایی یک فقیر در یک روز می‌باشد. همان طور که می‌توان این مواد غذایی را به همان شکل به فقیر داد؛ می‌توان ارزش و بهای آن را نیز محاسبه و پول آن را به نیازمندان داد. دادن پول برای فقیر قابل قبول‌تر است.

دادن صدقه‌ی فطریه بر اساس هر یک از این چهار مورد، جایز است. با این حال، مستحب است شخص وضعیت اقتصادی خود را در نظر گرفته و مقدار فطریه را محاسبه کند. سرپرست خانواده‌ای که باید صدقه‌ی فطریه را بدهد؛ مخارج لازم برای تأمین مواد غذایی یک روز برای شخص گرسنه را محاسبه کرده و در تعداد افراد خانواده ضرب کرده و بدین ترتیب صدقه‌ی فطریه را پرداخت می‌کند.

اطعام فقیر به نیت صدقه‌ی فطریه جایز نیست.

د/ صدقه‌ی فطریه به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟

صدقه فطریه، پس از نیت کردن به هر فقیر مسلمانی داده می‌شود. اما بهتر است اولویت به نیازمندان از خویشاوندان نزدیک و همسایگان نزدیک داده شود. هنگام دادن صدقه‌ی فطریه، بهتر است خانواده‌هایی که فرزندی دارند و نمی‌توانند نیازهای آنان را برآورده کنند، دانش آموزان و افراد فقیر ترجیح داده شوند.

یک شخص نمی‌تواند به مادر، پدر، پدربزرگ، مادربزرگ، فرزندان، نوه‌ها، همسر و افراد تحت تکفل خود فطریه بدهد. دادن صدقه‌ی فطریه به افراد دورتر با وجود افراد نیازمند در نزدیکی، مکروه است.

همان طور که می‌توان صدقه فطریه را به یک فقیر داد؛ می‌توان آن را بین چند فقیر تقسیم کرد. با این حال، برخی از علما معتقدند که فطریه را می‌توان به یک نفر داد.

هـ/ صدقه‌ی فطریه چه زمانی اهدا می‌شود؟

مستحب است که صدقه‌ی فطریه بعد از طلوع فجر صبح روز عید و قبل از رفتن به نماز عید یا چند روز قبل پرداخت شود.

اگر چه دادن فطریه بعد از نماز عید جایز است، اما درست نیست. زیرا فطریه‌ای که بعد از نماز عید داده شود، دیگر ادا نیست بلکه در حکم قضا است.

ارزیابی

- ۱- اهمیت زکات را به اختصار توضیح دهید و در مورد فواید زکات اطلاعاتی بیان کنید.
- ۲- مشخص کنید زکات بر چه کسانی واجب است.
- ۳- شروط لازم برای کالایی که به آن‌ها زکات تعلق می‌گیرد؛ را ذکر کنید.
- ۴- حد نصاب طلا و نقره را بیان کرده و توضیح دهید که آیا به اشیایی که در خانه از جنس طلا و نقره است؛ زکات تعلق می‌گیرد یا خیر؟ توضیح دهید.
- ۵- در محاسبه‌ی زکات کالاهای تجارتی کدام فلز اصل قرار داده شده و بر اساس آن سنجیده می‌شود؟ توضیح دهید.
- ۶- در مورد مقدار زکات گاو، گاو میش، گوسفند و بز اطلاعات مختصری بدهید.
- ۷- در مورد نسبت و مقدار زکات محصولات کشاورزی اطلاعات کسب کرده و در دفتر خود بنویسید.
- ۸- کالاهایی که مشمول زکات نیستند را ذکر کنید.
- ۹- زکات به چه کسانی داده می‌شود، ذکر کنید.
- ۱۰- در مورد افرادی که نمی‌توان به آن‌ها زکات داد، توضیح بدهید.
- ۱۱- صدقه را تعریف و انواع آن را بیان کنید.
- ۱۲- اهمیت و فضیلت صدقه را شرح داده و سه آیه و سه حدیث در این باره حفظ کنید.
- ۱۳- تعریف صدقه‌ی فطریه را بیان کنید.
- ۱۴- نصاب صدقه‌ی فطریه را پیدا کنید. مشخص کنید از چه چیزهایی و با چه مقادیری می‌توان داد.
- ۱۵- چه زمانی می‌توان صدقه‌ی فطریه را پرداخت کرد؟
- ۱۶- داستانی در مورد اهمیت انفاق پیدا کرده و آن را در صنف بخوانید.

سؤالات درست و غلط

- ۱- () از رکائز معادنی مانند طلا، نقره، مس، قلع، نیکل و آهن و غیره که در آتش ذوب می‌شوند؛ به میزان یک پنجم آن به عنوان زکات گرفته می‌شود.
- ۲- () اگر شخص به اندازه‌ی نصاب از مطالبات خود را دریافت کند؛ تا زمانی که تمام آن را دریافت نکرده است؛ مجبور نیست زکات آن را پرداخت کند.
- ۳- () زکات عسل به میزان یک چهلیم درآمد آن داده می‌شود.
- ۴- () در زکات حیوانات، همه‌ی حیوانات مادر و بچه‌های آن‌ها برای زکات محاسبه می‌شوند.
- ۵- () دادن صدقه‌ی فطریه به کسانی که دورتر هستند در حالی که نیازمندی در آن نزدیکی است، مکروه می‌باشد.

جاهای خالی را پر کنید

(دینار، وسق، رکائز، مؤلفه القلوب، نصاب، درهم)

- ۱- به معیار و مقدار معینی که دین، برای کالا تعیین کرده است؛ می گویند.
- ۲- در زمان پیامبر اکرم، برای سکه‌ی طلا برای سکه‌ی نقره استفاده شده و حد نصاب محصولات کشاورزی پنج مورد قبول واقع شده است.
- ۳- یکی از گروه‌هایی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد؛ کسانی هستند که هدف؛ گرم کردن دلشان نسبت به اسلام می‌باشد، آنان هستند.
- ۴- به دفینه‌ها و گنجینه‌های دفن شده در زیر زمین توسط انسان‌ها می‌گویند.

سؤالات گزینه‌ی

- ۱- برای صحت زکات باید مال در تصرف شخص باشد. کدام یک از موارد زیر جزو این موارد نیست؟

الف) اموالی که پولش پرداخت شده، حتی اگر به دست شخص نرسیده باشد؛ باز هم زکات به آن تعلق می‌گیرد.

ب) اگر زکات بر مالی فرض شود ولی پیش از پرداخت آن، مال ضایع گردد؛ زکات آن مال باید داده شود.

ج) زکات برای مالی که احتمال به دست آمدن دوباره‌ی آن وجود ندارد؛ لازم نیست.

د) کالا باید در اختیار و تصرف خود شخص باشد.
- ۲- کدام یک از موارد زیر در مورد مقدار نصاب اشتباه است؟

الف) گاو و گاومیش: ۵ رأس

ب) طلا: ۲۰ مثقال

ج) حیوانات کوچک: ۴۰ عدد

د) نقره: ۲۰۰ درهم
- ۳- کدام یک از موارد زیر در بین هشت گروهی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد، نیست؟

الف) فقرا. ب) مسافران.

ج) وام گیرندگان. د) یتیمان.
- ۴- به بعضی از افراد یا مکان‌ها نمی‌توان زکات داد. به کدام یک از موارد زیر می‌توان زکات داد؟

الف) افرادی که زندگی راحت دارند.

ب) به دانشجو که حمایت مالی پدرش را رد می‌کند.

ج) به نوه‌هایمان.

د) مدارس و مساجد.
- ۵- کدام یک شامل شرایط صحت زکات نمی‌شود؟

الف) نیت. ب) تملیک.

ج) کیفیت. د) پنهانی بودن.

۶- کدام اطلاعات در زکات حیوانات اشتباه داده شده است؟

(الف) بین ۴۰-۱۲۰ گوسفند، ۱ گوسفند.

(ب) بین ۵ تا ۹ شتر، یک گوسفند.

(ج) بین ۲۰۱-۳۹۹ گوسفند، ۳ گوسفند.

(د) بین ۳۰-۳۹ راس گاو، دو گاو.

۹- از اطلاعاتی که در مورد زکات طلبها داده شده است؛ کدام یک اشتباه است؟

(الف) هنگامی که مطالبات تجاری وصول می‌شود؛ باید زکات یک سال آن بلافاصله پرداخت شود.

(ب) زکات طلب متوسط، تا زمانی که دریافت نشود؛ نیازی به پرداخت آن نیست.

(ج) زنی که مهرش معلوم است، زکات مهریه‌ای که طلب دارد را می‌دهد.

(د) کسی که قرض داده و از قرضش یک سال گذشته باشد و به اندازه‌ی نصاب از طلبش را دریافت کرده است؛ زکات یک سال قبلش را هم باید بدهد.

۷- در رابطه با زکات معادن کدام یک از موارد زیر درست است؟

(الف) در معدن نصاب تعیین نمی‌شود و یک پنجم آن به عنوان زکات داده می‌شود.

(ب) وقتی معدن به مقدار نصاب رسید، یک دهم آن به عنوان زکات داده می‌شود.

(ج) وقتی معدن به مقدار نصاب رسید، یک بیستم آن به عنوان زکات داده می‌شود.

(د) در معدن نصاب تعیین نمی‌شود و یک چهارم آن زکات داده می‌شود.

۱۰- زکات و صدقه‌ی فطریه از چه زمانی واجب شد؟

(الف) در سال اول هجری.

(ب) در سال سوم هجری.

(ج) در سال دوم هجری.

(د) در سال چهارم هجری.

۸- چه مقدار از محصولات کشاورزی که با نیروی کار، آبیاری می‌شوند باید به عنوان زکات پرداخت شود؟

(الف) ۱/۵

(ب) ۱/۱۰

(ج) ۱/۲۰

(د) ۱/۴۰

۱۱- شخص، مجبور به پرداخت فطریه‌ی چه کسی نیست؟

(الف) خدمتکارش. (ب) پدر نیازمندش.

(ج) همسرش. (د) فرزند متأهلش.

۱۲- دادن صدقه‌ی فطریه در چه زمانی مکروه است؟

(الف) یک روز قبل از عید.

(ب) دو روز قبل از عید.

(ج) قبل از نماز عید.

(د) بعد از نماز عید.

حج و عمره

حوزه‌های موضوعی:

- الف) تعریف، اهمیت و فواید حج.
- ب) شروط حج.
- ج) اقسام حج.
- د) اصطلاحات مربوط به عبادات حج و عمره.
- هـ) فرایض حج.
- و) واجبات حج.
- ز) سنت‌های حج.
- ح) عمره.
- ط) نحوه‌ی انجام حج و عمره.
- ی) دیگر مسائل مربوط به حج و عمره

مطالعات مقدماتی



- ۱- با پرسش از معلمان خود دریابید که چه زمانی حج فرض شده است.
- ۲- اگر در خانواده‌ی شما فردی به سفر حج رفته و برگشته است؛ از ایشان اطلاعاتی در مورد چگونگی حج بگیرید.
- ۳- آیا عبادت حج در ادیان الهی قبل از اسلام نیز وجود داشته است؟ این موضوع را با مراجعه به یکی از مراجع پیرامون تاریخ ادیان بررسی کنید.
- ۴- دیدگاه خود را در مورد اهمیت کعبه برای مسلمانان بگویید.
- ۵- درباره‌ی اهمیت حج برای مسلمانان جهان بحث کنید.
- ۶- چه تغییراتی در زندگی کسانی که به حج رفته‌اند؛ مشاهده می‌کنید؟
- ۷- معانی اصطلاحات «احرام، شوط، طواف و سعی» را از یک کتاب فقهی بیاموزید.
- ۸- چند حدیث در مورد فضایل حج بیابید و در دفتر خود بنویسید.

الف) تعریف، اهمیت و فواید حج

حج یکی از پنج رکن اساسی اسلام و یک عبادت مالی و بدنی است و هر مسلمانی که واجد شرایط باشد، باید یک بار در زندگی این عبادت مهم را به جای آورد.

حج در لغت، یعنی بازدید و زیارت مقامها و اماکن مقدس و محترم.

حج در اصطلاح فقهی، عبارتست از ایستادن در عرفات در حالی که احرام به تن باشد، سعی بین صفا و مروه و طواف کعبه به شکل صحیح.

به کسی که عبادت حج را به جای آورده باشد «حاجی» - جمع آن حجاج - می‌گویند. به کسی که عبادت عمره را به جای آورد «معتمر» می‌گویند.



الف/ جایگاه حج در دین ما

حج در سال نهم هجری فرض شد. فرض بودن حج با دلایلی از قرآن، سنت و اجماع (اتفاق نظر علما) ثابت می‌باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» [آل عمران: ۹۷] «و حج این خانه واجب الهی است بر کسانی که توانایی برای رفتن به آن جا را دارند و هر کس کفر ورزد و انکار نماید (به خود زیان رسانده) چرا که خداوند از همه‌ی جهانیان بی‌نیاز است.»

احادیث زیادی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در این زمینه وجود دارد. از جمله حدیث: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا»^{۱۱۸} «خداوند عز وجل حج را بر شما فرض کرده است. پس حج کنید.»

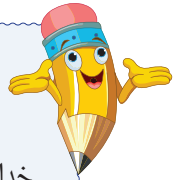
پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در حدیث زیر فرموده است که حج یکی از شروط اسلام است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^{۱۱۹} «اسلام بر پنج اصل استوار است: شهادت این که معبودی جز الله نیست و این که محمد فرستاده‌ی اوست، برپاداشتن نماز، دادن زکات، روزه‌ی ماه رمضان و حج خانه‌ی کعبه برای کسی که توانایی رفتن به آن را دارد.»

حج عبادتی است که هر مسلمان واجد شرایطی، باید آن را انجام دهد. برای کسی که عذر موجهی ندارد؛ جایز نیست شخص دیگری را به جای خود برای ادای فریضه‌ی حج بفرستد. اگر در وضعیتی باشد که نتواند به حج برود؛ می‌تواند شخص دیگری را به عنوان وکیل خود بفرستد.

۱۱۸- مسلم، الحج، ۴/ ۲۲۴.

۱۱۹- بخاری، الإيمان، ۱/ ۱۹-۲۰.

بیشتر بدانیم



باید از سستی و اهمال نسبت به عبادت حج به شدت پرهیز کرد. در غیر این صورت هشدار رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بسیار هول انگیز است: «مَنْ مَلَكَ زَادًا وَرَاحِلَةً تَبْلُغُهُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ وَلَمْ يَحْجْ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا، أَوْ نَصْرَانِيًّا» (ترمذی، الحج، ۳). «کسی که توشه و مرکبی که وی را به خانه‌ی خدا برساند؛ در اختیار داشته باشد اما حج نکند، دیگر اهمیتی ندارد که یهودی یا مسیحی از دنیا برود.»

انجام بدون تأخیر فریضه‌ی حج بر مسلمانی که بر او فرض شده است؛ وظیفه‌ی بس والایی است. اگر مسلمانی در شرایطی عبادت حج را به جای آورد که بر او فرض نباشد؛ این تکلیف از گردن او برداشته می‌شود و بعد از آن دیگر نیازی نیست که دوباره حج را به جای آورد.

زنی که حج بر او فرض است، در صورتی که محرمی بتواند او را همراهی کند؛ باید حج را ادا کند. شوهرش نمی‌تواند مانع رفتن او به حج شود. با این حال، زنی که حج بر او فرض نشده است؛ بدون اجازه‌ی شوهرش نمی‌تواند به حج نافله برود.



ب/ حکمت و فواید حج

حج یعنی مبارزه با دشمن درونی یعنی نفس و هم چنین با تمایلات دشمن خارجی یعنی شیطان و پناه بردن به درگاه پروردگار به دور از تفاوت‌های طبقاتی با پوشیدن لباسی که حال و هوای کفن را دارد. حجتی که مورد قبول واقع گردد؛ باعث رسیدن انسان به بهشت می‌گردد. رسول الله چنین می‌فرماید: «... وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»^{۱۲۰} «... حج مبرور - مقبول - پاداشی جز بهشت ندارد.»

اهمیت حج را در حدیثی که از ابوهریره روایت شده است؛ می‌توان دریافت:

«از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: کدام عمل بافضیلت‌تر و بهتر است؟ فرمود: «إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» «ایمان به خدا و رسولش» شخص پرسید: سپس کدام؟ فرمود: «ثُمَّ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» «سپس جهاد در راه خدا» شخص پرسید: سپس کدام؟ فرمود: «ثُمَّ حَجٌّ مَبْرُورٌ»^{۱۲۱} «سپس حج مبرور و مقبول».

برای انجام یک حج مبرور، حداقل رعایت این ۵ شرط ضروری است:

- ۱- با نیتی کاملاً خالصانه، یعنی فقط و فقط به خاطر خدا به حج رفتن. گویی که به زیارت خداوند متعال می‌رود. خارج کردن هر چیزی جز او از ذهن و دل.
- ۲- با مال پاک (طیب) به حج رفتن.

۱۲۰- بخاری، العمره، ۱.

۱۲۱- بخاری، الجهاد، ۱/ الحج، ۴، ۳۴، ۱۰۲، العمره، ۱، مسلم، الإیمان، ۱۳۵، ۱۴۰، ترمذی، المواقیت، ۱۳، الحج، ۶، ۱۴، ۸۸، دارمی، المناسک، ۸، الصلاة، ۲۴، ۱۳۵.

۳- ادای حقوق بندگان، در صورتی که در حقوق خداوند متعال بدهکار باشد؛ نماز و روزه، عزمش را بر ادای آن جزم کرده و شروع به ادای قضای آن نماید.

۴- دوری کردن از سخنان، نیت‌ها و رفتارهای پوچ و زشت و منازعه (رفت، فسوق، جدال) در طول حج.

۵- انجام زیارت با رعایت سایر شرایط ظاهری و باطنی. توبه در حین انجام حج، روی آوردن به سوی خدا، بهتر و پربار کردن حج با دعا و استغفار و اعمال خیر و به گونه‌ای قول دادن به خداوند متعال نسبت به مداومت بر این حالت.

حجی که در راه خدا با رعایت احکام و اصول آن انجام می‌شود، مؤمنان را از گناهانشان پاک می‌کند. علاوه بر این پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده است: «مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ، فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»^{۱۲۲} «کسی که این خانه را زیارت کند و از سخنان زشت و ناپسند دوری کرده و مرتکب فسق نشود؛ بسان روزی که از مادر متولد شده، باز می‌گردد.»

حج با گرد هم آوردن مسلمانان، یک اخوت ایمانی را تأسیس کرده و باعث می‌شود مسلمانانی که در کشورهای مختلف جهان زندگی می‌کنند با یکدیگر آشنا شده و برای مشکلات یکدیگر راه حل بیابند.

عبادت حج به یک معنا، حرکت میلیون‌ها مسلمان از کشورهای مختلف به طور همزمان و در عین حال به معنای قدرت نمایی در برابر دشمنان است.

احرام در حج، بنده را به حال و هوای تدبرمرگ می‌برد. به تن کردن لباس یکسان مسلمانان در ایام حج به صرف نظر از موقعیت اجتماعی‌شان، به ویژه جمعیت انبوه مردم در وقوف در عرفات، یادآور روز قیامت می‌باشد.

احرام انسان را به سوی زندگی قلبی رهنمون می‌رساند. به مؤمنان می‌آموزد که باید در هر شرایطی صبور بوده و خشمگین نشوند. سختی‌ها و محرومیت‌هایی که در طول سفر و حج متحمل می‌شود؛ باعث می‌شود انسان ارزش نعمت‌ها و شکرگزاری برای آن‌ها را بیاموزد. قوانین احرام، مردم را در مقابل حیوانات و گیاهان و نیازمندان دلسوزتر می‌کند، و به ایجاد فضای معنوی حساس، کمک می‌کند.

حج عبادت بسیار لطیفی است. زیرا بسیاری از چیزهای مشروع در حج ممنوع می‌گردد. برای همین است که شخص باید با آمادگی معنوی به این سفر برود. همچنین به محض این که انسان قصد زیارت کند، شیطان به دنبال او می‌افتد. به همین دلیل اولین سلاحی که حاجیان باید خود را بدان مسلح کنند؛ سلاح «صبر» است. حج با عبادات دیگر فرق دارد. عبادتی که در ظاهر آسان به نظر می‌رسد، اما در واقع یکی از سخت‌ترین عبادات است. به همین دلیل در نیت گفته می‌شود: «پروردگارا، آن را بر من آسان بگردان!»

ج / حکمت از مناسک حج

حج، با ایجاد فضایی شبیه محشر، عبادتی که به راز حقیقت «پیش از مردن، بمیرید» می‌رساند.

حج، مکان پربرکت و باشکوهی است که مسلمانان جهان در آن گرد هم می‌آیند و رحمت خداوند در آن تجلی می‌یابد. اماکن مبارکی که حج در آن برپاداشته می‌شود؛ مملو از آیات و نشانه‌های الهی است.

مکه، مکانی است که مفاهیمی چون وطن، رنگ، نژاد، لباس و غیره از بین رفته و تمام مؤمنان به عنوان یک ملت، تحت مفهوم اخوت اسلامی ظهور می‌کنند.

۱۲۲- بخاری، الحج، ۴، نسائی، الحج، ۴.

مدینه ی منوره، شهر مبارکی است که پیامبر ما (صلی الله علیه وسلم) که به عنوان رحمتی برای عالمیان مبعوث شده و یارانش نیکش در آن زندگی کرده‌اند. تنفس هوایی که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - تنفس کرده است، به مؤمن فیضی عمیق و اشتیاقی معنوی می‌بخشد. زیارت کردن مسجد نبوی، قبر مبارک پیغمبر (صلی الله علیه وسلم)، مزارهای شهدا، عصر سعادت را به یاد انسان می‌آورد. عشق و محبت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را در دل‌ها قوت بخشیده و به سوی چنگ زدن به سنت سوق می‌دهد.

کعبه، با توجه به فرموده‌ی پروردگار در قرآن کریم «وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ» [العلق: ۱۹] «و سجده کن و نزدیک شو» هدف و قله‌ی نمازی است که خداوند به انجام آن فرمان داده است.

حجرالأسود، سنگ مبارکی است که به آن سلام شده و بوسیده می‌شود و وعده‌ی بندگی و بیعت با خدا به آن داده شده است.

عرفات، یادآور قیام از قبور در روز قیامت و گردهمایی دسته دسته‌ی انسان‌ها در صبحگاه روز قیامت می‌باشد. همه‌ی بندگان درمانده، نیازمند و امیدوارانه در پیشگاه خداوند منتظر عفو و آمرزش هستند. دل‌ها و چشم‌هایشان از اشک توبه نمناک است. دعاها و مناجات‌های خالصانه و فراوانشان به درگاه خداوند بالا می‌رود. صفحات پاک و تمیزی در دفترهای زندگی باز می‌شود و به جناب حق قول داده می‌شود که بقیه‌ی عمر در اطاعت و عبادت گذرانده شود.

مزدلفه، مکانی است که در آن دل‌ها با عظمت، قدرت، سلطنت عظیم و مظاهر الهی عجین شده و دنیا و تمام منافع مادی را پشت سر می‌گذرانند.

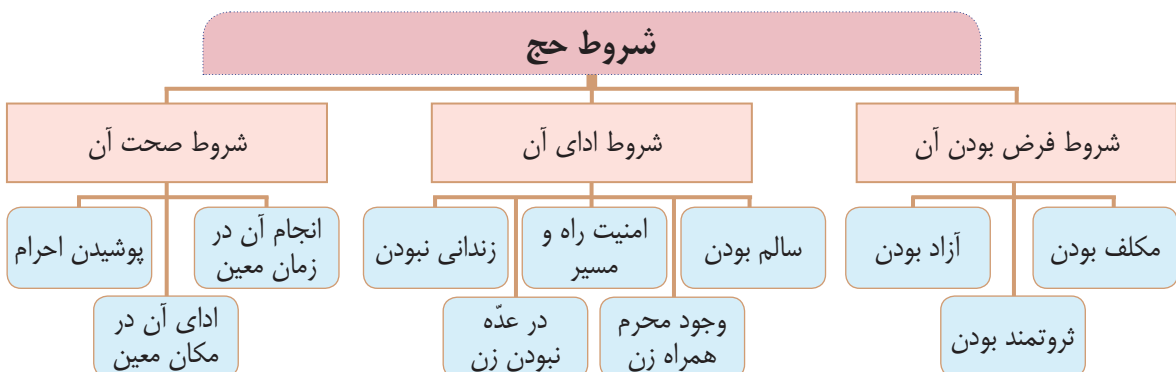
منا، ایستگاه توکل حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل است.

رجم شیطان، و نفرین ابلیس و رهایی دل از انواع غفلت‌ها و وسوسه‌ها و آزادانه روی آوردن به سوی خداست. این کار ابتدا با سنگسار کردن شیطان درونی شروع می‌شود.

تپه‌های صفا و مروه با یادآوری مادرمان هاجر که به دنبال آب بود؛ بیانگر احساس ناتوانی به سوی مولا دویدن و به او پناه بردن است.

قربانی، نسیم رحمت و حکمتی است که تسلیم شدن در برابر خداوند متعال را با رهایی از مال، جان و تمایلات و خواسته‌های نفسانی و زیستن تسلیمانه‌ی حضرت اسماعیل را خاطرنشان می‌کند.

ب) شروط حج



الف/ شرایط فرض بودن حج

مسلمان، عاقل و بالغ بودن: اگر شخص قبل از بلوغ، حج را انجام دهد، تکلیف حج فرض از او ساقط نمی‌شود. بعد از این که پولدار شد باید دوباره حج را انجام دهد.

آزاد بودن: حج بر بردگان و اسیران فرض نیست.

ثروتمند بودن و داشتن توانایی رفتن به حج: شخص باید پول لازم برای رفتن به سفر حج و هم چنین تأمین نیازهای کسانی که سرپرستی آن‌ها را به عهده دارد را در طول سفر حج در اختیار داشته باشد.

بحث و گفتگو کنید

از نظر ابوحنیفه و ابویوسف و همچنین مالکی‌ها و حنبلی‌ها عبادت حج «فوری» است. یعنی افرادی که مکلف به زیارت هستند؛ در اولین سالی که شرایط حج برایشان مهیا شد؛ سعی کنند عبادت حج را انجام دهند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «تَعَجَّلُوا إِلَى الْحَجِّ - يَعْنِي: الْفَرِيضَةَ - فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي مَا يَعْزُضُ لَهُ» (ابوداود، المناسک، ۵) «در ادای حج عجله کنید زیرا هیچ یک از شما نمی‌داند که چه زمان مرگ به سراغش می‌آید».

درصنف درباره فواید حج در سنین جوانی و بزرگسالی صحبت کنید.



امام شافعی و امام محمد معتقدند که شخص می‌تواند انجام این عبادت را به بعد موکول کرده و با شرط عدم وجود نگرانی‌هایی از قبیل تغییر شرایط ادای این عبادت در آینده، انجام آن را به تعویق بیندازد. با این حال این علما، بیان کرده‌اند که انجام عبادت حج در اولین فرصت با سنت سازگارتر و محتاطانه‌تر است.

ب/ شروط ادای حج

برای شخصا حضور یافتن در حج، شروط آتی باید موجود باشد:

سالم بودن: حج بر نابینا، معلول، فلج و ناتوان و شخصی که به شدت بیمار است و تاب تحمل سفر را ندارد؛ فرض نیست.

ایمنی راه: وقوع جنگ یا بیماری واگیردار در مکه، فرض بودن حج را در آن سال ساقط می‌گرداند.

عدم وجود مانعی برای حج: بازداشت شدگان و محکومین در زندان، گروگان‌ها و کسانی که مانعی برای رفتن به حج دارند؛ تا زمانی که این وضعیتشان ادامه داشته باشد؛ حج بر آنان فرض نیست.

حضور شوهر یا محرم با زن: زنی که به حج یا عمره می‌رود، باید شوهر یا هر یک از کسانی که نکاح با آن‌ها بر او حرام است؛ مانند پدر، جد، برادر، پسر، نوه، عمو و دایی‌اش وی را همراهی کنند.^{۱۳۳}

۱۳۳- بر اساس مذهب شافعی، زنی که شوهر یا محرمی همراهش نیست می‌تواند به همراه گروه قابل اعتمادی از زنان حجتی که بر او فرض شده را ادا کند.

پایان عده‌ی زن: زنی که به حج می‌رود، در صورتی که از شوهرش طلاق گرفته یا شوهرش فوت کرده باشد؛ باید عده‌اش را تمام کند. دوره‌ی عده؛ برای زن مطلقه حداقل سه ماه و برای زنی که شوهرش فوت کرده است حداقل چهار ماه و ده روز می‌باشد.

کسانی که واجد شرایط اهلیت ادا هستند؛ باید شخصا به حج بروند. در صورت عدم تحقق هر یک از این شروط، شخص می‌تواند وکیل تعیین کرده یا وصیت کند.

ج/ شروط صحت حج

برای صحت حج سه شرط باید رعایت شود:

(الف) احرام: برای صحیح و قابل قبول بودن حج؛ باید با نیت حج، احرام پوشیده شده و تا زمان به تن داشتن احرام، قوانین آن مراعات شود.

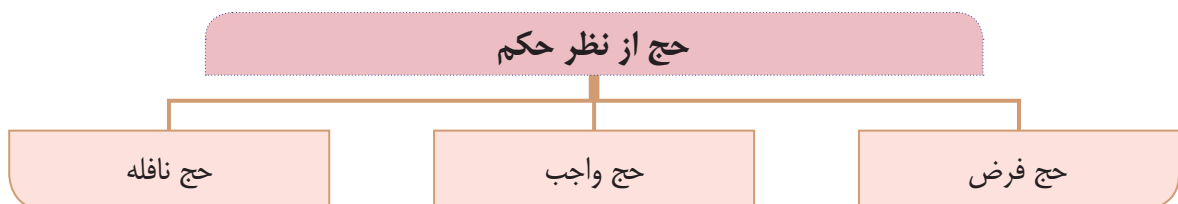
(ب) زمان معین: مناسک حج در ماه‌های حج انجام می‌شود. در قرآن چنین آمده است:

«الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ» [البقرة: ۱۹۷] «حج در ماه‌های معینی انجام می‌پذیرد.»

(ج) مکان معین: وقفه باید در محدوده‌ی عرفات باشد و طواف نیز با گردش به دور کعبه انجام شود.

در صورت عدم وجود هر یک از این شروط، حج صحیح نمی‌باشد.

ج (اقسام حج

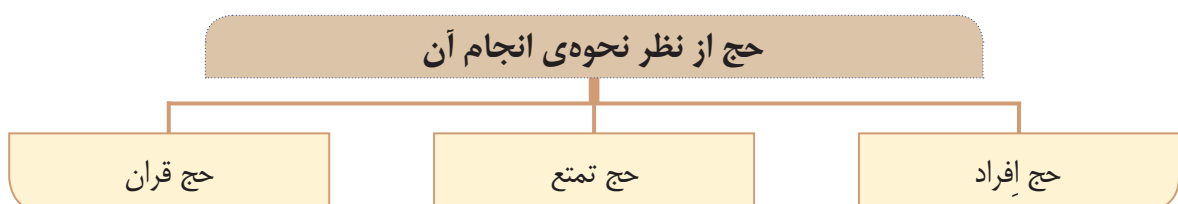


الف/ انواع حج از نظر احکام

۱- حج فرض: حجتی است که یک بار انجام آن بر هر مسلمان ثروتمند واجد شرایطی فرض است.

۲- حج واجب: قضای حج نافلة‌ای که شروع شده و نیمه تمام رها شود، واجب است. هم چنین کسی که به هر دلیلی انجام حجتی را نذر کرده باشد؛ ادای این حج نذر بر او واجب می‌باشد.

۳- حج نافلة: حج کسانی که حج فرض را به جا آورده‌اند یا فرزندی که به سن بلوغ نرسیده‌اند؛ برای رضای خدا انجام می‌دهند.



ب/ انواع حج از نظر نحوه‌ی انجام آن

حج از نظر نحوه‌ی انجام آن بر سه قسم است: افراد، تمتع و قران.

۱- حج افراد: حج فرض، واجب یا نافله‌ای که در آن فقط نیت حج شده بدون ادای عمره. هنگام پوشیدن احرام برای این نوع حج، فقط برای حج نیت می‌شود.

۲- حج تمتع: قبل از موسم حج، ابتدا برای عمره احرام بسته شده و پس از انجام عمره، در همان موسم - پیش از بازگشت به وطن - دوباره احرام بسته شده و حج فرض با تمام اصول و قواعدش انجام شود.

۳- حج قران: هنگامی که در موسم حج با یک احرام و یک نیت، بدون بازکردن احرام، ابتدا عمره و سپس حج همراه با هم انجام شود.

د) اصطلاحات مربوط به عبادات حج و عمره

آفاقی: حاجی‌هایی که خارج از مرزهای میقات می‌آیند. یعنی از راه دور می‌آیند.

عرفات: در ۲۵ کیلومتری مکه مکرمه قرار دارد. وقفه، در جنوب شرقی آن انجام می‌شود.

منطقه‌ی حرم: حرم مکه و اطراف آن، منطقه‌ی امنی است که کندن گیاهان آن و هرگونه ضرر رساندن به حیوانات شکاری آن ممنوع بوده و فقط مسلمانان مجاز به ورود به آن منطقه هستند. مرزهای مناطق حرم با هدایت جبرئیل توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) تعیین شده است.

هَرَوَله: هنگام سعی بین صفا و مروه، مردان بین ستون‌های سبز (و چراغ‌ها) سرعتشان را بیشتر کرده و تند تند راه رفته و به آرامی می‌دوند.

منطقه حل: مکان بین منطقه حرم و مکان‌های میقات است.

احرام: کسی که نیت حج یا عمره را دارد؛ کارها و اعمالی که انجام آن در زمان‌های دیگر مباح است را برای مدت معینی، یعنی تا زمانی که ارکان حج یا عمره را کاملاً به جای آورد؛ بر خود حرام می‌گرداند.

ازار: پوششی که مردان به عنوان احرام؛ از کمر به پایین را به وسیله‌ی آن می‌پوشانند.

مناسک: اعمال و عبادات مربوط به حج. هر یک از عبادت‌هایی که در حج و عمره باید انجام شود، نُسک می‌گویند.

مسجد الحرام: مسجد اطراف بیت الله (کعبه) است. مسجد الحرام با فضیلت‌ترین مساجد روی زمین است: «صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ»^{۱۴} «یک نماز در مسجد الحرام به اندازه‌ی صد هزار نماز در مساجد دیگر فضیلت دارد».

منطقه‌ی میقات: مکانی که محرمات احرام از آن جا آغاز شده و اولین جایی است که برای رفتن به پیشگاه خداوند متعال آماده و تدارک دیده شده است. این مکان‌ها از سوی حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) تعیین شده و عبارتست از پنج محلی که کسانی که قصد ورود به مکه را دارند؛ بدون احرام نباید از آن عبور کنند و عبارتند از:

۱- ذوالْحَلِيفَه: میقات کسانی است که از طریق مدینه به مکه می‌آیند. واقع در ۱۰ کیلومتری مدینه و ۴۳۰ کیلومتری مکه. این جا، دورترین میقات از مکه است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از این میقات برای حجة الوداع احرام بست.

۲- جُحْفَه: میقات کسانی است که از مصر و شام می‌آیند. واقع در ۱۸۷ کیلومتری مکه. کسانی که از کانال سوئز از راه دریای سرخ می‌آیند؛ از شهر رابغ در نزدیکی جحفه احرام می‌پوشند.

۳- ذَات عَرَق: میقات کسانی است که از سمت عراق می‌آیند. فاصله آن تا مکه ۹۴ کیلومتر است.

۴- قَرْنِ الْمَنَازِل: میقات کسانی است که از سمت نجد و کویت می‌آیند. در ۹۶ کیلومتری مکه قرار دارد.

۵- یَلَمْلَم: میقات کسانی است که از یمن و هند می‌آیند. واقع در ۵۴ کیلومتری مکه.

احرام برای کسی که با نیت تجاری از میقات گذشته و قصد توقف در مکه را ندارد؛ واجب نیست.

مَنَّا: منطقه‌ای بین مکه و مزدلفه که در محدوده‌ی حرم قرار دارد. مکانی که حاجی‌ها در آن رجم شیطان و قربانی را انجام می‌دهند.

دَرَه‌ی مُحَسَّر: مکانی که منّا را از مزدلفه جدا کرده و حاجیان در مسیر منّا در آن توقف نمی‌کنند. جایی که اصحاب فیل (سپاه ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند) نابود شدند.

مُلتَزِم: عبارتست از چند سنگ بر دیوار کعبه که بین درب کعبه و حجر الاسود قرار دارد.

مُزدلفه: محل بین عرفات و منّا که در محدوده‌ی حرم قرار دارد. در روز اول عید قربان، حضور و وقوف در مزدلفه، از لحظه‌ی امساک تا طلوع خورشید واجب است.

رَمَل: دوان دوان راه رفتن مردان در سه دور اول طواف با گام‌های کوتاه و در حالی که شانه‌ها را بالا انداخته می‌شود. رمله، فقط در طوافی که بعد از آن سعی انجام شود؛ سنت است.

رَدَا: احرام مردان که از شکم به بالا را می‌پوشاند.

رَکَن یمانی: گوشه‌ی جنوبی کعبه که به سمت یمن است. این مکان مانند حجر الاسود مورد استقبال قرار می‌گیرد.

تراشیدن یا کوتاه کردن مو: برای خروج از احرام، پس از پرتاب سنگ به عقبه، تراشیدن یا کوتاه کردن مو یکی از واجبات حج و عمره است. زمان تراشیدن یا کوتاه کردن موها در حج، ایام قربانی است.

در منّا ابتدا شیطان سنگسار شده سپس قربانی و سپس موها تراشیده می‌شود و خروج از احرام به این ترتیب واجب است.

سعی: بین تپه‌های صفا و مروه، عبارتست از چهار بار از صفا به مروه رفتن و سه بار از مروه به صفا برگشتن یعنی هفت بار رفت و برگشت که یکی از واجبات حج و عمره می‌باشد.

شَوَط: در طواف، شروع حرکت از حجر الاسود و گردیدن به دور کعبه و رسیدن به همان نقطه‌ی شروع. در سعی نیز یک بار از صفا به مروه یا از مروه به صفا رفتن است. هر طواف و سعی از هفت شوط تشکیل شده است.

رَجم شیطان: رجم شیطان، در روزهای عید، در منّا، به صورت جمره‌ی کوچک، جمره‌ی وسطی و جمره‌ی عقبه انجام می‌شود و در آن سنگریزه‌های کوچک به ستون سنگی پرتاب می‌شود.

در روز اول عید فقط به سمت جمره‌ی عقبه سنگ پرتاب می‌شود. این مدت زمان، تا زمان امساک روز دوم عید ادامه دارد. با رمی جمره‌ی اولی تلبیه قطع می‌شود و پس از آن دیگر تلبیه انجام نمی‌شود. پس از رمی جمره‌ی عقبه، مو تراشیده شده و خروج از احرام صورت می‌گیرد.

در چهار روز عید می‌توان رمی جمره را انجام داد. در روز دوم و سوم عید، پرتاب هر سه جمره امکان پذیر است. زمان رمی جمره، در روزهای دوم و سوم از قرار گرفتن خورشید در وسط آسمان تا وقت امساک روز بعد می‌باشد. روز چهارم عید، زمان رمی جمره با غروب خورشید به پایان می‌رسد.

نباید همه‌ی سنگ‌ها را به یکباره با دست پرتاب کرد بلکه باید یکی یکی و به طور جداگانه پرتاب شود. کسی که توانایی اش را دارد؛ باید خودش در زمان تعیین شده، رمی جمره را انجام دهد.

گفتن «بسم الله! الله اکبر» هنگام پرتاب هر یک از هفت سنگ، رمی جمره‌ی کوچک سپس وسطی و سپس جمره‌ی عقبه در روزهای دوم و سوم عید به ترتیب و انتخاب سنگریزه‌های کوچک برای پرتاب، سنت است.

طواف: هفت بار گشتن به دور کعبه با شروع از حجر الاسود به گونه‌ای که کعبه در سمت چپ قرار گیرد.

طواف قدوم: این اولین طواف است که با رسیدن به مکه‌ی مکرمه انجام می‌شود. برای آفاقی‌ها - کسانی که خارج از مکه می‌آیند - سنت است.

طواف تطوع: طواف نافله‌ای است، افرادی که در مکه حضور دارند؛ هر از گاهی انجام می‌دهند.

طواف عمره: طواف کسانی است که نیت عمره دارند.

طواف وداع: یعنی طواف خداحافظی. نام دیگر آن طواف صدر است. طوافی است که آفاقی‌ها باید قبل از خروج از مکه پس از اتمام رمی جمرات باید انجام دهند. تکلیف حج با انجام آن به اتمام می‌رسد. این طواف بر کسانی که در داخل مرزهای میقات و در منطقه‌ی حرم زندگی می‌کنند و کسانی که فقط به نیت عمره می‌آیند؛ واجب نیست. طواف وداع، از زمانی که پیش از انجام طواف وداع حیض شده و پیش از پاک شدن از مکه خارج می‌شوند؛ ساقط می‌گردد زیرا هر طوافی که بعد از طواف زیارت انجام شود؛ به منزله‌ی طواف وداع می‌باشد.

طواف افاضه (طواف زیارت): طوافی که پس از بازگشتن از عرفات، در روزهای عید قربان انجام می‌شود. این طواف، رکن حج می‌باشد. بهتر است پس از خارج شدن از احرام و دوش گرفتن و نظافت انجام شود.

تلبیه: دعای تلبیه که در حین حج، هنگام روبه رو شدن با یک گروه، بالا رفتن از مکانی بلند، پایین رفتن از یک وادی و سرازیری، بیدار شدن از خواب و سحرگاه به صورت مکرر خوانده می‌شود؛ عبارتست از:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ، وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ.»

«پروردگارا، اجابت می‌کنم دعوت تو را اجابت کردنی، پروردگارا، اجابت می‌کنم دعوت تو را، نیست شریکی برای تو، اجابت می‌کنم دعوت تو را اجابت کردنی، تمام حمد و ثنا مخصوص توست، همه‌ی نعمت‌ها و پادشاهی عالم از آن توست، هیچ شریکی نداری.»

پس از بستن احرام و خواندن دو رکعت نماز، تا شروع طواف لبیک خوانده می‌شود که البته معادل قولی است که در «بزم آلست» داده شده است.

روز ترویجه: روز هشتم ذی الحجه. سنت است که در این روز به منا رفته و شب در آنجا سپری شود.

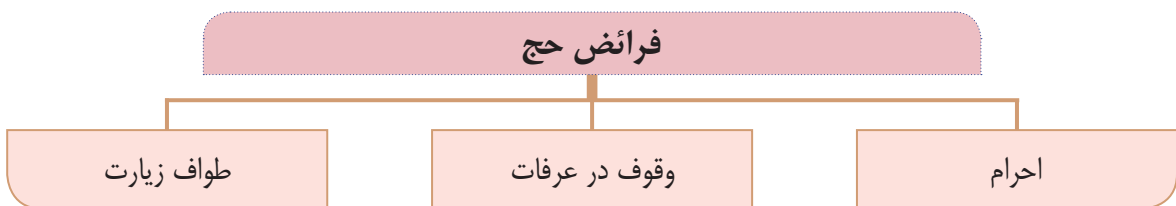
عمره: عبارتست از پوشیدن احرام در هر یک از روزهای سال و تراشیدن یا کوتاه کردن موها پس از انجام طواف

و سعی.

وادی عَرْنَه: نام دره‌ای است در صحرای عرفات. اما وقوف عرفات در این جا برگزار نمی‌شود.

وقفه: حضور در عرفه در روز عرفات، رفتن به مزدلفه در نیمه شب عید، خواندن تبلیه به درگاه خداوند متعال در این مکان‌ها، تسبیح و تکبیر گفتن، استغفار و دعا کردن و تفکر و تضرع کردن که یکی از مهم‌ترین وظایف در حج می‌باشد.

هـ) فرایض حج



۱- احرام

احرام، شرط حج است. اگرچه اولین چیزی که هنگام گفتن کلمه‌ی احرام به ذهن می‌رسد؛ یک لباس سفید بدون دوخت می‌باشد، اما در اصل احرام یعنی شخصی که تصمیم به حج و عمره می‌گیرد، برخی کارها و اعمالی که در حالت عادی برایش حلال است - مانند کوتاه کردن ناخن، تراشیدن مو، روابط جنسی، کندن گیاهان در شهر مکه و محیط اطراف آن، ضرر رساندن به سبزه‌ها - را بر خود حرام گرداند.

ارکان احرام

در مذهب احناف احرام دو رکن دارد: **نیت** و **تلبیه**. ترک یکی از این‌ها، به منزله‌ی احرام نپوشیدن است. از نظر سه مذهب دیگر فقط نیت برای احرام کافی است.

تلبیه عبارت است از گفتن کلمات معینی که بیانگر لحظه شروع عبادت است. یکبار گفتن تلبیه هنگام پوشیدن احرام فرض و تکرار آن هر از گاهی با صدای بلند سنت است. زنان چه در تلبیه و چه در دیگر دعاها، اذکار و تسبیح‌ها صدایشان را زیاد بلند نمی‌کنند.

از آن‌جا که زمان خاصی برای ادای عمره وجود ندارد، همیشه می‌توان برای عمره احرام پوشید.

آفاقی‌ها از محدوده‌ی میقات احرام می‌پوشند. کسانی که از طریق هوایی به جده می‌آیند، پیش از عبور از میقاتی که در مسیر حرکت آنان است؛ نیت کرده و احرام می‌پوشند. میقاتی‌ها، خواه برای حج و خواه عمره پیش از ورود به منطقه‌ی حرم، در هر منطقه از مناطق حل که باشند؛ احرام می‌پوشند. مکی‌ها، برای حج در داخل محدوده‌ی حرم و برای عمره از مناطقی خارج از حرم مانند تنعیم یا عرفات احرام می‌پوشند. آفاقی و میقاتی‌هایی که حج و عمره را به جا آورده و احرام را از تن بیرون کرده‌اند، مانند مکی‌ها عمل می‌کنند.

واجبات احرام

- ۱- عبور نکردن از محدوده‌ی میقات بدون احرام. آفاقی‌هایی که به منطقه حرم می‌روند؛ اگر بدون احرام از مرز میقات عبور کنند، جزا (خون) بر آنان لازم است.
- ۲- پرهیز از محرمات احرام. همان‌طور که در ادامه به تفصیل توضیح داده خواهد شد، کسی که احرام می‌پوشد، در طول مدت احرام، باید رفتارهایش را مطابق با مفاهیم و اهداف حج تحت کنترل گرفته و قوانین مربوطه را رعایت کند.

سنت‌های احرام

- ۱- غسل یا وضو گرفتن پیش از پوشیدن احرام.
- ۲- تمیز کردن موی زیر بغل و شرمگاه، کوتاه کردن ناخن‌ها و استفاده از خوشبویی قبل از پوشیدن احرام.
- ۳- خواندن ۲ رکعت نماز قبل از پوشیدن احرام.
- ۴- پوشیدن دو تکه لباس به نام ازار و ردا برای مردان.
- ۵- گفتن تلبیه در حال احرام در هر فرصتی. ۳ بار تکرار کردن تلبیه در هر بار گفتن.
- ۶- فرستادن صلوات بعد از تلبیه، دعا و راز و نیاز بعد از درود و صلوات.

قوانین مربوط به احرام

- برای افرادی که احرام می‌پوشند تا زمانی که از احرام خارج شوند، انجام برخی امور و رفتارها ممنوع است. به این‌ها «محرمات احرام» می‌گویند.
- محرمات احرام را می‌توان با توجه به زمینه‌های مربوطه، به صورت زیر دسته بندی کرد:

الف/ ممنوعیت‌های مربوط به اموری که انجام آن گناه بوده و باعث ضرر رساندن به دیگران

می‌باشد:

- ۱- **رفت:** رابطه‌ی جنسی و رفتارهایی مانند بوسیدن، معاشقه، دست کشیدن که از روی شهوت است و معمولاً منجر به رابطه جنسی می‌شود و گفتن سخنان و عبارات شهوت انگیز.
 - ۲- **فسوق:** انجام هر کاری که باعث ترک اطاعت و سوق دادن به سوی معصیت (گناه) می‌گردد.
 - ۳- **جدال:** مجادله با دیگران، توهین و دعوا کردن.
- برای ادای یک حج مقبول، باید در حال احرام بسیار صبور و شکپا بوده و از این گونه کارهای ممنوعه به شدت اجتناب کرد.

ب/ ممنوعیت‌های مربوط به بدن

- ۱- تراشیدن مو یا ریش و کوتاه کردن بروت.
- ۲- کندن یا چیدن مو و گرک بدن.
- ۳- کوتاه کردن ناخن‌ها.

۴- روغن زدن به مو، ریش و سیل، رنگ کردن، زدن نرم کننده یا ژله به مو به قصد زیبایی و استفاده از رنگ ناخن و رژ لب برای خانم‌ها.

ج/ ممنوعیت‌های پوشاک و اشیای پوشیدنی

ممنوعیت پوشاک فقط برای مردان است. زنان هنگام احرام، لباس معمولی خود را می‌پوشند و در طول احرام فقط صورت خود را نمی‌پوشانند.

۱- پوشیدن لباس‌های دوخته شده و هرگونه پوششی از نوع لباس‌های زیر. ایرادی ندارد که در کمر بند بسته شده روی کمر، کیف سرشانه‌ای، دمپایی‌های جلو و پشت باز، دوخت وجود داشته باشد. گره زدن گوشه‌های ردا به هم یا استفاده از سوزن برای بستن آن اگرچه جزایی ندارد اما مکروه می‌باشد.

۲- پوشاندن سر و صورت، پوشیدن کلاه یا چیزهایی مانند آن و پیچیدن عمامه بر سر.

۳- پوشیدن دستکش، جوراب و کفشی که پاشنه پا را می‌پوشاند.

پوشیدن کفش‌های روبازی مانند نعلین در صورت امکان مستحب است. پوشیدن کفشی که مچ و پاشنه پا را بپوشاند ممنوع و مستلزم جزا است.

د/ ممنوعیت شکار

شکار هر گونه حیوان خشکی، چه در منطقه‌ی حرم و چه در خارج از آن، چه بخواهد گوشت آن را بخورد و چه نخورد، نشان دادن شکار به شکارچی، کمک به شکار و آسیب رساندن به حیوانات صید ممنوع است.

همان طور که شکار حیوانات دریایی ممنوع نیست، ذبح حیوانات اهلی مانند مرغ، میش و بز نیز بر شخص مُحرم، حرام نیست.

هـ/ ممنوعیت‌های مربوط به منطقه‌ی حرم

شکار صید، قطع کردن و کندن گیاهان در شهر مکه و منطقه‌ی اطراف آن که حرم نامیده می‌شود، بر همه حرام است چه با احرام و چه بدون احرام.

چیزهایی که برای شخص مُحرم، حرام نیست:

۱- شستشو و استفاده از صابون بدون عطر.

۲- تعویض و شستن پوشش‌های احرام.

۳- مسواک زدن و سرمه کشیدن.

۴- کندن ناخن و موهای شکسته‌ی آزار دهنده یا مزاحم.

۵- کشیدن دندان، خون گرفتن، تزریق و بانداز روی زخم.

۶- حمل سلاح و پوشیدن دستبند، انگشتر و ساعت مچی.

۷- استفاده از کمر بند و کیف سرشانه.

۸- پیچیدن چیزی مانند لحاف یا پتو به دور خود بدون پوشاندن صورت و سر.



۹- بر دوش انداختن لباس‌هایی مانند کت یا کاپشن بدون پوشیدن آن‌ها.

۱۰- استفاده از چتر و نشستن در سایه.

۱۱- شکار ماهی و دیگر آبیان.

۱۲- خوردن گوشت شکار خشکی توسط شخص بدون احرام.

۱۳- کشتن حیوانات و حشرات مضره مانند مار، عقرب، موش، مگس، کک، کنه و حیوانات شکاری و درنده، مانند سگ مهاجم، گرگ و ببر.

۲- وقوف در عرفات

مهم‌ترین رکن حج، وقوف در عرفات است. وقوف، یعنی حضور در عرفات از ظهر تا وقت شامگاه. وقوف و حضور در عرفات تا زمان غروب خورشید واجب است.

وقوف در تمام نقاط عرفه به جز وادی عرنه و قسمت شمال غربی مسجد نمیره می‌تواند انجام شود. کسی که از زمان زوال تا زمان امساک روز اول عید قربان حتی برای مدت زمان کوتاهی در عرفه حضور داشته باشد؛ وقوف فرض عرفه را انجام داده است. کسی که حتی برای مدت کوتاهی در عرفات حضور نداشته باشد، در واقع به حج نرسیده است و بعداً باید دوباره حج را از نو ادا کند.

توقف در عرفات مهم‌ترین رکن حج است.

شروط وقوف

۱- بستن احرام به قصد حج.

۲- وقوف در عرفات در زمان تعیین شده.

۳- وقوف در روز عرفه در منطقه عرفات.

واجبات وقوف

وقوف در عرفات، یک واجب دارد:

عبارتست از ماندن در روز نهم ذی الحجه پس از ظهر تا غروب آفتاب در عرفات. طبق رأی احناف، اگر شخصی قبل از غروب آفتاب از آن‌جا خارج شود، باید گوسفندی قربانی کند.

وقوف حتی در حالت نشسته یا ایستاده، خواب یا در حالت غش جایز است.

سنت‌های وقوف

۱- حرکت از منا به سمت عرفات پس از طلوع آفتاب در روز عرفه.

۲- حضور در عرفات قبل از زوال.

۳- غسل بعد از زوال در صورت امکان، در غیر این صورت؛ غسل کردن قبل از رفتن به عرفات.

۴- خواندن دو خطبه توسط امام مانند روز جمعه، قبل از نماز ظهر در مسجد نمیره در عرفات.

۵- خواندن نماز ظهر و عصر در وقت ظهر به صورت جمع تقدیم و با یک اذان و دو اقامه.

۶- شروع وقوف بعد از نماز.

۷- وضو گرفتن در هنگام وقوف.

۸- روزه نگرفتن.

۹- حضور در نزدیکی تپه‌ای به نام جبل الرحمان و رو کردن به قبله در صورت امکان.

۱۰- انجام وقوف به صورت ایستاده.

۱۱- گفتن تلبيه، تكبير، تهليل، صلوات و استغفار در طول وقوف در عرفات، قرائت قرآن، خواندن نماز و دعا برای

خود، پدر و مادر و همه مؤمنان و طلب آمرزش.

۳- طواف زیارت (طواف افاضه)

یعنی زیارت کعبه و هفت مرتبه طواف یعنی گشتن به دور آن.

چهار شوط اول از هفت شوط طواف، فرض و سه شوط آخر واجب است.

طواف زیارت در روزهای عید قربان، بعد از وقوف در عرفات و آمدن به مسجد الحرام انجام می‌شود. به این،

طواف افاضه / طواف فرض نیز می‌گویند. زنان حائض هنگام پاک شدن این طواف را انجام می‌دهند. تأخیر در انجام

این طواف بدون عذر جایز نیست و بدون انجام آن حج کامل نمی‌شود.

واجبات طواف

۱- با وضو بودن: اگر در هنگام طواف وضو شکسته شود، پس از وضوی دوباره می‌توان شوطهای باقی مانده را

تکمیل کرد.

۲- ستر عورت: یعنی پوشاندن قسمت‌هایی که عورت محسوب می‌شود. ستر عورت همیشه فرض است. واجب

بودن آن حین طواف به این معنی است که نقض آن مستلزم جزا است. نمایان شدن یک چهارم یا بیشتر از اندام‌هایی

که عورت محسوب می‌شود؛ مستلزم جزاست اما اگر کمتر از این مقدار نمایان شود؛ جزا به آن تعلق نمی‌گیرد.

۳- حرکت در طواف به گونه‌ای که کعبه در سمت چپ قرار گرفته و شخص در سمت راست کعبه باشد.

۴- شروع طواف از حجر الاسود یا از موازات آن.

۵- طواف و گردش در بیرون دیوار حطیم زیرا حطیم جزء کعبه به حساب می‌آید.

اگر شوط‌ها و دورهایی که بیرون از دیوار حطیم انجام نشده؛ اعاده نگردد یا اگر قسمت ناقص آن با طواف اطراف

دیوار حطیم کامل نگردد؛ مستلزم جزا می‌باشد.

۶- انجام هفت دور کامل در طواف فرض و واجب.

۷- طواف به صورت پیاده برای کسانی که توانایی‌اش را دارند. کسانی که به دلیل کهولت سن، بیماری یا ناتوانی

قادر به انجام طواف به صورت پیاده نیستند؛ با نشستن بر روی چوکی چرخ دار آن را انجام دهند.

۸- خواندن دو رکعت نماز بعد از طواف، واجب می‌باشد، چه طواف فرض باشد، چه واجب و چه نافله. اگر وقت کراهت نباشد؛ مستحب است که این نماز بلافاصله بعد از طواف بدون هیچ تأخیری خوانده شود. اگر هم بعداً خوانده شود، ادا شده محسوب می‌گردد زیرا این نماز یکی از واجب‌های حج یا طواف نیست بلکه مانند نماز وتر، یک واجب جداگانه و مستقل است. به همین دلیل ترک آن از جنایت‌ها و نقص‌های حج محسوب نشده و مستلزم جزا نیست.

طواف متوالی، بدون اقامه‌ی نماز طواف بین آن‌ها مکروه است. خواندن نماز طواف پشت «مقام ابراهیم» مستحب می‌باشد. اگر آن‌جا به اندازه‌ی کافی جا نباشد، در جای مناسب دیگری داخل مسجد خوانده شود. خواندن آن در خارج از حرم مکروه است. مانند نماز احرام مستحب است که در رکعت اول این نماز هم سوره‌ی کافرون و در رکعت دوم آن سوره‌ی اخلاص خوانده شود. هیچ وقت کراهتی برای انجام طواف وجود ندارد اما از نظر احناف، نماز طواف در سه وقتی که خواندن نمازهای فرض و واجب مکروه هست و هم چنین پس از ادای نمازهای فرض صبح و عصر نیز خوانده نمی‌شود. در مذهب شوافع، نماز طواف، طوافی که در اوقات کراهت به اتمام می‌رسد را در همان لحظه می‌توان خواند.

شش مورد اول از موارد ذکر شده در بالا، فقط بر اساس مذهب احناف واجب است. در سه مذهب دیگر این موارد جزو شروط صحت طواف بوده و در صورت نقص و کاستی در هر یک از آن‌ها، طواف درست نیست و باید اعاده شود. دو مورد آخر یعنی نماز طواف و طواف با پای پیاده بر اساس رأی احناف و مالکی‌ها واجب و بر اساس مذهب شافعی‌ها و حنبلی‌ها سنت است.

اگر یکی از واجبات طواف بدون عذر ترک شود، مستلزم جزا می‌باشد، ولی طواف صحیح است. اگر طواف دوباره انجام شود؛ جزا ساقط می‌شود.

سنت‌های طواف

۱- طهارت از نجاست: عدم وجود هرگونه نجاستی که مانع از نماز شود در بدن، احرام یا لباس شخص.

۲- شروع طواف از سمت حجر الاسود یا موازات آن به طرف رکن یمانی.

۳- استلام حجر الاسود در ابتدای طواف و پس از اتمام هر دور از آن. استلام یعنی سلام کردن به حجر الاسود. برای سلام کردن، رو به حجر الاسود کرده و همانند نماز، دست‌ها را تا موازات گوش بلند کرده «بسم الله الله اکبر» گفته و روی آن گذاشته و حجر الاسود از بین دو دست بوسیده می‌شود. در صورت ازدحام و عدم امکان نزدیک شدن به حجر الاسود، به منظور عدم مزاحمت برای دیگران، کف دست‌ها را به سمت حجر الاسود گرفته، دست‌ها تا موازات گوش‌ها بالا برده شده «بسم الله الله اکبر» گفته می‌شود و با اشاره به آن سلام کرده و کف دست راست بوسیده می‌شود. در صورت استلام به حجر الاسود از دور، نیازی به ایستادن در مقابل آن نیست و راه رفتن ادامه می‌یابد. استلام به رکن یمانی در هر شوط نیز مستحب می‌باشد.

۴- رَمَل توسط مردان در سه شوط اول طوافی که بعد از آن سعی انجام خواهد شد؛ انجام می‌شود. رمل، یعنی تند راه رفتن در طواف با قدم‌های کوتاه در حالی که شانه‌ها بالا انداخته می‌شود. زنان رَمَل انجام نمی‌دهند.

۵- بر مردان لازم است در طواف‌های رمل اضطباع کنند. اضطباع، یعنی رد کردن یک طرف ردا که از کمر به بالا را می‌پوشاند؛ از زیر بازوی راست و انداختن آن به روی شانه چپ که بدین ترتیب شانه و بازوی راست خارج از احرام باقی می‌ماند. اضطباع در تمام شوط‌های طوافی که در آن رَمَل انجام می‌شود؛ سنت است. پس از طواف، شانه‌ی پوشانده شده و نماز طواف در حالی خوانده می‌شود که شانه‌ی راست پوشیده باشد. اضطباع در دیگر اوقات مکروه است.

۶- موالات، یعنی انجام تمام شوطهای طواف پشت سر هم و بدون وقفه. اگر در هنگام طواف حالتی که مانع از ادامه طواف باشد، مانند شکستن وضو یا خوانده شدن اقامه برای ادای نماز فرض پیش آید؛ طواف از همان جا رها شده و بقیه‌ی شوطها بعداً کامل می‌شود.

۷- مردان تا جایی که می‌توانند برای طواف به کعبه نزدیک شده، زنان نیز دورتر، تا جایی که در میان مردان مخلوط نشده و در فشار قرار نگیرند؛ طوافشان را انجام دهند.

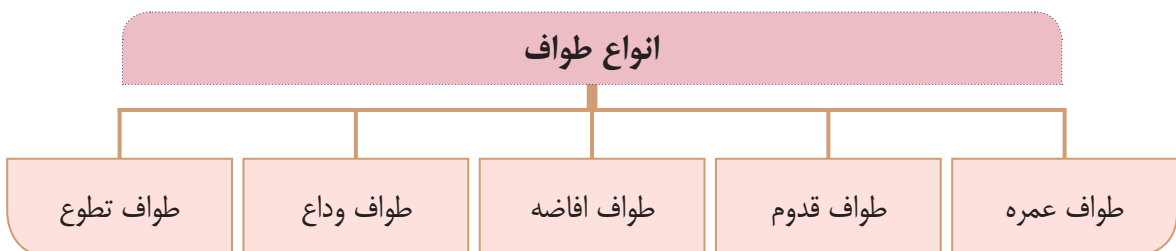
۸- ترک سنت‌های طواف بدون عذر مکروه است. در صورت ترک سنت‌ها هیچ جزای مادی الزامی نمی‌باشد.

نحوه‌ی انجام طواف

برای هر طوافی که قرار است انجام شود، نیت می‌شود و از جهت رکن یمانی و به موازات حجر الأسود تکبیر و تهلیل گفته می‌شود. پس از بوسیدن حجر الأسود یا سلام دادن به آن از روبه رو (استلام)، دعا خوانده شده و طواف شروع می‌شود.

گردش به دور کعبه خارج از دیوار حطیم انجام شده و در هر شوط با رسیدن به موازات رکن یمانی و حجر الأسود استلام شده و هفت دور به این ترتیب کامل می‌شود. در رکن عراقی و رکن شامی استلام انجام نمی‌شود. پس از اتمام طواف، اگر امکان داشته باشد نماز طواف پشت مقام ابراهیم و اگر امکانپذیر نباشد در مکان مناسب دیگری انجام شده و دعا خوانده شود.

انواع طواف



۱- **طواف عمره:** چهار شوط اول آن از ارکان عمره می‌باشد. طوافی که با احرام انجام می‌شود. انجام آن برای کسانی که عمره می‌کنند؛ فرض است.

۲- **طواف قدوم:** اولین طواف برای کسانی که از ولایت‌های دیگر - خارج - آمده و با احرام انجام می‌شود. این طواف سنت است.

۳- **طواف افاضه (زیارت):** طوافی است که پس از بازگشت از عرفات انجام می‌شود و از ارکان حج است.

۴- **طواف وداع:** آخرین طوافی است که قبل از خروج از مکه پس از رمی جمرات در منا، انجام می‌شود. انجام این طواف برای آقایانی که از خارج می‌آیند؛ مندوب است.

۵- **طواف تطوع (نافله):** طوافی است که مسلمانان ساکن در مکه هر از چند گاهی انجام می‌دهند. برای کسانی که خارج از مکه می‌آیند، انجام این طواف فضیلت بیشتری نسبت به خواندن نمازهای نافله دارد، چون آنها همیشه برای انجام این عبادت وقت ندارند.

و) واجبات حج



الف/ واجبات اصلی: عبادات واجب جداگانه در حج به شرح زیر است:

۱- سعی: سعی، بین تپه‌های صفا و مروه، چهار بار از صفا به مروه و سه بار بازگشت از مروه به سمت صفا که جمعا هفت شوط می‌شوند. کسی که برای حج احرام می‌بندد، باید سعی را پس از طواف زیارت بدون احرام انجام می‌دهد که این مناسب‌تر است. اگر قبل از وقوف عرفات انجام دهد، باید با احرام انجام شود. انجام سعی عمره نیز، بعد از طواف عمره و پیش از تراشیدن مو واجب می‌باشد.

سعی صحیح، یک بار در حج و عمره پس از طواف انجام می‌شود. سعی انجام شده قبل از طواف صحیح نیست. سعی را باید از تپه صفا شروع کرد. پیاده انجام دادن سعی واجب است. با این حال شخصی که بنا به هر عذری نتواند پیاده سعی را انجام دهد، نشسته بر چوکی چرخ دار می‌تواند سعی را انجام دهد.

سعی باید با وضو انجام شود. پیش از سعی باید به حجر الاسود سلام شده و به تپه‌ی صفا رفت. انجام شوط‌های سعی پس از طواف بدون هیچ فاصله و تأخیری بین آن، مشغول شدن به تکبیر، تهلیل و دعا حین انجام سعی، رو کردن به کعبه پس از پایان هر شوط بین صفا و مروه و گفتن تکبیر، تهلیل و دعا، هروله کردن^{۱۲۵} در مسافت بین ستون‌هایی که چراغ سبز رنگ در بین صفا و مروه دارند؛ سنت است.

۲- وقوف در مزدلفه: مزدلفه، مکانی در محدوده‌ی حرم و بین عرفات و منا قرار دارد. حاجیان که در روز عرفه از عرفات به راه می‌افتند، نماز مغرب و عشا را به صورت جمع تأخیر در وقت نماز عشا در مزدلفه می‌خوانند و شب در این مکان می‌مانند. وقوف در مزدلفه از زمان امساک در روز اول عید قربان تا طلوع خورشید واجب است. وقوف در هر جای مزدلفه - به غیر از وادی محصر - صحیح می‌باشد.

شب ماندن در مزدلفه، ادای نماز صبح به محض رسیدن وقت آن، مشغول شدن به تلبیه، تکبیر، تهلیل، دعا و استغفار، طولانی کردن وقوف تا روشن شدن هوا، انجام دادن وقوف در نزدیکی مشعر الحرام در صورت امکان و حرکت به سوی منا پس از روشن شدن هوا و پیش از طلوع خورشید، از جمله سنت‌های وقوف در مزدلفه می‌باشد. جمع آوری سنگریزه‌های رمی جمرات از این منطقه مستحب است.

۳- رمی جمرات: یعنی در روزهای عید، با سنگریزه‌های کوچک به جمره‌ی کوچک، جمره‌ی وسطی و جمره‌ی عقبه‌ی موجود در منا سنگ پرتاب کردن. رمی جمرات در چهار روز عید صورت می‌گیرد. در روز اول عید، فقط جمره‌ی عقبه انجام می‌شود.

این مدت تا وقت امساک روز دوم عید ادامه می‌یابد. با اولین رمی جمرات، تلبیه قطع می‌شود و پس از آن دیگر تلبیه انجام نمی‌شود. پس از پرتاب جمره‌ی عقبه، تراشیدن مو انجام شده و از احرام خارج می‌شود. روز دوم و سوم عید

۱۲۵- هروله: یعنی دویدن و تند راه رفتن با قدم‌های کوتاه. زنان هروله انجام نمی‌دهند.

هر سه جمره انجام می‌شود. وقت رمی جمرات در روزهای دوم و سوم عید؛ از زمان رسیدن خورشید به وسط آسمان تا وقت امساک در روز بعد می‌باشد. در روز چهارم عید، با غروب خورشید زمان رمی جمرات به پایان می‌رسد.

لازم است سنگ‌ها را با دست به داخل جمره انداخت. انداختن چیزهایی مانند چوب و آهن جایز نیست. نباید همه‌ی سنگ ریزه‌ها را به یکباره پرتاب کرد بلکه باید جداگانه آن‌ها را انداخت. کسانی که توانایی پرتاب سنگ را دارند؛ باید در زمان مشخص این کار را انجام دهند. اما کسانی که به خاطر بیماری شدید توان پرتاب سنگ‌ها را ندارند؛ می‌توانند کسی را به عنوان وکیل خود انتخاب کرده تا به جای آن‌ها سنگ‌ها را پرتاب کنند. پرتاب هفت سنگ پی در پی، گفتن «بسم الله! الله اکبر» حین پرتاب هر سنگ، رمی جمره‌ی کوچک سپس وسطی سپس عقبه در روزهای دوم و سوم عید به ترتیب و کوچک انتخاب کردن سنگ‌ها سنت می‌باشد. برداشتن و انداختن سنگ‌هایی که در محل جمره جمع شده و هم چنین انداختن بیش از هفت سنگ به یک جمره مکروه است.

۴- تراشیدن یا کوتاه کردن مو: تراشیدن یا کوتاه کردن مو پس از پرتاب سنگ در جمره‌ی عقبه برای خروج از احرام، از واجبات حج و عمره است. تراشیدن موها در حج، در روزهای قربانی انجام می‌شود.

تراشیدن تمام سر یا کوتاه کردن تمام مو سنت است. زنان برای خارج شدن از احرام تمام موهای خود را نمی‌تراشند، فقط کمی از انتهای موهایشان را کوتاه می‌کنند.

کسانی که برای حج قران و تمتع نیت کرده‌اند، پس از رمی جمره‌ی عقبه، قربانی کرده و موهای خود را می‌تراشند و از احرام بیرون می‌آیند. کسانی که حج افراد می‌کنند لازم نیست قربانی کنند. برای خارج شدن از احرام واجب است که ابتدا رمی جمره در منا، سپس قربانی سپس تراشیدن مو انجام شود.

بدون تراشیدن، نمی‌توان از احرام خارج شد. با تراشیدن یا کوتاه کردن مو خروج از احرام صورت می‌گیرد و به غیر از رابطه‌ی جنسی، سایر ممنوعیت‌ها برداشته می‌شود.

احرام با تراشیدن یا کوتاه کردن مو برطرف می‌شود. پس از طواف زیارت ممنوعیت رابطه‌ی جنسی نیز به پایان می‌رسد.

۵- انجام طواف وداع: طواف وداع برای حجاجی که قصد بازگشت به کشور خود را دارند؛ پیش از ترک مکه واجب است. این طواف بر کسانی که در محدوده‌ی میقات و در حرم مکه زندگی می‌کنند و هم چنین بر کسانی که فقط عمره را انجام داده‌اند؛ واجب نیست. طواف وداع از زنانی که پیش از انجام آن عادت شده‌اند یا پیش از پاکی از مکه خارج شده‌اند؛ ساقط می‌گردد. هر طوافی که بعد از طواف زیارت انجام شود؛ طواف وداع به شمار می‌رود.

۶- قربانی کردن هدی: به قربانی‌هایی که در منطقه منا در زمان حج و عمره ذبح می‌شود، هدی می‌گویند. بر کسانی که حج تمتع و حج قران می‌کنند، انجام قربانی واجب است. برای افرادی که حج افراد انجام می‌دهند؛ قربانی در حج واجب نیست، اما اگر بخواهند به عنوان نافله می‌توانند قربانی کنند.

قرآن در مورد قربانی هدی چنین می‌فرماید:

«وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكِ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»

[البقرة: ۱۹۶]



«حج و عمره را به تمام و کمال خالصانه برای خدا انجام دهید و اگر [به علتی] از انجام آن ممنوع شدید، آنچه را از قربانی برای شما میسر است [قربانی کنید و از احرام در آیید]؛ و سر خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد؛ و از شما اگر کسی بیمار بود یا در سرش ناراحتی و آسیب داشت [و ناچار بود سر بتراشد، جایز است سر بتراشد و] کفاره ای چون روزه، یا صدقه یا قربانی ه اوست. و

هنگامی که [از علل ممنوعیت] در امان بودید، پس هر که با پایان بردن عمره تمتع به سوی حج تمتع رود، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]. و کسی که قربانی نیابد، سه روز روزه، در همان سفر حج و هفت روز روزه، هنگامی که بازگشتید بر عهده اوست؛ این ده روز کامل است [و قابل کم و زیاد شدن نیست]. این وظیفه کسی است که [خود و] خانواده اش ساکن و مقیم [منطقه] مسجد الحرام نباشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا سخت کیفر است.»

هدی، از آن جا که به معنای قربانی برای کعبه و حرم است، خواه واجب، خواه نافله باشد، باید در محدوده‌ی حرم قربانی شود. اگر قرار باشد قربانی‌های هدی در خارج از حرم ذبح شود، به جز قربانی حج افراد، دیگر قربانی‌ها باید بعداً در داخل محدوده‌ی حرم اعاده شود.

قربانی واجب که به قصد شکرگزاری توسط کسانی که حج تمتع و قران را انجام می‌دهند؛ انجام می‌شود، از طلوع فجر اولین روز عید تا غروب آفتاب در روز سوم واجب است. اگر در طول این مدت قربانی انجام نشود و برای بعد بماند، علاوه بر قربانی، جزا نیز الزامی می‌گردد.

اگر کسی که حج تمتع یا قران انجام می‌دهد؛ نتواند حیوانی برای قربانی پیدا کند، ده روز روزه می‌گیرد، سه روز را حین حج، هفت روز باقی مانده را پس از بازگشت به وطن.

اگر نتواند در حین حج سه روز روزه بگیرد؛ حتماً باید قربانی کند.

ب/ واجبات فرعی: واجبات مربوط به مناسک حج عبارتند از:

۱- واجبات احرام:

۱- عبور نکردن از محدوده‌ی میقات بدون احرام.

۲- دوری از مُحَرَّمات احرام.

۲- واجبات طواف

۱- طهارت از حدث.

۲- ستر عورت.

۳- شروع طواف از موازات حجر الاسود.

۴- تیامن، یعنی راه رفتن در طواف به گونه‌ای که کعبه در سمت چپ شخص قرار گیرد.

- ۵- گردش در خارج از دیوار حطیم.
- ۶- طواف کردن با پای پیاده در صورت توان.
- ۷- خواندن نماز طواف بعد از اتمام طواف.
- ۸- انجام طواف زیارت در روزهای عید.
- ۹- کامل کردن هفت شوط.

۳- واجبات سعی

- ۱- انجام سعی به صورت پیاده برای کسی که توان آن را دارد.
- ۲- از صفا تا مروه ۴ بار و از مروه تا صفا ۳ بار پیاده روی و جمعا کامل کردن هفت دور.

۴- واجبات وقوف عرفه

ترک نکردن منطقه‌ی عرفات قبل از غروب آفتاب.

۵- واجبات مزدلفه

خواندن نماز مغرب و عشا بعد از داخل شدن وقت نماز عشا - جمع تأخیر.

۶- واجبات منا

- ۱- سنگ انداختن به جمره عقبه.
- ۲- رعایت ترتیب بین قربانی و تراشیدن.
- ۳- قربانی کردن برای کسانی که حج تمتع یا قران انجام می‌دهند.
- ۴- ذبح قربانی در محدوده‌ی حرم.
- ۵- تراشیدن در روزهای عید و در محدوده‌ی حرم.
- ۶- انداختن سنگ‌ها به جمره‌ها بدون کم و کاستی و در زمان مقرر.

ز) سنت‌های حج



الف / سنت‌های اصلی: سنت‌های مستقل در عبادت حج به شرح زیر است:

۱- طواف قدوم: طواف آمدن به مکه است. این طواف، برای کسانی که قصد حج افراد یا قران را دارند؛ یعنی آفاقی‌هایی که خارج از محدوده‌ی میقات وارد مکه می‌شوند، سنت است. اگر سعی حج بعد از این طواف انجام نشود؛ اضطباع و رمّل در این طواف انجام نمی‌شود. طواف قدوم برای مکی‌ها، کسانی که از داخل مرزهای میقات به حج می‌روند، کسانی که فقط قصد عمره یا حج تمتع دارند، کسانی که قصد حج افراد را داشته و بدون گذر از مکه مستقیم به عرفات می‌روند و هم چنین زنانی که به خاطر شرایط خاص زمان کافی برای انجام طواف قدوم را نیافته و مستقیم به عرفات رفته‌اند؛ ضروری نیست.

۲- خطبه‌ها: سنت است که امام در مکه، عرفات و منا خطبه بخواند و به خطبه‌های ایراد شده گوش داده شود.

۳- ماندن شب عرفه در منا: در روز هشتم ذی الحجه (که روز ترویبه نامیده می‌شود) رفتن از مکه به منا بعد از طلوع خورشید، گذراندن شب در این مکان و حرکت به سوی عرفات در روز عرفه پس از طلوع خورشید سنت می‌باشد.

۴- گذراندن شب عید در مزدلفه: سنت است که وقتی از عرفات به مزدلفه رفته می‌شود؛ شب عید در این منطقه سپری شود.

۵- ماندن در منا برای رمی جمره در روزهای عید: ماندن در منا در ایام قربانی و گذراندن شب در آن جا سنت است.

۶- تحصیب: استراحت کردن در دره‌ای به نام «ابطح» در راه بازگشت از منا به مکه.

ب/ سنت‌های فرعی: سنت‌های مربوط به مناسک حج از این قرار است:

الف) سنت‌های مربوط به احرام

۱- اصلاح قبل از احرام، تمیز کردن موهای زیر بغل و شرمگاه، کوتاه کردن ناخن‌ها و استفاده از خوش بویی.

۲- غسل کردن یا وضو گرفتن حین پوشیدن احرام.

۳- خواندن دو رکعت نماز سنت به نیت احرام.

۴- پیمچیدن دو تکه پارچه به نام ازار و ردا به دور خود.

۵- خواندن تلبیه در حال احرام در هر فرصتی.

۶- سه بار تکرار کردن تلبیه در هر مرتبه.

۷- خواندن صلوات شریف و بعد از صلوات هم دعا و مناجات بعد از تلبیه.

ب) سنت‌های مربوطه به مکه و کعبه

۱- وارد شدن به مکه در روز در صورت امکان.

۲- غسل کردن یا وضو گرفتن قبل از ورود به مکه در صورت امکان.

۳- خواندن هر دعایی که شخص می‌خواهد با دیدن کعبه.

۴- تکبیر و تهلیل گفتن هنگام آمدن مقابل کعبه.

۵- چسباندن صورت و سینه به دیوار کعبه در ملتزم و خالصانه دعا و راز و نیاز کردن.

ج) سنت‌های مربوط به طواف

- ۱- شروع حرکت از موازات حجر الاسود از سمت رکن یمانی.
- ۲- استلام حجر الاسود در ابتدای طواف و در پایان هر شوط.
- ۳- اضطباع و رمل کردن مردان در طوافی که قرار است بعد از آن سعی انجام شود.
- ۴- انجام تمام شوط‌ها پشت سر هم و بدون وقفه.
- ۵- زیاد انجام دادن طواف نافله.
- ۶- مشغول شدن به ذکر، تکبیر، تهلیل و دعا در هنگام طواف.

د) سنت‌های مربوط به سعی

- ۱- شروع سعی بلافاصله بعد از اتمام طواف بدون هیچ وقفه‌ای.
- ۲- استلام حجر الاسود حین رفتن به سعی.
- ۳- بالا رفتن از صفا و مروه به اندازه‌ای که کعبه دیده شود، سپس رو کردن به کعبه و تکبیر، تهلیل و دعا کردن.
- ۴- هروله‌ی مردان در فاصله‌ی بین دو ستون سبز.
- ۵- انجام شوط‌های سعی پشت سر هم بدون وقفه.
- ۶- مشغول شدن به تکبیر و تهلیل و دعا در هنگام سعی.
- ۷- با وضو بودن حین انجام سعی. (زنان با وجود شرایط خاصی یعنی حیض و نفاس می‌توانند سعی را انجام دهند).

هـ) سنت‌های مربوط به عرفات و وقوف

- ۱- حرکت به سمت عرفات پس از طلوع آفتاب از منا در روز عرفه.
- ۲- جمع تقدیم نماز ظهر و عصر.
- ۳- غسل بعد از زوال برای وقوف.
- ۴- وضو داشتن حین وقوف.
- ۵- وقوف در صخره‌های سیاه در دامنه‌ی جبل الرحمان.
- ۶- رو کردن به قبله هنگام وقوف.
- ۷- مشغول شدن به تلبیه، ذکر، تسبیح، تکبیر، تهلیل، صلوات و نماز در طول روز. دعا برای خود، پدر و مادر و گذشتگان و همه مؤمنان و راز و نیاز کردن.

و) سنت‌های مربوط به وقوف در مزدلفه

- ۱- پس از غروب آفتاب در روز عرفه با آرامش از عرفات به مزدلفه رفتن و شب را در مزدلفه و در اطراف مشعر الحرام گذراندن.

۲- نماز صبح را زود خواندن و وقوف را شروع کردن.

۳- ادامه‌ی وقوف تا زمانی که هوا کاملاً روشن شود.

ز) سنت‌های مربوط به منا و رمی جمره (سنگ زدن به شیطان)

۱- صبح عید بعد از روشن شدن کامل هوا (قبل از طلوع خورشید) حرکت از مزدلفه به سوی منا.

۲- سنگ انداختن به جمره‌ی عقبه بدون معطلی.

۳- هنگام سنگ اندازی به سمت جمره‌ی عقبه، مکه را در سمت چپ و منا را در سمت راست خود قرار دادن. در پرتاب سنگ در دو جمره‌ی دیگر به هر شکلی می‌توان ایستاد.

۴- پرتاب سنگ‌ها تقریباً از مسافتی به اندازه‌ی ۵ - ۳,۵ متر.

۵- پرتاب هفت سنگ پشت سر هم.

۶- پرتاب سنگ در جمرات کوچک، وسطی و عقبه در ایام تشریق به ترتیب.

۷- دعا کردن بعد از پرتاب سنگ‌ها به جمره‌ی کوچک و وسطی و ترک مکان بلافاصله بعد از پرتاب جمره‌ی عقبه.

۸- سنگ انداختن قبل از ظهر در روز اول عید و بعد از ظهر در روزهای دیگر.

۹- کسانی که برای رفتن از منا به مکه عجله می‌کنند، پیش از غروب آفتاب در روز سوم عید از منا خارج می‌شوند.

ح) سنت‌های مربوط به زمزم

۱- پس از انجام طواف وداع و خواندن نماز طواف، زمزم زیاد نوشیدن و بر بدن پاشیدن.

۲- نوشیدن آب زمزم رو به کعبه، ایستاده و با نگاه به بیت الله.

ط) سنت‌های مربوط به وداع و استقبال

۱- دیدار با خانواده، همسایگان و دوستان، خداحافظ با آن‌ها و طلب دعای خیر از ایشان.

۲- وداع با کسی که به حج می‌رود.

۳- دیدار با حاجی در راه.

۴- خواندن دو رکعت نماز در منزل خود پیش از رفتن و پس از بازگشت از حج و خواندن دعا.

علاوه بر این‌ها، مستحب است که مسافرانی که قصد رفتن به حج را دارند؛ کارهای زیر را انجام دهند:

* اگر به کسی بدهکار است باید قبل از رفتن به حج این بدهی را بپردازد.

* از گناهان خود توبه کند و اگر قضای عبادتی بر گردن او هست؛ آن را به جای آورد.

* از خودنمایی، فخر فروشی پرهیز کرده و فروتنی پیشه کند.

* از افرادی که پیرامون حج علم و تجربه کافی دارند؛ مشورت بگیرد.

* در صورت نیاز برای خود یک دوست خوب که او را راهنمایی و کمک کرده و وی را به صبر و بردباری توصیه نماید؛ اختیار کند.

* از نزاع با دوستان و سایر مسافران در مسیر حج خودداری نماید.

* اگر دشمنانی دارد؛ سعی کند با آنان با صلح و آشتی برخورد کند.

ح) عمره

الف/ معنی عمره

عمره در لغت به معنای «زیارت» است. در اصطلاح نیز به معنای زیارت کعبه به قصد انجام عباداتی مانند طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه است.

ب/ حکم عمره

از نظر احناف، انجام عمره یک بار در زندگی، سنت مؤکده است.

رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - در مورد فضیلت عمره چنین فرموده است: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَقَفَّارَةٍ لِّمَا بَيْنَهُمَا»^{۱۲۶} «یک عمره تا عمره دیگر، موجب بخشش و کفاره گناهانی میشود که میان آن دو عمره، انجام گرفته اند.» «عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً»^{۱۲۷} «عمره در رمضان معادل با حج است.» «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَيْسَ لِحَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ إِلَّا الْجَنَّةُ»^{۱۲۸} «حج و عمره را پشت سر هم انجام دهید، زیرا این دو فقر و گناهان را دور می‌کنند همان طور که دم آهنگری ناخالصی و زایده‌ی آهن و طلا و نقره را می‌زداید و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد.»

ج/ فرق حج و عمره

تفاوت حج و عمره عبارتند از:

* یک بار حج در زندگی فرض است و عمره سنت مؤکده است.

* زمان حج مشخص است اما برای عمره زمان خاصی وجود ندارد. عمره را می‌توان در هر زمانی از سال به جز چهار روز عید قربان به همراه روز عرفه، انجام داد. پوشیدن احرام به قصد عمره از زمان زوال خورشید در روز عرفه به بعد، در روزهای عید مکروه تحریمی می‌باشد.

* مناسکی مانند وقفه‌های عرفات و مزدلفه، رجم شیطان، خطبه، طواف صدر و جمع نمازها فقط در حج انجام می‌شود.

* در حج قربانی می‌شود، اما در عمره انجام نمی‌شود. شکستن حج مستلزم قربانی گاو یا شتر است در حالی که شکستن عمره مستلزم قربانی کردن گوسفند می‌باشد.

۱۲۶- بخاری، العمرة، ۱ و مسلم، الحج، ۴۳۷.

۱۲۷- نسایی، الصیام، ۶.

۱۲۸- ترمذی، الحج، ۲ و نسایی، الحج، ۶.

د/ ارکان عمره و نحوه‌ی انجام آن

طواف کعبه، رکن عمره و احرام شرط عمره است. سعی بین صفا و مروه و تراشیدن یا کوتاه کردن مو نیز از واجبات عمره است.

کسی که می‌خواهد عمره انجام دهد؛ احرام می‌پوشد، برای عمره نیت می‌کند و تلبیه می‌گوید. وقتی وارد مکه شد، طواف می‌کند، سپس بین صفا و مروه سعی انجام می‌دهد. پس از اتمام سعی، موی خود را می‌تراشد یا کوتاه کرده و از احرام خارج می‌شود. بدین ترتیب عمره کامل می‌شود.

ط) نحوه‌ی انجام حج و عمره

فرق‌های بین حج و عمره



	نوع عبادت	زمان	احرام	طواف	سعی	وقوف	وقوف در مزدلفه	جمع کردن سنگریزه	رمی جمرات	قربانی کردن
حج	فرض	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
عمره	سنت	✗	✓	✓	✓	✗	✗	✗	✗	✓

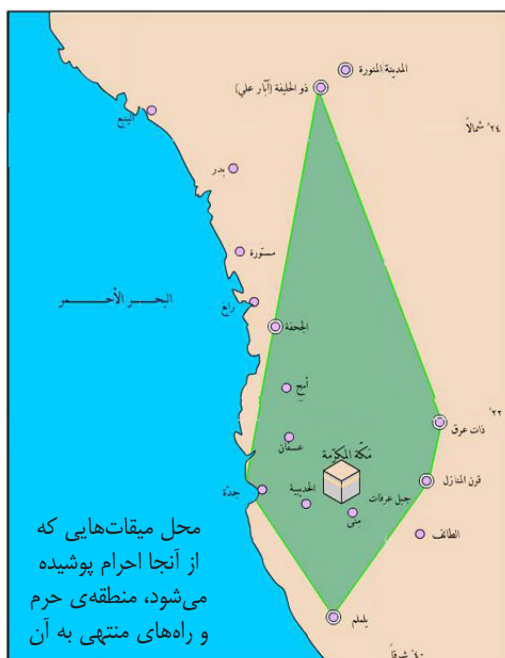
مناسک حج و عمره با بستن احرام آغاز می‌شود. قبل از احرام، ناخن‌ها، موهای زیر بغل و ناحیه‌ی تناسلی تمیز می‌شود، در صورت لزوم، مو و ریش اصلاح و بروت‌ها منظم می‌شوند. در صورت امکان غسل یا وضو گرفته می‌شود. غسل بهتر از وضو است.

پس از این آمادگی، مردان همه‌ی لباس‌های خود را درآورده و دو تکه پارچه به نام ازار و ردا را به عنوان پوشش و طبق اصولش به دور خود می‌پیچند. سرها باز و پاها برهنه هستند.

می‌توان دمپایی (چپلک) بازی که پاشنه‌ی آن و در حد امکان روی آن باز باشد؛ پوشید. زنان لباس و پوشش معمولی خود را تغییر نمی‌دهند. برای زنان هیچ محدودیتی در انواع پوشاک، پوشیدن کفش بسته، جوراب و دستکش وجود ندارد. فقط نباید صورت خود را بپوشانند.

اگر وقت کراهت نباشد؛ پس از خواندن دو رکعت نماز احرام، نیت و تلبیه انجام شده و احرام پوشیده می‌شود.

کسانی که حج افراد انجام می‌دهند، می‌گویند: «پروردگارا، برای رضای تو حج می‌کنم، پاداش آن را به من عطا کند و آن را برای من آسان گردان و از من بپذیر» و فقط برای حج نیت کرده و تلبیه می‌گویند.



کسانی که نیت انجام حج تمتع دارند؛ می‌گویند: «پروردگارا، برای رضای تو عمره انجام می‌دهم، آن را برای من آسان گردان و از من بپذیر» و فقط برای عمره نیت کرده و تلبیه می‌گویند.

کسانی که می‌خواهند حج قران انجام دهند، می‌گویند: «پروردگارا، من برای رضای تو عمره و حج را انجام می‌دهم، ادای آن‌ها را برای من آسان بگردان و هر دو را از من بپذیر.» سپس هم برای عمره و هم حج نیت کرده و تلبیه می‌گوید.

با گفتن نیت و تلبیه وارد احرام شده و ممنوعیت‌های احرام شروع می‌شود.

سفر با گفتن تلبیه، تکبیر، تهلیل و صلوات شریف ادامه می‌یابد. تلبیه در زمان به تن داشتن احرام، در هر فرصتی گفته می‌شود. مخصوصاً هنگامی که تغییری ایجاد شود در زمان، مکان و موقعیت، بالا و پایین آمدن، روبه رو شدن با کاروان‌ها، بعد از نمازهای فرض و در وقت سحر گفته می‌شود.

سه بار تکرار کردن تلبیه و گفتن تکبیر، تهلیل و صلوات شریف بعد از آن نیز مستحب است.



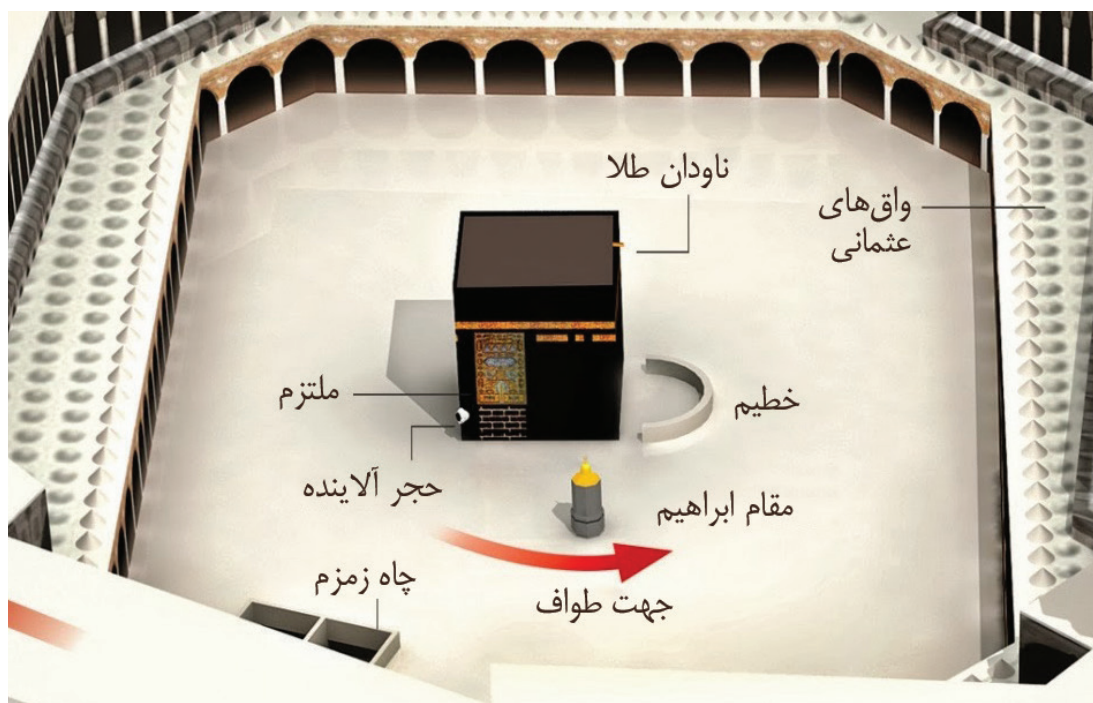
تلبیه در حج، با پرتاب سنگ به سمت جمره‌ی عقبه در روز اول عید و در عمره نیز با شروع طواف عمره به پایان رسیده و بعداً انجام نمی‌شود.

در صورت امکان در محل اقامت در مکه غسل گرفته شود در غیر این صورت پس از وضو گرفتن، در حین گفتن تلبیه به سمت حرم رفته می‌شود. با دیدن بیت الله سه بار تکبیر و تهلیل گفته و دعا خوانده می‌شود.

اگر در آن لحظه نماز فرض اقامه نشود؛ فوراً طواف شروع می‌گردد.

در حج افراد، اولین طواف «طواف قدوم» و در حج تمتع و قران «طواف عمره» است.

از آن جا که پس از طواف عمره، در حج تمتع و قران؛ سعی انجام می‌شود، «اضطباع» و «رمل» انجام می‌شود. در حج افراد نیز اگر سعی حج بلافاصله بعد از طواف قدوم انجام شود؛ در طواف، اضطباع و رمل انجام می‌شود در غیر این صورت انجام نمی‌شود.



اگر پشت مقام ابراهیم جای مناسبی وجود داشته باشد، در آن جا و اگر جای مناسبی نبود؛ در محل مناسب دیگری نماز طواف و دعاها خوانده شده و پس از نوشیدن آب زمزم، افرادی که حج تمتع و قران انجام می‌دهند؛ سعی عمره را و افرادی که حج افراد انجام می‌دهند؛ اگر بخواهند می‌توانند سعی حج را انجام دهند.

کسانی که حج افراد انجام می‌دهند، چه سعی حج را انجام بدهند چه ندهند؛ موهایشان را نمی‌تراشند و از احرام خارج نمی‌شوند و هم چنان در احرام می‌مانند.

چون کسانی که حج تمتع انجام می‌دهند؛ از آن جایی که در میقات فقط نیت عمره کرده‌اند، پس از اتمام سعی عمره، موها را تراشیده و از احرام بیرون می‌آیند.

تا پوشیدن دوباره‌ی احرام برای حج، می‌توانند در مکه بدون احرام گردش کنند.

در روز هشتم ذی الحجه (ترویج) یا در صورت تمایل قبل‌تر از آن، بار دیگر برای حج احرام می‌پوشند.

پس از پوشیدن احرام به نیت حج، در صورت تمایل پس از انجام یک طواف نافله می‌توانند سعی حج را قبل از رفتن به عرفات به جا آورند. در این صورت پس از طواف زیارت نیازی نیست که سعی را انجام دهند.

کسانی که حج قران را انجام می‌دهند؛ از آن جایی که حین پوشیدن احرام برای حج هم نیت می‌کنند؛ بعد از عمره مو را تراشیده و از احرام خارج نمی‌شوند. این دسته از افراد بعد از تمام شدن این سعی عمره، در صورت نیاز، پس از مدتی استراحت، طواف قدوم را انجام داده و نماز طواف را می‌خوانند. در صورت تمایل می‌توانند سعی حج را بلافاصله

بعد از این طواف قدوم یا پس از طواف زیارت انجام دهند. در طوافی که قرار است بعد از آن سعی انجام شود؛ اضطباع، در سه شوط اول آن رمل انجام می‌شود.

مناسک حج را می‌توان به صورت فشرده از ۸ - ۱۳ ذی الحجه و در طی ۶ روز ادا نمود. مناسکی که در هر یک از این روزها باید انجام شود؛ به طور خلاصه از این قرار است:

۱- روز ترویبه (۸ ذی الحجه): همه حجاج، از نماز صبح روز ترویبه رفتن به منا یا نقل مکان به عرفات را آغاز می‌کنند. خواندن پنج وقت نماز یعنی از نماز ظهر روز ترویبه تا نماز صبح روز عرفه در منا و شب را در آن جا گذراندن و حرکت به سوی عرفه پس از طلوع خورشید سنت است.



۲- روز عرفه (۹ ذی الحجه): حجاج در عرفات تا وقت زوال در خیمه‌ها استراحت کرده و به عبادت مشغول می‌شوند. بعد از وقت زوال در صورت امکان باید غسل کرده شود. پس از ادای نماز ظهر و عصر به صورت جمع تقدیم، وقوف انجام می‌شود. از تمام این روز با پرداختن به تلبیه، تکبیر، تهلیل، ذکر، تسبیح، صلوات شریف، دعا، نماز، توبه، استغفار با عباداتی مانند تلاوت قرآن نهایت بهره و استفاده برده می‌شود. رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «کسی که امروز چشم، گوش و زبانش را کنترل و از آن به درستی استفاده کند؛ گناهان پیشینش بخشوده می‌شود.»^{۱۳۹}

پس از غروب خورشید، بدون این که نماز مغرب خوانده شود؛ حرکت از عرفات به مزدلفه آغاز می‌شود. نمازهای مغرب و عشاء، پس از وارد شدن وقت نماز عشا به صورت جمع تأخیر در مزدلفه خوانده می‌شود. شب عید در این جا با عبادت و استخاره سپری می‌گردد. سنگ برای رمی جمرات به مقدار کافی از این مکان جمع آوری می‌شود.

۳- روز اول عید (یوم النحر، ۱۰ ذی الحجه) :

الف) نماز صبح با داخل شدن وقتش زود هنگام در مزدلفه خوانده می‌شود. بعد از نماز تا روشن شدن هوا وقوف در مزدلفه ادامه می‌یابد. دعا و نیایش و استغفار خوانده می‌شود. پس از روشن شدن کامل و قبل از طلوع خورشید به سمت منا حرکت می‌شود.

ب) پس از قرار دادن وسایل در خیمه‌های منا، به سمت جمره‌ی عقبه رفته شده و پیش از پرتاب هر سنگ «بسم الله، الله اکبر، رغما للشیطان وحزبه» گفته و هفت سنگ پرتاب می‌شود. با پرتاب اولین سنگ تلبیه تمام می‌شود. از این بعد دیگر تلبیه انجام نمی‌شود.

ج) سپس قربانی در محدوده‌ی منطقه حرم انجام شده یا از طریق نیابت انجام می‌گیرد. قربانی شکرگزاری بر کسانی که حج تمتع و قران انجام می‌دهند؛ واجب است. قربانی بر کسانی که حج افراد انجام می‌دهند؛ واجب نیست. اگر بخواهند می‌توانند به عنوان نافله قربانی کنند.

د) کسانی که حج افراد انجام می‌دهند؛ پس از رمی جمره‌ی عقبه و کسانی که حج تمتع و قران انجام می‌دهند نیز پس از این که شخصا یا نیابتا قربانی کردند، موها را تراشیده از احرام خارج می‌شوند. بدین ترتیب تمام ممنوعیت‌های احرام به جز ارتباط جنسی برداشته می‌شود. ممنوعیت رابطه‌ی جنسی نیز با انجام طواف زیارت برداشته می‌شود. حاجیان علاوه بر این که می‌توانند موهای خود را بتراشند؛ موهای یکدیگر را نیز می‌توانند بتراشند. ایرادی ندارد شخصی که قرار است موهای خود را بتراشد و هنوز از احرام بیرون نیامده است؛ موهای شخص مُحَرَّم دیگری را بتراشد.

هـ) در صورت امکان می‌توان به مکه رفت و در همان روز طواف زیارت را ادا کرد. کسانی که سعی حج را هنوز به جای نیاورده‌اند؛ پس از طواف زیارت هم می‌توانند سعی حجتشان را انجام دهند. بنا به رأی ابوحنیفه، انجام این طواف حداکثر تا پیش از غروب خورشید سومین روز عید واجب و بنا به رأی دیگر مجتهدان سنت می‌باشد.

و) اگر طواف زیارت در اولین روزهای عید انجام شده باشد، بازگشت دوباره به منا پس از طواف و شب را در منا ماندن در روزهای رمی جمرات طبق رأی ابوحنیفه سنت و طبق سه مذهب دیگر واجب است.

۴- روزهای دوم، سوم و چهارم عید (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه):

الف) در روز دوم و سوم عید بعد از زوال، به ترتیب به جمره‌ی کوچک، وسطی و عقبه سنگ به صورت هفت تایی پرتاب می‌شوند. پس از پرتاب سنگ به جمره‌ی کوچک و وسطی، به کناری رفته و دعا خوانده می‌شود. پس از جمره‌ی عقبه برای دعا کردن نایستاده و محل بلافاصله ترک کرده می‌شود. رمی جمرات در این دو روز پیش از زوال انجام نمی‌شود.

ب) کسانی که در روز چهارم عید رمی جمرات را انجام نمی‌کنند، پیش از طلوع فجر باید منا را ترک کنند. خارج شدن از محدوده‌ی منا برای این افراد در روزم سوم پیش از غروب خورشید سنت و پس از غروب خورشید مکروه می‌باشد. کسانی که در روز چهارم، پیش از طلوع فجر هنوز منا را ترک نکرده‌اند؛ باید در آن روز رمی هر سه جمره را به صورت هفت تایی انجام دهند. اما بنا به قول ابوحنیفه، رمی جمرات در روز چهارم، پس از طلوع فجر صادق و قبل از زوال نیز جایز می‌باشد. در روز چهارم پس از رمی جمرات از منا به سمت مکه حرکت کرده می‌شود.

ج) آفاقی‌ها، قبل از خروج از مکه طواف وداع را به جای می‌آورند و بدین ترتیب حج تمام می‌شود.

زنان در حج

مسائلی که در مناسک حج و عمره زنان را از مردان جدا می‌کند؛ به شرح زیر می‌باشد. در سایر موارد هیچ فرقی بین آن‌ها وجود ندارد.

۱- زنان در حال احرام می‌توانند لباس، جوراب، دستکش، کفش پشت و جلو بسته، خُف، چکمه و انواع لباس‌ها را بپوشند. سرشان را نیز می‌پوشانند، فقط صورتشان را نباید بپوشانند.

۲- هنگام تلبیه و تکبیر و نماز صدای خود را زیاد بلند نمی‌کنند.

۳- در طواف «اضطباع و رمل» و در سعی «هَروله» نمی‌کنند.

۴- برای خارج شدن از احرام موهای خود را نمی‌تراشند، کمی از انتهای مو را کوتاه می‌کنند.

۵- به خاطر گیر نکردن در میان مردان، از دور به حجر الاسود استلام می‌نمایند.

۶- پس از طواف زیارت در صورتی که حیض یا نفاس بوده و مجبور به ترک مکه باشند؛ طواف وداع از آنان ساقط می‌گردد.

۷- زنانی که آن حالت خاص خود را مشاهده کنند، می‌توانند تمام مناسک حج به غیر از طواف را با همان حالت انجام دهند. در صورتی که زنان به خاطر این حالت‌های خاص یعنی حیض و نفاس، طواف زیارت فرض را در ایام النحر یعنی پس از سه روز اول عید انجام داده یا طواف وداع را به جای نیاورند؛ جزا به آنان تعلق نمی‌گیرد.

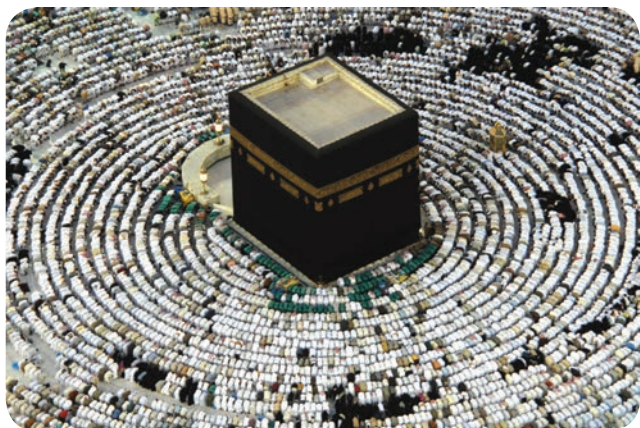
زنی که به خاطر حیض یا نفاس بدون انجام طواف قدوم یا عمره مجبور شود به رفتن به عرفات و وقوف گردد:

الف) اگر به منظور ادای حج افراد؛ فقط برای حج احرام بسته باشد، بعد از پاکی، طواف‌های زیارت و وداع را به جای می‌آورد. به خاطر ترک طواف قدوم که سنت است؛ جزایی به او تعلق نمی‌گیرد و حشش کامل می‌شود.

ب) اگر به منظور ادای حج تمتع؛ فقط برای عمره احرام بسته باشد؛ بنا به قول احناف هنگام رفتن به عرفات، برای حج نیت و تلبیه گفته و احرام عمره را باطل می‌کند و از آن جایی که پیش از حج، عمره انجام نداده است؛ حج او افراد خواهد بود و قربانی شکرگزاری بر او واجب نمی‌باشد. پس از حج، قضای عمره‌ای را که باطل کرده است؛ به جای آورده و به خاطر باطل کردن آن باید به عنوان جزا قربانی کند.

بنا به قول دیگر مذاهب، نیت و تلبیه برای حج، احرام عمره را باطل نمی‌کند و از آن جایی که با احرام حج یکی شده است؛ حج قرآن محسوب شده و باید هدی قرآن قربانی شود. اما برای قضای عمره‌ای که پیش از حج انجام نشده است؛ نیازی به طواف و سعی دوباره نیست. طواف و سعی‌ای که برای حج انجام شده برای عمره نیز کافیست.

ج) اگر برای حج قرآن احرام پوشیده باشد، به قول احناف، از آن جایی که پیش از طواف عمره، وقوف در عرفات را انجام داده است؛ عمره اش باطل شمرده شده و حج او؛ حج افراد محسوب شده



و قربانی شکرگزاری برای وی ضروری نیست. ولی پس از حج، قضای عمره‌ای باطل شده را به جای آورده و به خاطر باطل کردن آن، به عنوان جزا قربانی می‌کنند.

بنا به قول سایر مذاهب، وقوف در عرفات بدون انجام طواف عمره، عمره باطل نمی‌شود. حجتی که انجام شده؛ به عنوان حج قرآن محسوب شده و نیاز به قربانی شکرگزاری دارد. پس از حج، برای ادای قضای عمره‌ای که قبلاً انجام نشده است؛ نیاز به طواف و سعی جداگانه نیست. طواف و سعی انجام شده در حج نیز برای عمره کافی است.

ی) دیگر مسائل مربوط به حج و عمره

الف/ قربانی هدی

به قربانی‌ای که در منطقه حرم به قصد تقرب به رحمت خداوند متعال یا به عنوان کفاره‌ی گناهان مرتکب شده ذبح می‌شود؛ «هدی» می‌گویند. این نوع قربانی می‌بایست تمام ویژگی‌های لازم برای حیوان قربانی را در خود داشته باشد.

قربانی هدی بر پنج قسم است:

۱- هدی شکرگزاری: قربانی کسانی که حج و عمره را با هم به جا می‌آورند، یعنی کسانی که حج تمتع یا قرآن را انجام می‌دهند؛ واجب می‌باشد. از آن جایی که این قربانی به منظور سپاسگزاری برای انجام همزمان حج و عمره ذبح می‌شود؛ به آن هدی شکرگزاری می‌گویند. صاحب این قربانی، می‌تواند از گوشت این قربانی بخورد. بقیه‌ی آن بین فقرا تقسیم می‌شود.

۲- هدی جزا: این قربانی برای کسی که یکی از ممنوعیت‌های مربوط به حج را انجام دهد، به عنوان کفاره واجب می‌باشد. صاحب این قربانی، همسر، مادر، پدر، پدربزرگ، مادربزرگ، فرزندان و نوه‌هایش نمی‌توانند از گوشت این قربانی بخورند. اگر بخورند باید بدل آن را به فقرا بدهند.

۳- هدی احصار: کسانی که به نیت حج و عمره احرام بسته‌اند اما بعداً به دلایلی مانند بیماری یا گم کردن و از دست دادن پول خود قادر به ادامه‌ی سفر حج نبوده و مجبورند پیش از وقوف یا طواف از احرام خارج شوند؛ ذبح این نوع قربانی بر آنان واجب می‌باشد.

صاحب این قربانی، همسر، مادر، پدر، پدربزرگ، مادربزرگ، فرزندان و نوه‌هایش نمی‌توانند از گوشت این قربانی بخورند. اگر بخورند باید بهای آن را به فقرا بدهند.

۴- هدی نذر: قربانی‌ای که شخص نذر کرده است در منطقه‌ی حرم ذبح کند. صاحب این قربانی، همسر، مادر، پدر، پدربزرگ، مادربزرگ، فرزندان و نوه‌هایش نمی‌توانند از گوشت این قربانی بخورند. اگر بخورند باید بهای آن را به فقرا بدهند.

۵- هدی نافله: قربانی‌ای که توسط کسانی که فقط حج (افراد) و فقط عمره انجام می‌دهند، در راه خدا قربانی می‌شود. صاحب این قربانی، می‌تواند از گوشت این قربانی بخورد. بقیه‌ی آن بین فقرا تقسیم می‌شود.

برای ذبح قربانی جزا، احصار و نذر، زمان مشخصی وجود ندارد. در صورتی که ذبح قربانی مقید به انجام آن در داخل محدوده‌ی حرم باشد؛ هر زمان می‌توان آن را انجام داد.

ب/ ممنوعیت‌های حج و عمره

اعمالی وجود دارد که انجام آن برای کسانی که به نیت حج یا عمره احرام بسته‌اند؛ از نظر شرعی حرام است که به انجام آن «جناية الحج» می‌گویند. در صورت تخطی از این ممنوعیت‌ها، مجازات‌هایی در نظر گرفته می‌شود.

این مجازات‌ها، با توجه به ماهیت این محرمات، متفاوت است. برای برخی از آن‌ها گوسفند یا بز و برای برخی دیگر گاو یا شتر باید قربانی کرد. برای برخی از این دسته جنایت‌ها نیز صدقه داده می‌شود.

دانستن یا ندانستن این که عمل انجام شده جنایت است یا نه، بین آن‌ها فرقی هست یا نه، قصداً، اشتباهاً، از روی خطا یا فراموشی یا به زور انجام شده است یا نه، هیچ فرقی وجود ندارد.

الف) وضعیت‌هایی که در آن باید بدنه (شتر یا گاو گوساله شده) قربانی کرد:

۱- ارتباط جنسی قبل از خارج شدن از احرام در حج.

۲- انجام طواف زیارت در حال جنب، حیض و نفاس.

ب) وضعیت‌هایی که باید در آن خون (گوسفند یا بز) قربانی شود.

این وضعیت‌هایی که مبنی بر ترک یکی از واجبات حج یا به تأخیر انداختن آن، باطل کردن عمره یا جنایاتی که در پی نقض محرمات احرام صورت گرفته؛ بر دو قسم می‌باشد:

الف/ جنایات مربوط به ترک یکی از واجبات حج یا به تأخیر انداختن آن‌ها: ورود به میقات بدون احرام، ترک سعی به طول کامل یا حد اقل چهار دور آن، ترک وقوف در مزدلفه بدون عذر، ترک رمی جمرات یا پرتاب نکردن نصف یا بیشتر سنگ‌هایی که باید در یک روز پرتاب شود، ترک سه دور آخر طواف زیارت و عمره یا ترک یکی از این دو، ترک طواف وداع یا انجام ندادن اکثر آن یعنی چهار دور یا بیشتر توسط حاجیانی که خارج از میقات می‌آیند، انجام طواف زیارت یا طواف عمره بدون وضو، انجام طواف وداع یا طواف قدوم در حالت جنابت، خروج از عرفات قبل از غروب آفتاب، انجام طواف زیارت بعد از روزهای عید بدون عذر، تراشیدن مو برای خروج از احرام در خارج از منطقه حرم یا بعد از ایام عید، عدم مراعات ترتیب مناسک حج، به عنوان جزا حیوان کوچکی باید قربانی شود.

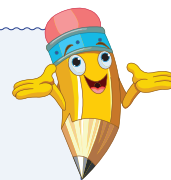
ب/ جنایت‌های مربوط به عدم رعایت محرمات احرام: معطر کردن یا رنگ کردن یک عضو به طور کامل و یکباره با عطر، مالیدن روغن یا استفاده از حنا به عنوان زینت. پوشیدن لباس، جوراب یا کفشی که پاشنه‌هایش بسته باشد، به مدت یک روز یا یک شب کامل، پوشاندن سر و صورت، تراشیدن مو، ریش یا هر قسمت دیگر از بدن، کوتاه کردن تمام ناخن‌های یک دست یا یک پا، داشتن رابطه‌ی جنسی بعد از تراشیدن و خارج شدن از احرام و پیش از طواف زیارت یا رفتارهایی که ممکن است در زمان احرام منجر به رابطه‌ی جنسی شود. این‌ها وضعیت‌هایی هستند که مستلزم قربانی کردن یک حیوان کوچک به عنوان جزا می‌باشند.

ج) وضعیت‌هایی که باید در آن به اندازه‌ی صدقه‌ی فطریه، صدقه داده شود

عطر زدن یا روغن مالیدن به قسمتی از یک عضو در حال احرام، تراشیدن سر یا ریش یا کمتر از یک چهارم موی سر در حالت احرام، تراشیدن موی سر دیگران، پوشیدن لباس‌های دوخته، کفش‌های پشت بسته یا پوشاندن سر در کمتر از یک روز کامل یا یک شب کامل، کوتاه کردن بخشی از ناخن‌های یک دست یا یک پا، انجام طواف قدوم، وداع یا یک طواف نافله بدون وضو، ناقص رها کردن دورهای چهارم به بعد در طواف وداع یا سعی و ناقص پرتاب کردن سنگ‌ها در جمره‌ها، این موارد مستلزم صدقه است.

شکار در منطقه‌ی حرم، بریدن و کندن درختان و علف‌هایی که خود به خود روییده‌اند ولی خشک نیستند؛ برای مُحرم و غیر مُحرم حرام است. کسی که درخت و گیاهی که خود به خود روییده‌اند را قطع کند یا بکند، باید قیمت آن را به فقرا صدقه بدهد. کندن درختان و گیاهان کاشته شده توسط مردم جریمه‌ای ندارد. کسی که شکار منطقه حرم را صید کند، قیمت آن را صدقه می‌دهد.

بیشتر بدانیم



کسی که به خاطر ضرورت یا عذر محرمات احرام را رعایت نکند، به عنوان جزا در انتخاب یکی از این موارد آزاد هستند:

(الف) قربانی کردن جزا در منطقه حرم.

(ب) سه روز روزه گرفتن پشت سر هم یا به طور متناوب هر جا که بخواهد.

(ج) تأمین غذای صبح و شب ۶ فقیر یا تأمین غذای ۶ روز یک فقیر.

(د) دادن صدقه‌ی فطریه به شش نفر.

ج/ احصار

عبارتست از جلوگیری از حضور شخصی که برای حج و عمره احرام پوشیده؛ برای حضور در وقوف عرفه یا طواف. دلایلی مانند وجود دشمن، زندانی شدن، بیماری، گم کردن پول و هرگونه موردی مانند این‌ها که مانع از سفر حج یا انجام طواف یا وقوف شود؛ از جمله موانع احصار به شمار می‌رود.

کسی که به دلیل احصار از وقوف در عرفه یا طواف منع شود؛ هدی احصار را قربانی کرده و از احرام خارج می‌شود. کسی که به خاطر حج قران احرام پوشیده باشد، هم به خاطر حج و هم به خاطر عمره جدا جدا دو هدی احصار باید ذبح کند.

اگر شخص محصور خارج از حرم باشد؛ قربانی یا بهای آن را به منطقه‌ی حرم می‌فرستد و در آن جا تا زمانی که هدی قربانی ذبح شود؛ مُحرم باقی می‌ماند. با قربانی شدن هدی حتی اگر عمل تراشیدن را هم انجام ندهد؛ از احرام خارج می‌شود. قضای حج یا عمره‌ای که به هر دلیلی به خاطر احصار انجام نشود؛ باید در وقت مناسبی انجام شود.

د/ فوات (نرسیدن به حج)

شخصی که به نیت حج احرام می‌پوشد؛ در صورتی که از زوال روز عرفه تا طلوع فجر روز عید اگرچه برای یک لحظه هم که شده در عرفات حضور نیابد، حج را از دست داده است. چنین شخصی عمره را انجام داده و از احرام خارج شده و در سال‌های بعد قضای حج خود را به جای می‌آورد.

هـ/ حج بدل

کسی که قادر به ادای حج نیست، جایز است که به جای خود و کیلی بفرستد، به این نوع «حج بدل» می‌گویند. زنی از قبیله «خثعم» در سال حجه الوداع نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) آمد و پرسید:

«ای رسول خدا، دستور خداوند به بندگانش در مورد حج زمانی به ما رسید که اکنون پدرم به خاطر پیری و فرتوتی زیاد قادر به نشستن روی مرکب نیست، اگر به جای او حج کنم، دینش ادا می‌شود؟»
پیامبر اکرم(صلی الله علیه وسلم) در جواب فرمود: «بله»^{۱۳۰}.

در روایت دیگری، شخصی از قبیله‌ی جُهینه نزد پیامبر اکرم(صلی الله علیه وسلم) آمده و پرسید: «مادر من نذر کرده بود که حج کند اما پیش از رفتن به حج درگذشت. آیا من می‌توانم نذر او را به جای آورم؟»
پیامبر اکرم(صلی الله علیه وسلم) فرمود: «تَعَمَّ حُجَّي عَنْهَا، أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ عَلَى أُمِّكَ دَيْنٌ أَكُنْتَ قَاضِيَةً؟ اقْضُوا اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ أَحَقُّ بِالْوَفَاءِ»^{۱۳۱}
«بله، به جای او حج کن، اگر دینی بر مادرت می‌بود، آیا آن را ادا می‌کردی؟ پس حق خداوند متعال را به جای آورید که خداوند به ادا کردن سزاوارتر است.»



کسی که حج نکرده، در حالی که حج بر او فرض است؛ می‌تواند پیش از مرگش کسی را به عنوان بدل به انجام آن وصیت نماید. اگر، یک سوم مال شخص به عنوان مخارج لازم برای فرستادن بدل به حج کافی باشد؛ وارثان می‌بایست این وصیت را اجرا کنند ولی اگر کافی نباشد، ادای این وصیت به عنوان دینی بر وارثان نیست.

کسی که انجام حج به او وکالت داده می‌شود؛ باید هنگام پوشیدن احرام به نام شخصی که وی را فرستاده است؛ نیت کند. تمام هزینه‌ها و مخارج شخصی که به عنوان وکیل تعیین شده است؛ باید توسط شخص فرستنده تأمین گردد.

ف/ بازدید از اماکن مربوط به حج و عمره

رفتن آفاقی‌هایی که به حج و عمره می‌روند؛ به شهر مدینه و نماز خواندن در مسجد النبی و زیارت قبر پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - از آداب حج می‌باشد.

مکان‌های زیارتی مکه

- ۱- خانه‌ای که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وسلم) در آن متولد شده است؛ این ساختمان در خیابان شعب ابوطالب، در کنار دروازه باب السلام کعبه‌ی معظمه واقع شده است. این ساختمان در حال حاضر به عنوان کتابخانه استفاده می‌شود.
- ۲- مسجد جن: مسجدی است که سوره‌ی جن در آن جا نازل شده است. هنگامی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وسلم) در این جا مشغول به خواندن قرآن بود؛ جنیان به او گوش دادند و ایمان آوردند و مسلمان شدند.
- ۳- جبل الرحمة: کوه کوچکی در دامنه‌ی وادی عرفات است که پیغمبر(صلی الله علیه وسلم) در آن جا وقوف انجام داد. روایت شده است که حضرت آدم و مادران حوا پس از مدت‌ها جدایی، برای اولین بار در این جا با هم ملاقات کرده‌اند.

۱۳۰- بخاری، الحج، ۱-۲، مسلم، الحج، ۷۱۳.

۱۳۱- بخاری، جزاء الصید، ۲۲.

۴- جبل النور (کوه حرا): در شمال شرقی شهر مکه و بین مرکز شهر مکه و منا قرار دارد. غاری که اولین وحی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در آن نازل شد؛ در این کوه قرار دارد.

۵- غار ثور: نزدیک جاده ایست که در جنوب شهر مکه که به سمت عرفات می رود. غاری است که پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - هنگام هجرت به مدینه، از شرّ مشرکان در آن پنهان شد.

۶- جنة المعلا: قدیمی ترین قبرستان شهر مکه است. همسر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) یعنی حضرت خدیجه در این جا دفن شده است.

مکان های زیارتی مدینه

۱- مسجد النبی و مرقد شریف: کسی که حج و عمره را به جا می آورد، مسجد و قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را زیارت می کند. هنگام زیارت مدینه، بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درود و سلام بسیار می فرستد.

هنگام رفتن به مسجد النبی؛ در فاصله ی بین منبر و قبر پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - که به آن روضه ی شریفه می گویند، دو رکعت نماز تحیت المسجد و دو رکعت نماز شکر خوانده و برای خود، خانواده، مادر، پدر، بستگان و دیگران دعا می کند.

تا زمانی که در مدینه حضور دارد؛ باید تلاش کند نمازهای پنجگانه را در مسجد النبی به جا آورد. اوقات فراغت خود را با خواندن نمازهای قضایی و نافله و خواندن قرآن در مسجد بگذراند. مهم این است که از این فضا و جو معنوی استفاده کرده و با دست پر به کشورش بازگردد.

مسجد النبی، یکی از سه مسجد بر روی زمین است که می توان به قصد نماز و زیارت به آن جا سفر کرد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم در حدیثی می فرماید: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا»^{۱۳۲} «بار و بندیل سفر فقط برای زیارت سه مسجد بسته می شود: مسجد الحرام، مسجد الاقصی و این مسجد من.»

نماز در مسجد النبی، از نماز در دیگر مساجد بسیار بافضیلت تر است. از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین فرمود: «الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»^{۱۳۳} «نماز در این مسجد، بهتر از هزار رکعت نماز در غیر از آن است به جز مسجد الحرام.»

۲- مسجد قبا: اولین مسجدی است که برای نماز جماعت ساخته شده است. در ۵ کیلومتری مسجد النبی قرار دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از روی عادت و به طور منظم در روزهای شنبه و گاه گاهی در روزهای دوشنبه به مسجد قبا مشرف می شد. ایشان گاهی سواره و گاهی پیاده به آن جا می رفته و نماز می خواند. در حدیث شریفی به مسلمانان توصیه کرده و می فرماید: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ، ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قَبَاءٍ، فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً، كَانَ لَهُ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ»^{۱۳۴} «کسی که در خانه اش به نیکی وضو بگیرد سپس به مسجد قبا آمده و نماز بخواند؛ برای او ثواب عمره نوشته می شود.»

۱۳۲- بخاری، فضائل الصلاة، ۱، ۶

۱۳۳- احمد بن حنبل، ۱/ ۱۸۴.

۱۳۴- ابن ماجه، الإقامة، ۱۹۸ و ترمذی، الصلاة، ۳۴۲.

۳- مسجد جمعه: محلی است که حضرت پیامبر(صلی الله علیه وسلم) در حین هجرت اولین نماز جمعه را در آن خوانده است. مسجد بزرگی که در مسیر مدینه - قبا ساخته شده و رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) آن را مسجد جمعه نامیده است.

۴- مسجد قبلتین: به مسجد بنی سلمه، مسجد قبلتین یعنی مسجدی که دو قبله دارد؛ گفته می‌شود. زیرا اولین قبله که با نزول وحی به جهت مسجد الأقصی تعیین شده بود، ۱۸ ماه بعد در ۱۵ شعبان، به سوی مسجد الحرام تغییر کرد.

۵- جنة البقیع: اولین قبرستانی است که توسط مسلمانان مدینه تأسیس شده و در ضلع شرقی مسجد نبوی قرار دارد. نزدیک به ده هزار تن از صحابه در این قبرستان به خاک سپرده شده‌اند. از حضرت عثمان گرفته تا عموی پیامبر(صلی الله علیه وسلم) حضرت عباس، عمه‌اش حضرت صفیه، کوچک‌ترین پسرش ابراهیم، دخترانش حضرت رقیه، ام کلثوم و فاطمه، نوه‌اش حضرت حسن، برادر شیرین‌اش عثمان بن مظعون نیز در این جا دفن شده‌اند.

۶- کوه احد و مزار شهدا: کوه احد در حدود ۵ کیلومتری شمال مدینه است. در سال سوم هجری در اینجا جنگ بزرگی بین مسلمانان و مشرکان درگرفت. ۷۰ نفر از صحابه شهید و در دامنه این کوه دفن شدند. عموی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وسلم)، حضرت حمزه (رض) و مصعب بن عمیر (رض) از جمله این شهدا بودند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) هر از گاهی به زیارت این شهادت می‌رفت.

۷- مسجد سبعة: در این مکان که جنگ خندق در آن رخ داد، هفت مسجد کوچک نزدیک به هم ساخته شد.

ارزیابی

- ۱- حج را تعریف کنید.
- ۲- حکمت و فواید حج را بیان کنید.
- ۳- احرام، تلبیه، طواف و وقوف به چه معناست؟ مختصراً توضیح دهید.
- ۴- اقسام حج از لحاظ نحوه‌ی ادای آن را ذکر کنید.
- ۵- ارکان حج چیست؟
- ۶- حج بر چه کسانی فرض است؟ مشخص کنید.
- ۷- مفهوم عمره و حکم آن چیست؟ چه زمانی انجام می‌شود؟ به اختصار بیان کنید.

به هم وصل کنید

۱	مناسک	هفت بار دور کعبه گشتن.
۲	آفاقی	ایستادن در یک مکان برای عبادت.
۳	شوط	مسجد اطراف کعبه.
۴	وقفه	یک بار دور کعبه گشتن.
۵	حلّ	جایی است که محرمات احرام از آن جا شروع می‌شود.
۶	مسجد الحرام	۱ اعمال و عبادات مربوط به حج.
۷	میقات	روز هشتم ذی الحجه.
۸	طواف	حجاجی که خارج از مرزهای میقات می‌آیند.
۹	ترویبه	منطقه بین حرم و میقات.

سؤالات درست و غلط

- ۱- () از نظر اکثریت مجتهدین، عبادت حج «فوری» است. یعنی کسانی که مکلف به انجام حج هستند؛ در اولین سالی که شرایط حج برای آنان مهیا می‌شود؛ باید تلاش کنند حج را در اسرع وقت انجام دهند.
- ۲- () به حجی که در آن شخص فقط به نیت حج احرام بسته و بدون انجام عمره حج خود را به اتمام می‌رساند؛ حج قران گفته می‌شود.
- ۳- () منا، منطقه‌ای است بین مکه و مزدلفه در محدوده‌ی حرم.

جاهای خالی را پر کنید

- (ردا، طواف تطوع، سعی، مدینه منوره، حجر الأسود، ازار)
- ۱- شهر مبارکی است که پیامبر(صلی الله علیه وسلم) ما که به عنوان رحمتی به سوی جهانیان فرستاده شد و یاران نیکش در آن زندگی کرده‌اند.
 - ۲- سنگ مبارکی است که در هنگام طواف به آن سلام شده و بوسیده می‌شود.
 - ۳- به پوششی در مردان که در آن هیچ گونه دوختی وجود نداشته و هنگام احرام با آن از کمر به پایین را می‌پوشانند و به پوششی که با آن از کمر به بالا را می‌پوشانند می‌گویند.
 - ۴- عبادت به صورت چهار مرتبه رفتن از صفا به مروه، و سه بار بازگشت از مروه به صفا انجام می‌شود.
 - ۵- به طواف نافله‌ای که کسانی که در مکه زندگی می‌کنند؛ هر از گاهی آن را انجام می‌دهند؛ می‌گویند.

در جاهای خالی حکم مناسب را بنویسید

واجب	عبور نکردن از مرز میقات بدون احرام
	ایستادن در دامنه‌ی تپه‌ی جبل الرحمة در عرفات
	ذبح قربان هدی
	انجام طواف وداع پس از اتمام حج
	انجام طواف افاضه

جدول کلمات

(طواف، عمره، هدی، عرفات، صفا، مروه، احرام، تلبیه، وقوف، منا، مَلْتَرَم، مزدلفه، میقات، هروله، حج، سعی)

س	م	ی	ق	ا	ت	م	ه
ع	ه	ر	و	ل	ه	ا	ی
ی	ف	و	ق	و	ذ	ر	ب
م	ل	ت	ز	م	ش	ح	ل
ن	د	ح	ع	ر	ف	ا	ت
ا	ز	ج	ط	و	ا	ف	ص
ع	م	ر	و	ه	د	ی	ق

سؤالات گزینه یی

۲- کدام یک از موارد زیر، از مرزهای میقات نیست؟

(الف) جُحفه

(ب) یلملم

(ج) عرفات

(د) ذوالحلیفه

۱- کدام یک از موارد زیر عبارتست از حجی که در موسم حج انجام شده و ابتدا برای عمره احرام بسته شده و پس از انجام عمره، در همان موسم، بدون بازگشت به کشور و سرزمینش، دوباره احرام بسته و حج انجام می‌شود؟

(الف) حج تمتع

(ب) زیارت قران

(ج) زیارت افراد

(د) حجة الوداع

۳- وقوف در چه مکان‌هایی انجام می‌شود؟

(الف) در منا و مزدلفه

(ب) در عرفات و مزدلفه

(ج) در صفا و مروه

(د) در عرفات و منا

۴- کدام یک از موارد زیر برای شخص مُحرم حرام نیست؟

(الف) استفاده از بوی خوش

(ب) کوتاه کردن ناخن

(ج) تراشیدن مو

(د) تعویض و شستن لباس

۶- کسانی که قصد انجام حج تمتع و قران را دارند؛ در روز اول به ترتیب کدام یک از اعمال زیر را انجام می‌دهند؟

(الف) رمی جمره‌ی عقبه، قربانی، تراشیدن مو، طواف افاضه

(ب) طواف افاضه، قربانی، رمی جمره‌ی عقبه، تراشیدن مو

(ج) تراشیدن مو، طواف افاضه، رمی جمره‌ی عقبه، قربانی

(د) قربانی، تراشیدن مو، رمی جمره‌ی عقبه، طواف افاضه

۵- کدام مورد، از جمله فریضه‌های حج به شمار نمی‌رود؟

(الف) طواف زیارت

(ب) وقوف در عرفات

(ج) احرام

(د) سعی

۷- شخصی که بنا به ضرورت یا عذری محرمات احرام را نقض کند؛ در بین چند مورد به عنوان جزا حق انتخاب دارد، کدام یک از موارد زیر یکی از این موارد نیست؟

(الف) ذبح قربانی جزا

(ب) سه روز روزه گرفتن

(ج) صدقه دادن به فقیر

(د) اطعام شش فقیر

قربانی

حوزه‌های موضوعی:

- الف) تعریف و اهمیت قربانی.
- ب) افرادی که قربانی بر آنان واجب است.
- ج) ویژگی‌های حیواناتی که به عنوان قربانی انتخاب می‌شوند.
- د) زمان و نحوه‌ی ذبح قربانی.
- هـ) قربانی، نذر و عقیقه.

مطالعات مقدماتی



- ۱- در مورد مزایای قربانی از نظر کمک به دیگران بحث و گفتگو کنید.
- ۲- چیزهایی که در مورد پیشینه‌ی قربانی می‌دانید، را بیان کنید.
- ۳- در مورد خصوصیات حیواناتی که قرار است قربانی شوند، اطلاعات کسب کنید.
- ۴- قربانی نذری یعنی چه؟ چه تفاوت‌هایی بین قربانی در عید قربان و قربانی نذری وجود دارد؟ در این مورد از معلمان خود اطلاعات کسب کنید.
- ۵- آیا می‌دانید قربانی چگونه ذبح شده است؟ در هنگام ذبح قربانی باید به چه نکاتی توجه شود؟
- ۶- قربانی عقیقه، در چه سنی باید برای کودک قربانی شود؟ تحقیق کنید.
- ۷- در مورد حیوان‌هایی که گوشتشان خورده می‌شود و نمی‌شود؛ اطلاعات کسب کنید.

الف) تعریف و اهمیت قربانی

الف/ تعریف قربانی

قربانی در لغت به معنای نزدیک شدن است. در اصطلاح نیز به معنای ذبح حیوانی است که به منظور تقرب به رحمت الهی در یک زمان مشخص به قصد عبادت ذبح شده و اوصاف خاص قربانی را در خود دارد. به قربانی‌ای که در عید قربان ذبح می‌شود؛ در زبان عربی «قربانی اُضحیه» می‌گویند.

ب/ جایگاه قربانی در دین ما

قربانی که وسیله‌ی تقرب به خداست، قرض شکرانه ایست در برابر نعمت‌هایی که جناب حق به ما ارزانی داشته است. وسیله‌ی رسیدن به تقرب به حضرت حق و دست یافتن به رحمت و مغفرت اوست.

ج/ حکم قربانی

قربانی کردن واجب است. ذبح قربانی دستور خداوند متعال است.

آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» [الکوثر: ۲] «پس به درگاه پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.» به این امر اشاره دارد. علما بیان کرده‌اند از آن جایی که این آیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را خطاب می‌کند؛ پس قربانی فرض نبوده، بلکه واجب می‌باشد.

این آیه از قرآن کریم: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ» [الحج: ۳۴] «ما برای هر ملتی قربانی را مقرر کرده‌ایم، تا به نام خدا چهارپایانی را ذبح کنند که خدا بدیشان عطا نموده است. خدای شما و ایشان خدای واحدی است، پس تسلیم او بوده، و مژده بده مخلصان متواضع را.» بیانگر آن است که ذبح قربانی؛ خواسته‌ی جناب حق می‌باشد.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ سَعَةٌ، وَلَمْ يُضَحِّ، فَلَا يَقْرَبَنَّ مُصَلَّاتَنَا»^{۱۳۵} «کسی که توانایی قربانی را دارد اما قربانی نکند؛ پس به نمازگاه ما نزدیک نشود.»

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در حدیثی دیگر تصریح کرده که این عبادت از زمان حضرت ابراهیم - علیه السلام - انجام می‌شده است: «صَحُّوا فَإِنَّهَا سُنَّةُ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ»^{۱۳۶} «قربانی کنید چرا که این سنت پدرتان ابراهیم است.»

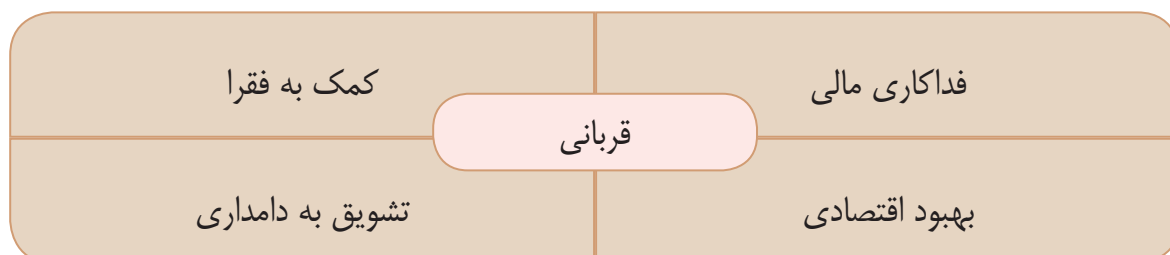


پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد قربانی کردن این گونه فرموده است: «مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ يَوْمَ النَّحْرِ عَمَلًا أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، مِنْ هِرَاقَةِ دَمٍ، . . . وَإِنَّ الدَّمَ، لَيَقَعُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ، فَطَيَّبُوا بِهَا نَفْسًا» (امام مالک، المؤطا، کتاب القربان، ۲۴). «فرزند آدم در روز قربانی عملی محبوب‌تر از ریختن خونی نزد خداوند عز و جل انجام نمی‌دهد، به درستی که این خون پیش از این که بر زمین ریخته شود؛ صاحب قربانی را به جایگاه والایی نزد خداوند عز و جل می‌رساند. پس آن را با طیب خاطر انجام دهید.»

۱۳۵- ابن ماجه، الأضحی، ۲.

۱۳۶- سنن ابن ماجه.

کسی که علی رغم توانایی بر قربانی در سه روز اول عید قربان، قربانی نکند؛ گناهکار می‌شود. بعدها اگر فقیر هم شود؛ از دین این قربانی خلاص نمی‌شود. زنده دادن بدون ذبح حیوان یا دادن بهای آن به فقیر عبادت قربانی برآورده نمی‌شود.



د/ مزایای قربانی

قربانی مزایای زیادی دارد. برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

* انسان را به فداکاری مالی در راه خداوند متعال سوق می‌دهد.

* باعث کمک و یاری به افراد فقیر می‌شود.

* قربانی باعث رفع نیازهای غذایی افراد فقیر می‌گردد، هر چند به مقدار اندک هم باشد. هر روز روی زمین هزاران حیوان ذبح می‌شوند و عمدتاً افراد ثروتمند از آن بهره می‌برند، اما در عید قربان، از آن جایی که به قصد انجام وظیفه دینی قربانی صورت می‌گیرد؛ بیشتر فقرا و نیازمندان از آن بهرمنند می‌گردند.

* با دادن گوشت و پوست قربانی به خیریه‌ها؛ از آنان حمایت به عمل آمده و در سایه‌ی سازمان‌های قربانی، این کمک‌ها به چهار گوشه‌ی جهان می‌رسد.

* قربانی از لحاظ اقتصادی نشاط و سرزندگی برای بازار به ارمغان می‌آورد.

* به خاطر عبادت قربانی، دامداری که از منابع مهم امرار معاش است؛ تشویق می‌شوند. کسانی که اقدام به پرورش و فروش حیوانات قربانی می‌کنند؛ می‌توانند نفقه خود را از طریق فروش آن‌ها با قیمت مناسب این حیوانات، تأمین کنند.

ب) افرادی که قربانی بر آنان واجب است

قربانی کردن حیوان به نیت عبادت در روز عید قربان بر کسانی که دارای شرایط زیر باشند؛ واجب است:

الف/ مسلمان بودن.

ب/ عاقل بودن.

ج/ بالغ بودن.

د/ آزاد بودن.

هـ/ مسافر نبودن. حضرت ابوبکر و حضرت عمر وقتی مسافر بودند، قربانی نمی کردند. حضرت علی نیز گفته است: «نماز جمعه و قربانی، دینی بر گردن مسافر نیست.» اگر مسافر به عنوان نافلة قربانی کند؛ برای او قابل قبول است اما در صورتی که قربانی نکند؛ مکلف به انجام آن نیست.

و/ داشتن حد نصاب اموال به اندازه‌ی برطرف کردن نیازهای اساسی چه قابل افزایش و رشد باشد و چه نباشد. حد نصاب قربانی همان نصاب فطریه است. تفاوت نصاب قربانی با نصاب زکات این است که اموالی که مشمول زکات نمی‌شوند؛ مشمول حد نصاب قربانی می‌شوند.

ج) ویژگی‌های حیوانات قربانی

قربانی فقط از میان حیواناتی مانند گوسفند، گاو و شتر ذبح می‌شود. گاومیش نیز جزو گاو به شمار می‌رود. نر و ماده این حیوانات هر دو قربانی می‌شوند.

سن حیوانات قربانی و تعداد افرادی که می‌توانند آن را قربانی کنند		
جنس قربانی	سن (حداقل)	تعداد کسانی که می‌توانند آن را قربانی کنند
قوچ / میش / بز ماده / بز نر	۱	۱
ورزا (گاو نر که معمولاً برای شخم زدن از آن استفاده می‌شود)، ماده گاو (تا دو سال)، تلیسه (ماده گاوی که گوساله ندارد) / گوساله (۶ تا ۱۵ ماه) / گاومیش / بچه گاومیش	۲	۷
شتر	۵	۷

بره‌های شش ماهه که مانند گوسفند یک ساله چاق و درشت باشند نیز می‌توان قربانی کرد. تا هفت نفر می‌توانند با هم در قربانی یک شتر یا گاو شریک شوند. این شرکا باید همگی مسلمان بوده و هر کدام سهم خود را پرداخت کرده و برای رضای خدا و حتماً به قصد قربانی با هم شریک شده باشند.

عیوب قربانی که مانع از انجام قربانی نمی‌شود:

حیواناتی دارای گوش سوراخ شده، نوک گوش بریده شده، شکاف گوش به صورت عرضی، دندان‌های آسیاب از دست رفته، اندام تناسلی پیچ خورده را می‌توان قربانی کرد.

حیواناتی با چشم منحرف، لنگ، گال، دیوانه، شاخدار یا بدون شاخ مادرزادی، یا حیوانی که قسمتی از شاخش شکسته باشد را نیز می‌توان قربانی کرد.

عیوب حیوان قربانی که مانع قربانی شدن آن می‌شود:

حیوانی که یک یا هر دو چشم آن نابینا است، بیشتر دندان‌هایش ریخته باشد، یک یا هر دو شاخش از ریشه شکسته باشد. بیشتر از نیمی از گوش یا دم آن بریده شده باشد، به طور مادرزادی بدون گوش یا بدون دم متولد شده باشد را نمی‌توان قربانی کرد.

حیوانی که سر پستانش کنده شده، بسیار ضعیف است، بسیار بیمار است در حدی که نمی‌تواند بایستد یا چند قدم بردارد، لنگ بودن به اندازه‌ای که نتواند راه برود؛ را نمی‌توان قربانی کرد.

انتخاب حیوان برای قربانی:

اگر دو حیوان قربانی از نظر گوشت و ارزش با هم برابر باشند، قربانی کردن حیوانی که گوشتش لذیذتر است؛ با فضیلت‌تر می‌باشد. اگر گوشت آن‌ها از نظر طعم مساوی است؛ قربانی کردن حیوانی که قیمت یا گوشتش بیشتر است؛ فضیلت بیشتری دارد.

* اگر قوچ و گوسفند از نظر قیمت و گوشت برابر باشند، قوچ بر گوسفند ترجیح داده می‌شود.

* اگر یک گوسفند چاق از لحاظ قیمت یا بهایش - با مقدار یک سهم - از گاو و شتر برابر باشد؛ به گاو و شتر ترجیح داده می‌شود.

اگر نه‌ها بز، گاو و شتر از لحاظ قیمت با ماده هایش برابر باشد قربانی کردن هر یک از ماده این‌ها، از قربانی نرش با فضیلت‌تر است. از جنس گوسفند قوچ مقبول‌تر است.

د) زمان و نحوه‌ی ذبح قربانی

الف/ زمان قربانی

واجب شدن قربانی، پس از خواندن نماز عید در روز اول عید قربان شروع می‌شود.

آخرین مهلت برای این کار تا غروب آفتاب روز سوم عید است. کسی که در این مدت زمان مشخص شده، شروط لازم را داشته باشد؛ قربانی بر او واجب است. به عنوان مثال اگر کسی که علی‌رغم داشتن دیگر شروط، به دلیل سفر نتواند قربانی کند، در صورتی که در مدت زمان تعیین شده؛ به خانه‌اش برگردد، مکلف به قربانی می‌گردد.

بیشتر بدانیم



قربانی کردن قبل از نماز عید، در روز عرفه، قبل یا بعد از ایام قربانی باطل است. در حدیث شریفی آمده است: «إِنَّ أَوَّلَ نُسُكِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا، أَنْ تَبْدَأَ بِالصَّلَاةِ، ثُمَّ تَرْجِعَ، فَتَنْحَرَ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَافَقَ سُنَّتَنَا، وَمَنْ ذَبَحَ قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ عَجَلَهُ لِأَهْلِهِ لَيْسَ مِنَ النَّسُكِ فِي شَيْءٍ» (بخاری، الأضاحی، ۱، مسلم، الأضاحی، ۱). «اولین آیینی که امروز انجام می‌دهیم این است که با نماز شروع کرده سپس - به خانه‌هایمان - برگشته و قربانی می‌کنیم، کسی که این کار را انجام دهد؛ مطابق با سنت ما انجام داده و کسی که اول قربانی کند، در واقع چیزی است که در آن برای خانواده‌اش عجله کرده است؛ و هیچ ربطی به آیین - قربانی - ندارد.»

ب/ نحوه‌ی ذبح قربانی و دعا‌های قربانی

رکن واجب قربانی، ریختن خون قربانی است. در صورتی که حیوان بدون ریختن خورش کشته شود؛ این حیوان جای قربانی را نمی‌گیرد.



حیوانی که قرار است به عنوان قربانی ذبح شود، بدون صدمه‌ای به محل ذبح برده می‌شود. پشت به قبله به سمت چپش خوابانده می‌شود. پای راست عقب آن آزاد رها شده و بقیه بسته می‌شوند. سپس:

«قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» [الأنعام: ۱۶۲]

«بگو: نماز، عبادت، زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است.»

این آیه خوانده می‌شود، سپس:

با گفتن «بسم الله اكبر» کارد را به گلوی حیوان کشیده

و نای، مری و دو رگی که در کنار (بین) آن‌ها قرار دارد نیز بریده می‌شود. تا زمانی که حیوان کاملاً جان نداده است؛ گردنش کاملاً بریده نشده و سر از بدن جدا نمی‌شود.

تا جایی که امکان دارد؛ صاحب قربانی آن را ذبح کند و هنگام ذبح بسم الله بگوید. اگر خودش نتواند آن را ذبح کند، می‌تواند به مسلمانی که برای انجام این کار مناسب است؛ وکالت دهد تا این کار را به جایش انجام دهد و خودش در این حین، در محل حضور داشته و با گفتن بسم الله در دعاها مشارکت نماید. کسانی که بخواهند قربانی را در محلی خارج از محل اقامتشان قربانی کنند؛ می‌توانند با وکالت دادن به شخصی آشنا این کار را انجام دهند.

اگر گفتن بسم الله حین ذبح عمداً ترک شود؛ گوشت این حیوان قابل خوردن نیست اما در صورتی که گفتن بسمله فراموش شود، ایرادی ندارد و گوشت قربانی با ذکر بسم الله قابل خوردن می‌گردد.

شخص بی دین و مشرک نمی‌تواند قربانی را ذبح کند. ذبح قربانی را به یک مسیحی یا یهودی سپردن نیز مکروه است. با این حال، اگر مسیحی یا یهودی قربانی را با ذکر نام خدا ذبح کند، گوشت آن قربانی خورده می‌شود.

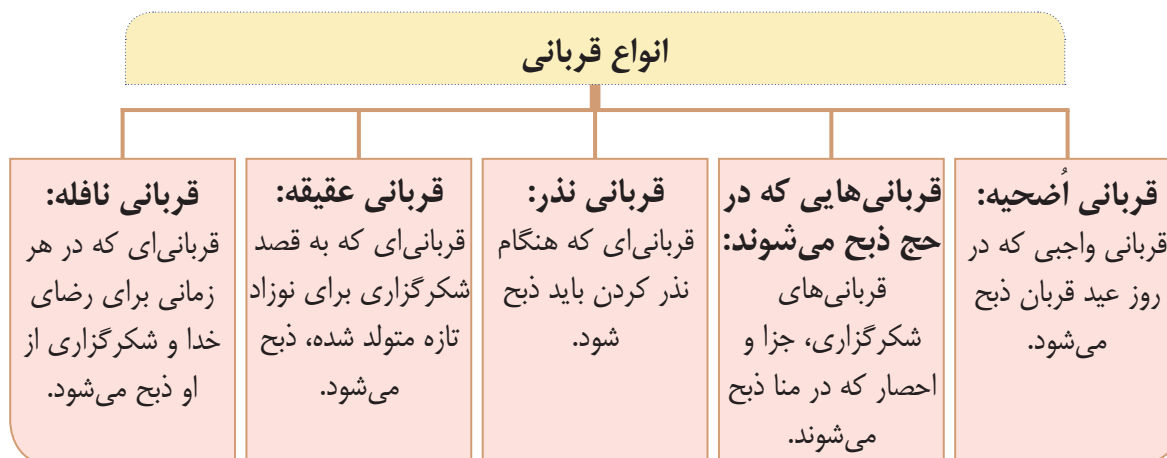
ج / امور مربوط به گوشت و پوست قربانی

صاحب و اهل خانه می‌توانند از گوشت قربانی واجب که در روز عید قربان ذبح می‌شود؛ بخورند. گوشت قربانی معمولاً به سه بخش تقسیم می‌شود. یک بخش از آن بین فقرا، یک بخش بین اقوام، همسر و دوستان توزیع می‌شود و بقیه در خانه خورده می‌شود. کسی که علی‌رغم وضعیت نامناسب مالی قربانی کرده باشد؛ می‌تواند تمام گوشت را در خانه‌اش بگذارد.

پوست قربانی، به عنوان صدقه به کسانی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد؛ اهدا می‌شود. علاوه بر این؛ به مؤسسات و مراکز خدماتی مانند مسجد، مدرسه، تاسیسات جاده، پل‌ها، آب، یا مؤسسات مذهبی و مؤسسات خیریه که فعالیت‌هایی متناسب با اسلام دارند؛ نیز بخشیده می‌شود. دادن آن به فرد، نهادها و مؤسساتی که متناسب با دین عمل نکرده یا فعالیت‌هایی در امور حرام دارند؛ جایز نیست.

صاحب قربانی، می‌تواند از پوست حیوان، وسیله‌ای بسازد که دائماً بتواند از آن استفاده کند، مانند پوستین و مشک.

هـ) قربانی نذر و عقیقه



الف / قربانی نذر

قربانی نذر، نوعی قربانی است که شخص بر اساس یک شرطی که گذاشته یا حتی بدون شرط به خاطر رضای خدا به انجام آن تعهد داده است. به عنوان مثال کسی که بگوید «اگر پسر من با معدل ممتاز این صنف را پشت سر بگذراند، گوسفندی را ذبح خواهم کرد.» قربانی‌ای که به متعهد به ذبح آن می‌گردد؛ نمونه‌ای از قربان نذر مشروط می‌باشد. کسی که بدون هیچ قید و شرطی بگوید «در راه خدا قوچی قربانی خواهم کرد» قربانی نذر او قربانی غیر مشروط است.

کسی که نذر می‌کند، ذبح قربانی نذر بر او واجب است. کسی که نذر کند، مکلف به انجام آن چه متعهد شده؛ می‌باشد. الله جل جلاله می‌فرماید: «... وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ...» [الحج: ۲۹] «و به نذرهای خویش وفا کنند.»

قربانی نذر به ثروتمندان داده نمی‌شود. صاحب نذر، همسر، پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ، بچه‌ها و نوه‌ها نمی‌توانند از گوشت آن بخورند. اگر بخورند باید قیمت آن را بین فقرا تقسیم کنند.

پوست و روده‌ی قربانی نذری مانند پوست و روده‌ی قربانی‌های دیگر به فقرا و خیریه داده می‌شود. از پوست آن می‌توان به عنوان یک وسیله خانگی نیز استفاده کرد. با این حال، باید بهای آن به فقرا داده شود.

شروط صحت قربانی نذری عبارتند از:

۱- باید اعتبار شرعی داشته باشد. اگر قربانی از طرف شخص یا موجودی انجام شود، جایز نیست. به عنوان مثال، نذری به نام یکی از بزرگان، مقبره و ضریح کسی انجام نمی‌شود.

۲- باید قابل اجرا باشد. مثلاً اگر بگوید: «در صورتی که بتوانم در یک چشم بر هم زدن به ماه بروم؛ قربانی می‌کنم» چنین نذری اعتباری ندارد.

۳- باید کار حلالی باشد. نذر چیزهای مکروه و حرام جایز و صحیح نیست. مثل گفتن



«اگر امروز بتوانم سرقت کنم؛ قربانی می‌کنم.» چنین نذری قابل اجرا نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در این باره فرموده است: «وَمَنْ نَذَرَ أَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ، فَلَا يَعْصِهِ»^{۱۳۷} «کسی که بر نافرمانی خدا نذر کرده است، نافرمانی خدا را نکند.»

۴- چیزی که به عنوان نذر تعیین می‌شود؛ مانند قربانی نذری، باید عبادتی باشد که عبادت فرض یا واجبی مانند آن وجود داشته باشد. نذر ذبح خروس یا بوقلمون، صید ماهی و مانند آن‌ها، نذرهایی است که نیازی نیست اجرا شود.

۵- فی نفسه عبادت باشد. از آن جایی که نیت ذبح حیوان و تقسیم گوشت آن، به خودی خود نوعی عبادت نیست؛ پس نذر به حساب نمی‌آید.

۶- آن چه نذر می‌شود؛ نباید پیش از آن بر شخص نذر کننده فرض یا واجب باشد. اگر انجام عبادتی مانند ذبح قربانی در روزهای عید قربان، بر کسی که واجد شرایطش است؛ نذر شود؛ این نذر باطل و غیر قابل قبول است، زیرا پیش از نذر، مکلف به انجام آن بوده است.

۷- ذبح نکردن قربانی نذری و صدقه دادن قیمت آن جایز نیست. زیرا از آن جایی که وفای به نذر واجب است؛ بهای آن قابل قبول نیست.

ب/ قربانی عقیقه

«عقیقه» در لغت، به موهای سر یک کودک تازه متولد شده گفته می‌شود. در اصطلاح «عقیقه» به معنای قربانی کردن برای طفل تازه متولد شده به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند متعال می‌باشد. به آن «نَسِیْکَة» نیز گفته می‌شود.

قربانی کردن عقیقه سنت است.

عقیقه را می‌توان از روزی که کودک به دنیا می‌آید تا رسیدن به سن بلوغ قربانی کرد. ولی ذبح آن در روز هفتم تولد؛ فضیلت بیشتری دارد. در این روز، قربانی عقیقه ذبح شده، برای کودک نامی انتخاب می‌شود، موهایش کوتاه شده و هم وزن موهای او، طلا یا نقره، به عنوان صدقه تقسیم می‌شود.

صاحب قربانی و بستگان می‌توانند از گوشت قربانی عقیقه بخورند. گوشت آن را می‌توان به عنوان صدقه توزیع کرد. پوست آن را هم می‌توان در خانه استفاده کرد و هم می‌توان آن را به عنوان صدقه نیز اهدا کرد.

ارزیابی

- ۱- ارتباط میان معنای لغوی قربانی و عبادت قربانی را توضیح دهید.
- ۲- حکم قربانی را طبق مذاهب مختلف تحقیق کنید.
- ۳- چه کسی باید قربانی کند؟ توضیح دهید.
- ۴- مشخصات حیوانات قربانی را بنویسید.
- ۵- کدام حیوانات قربانی نمی‌شوند؟ مشخص کنید.
- ۶- در چه زمانی قربانی صورت می‌گیرد؟
- ۷- حکم قربانی قبل از نماز عید را ذکر کنید.
- ۸- قربانی عقیقه به چه منظوری انجام می‌شود؟ در این باره اطلاعاتی بدهید.

سؤالات درست و غلط

- ۱- () حیواناتی که از ابتدا بدون گوش و دم به دنیا می‌آیند؛ را نمی‌توان قربانی کرد.
- ۲- () آخرین وقت قربانی، تا غروب آفتاب روز چهارم عید است.
- ۳- () اگر مسیحی یا یهودی قربانی را با ذکر نام خدا ذبح کند، گوشت آن قربانی خورده می‌شود.
- ۴- () صاحب و خانواده او نمی‌توانند از گوشت قربانی عقیقه بخورند.
- ۵- () بره‌های شش ماهه و چاق و بزرگ که به اندازه‌ی یک گوسفند درشت و چاق هستند را می‌توان قربانی می‌کنند.

سوالات گزینه‌ی



- ۱- کدام یک از اطلاعات زیر نادرست است؟
 - الف) قربانی؛ فقط از میان حیواناتی از جنس احشام، گوسفند، بز، گاو و شتر ذبح می‌شود.
 - ب) شخص مکلف به قربانی باید مسلمان و آزاد باشد.
 - ج) بدون ذبح حیوان زنده، با دادن قیمت انجام می‌شود.
 - د) اگر حیوان بدون ریختن خونس کشته شود؛ این حیوان به عنوان قربانی شمرده نمی‌شود.
- ۲- کدام یک از نقص‌های زیر در حیوان قربانی، مانع از قربانی کردن آن نمی‌گردد؟
 - الف) در صورت انحراف و چپ بودن چشمانش.
 - ب) اگر شاخش از ریشه شکسته باشد.
 - ج) از یک چشم نابینا باشد.
 - د) اگر بیشتر دندان‌هایشان ریخته باشد.
- ۳- در صورت برابری گوشت و قیمت حیوان‌ها، کدام یک برای قربانی بافضیلت‌تر است؟
 - الف) میش.
 - ب) شتر.
 - ج) گاو.
 - د) بز.
- ۴- در مورد نحوه‌ی قربانی کردن کدام مورد درست است؟
 - الف) شخص بی دین و مشرک می‌تواند حیوان را قربانی کند.
 - ب) اگر گفتن بسم الله در حین ذبح عمداً ترک شود؛ گوشت آن حیوان قابل خوردن است.
 - ج) اگر گفتن بسم الله در حین ذبح از روی فراموشی ترک شود؛ گوشت قربانی با گفتن بسم الله قابل خوردن می‌شود.
 - د) اگر مسیحی یا یهودی حیوان را ذبح کند، آن قربانی غیرقابل خوردن است.
- ۵- تقسیم گوشت قربانی به چند گروه خوب و مناسب است؟
 - الف) ۴
 - ب) ۳
 - ج) ۲
 - د) ۵
- ۶- کدام مورد در مورد قربانی عقیقه نادرست است؟
 - الف) نام دیگر آن نسیکه است.
 - ب) برای شکر خدا ذبح می‌شود.
 - ج) پوست او قابل فروش است.
 - د) ذبح آن تا روز هفتم فضیلت دارد.

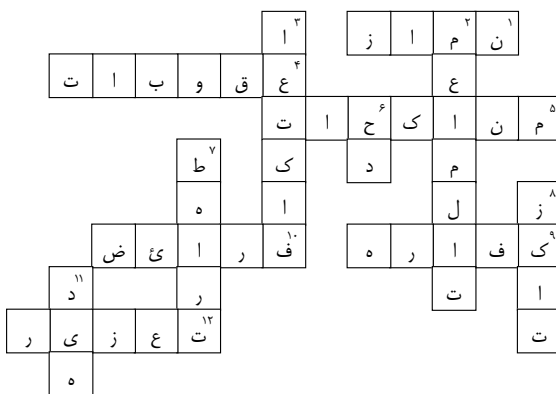
پاسخ سؤالات

درس اول

سؤالات تستی

پاسخ ها: ۱: ج، ۲: ج، ۳: د، ۴: ب، ۵: ج

معما



سؤالات به هم وصل کنید

پاسخ ها (به ترتیب): ۱, ۲, ۳, ۴, ۵, ۶, ۷, ۸, ۹, ۱۰

سؤالات درست و غلط

پاسخ ها: ۱: غ، ۲: د، ۳: غ

سؤالات جاهای خالی را پر کنید

پاسخ ها: ۱: فرائض، ۲: فقها، ۳: احکام تعبدی، ۴: عبادات، معاملات، عقوبات

سؤالات جدول را کامل کنید

پاسخ ها (به سمت پایین): ۱-۱: عبادات، ۲-۱: عقوبات، ۳-۱: عبادات، ۴-۱: عقوبات، ۱-۲: عبادات، ۲-۲: عقوبات، ۳-۲: معاملات، ۴-۲: عبادات، ۱-۳: معاملات، ۲-۳: معاملات، ۳-۳: عقوبات، ۴-۳: عبادات

درس دوم

سؤالات جدول را کامل کنید

پاسخ ها (به سمت پایین):

۱-۱: مکه، ۲-۱: بغداد، ۳-۱: کوفه، ۴-۱: مدینه

۱-۲: مدینه، ۲-۲: شام، ۳-۲: بصره، ۴-۲: بغداد

سؤالات تستی

پاسخ ها: ۱: ج، ۲: ب، ۳: ج، ۴: الف، ۵: الف، ۶: د

سؤالات به هم وصل کنید

پاسخ ها (به ترتیب): ۱, ۲, ۳, ۴, ۵, ۶, ۷, ۸, ۹, ۱۰

سؤالات درست و غلط

پاسخ ها: ۱: د، ۲: غ، ۳: د

سؤالات جاهای خالی را پر کنید

پاسخ ها: ۱: حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، ۲: جعفریه، ۳: زید بن علی زین العابدین، ۴: عثمانی، مجله، ۵: کوفه، مدینه، ۶: آسیای میانه، آنادولو

درس پنجم



سؤالات به هم وصل کنید

پاسخ‌ها (به ترتیب): ۲, ۵, ۴, ۶, ۱, ۳

سؤالات درست و غلط

پاسخ‌ها: ۱: د, ۲: غ, ۳: د, ۴: د, ۵: د, ۶: غ, ۷: غ, ۸: د, ۹: د, ۱۰: غ, ۱۱: د, ۱۲: غ, ۱۳: د, ۱۴: د, ۱۵: غ

سؤالات جاهای خالی را پر کنید

پاسخ‌ها: ۱: سنت, ۲: فرض, ۳: واجب, ۴: مستحب, ۵: واجب, ۶: مکروه, ۷: سنت

درس ششم



سؤالات به هم وصل کنید

پاسخ‌ها (به ترتیب): ۵, ۴, ۲, ۳, ۱

سؤالات درست و غلط

پاسخ‌ها: ۱: غ, ۲: د, ۳: غ, ۴: غ, ۵: د, ۶: د, ۷: غ, ۸: غ, ۹: د, ۱۰: د, ۱۱: غ, ۱۲: غ, ۱۳: غ, ۱۴: غ, ۱۵: د

سؤالات تستی

پاسخ‌ها: ۱: ج, ۲: ب, ۳: ج, ۴: د, ۵: د, ۶: ب, ۷: ج, ۸: الف, ۹: ج, ۱۰: د, ۱۱: ج, ۱۲: ب

درس هفتم



سؤالات درست و غلط

پاسخ‌ها: ۱: غ, ۲: د, ۳: د, ۴: د, ۵: غ, ۶: د, ۷: غ, ۸: غ, ۹: غ, ۱۰: د, ۱۱: غ, ۱۲: د, ۱۳: د

سؤالات جدول را کامل کنید

پاسخ‌ها (به سمت پایین): ۱: مستحب, ۲: جائز نیست, ۳: واجب, ۴: مکروه, ۵: مکروه, ۶: واجب, ۷: مکروه

سؤالات تستی

پاسخ‌ها: ۱: الف, ۲: ج, ۳: ج, ۴: د, ۵: ب, ۶: ج, ۷: ب, ۸: ج, ۹: الف, ۱۰: د, ۱۱: ب, ۱۲: ج

درس هشتم

سوالات به هم وصل کنید

پاسخ‌ها (به ترتیب): ۳, ۶, ۱, ۵, ۲, ۴

سوالات درست و غلط

پاسخ‌ها: ۱: غ، ۲: د، ۳: د، ۴: غ، ۵: د، ۶: د، ۷: غ، ۸: غ، ۹: غ، ۱۰: د، ۱۱: د، ۱۲: غ، ۱۳: غ، ۱۴: د، ۱۵: د، ۱۶: غ

سوالات جدول را کامل کنید

پاسخ‌ها (به سمت پایین): ۱: مکروه، ۲: نافله، ۳: مکروه، ۴: مستحب، ۵: نافله، ۶: فرض، ۷: مکروه

سوالات تستی

پاسخ‌ها: ۱: ج، ۲: ب، ۳: ب، ۴: د، ۵: ج

درس نهم

سوالات درست و غلط

پاسخ‌ها: ۱: د، ۲: غ، ۳: غ، ۴: د، ۵: د

سوالات جاهای خالی را پر کنید

پاسخ‌ها: ۱: نصاب، ۲: دینار، درهم، وسق، ۳: مؤلفه القلوب، ۴: رکاز

سوالات تستی

پاسخ‌ها: ۱: ب، ۲: الف، ۳: د، ۴: ب، ۵: د، ۶: د، ۷: الف، ۸: ج، ۹: ج، ۱۰: ج، ۱۱: د، ۱۲: د

درس دهم

سوالات به هم وصل کنید

پاسخ‌ها (به ترتیب): ۸, ۴, ۶, ۳, ۷, ۱, ۹, ۲, ۵

سوالات درست و غلط

پاسخ‌ها: ۱: د، ۲: غ، ۳: د

سوالات جاهای خالی را پر کنید

پاسخ‌ها: ۱: مدینه‌ی منوره، ۲: حجر الاسود، ۳: ازار- رداء، ۴: سعی، ۵: طواف تطوع

سوالات جدول را کامل کنید

پاسخ‌ها (به سمت پایین): ۱- واجب، ۲: سنت، ۳: واجب، ۴: واجب، ۵: فرض

سوالات تستی

پاسخ‌ها: ۱: الف، ۲: ج، ۳: ب، ۴: د، ۵: د، ۶: الف، ۷: ج

درس یازدهم



سؤالات تستی

پاسخ ها: ۱: ج، ۲: الف، ۳: الف، ۴: ج، ۵: ب، ۶: ج

سؤالات درست و غلط

پاسخ ها: ۱: د، ۲: غ، ۳: د، ۴: غ، ۵: د



Handwriting practice lines consisting of 25 horizontal dotted lines.



Handwriting practice lines consisting of 20 horizontal dotted lines.



Handwriting practice lines consisting of 25 horizontal dotted lines.